

شاهد
SHAHUDE YARAN

ماهنامه فرهنگی تاریخی
دوره جدید / شماره ۴۹ / آذرماه ۱۳۸۸ / پیا ۱۰۰۰ تومان
یادمان شهید عماد مغنیه

یادمان



شهید پزرگ مقاومت...



عقاربست

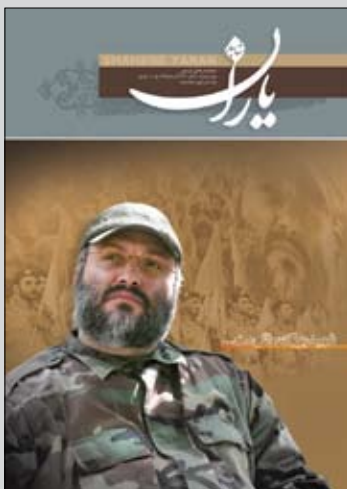
- ۱ شهید بزرگ مقاومت ... / دیپاچه
- ۲ پیام تسلیت رهبر انقلاب اسلامی به دبیر کل حزب الله لبنان به مناسبت شهادت حاج عماد مغنیه
- ۳ بیانیه حزب الله به مناسبت شهادت عماد مغنیه
- ۴ تحلیل سید حسن نصر الله دبیر کل حزب الله لبنان از پیامدهای ترور شهید حاج عماد مغنیه بر سر نوشت رژیم صهیونیستی
- ۷ واکنش محافل انقلابی و اسلامی منطقه به شهادت حاج رضوان
- ۸ فرازهایی از زندگی نامه سراسر جهاد و مبارزه زنده یاد شهید حاج عماد مغنیه / حسن خامه یار
- ۱۳ دانستنی هایی از زندگی خصوصی یک انقلابی ...
- ۱۶ ناگفته هایی از حماسه آفرینی های حاج عماد مغنیه برای آزادی سرزمین های اشغالی جنوب لبنان
- ۱۸ چکیده ای از تلاش های دامنه دار سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا) برای بازداشت شهید حاج عماد مغنیه
- ۲۰ سوگنامه هایی به قلم شخصیت های سیاسی، فرهنگی لبنان پیرامون ابعاد معنوی و مبارزاتی شهید حاج عماد مغنیه
- ۲۹ مروری بر ویژگی های شش گانه حاج عماد مغنیه در گفت و گوی اختصاصی شاهد یاران با سردار حسین دهقان
- ۳۴ نگاهی به چگونگی شناسایی چهره و ترور حاج عماد مغنیه در گفت و گوی اختصاصی شاهد یاران با حجت الاسلام والمسلمین سید علی اکبر محتشمی پور
- ۳۸ بررسی دلایل همدستی محافل سازشکار لبنانی و برخی دولت های عرب منطقه برای ترور حاج عماد مغنیه در گفت و گوی اختصاصی شاهد یاران با سید محمد صادق حسینی
- ۴۲ نگاهی به دستاوردهای شگفت انگیز زنده یاد حاج عماد مغنیه در گفت و گوی اختصاصی شاهد یاران با یحیی ابو زکریا نویسنده سرشناس الجزایری
- ۴۶ باز بینی اخلاق انقلابی و رفتار سیاسی حاج عماد مغنیه در گفت و گوی اختصاصی شاهد یاران با حجت الاسلام والمسلمین شیخ حسان سویدان روحانی برجسته لبنان
- ۴۹ مروری بر ابعاد عرفانی زنده یاد حاج عماد مغنیه در گفت و گوی اختصاصی شاهد یاران با دکتر حسین شیخ الاسلام مشاور رئیس و مدیر کل روابط بین الملل مجلس شورای اسلامی
- ۵۱ تشریح مفاهیم جدید نظامی مقاومت اسلامی لبنان در گفت و گوی اختصاصی شاهد یاران با انیس نقاش کارشناس لبنانی مسایل راهبردی
- ۵۵ بررسی توطئه همدستی سرویس های امنیتی برخی دولت های عربی با سازمان موساد برای ترور حاج عماد مغنیه در گفت و گوی اختصاصی شاهد یاران با آزاده لبنانی سمیر قنطار
- ۶۰ رونمایی و ویژگی ها و ابعاد کم نظیر شخصیت فرزانه حاج عماد مغنیه در گفت و گو با افسر فلسطینی، سرهنگ یوسف الشرقاوی
- ۶۴ بررسی نقش های سازنده و مؤثر حاج عماد مغنیه در تحولات سه دهه گذشته لبنان در گفت و گوی اختصاصی شاهد یاران با سید علی حسینی
- ۶۹ نگاهی به نقش حاج رضوان در همیاری مقاومت ملت فلسطین در گفت و گوی اختصاصی شاهد یاران با ابو عماد الرفاعی نماینده جنبش جهاد اسلامی فلسطین در لبنان
- ۷۱ داستان انتشار اولین خبر شهادت حاج رضوان در گفت و گوی اختصاصی شاهد یاران با سید مجتبی شهیدی، مدیر دفتر شبکه العالم در دمشق
- ۷۳ ناگفته هایی از چگونگی ترور حاج عماد مغنیه در گفت و گوی اختصاصی شاهد یاران با حسین رویوران رئیس کمیسیون سیاسی جمعیت دفاع از ملت فلسطین
- ۷۶ دیدگاه های دو تن از فرماندهان پیشین ارتش رژیم صهیونیستی پیرامون جنگ ۳۳ روزه
- ۸۱ دیدگاه ها و ارزیابی تحلیلی گران و آگاهان سیاسی عرب در فلسطین اشغالی از نتایج آخرین جنگ حزب الله با رژیم صهیونیستی
- ۸۴ دورنمای جنگ احتمالی آینده با رژیم صهیونیستی در گفت و گوی یکی از فرماندهان مقاومت با السفیر چاپ بیروت
- ۸۶ نقش محوری شهید حاج عماد مغنیه در مقابله با رژیم صهیونیستی در غزه
- ۸۸ شعر

نشانی:

تهران، خیابان آیت الله طالقانی،
خیابان ملک الشعراء بهار (شمالی)
شماره ۳، انتشارات شاهد
صندوق پستی: ۴۳۴۸ - ۱۵۸۷۵
تلفن: ۸۸۸۲۳۵۸۴ - ۸۸۸۳۵۱۰۸
دورنگار: ۸۸۳۰۹۲۴۹

Email: baran@shahedmag.com
www.shahedmag.com
www.shahed.issar.ir

- شاهد یاران از پژوهشهای محققان در باره موضوعات نشریه استقبال می کند.
- شاهد یاران در تلخیص و اصلاح آثار ارسالی آزاد است.
- آثار ارسالی مسترد نمی شود.
- نقل مطالب شاهد یاران با ذکر مأخذ بلامانع است.



شاهد یاران

صاحب امتیاز:
بنیاد شهید و امور ایثارگران
مدیر مسئول: حسین دهقان
سر دبیر: عباس خامه یار
جانشین سردبیر: محمد علی فقیه
دبیر تحریریه: حسن خامه یار
طراح و مدیر هنری: علیرضا ذاکری

عکس: زینت ملابری
حروفچین: سمیه کاظمی

چاپ و توزیع: مؤسسه فرهنگی هنری شاهد
لیتوگرافی، چاپ و صحافی: مرکز چاپ سپاه



بنیاد شهید
و امور ایثارگران

شهید بزرگ مقاومت...

لبنان را عامل شکست‌های پی در پی خود در لبنان دانسته و به همین دلیل شامگاه ۱۳ فبریه سال ۲۰۰۸ از او در دمشق انتقام گرفتند. استکبار جهانی و محافل صهیونیستی که روزگاری عماد مغنیه را شبح یا مرد سایه توصیف می‌کرده‌اند، اکنون شبح این شهید از لحظه شهادت، خواب راحت را از چشمان صهیونیست‌ها ربوده است. به رغم گذشت یکسال و چند ماه از این اقدام تروریستی اکنون بسیاری از اسرائیلی‌ها اعتراف کرده‌اند که حزب‌الله حق دارد انتقام خون مغنیه را از سران رژیم صهیونیستی بگیرد. حزب الله نیز برای تحقق وعده‌ای که به امت داده است، از میان سران این رژیم دانه درشت‌هایی را جستجو می‌کند تا مقابله به مثل کرده باشد. آخرین خبری که ماه جاری در فلسطین اشغالی منتشر شده حاکی است که سربازان گمنام حزب‌الله تحرکات «گابی اشکنازی» رئیس ستاد مشترک ارتش اسرائیل را پیگیری می‌کرده‌اند.

به هر حال این خبر نشان می‌دهد که تصمیم حزب‌الله برای مقابله به مثل جدی است و راه بازگشتی در آن وجود ندارد. ولی اجرای این خواسته به محاسبات دقیق نیاز دارد. همانگونه که سید حسن نصر الله دبیر کل حزب الله شهادت حاج رضوان را سر آغاز شمارش معکوس موجودیت رژیم صهیونیستی در منطقه دانسته است.

براساس آیات قرآن کریم و روایات اهل بیت (ع) و سنت تاریخ، و با استناد به گفته کاهنان قوم یهود، فروپاشی کیان اسرائیل در فلسطین حتمی است و به زمان موعود بستگی دارد، و هم اینک زمینه فروپاشی آن فراهم شده است.

● سردبیر

خداوند متعال درباره رفتارهای ناهنجار قوم یهود با پیامبران و سایر اقوام جهان، در قرآن کریم، آیه ۱۳ از سوره مائده فرموده است: «ای پیامبر... چون بنی اسرائیل پیمان شکستند، آنان را لعنت کردیم و دل‌هاشان را سخت گردانیدیم. آنان کلمات خدا را تغییر می‌دادند، و از بهره آن کلمات که به آنها پند داده شده نصیب بزرگی را از دست دادند، و همواره از خیانتکاری و نادرستی آن قوم آگاه می‌شوی». همچنین خداوند در آیه ۸۷ همین سوره فرموده است: «کافران بنی اسرائیل از زبان داود و عیسی بن مریم لعن شدند که از حکم حق خدا نافرمانی کردند، و هیچ‌گاه از رفتار و کارهای زشت دست برنداشتند».

جنایت ترور شهید بزرگ مقاومت اسلامی لبنان حاج عماد مغنیه مشهور به (حاج رضوان) که عمر پر برکت خود را وقف نجات مستضعفان لبنان و ملت‌های مسلمان منطقه نموده بود، به دست جنایتکاران شناخته شده تاریخ، صهیونیست‌های غاصب، مصداق بارز آیه‌های یاد شده و بسیاری از آیات کلام‌الله مجید است. طبق این آیات بینات، امکان ندارد مسلمانان جهان با آن‌دسته از یهودیان غاصب سرزمین فلسطین سازش کنند، و با آنان زندگی مسالمت‌آمیز داشته باشند.

چنانچه رویدادهای صدسال گذشته خاورمیانه را بازنگری کنیم، ملاحظه خواهیم کرد که مهاجران یهودی که از گوشه و کنار جهان به این سرزمین کوچ کرده‌اند، به منظور پایه‌گذاری کیانی به نام «اسرائیل» و تحکیم موجودیت‌شان در این سرزمین قتل‌عام‌های فجیعی مرتکب شدند، یا با دامن زدن به رعب و وحشت، میلیون‌ها تن از شهروندان بومی این سرزمین را آواره کردند.

شکی نیست که جنایات بی‌شمار صهیونیست‌ها به سرزمین فلسطین محدود نبوده، و آنان با هدف ترساندن ملت‌های منطقه چندین جنگ ویرانگر و خانمانسوز بر کشورهای خاورمیانه تحمیل کردند که سهم بسزایی از این جنایات‌ها نصیب شیعیان جنوب لبنان بوده است. صهیونیست‌ها در سال‌های اخیر عماد مغنیه فرمانده مقاومت اسلامی





شهادت برادر مجاهد
مخلص وفداکار آقای
حاج عماد مغنیه برای
خود او که سراپا عشق
و شور جهاد فی سبیل
الله بود، فوزی عظیم
وسرانجامی سعادت
بار است و برای ملت
لبنان که چنین مردان
بزرگی را پرورده و به
عرصه‌ی آزادیخواهی
ومبارزه با ستم، تقدیم
کرده مایه‌ی سرافرازی و
سربلندی است.

عماد مغنیه، سراپا عشق و شور جهاد فی سبیل الله بود...

پیام تسلیت رهبر انقلاب اسلامی به دبیر کل حزب الله لبنان به
مناسبت شهادت حاج عماد مغنیه

صهیونیست‌های خونخوار و جنایتکار بدانند که خون مطهر شهیدانی همچون عماد مغنیه صدها عماد مغنیه می‌آفریند و مقاومت در برابر ظلم و فساد و طغیان را دو چندان می‌کند. مردانی چون این شهید بزرگوار زندگی و آسایش و بهره‌مندی‌های مادی خود را در راه دفاع از مظلوم و مبارزه با ظلم و استکبار فدا کردند و این ارزش والایی است که همه‌ی وجدان‌های انسانی در برابر آن سر تعظیم فرود می‌آورد. رضوان خدا بر او و بر همه‌ی مجاهدان راه حق باد. من این شهادت بزرگ را به شخص شما و به خانواده‌ی گرامیش و به جوانان سرافراز حزب الله و مقاومت و به همه‌ی ملت لبنان تبریک و تسلیت می‌گویم.
والسلام علیه و علیکم و رحمه الله وبرکاته
سیدعلی خامنه‌ای
۲۵ بهمن ۱۳۸۶

برادر ارجمند جناب حجت الاسلام
آقای سید حسن نصرالله

شهادت برادر مجاهد مخلص وفداکار آقای حاج عماد مغنیه برای خود او که سراپا عشق و شور جهاد فی سبیل الله بود، فوزی عظیم و سرانجامی سعادت بار است و برای ملت لبنان که چنین مردان بزرگی را پرورده و به عرصه‌ی آزادیخواهی و مبارزه با ستم، تقدیم کرده مایه‌ی سرافرازی و سربلندی است. فقدان این مرد آزاده‌ی فداکار و برجسته، اگر چه برای همه‌ی انسان‌های شریف و همه‌ی آنان که او را می‌شناختند به ویژه برای والدین و همسر و فرزندان عزیز و دیگر کسان و یارانش دردناک است، ولی زندگی و مرگ انسان‌هایی مانند او، حماسه‌ی بی‌است که ملت‌ها را بیدار می‌کند و به جوانان الگو می‌دهد و افق‌های روشن و راه رسیدن به آن را برای همه ترسیم می‌کند.

تاکید حزب الله بر راه جهاد و مبارزه خستگی ناپذیر شهید عماد مغنیه ...

بیانیه حزب الله به مناسبت شهادت عماد مغنیه

در پی اعلام خبر شهادت حاج عماد مغنیه، حزب الله لبنان با انتشار بیانیه ای از این شهید بزرگ به عنوان فرمانده بزرگ مقاومت اسلامی لبنان یاد کرد، و خاطر نشان ساخت که رژیم صهیونیستی با این اقدام تروریستی جنگ بی پایانی را بر علیه حزب الله آغاز کرده است.

در آغاز این بیانیه آمده است: حزب الله با کمال افتخار شهادت فرمانده بزرگ مقاومت اسلامی را اعلام می دارد. عماد مغنیه مشهور به حاج رضوان پس از یک عمر مبارزه و مجاهدت و فداکاری به دست صهیونیست های غاصب و جنایتکار در دمشق به شهادت رسید. زیرا جان این شهید بزرگ بیش از ۲۵ سال در صدر اهداف صهیونیست ها و مستکبران قرار داشت.

حزب الله در ادامه این بیانیه به صهیونیست ها هشدار داده و اعلام کرده که آنان می دانند مبارزه مقاومت اسلامی با آنها طولانی خواهد بود. و همانگونه که پیش از این شهادت سید عباس موسوی دبیر کل پیشین حزب الله و شهادت شیخ راغب حرب شیخ الشهدای مقاومت اسلامی درخت مقاومت تنومند گشت، خون شهید حاج رضوان نیز موجب تقویت و تداوم هر چه بیشتر این مقاومت خواهد شد. حزب الله تاکید کرده که راه جهاد و مبارزه خستگی ناپذیر شهید عماد مغنیه تا تحقق پیروزی کامل بر رژیم صهیونیستی ادامه خواهد یافت. ■





خون حاج رضوان، فروپاشی اسرائیل را در پی دارد...

تحلیل سید حسن نصرالله دبیر کل حزب الله لبنان از پیامدهای
ترور شهید حاج عماد مغنیه بر سر نوشت رژیم صهیونیستی

به نام خداوند بخشنده و مهربان: خدای بزرگ فرموده است: از میان مؤمنان، مردان راستگو به عهد و پیمان خود با خدا وفادار ماندند. برخی از آنان جان باختند و برخی دیگر این مسیر را ادامه می دهند، و برخی نیز بر عهد خود پایدارند. شهید عماد مغنیه یکی از مؤمنانی بود که صادقانه با خدای خویش عهد بست و با عشق و شوق برای شهادت لحظه شماری می کرد. سرانجام در ایام شهادت سرور شهیدان حسین بن علی بن ابیطالب (ع) به شهادت رسید. او از دوران جوانی کفن پوشید و جانش را بر کف دست قرار داد. و ضمن آرزوی شهادت، همواره پیروزی های پی در پی می آفرید و سرانجام به آرزوی خود رسید. این نشان افتخار الهی گوارای او باد. حاج عماد پرورش یافته خانواده جهاد و شهادت بود و به این مناسبت این شهادت را به دو دوست عزیزم، پدر و مادر نجیب و شریف عماد مغنیه تبریک و تسلیت می گویم. این حضور شکوهمند مردمی و خداپسندانه را که برای گرامی داشت فرزندشان برگزار شده تبریک می گویم. مردم جهان بدانند که این خانواده جهادگر سه فرزند خود به نام های فؤاد و جهاد و عماد را در راه خدا

حاج رضوان از دوران جوانی کفن پوشید و جانش را بر کف دست قرار داد. و ضمن آرزوی شهادت، همواره پیروزی های پی در پی می آفرید و سرانجام به آرزوی خود رسید. این نشان افتخار الهی گوارای او باد. این شهادت را به دو دوست عزیزم، پدر و نیز به مادر نجیب و شریف عماد مغنیه تبریک و تسلیت می گویم.

همه افراد این امت حق دارد. امت به خاطر آرمان و اهداف خود و نه فقط به خاطر این شهید بزرگ، وظیفه دارد او را بشناسد و منصفانه درباره اش قضاوت کند. شایسته است امت به خاطر آرمان و اهداف خود از روح و مکتب و جهاد حاج عماد مغنیه الهام بگیرد. اکنون حاج رضوان در سایه عنایت و رحمت خدا قرار گرفته است. هرچند که ستایش و تجلیل و قدردانی از حاج رضوان بخشی از ارزش های دنیای فانی است که در محاسبات رهپویان راه خدا ارزشی ندارد.

شهادت حاج عماد مغنیه برای ما غیر منتظره نبوده است. چه در طول ۲۵ سال گذشته منتظر شهادت او بوده ایم. زیرا ما به مکتبی وابسته هستیم که پیامبران و امامان و رهبران آن مکتب همگی شهید شده اند. با شهادت حاج عماد مسیر طبیعی خود را ادامه می دهیم. همانگونه که در پی شهادت رهبرمان و سرورمان و دبیر کل مان سید عباس موسوی و شیخ راغب این راه را ادامه دادیم. در این نبرد واقعی و خونین از آرمان مقدس و عزت و سرافرازی امت مان در برابر همه فزون خواهی ها و تجاوزگری های آمریکا و اسرائیل و همه متحدان آنها دفاع می کنیم.

تقدیم کرده است. همچنین این شهادت و این نشان افتخار را به همسر مجاهد و فداکار و بردبار او... به دختران و پسران مجاهد و مقاوم او در لبنان و فلسطین و در هر سرزمینی که مردان مجاهد در آن حضور دارند و برای خدا جهاد می کنند، تبریک می گویم. چرا که برادر عزیزم حاج عماد مغنیه مدال افتخار بزرگ الهی دریافت کرده است. همچنین از دست دادن این برادر عزیز و مجاهد و فرمانده را به همه بازماندگان او تسلیت می گویم. حاج عماد یکی از فرماندهانی بود که با خداوند متعال عهد و پیمان بستند. و جهاد و بیداری و شب زنده داری و خستگی و تلاش، و اصولا همه زندگی شان در راه خدا بود... جان و زندگی شان را صادقانه وقف خدای بزرگ کردند... آنان در زمین، سربازانی گمنام و در آسمان سربازانی شناخته شده هستند. آنان در راه امت و آرمان عدالت خواهی و حق دفاع می کنند، و از کسی انتظار پاداش و ستایش ندارند.

این فرماندهان، سربازان گمنامی هستند، و نسبت به تهمت ها و دروغ پراکنی های ظالمانه واکنش نشان نمی دهند، در برابر پناه گویی ها و تهمت ها از خود دفاع نمی کنند. زیرا خود را از چارچوب میدان جهاد و فداکاری فراتر نمی بینند. بنابر این، همه افراد امت وظیفه دارند از حقیقت و هویت آنان دفاع نمایند. چهره درخشان، حقیقت پاک و فداکاری بی نظیر و بخشندگی آنان را به مردم جهان بشناسانند. این واقعیت انکار ناپذیری است که عماد مغنیه به گردن

اولین جنگ نامیدند. همه جناح‌های سیاسی چپ و راست و افراطی اسرائیل اتفاق نظر دارند که اسرائیل در جنگ ۳۳ روزه سال ۲۰۰۶ شکست خورده است. کمیته حقیقت یاب وینوگراد هم در گزارش خود با این شکست به گونه‌ای ملایم و آرام برخورد کرد، تا به یکپارچگی جامعه اسرائیل آسیب جدی وارد نکند. اما این کمیته هرگز نتوانست ناکامی‌ها، ناتوانی‌ها، سستی‌ها و سهل‌انگاری‌های رهبران سیاسی و فرماندهان نظامی اسرائیل را پنهان کند. طوری که صدها بار به این نقاط ضعف اشاره شده است. وینوگراد، (رئیس کمیته) حقوق‌دانی است که ایهود اولمرت (نخست‌وزیر پیشین) او را به این سمت منصوب کرده تا بخشی از حقایق را بازگو کند، و به اسرائیلی‌ها نسبت به سرنوشت‌شان هشدار دهد. به آنان بگوید با وجودی که از قوی‌ترین ارتشی در خاورمیانه برخوردارند، و به پیشرفته‌ترین تکنولوژی مجهز هستند، چرا در جنگ ژوئیه سال ۲۰۰۶ ناکام شدند و شکست خوردند؟ پاسخ به این پرسش بسیار ساده است! به این دلیل شکست خوردند که در طول ۳۳ روز جنگ با رزمندگان شجاع و صادق و سلحشور مواجه بودند! در جنگ ژوئیه عماد مغنیه و هم‌زمان و شاگردان او با اسرائیلی‌ها می‌جنگیدند. بر سر راه متجاوزان کمین کرده و مردانه با آنان جنگیدند. بنابر این اسرائیل برای اولین بار در این جنگ متحمل شکست مفتضحانه شد.

با این وصف، اسرائیل بر حسب قوانین تاریخی و پیشگویی بنیانگذاران این رژیم به یاری خداوند محکوم به شکست نهایی است. دستاوردهای خون‌راغب حرب و خون‌سید عباس موسوی و خون‌فتحی الشقاقی و خون‌احمد یاسین و خون‌همه مجاهدان و فرماندهان، با خون پاک و پر برکت حاج عماد مغنیه تکامل خواهد یافت، و سقوط کیان غاصب صهیونیستی را تسریع خواهد بخشید. خون پاک و زلال این مردان بزرگ این کیان غاصب سرطانی را که در قلب امت عرب و اسلامی کاشته شده پاره خواهد کرد.

نکته دوم: همه دوستان و کسانی که احساس نگرانی می‌کنند، مطمئن باشند. دشمن نیز بداند که با ترور حاج عماد مغنیه مرتکب کار بسیار احمقانه‌ای شده است. من در پیشگاه پیکر حاج عماد مغنیه و سایر هم‌زمان او که همه حقایق را خوب می‌دانند و نیز به دوست و دشمن می‌گویم که با شهادت حاج رضوان هیچ خلل و سستی و آسیبی به ساختار مقاومت وارد نیامده است. برادران حاج عماد راهکارها و اندیشه‌های او را ادامه می‌دهند. خون عماد مغنیه همچون خون سید عباس موسوی اثر خود را بر جای خواهد گذاشت. اسرائیلی‌ها از دستاوردهای روحی و معنوی و عاطفی خون سید عباس موسوی در تحکیم ساختار حزب الله و جنبش مقاومت آگاهی ندارند. آنان از این مسائل شناخت ندارند. زیرا به فرهنگ مادی وابسته هستند، که با فرهنگ ملت‌مان متفاوت است. خون شهید حاج رضوان به قدرت و صلابت و همبستگی‌مان می‌افزاید، و این راه را با دورنمای روشن تر و افقی بازتر ادامه خواهیم داد.

فرو می‌باشد. او را در پرتو جنگ ژوئیه سال ۲۰۰۶ که هنوز ادامه دارد، به قتل رساندند. تا این لحظه آتش بس اعلام نشده بود و جنگ در سطوح سیاسی و نظامی همچنان ادامه دارد. دولت‌های غربی که اسرائیل را در جنگ ۳۳ روزه پشتیبانی کردند، همچنان به این پشتیبانی ادامه می‌دهند. این دولت‌ها کاملاً اشتباه می‌کنند، آنگونه که در ترور شیخ راغب حرب و ترور سید موسوی دچار اشتباه شدند.

همه نویسندگان و تاریخ‌نگاران جهان بنویسند که از مرحله جنگ ژوئیه سال ۲۰۰۶ تا مرحله انتقام خون شهید مغنیه سر آغاز مرحله فروپاشی و سقوط کیان اسرائیل غاصب خواهد بود. چنانچه خون شهید شیخ راغب حرب و خون شهید سید عباس موسوی اسرائیلی‌ها را از جنوب لبنان به استثنای منطقه کشتزارهای شعبا اخراج کرد، خون شهید حاج عماد مغنیه به یاری خداوند متعال آنان را از صحنه هستی اخراج و نابود خواهد کرد. این یک سخن انفعالی و عاطفی نیست، بلکه بر مبنای تأمل و دور اندیشی می‌باشد.

همه شما می‌دانید که (دیوید) بن گوریون بنیانگذار کیان غاصب صهیونیستی بوده و از نقاط قوت و ضعف و معادلات نگهدارنده و نابود کننده این

نویسندگان و تاریخ‌نگاران جهان بنویسند که از مرحله جنگ ژوئیه سال ۲۰۰۶ تا مرحله انتقام خون شهید حاج عماد مغنیه سر آغاز مرحله فروپاشی و سقوط کیان اسرائیل غاصب خواهد بود. به یاری خداوند متعال، و به برکت خون حاج رضوان صهیونیست‌ها را از صحنه هستی اخراج و نابود خواهند شد.

کیان آگاهی داشته است. بشنوید بن گوریون چه گفته است. (اگر رهبران و سران جهان عرب اهل مطالعه بودند و رویدادهای تاریخ را بررسی می‌کردند و به اظهارات بن گوریون توجه داشتند، کشمکش اعراب و اسرائیل از سال‌ها پیش پایان یافته بود) بن گوریون گفته است: «اسرائیل پس از اولین شکست در جنگ با اعراب فرو می‌باشد». برخی از اسرائیلی‌ها جنگ ژوئیه سال ۲۰۰۶ را ششمین جنگ با اعراب نامیدند. در حالی که بزرگترین رهبران صهیونیسم و پژوهشگران سیاست‌های راهبردی در اسرائیل آن را



در این فضای بارانی و حضور انبوه مردم وقت کافی برای قضاوت منصفانه درباره حاج عماد مغنیه وجود ندارد. در روزهای آینده به بخشی از وظیفه‌ام برای معرفی ویژگی‌های این فرمانده بزرگ عمل خواهم کرد. ولی اکنون در پیشگاه پیکر پاک ایشان و در برابر سمع و نظر مردم جهان که در این لحظه منتظر شنیدن موضع حزب الله می‌باشند چند نکته را یاد آوری می‌کنم:

نکته اول: صهیونیست‌ها شهادت حاج عماد مغنیه را دستاوردی بزرگ تعبیر کرده‌اند. در حالی که من آن را به یاری خداوند متعال سر آغاز پیروزی سرنوشت ساز می‌بینم. اجازه دهید کمی رویدادهای گذشته را یاد آوری کنم. شیخ راغب حرب را کشتند، ولی در پی شهادت او مقاومت گسترش یافت و اشغالگران صهیونیست ناچار شدند از بیروت و مناطق کوهستانی و بیشتر مناطق لبنان به استثنای جنوب عقب نشینی کنند. فرار اسرائیلی‌ها به برکت خون شهید راغب حرب بود، و نه بر مبنای قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد، و نه بر اثر دخالت محافل بین المللی! چرا که محافل و مجامع بین المللی همیشه از جنایت کاران صهیونیست پشتیبانی کرده‌اند.

در پی شهادت سید عباس موسوی نیز عملیات مقاومت فزونی یافت و در نتیجه آن اسرائیل در سال ۲۰۰۰ با شکست مفتضحانه از جنوب لبنان فرار کرد. این شکست ذلت بار نیز به برکت خون پاک سید عباس موسوی و سایر رزمندگان مقاومت اسلامی بوده و نه بر اثر قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد و مجامع بین المللی...

امروز نیز برادران حاج عماد مغنیه فرمانده مقاومت را ترور کردند، و گمان کردند با ترور او جنبش مقاومت

جنگ باز و بی انتها آغاز کرده اند، هشدار می دهیم که اگر دوباره جنگ باز و همه جانبه می خواهید، ما برای رویارویی با شما در چنین جنگی آماده ایم. ملت ما همچون سایر ملت های جهان برای دفع تجاوز متجاوزان از حق مشروع و مقدس برخوردار است. رزمندگان و فرماندهان مقاومت به یاری خداوند از این حق مقدس به نحو مطلوب استفاده خواهند کرد.

نکته چهارم: امروز ۱۴ فوریه و در سالروز یادبود شهید رفیق الحریری (نخست وزیر پیشین لبنان) آرزو دارم احزاب و جریانات سیاسی داخلی پیرامون محور شهیدان میهن گرد هم آیند، ولی برخی افراد علاقمندان این مناسبت را به محفل فحاشی و ناسزاگویی و اتهامات ناروا و بیهوده تبدیل نمایند. سخنوران این محفل پس از فحاشی و ناسزاگویی دست دوستی به سوی ما دراز می کنند! این چه برخوردی است؟ ما هرگاه احساس کردیم که صادقانه دست دوستی به سوی ما دراز کرده اید، آنگاه دست دوستی به سوی شما دراز می کنیم. در یادبود شهید رفیق الحریری و در مراسم تشییع با شکوه یکی از فرماندهان بزرگ مقاومت از پاسخگویی به این محفل ناسزاگویی خودداری می کنم. به طور خلاصه و در یک جمله کوتاه به آنان می گویم که گران ترین فرماندهان و رهبران و پاک ترین علما و برترین برادران و فرزندان و زنان و کودکان لبنان جان خویش را در راه استقلال و عزت و عظمت کشورشان تقدیم کرده اند. این سرزمین هرگز و هیچ روزی پایگاه صهیونیست ها و آمریکایی ها نخواهد بود. این سرزمین نه تجزیه می شود و نه به صورت فدرالیت اداره خواهد شد. کسانی که متقاضی طلاق هستند از این خانه بیرون بروند و به اربابان خود در واشنگتن و تل آویو پناه ببرند. لبنان به عنوان سرزمین وحدت ملی و همزیستی مشترک و صلح داخلی ماندگار خواهد بود. لبنان به کوری چشم کوتاه فکران، سرزمین مقاومت و سرزمین پیروزی و غرور ملی ماندگار خواهد بود.

در پیشگاه پیکر برادر عزیز و گرانقدر... در آخرین لحظه خدا حافظی... با او عهد می بندیم تا راه مقاومت و شهادت را ادامه دهیم. به رغم خواست همه قاتلان و تروریست ها، مقاومت را تا پیروزی نهایی ادامه خواهیم داد. ■



گفته است که چند هزار جنگجو به مدت چهار هفته در برابر قوی ترین ارتش خاورمیانه مقاومت کردند. به قاتلان حاج عماد مغنیه هشدار می دهیم که در جنگ آینده تنها یک عماد مغنیه و یا چند هزار جنگجو در انتظارتان نیستند. عماد مغنیه دهها هزار جوان آموزش دیده و آماده شهادت جایگزین کرده است.

نکته سوم: به دشمن می گویم که ما خیانتکار و پیمان شکن نیستیم! از دوستان نیز عذر خواهی می کنم و به آنان می گویم که صهیونیست ها حاج عماد را در شهر دمشق به قتل رساندند، بررسی ها و تحقیقات به عمل آمده و همه اسناد نشان می دهد که صهیونیست ها در این ترور دست داشته اند. اظهار نظرهای تلویحی و برخورد اسرائیلی ها با این مسئله نشان می دهد که آنان مسئول مستقیم این اقدام تروریستی هستند. به اسرائیلی ها می گویم که حاج عماد مغنیه را در ماورای مرزهای جغرافیایی و میدان طبیعی نبرد به قتل رساندید. پیش از این اقدام تروریستی، جنگ ما با شما در حوزه مرز جغرافیایی لبنان با فلسطین اشغالی بود. پیش از این، ما را در چارچوب مرزهای جغرافیایی لبنان به قتل می رساندید، و ما در رویارویی با سربازان تان می جنگیدیم. اما این بار مرز را در نوردیدید و حاج عماد را در آنسوی مرز لبنان ترور کردید. در آستانه جنگ ژوئیه سال ۲۰۰۶ به شما

به صهیونیست ها که با این شیوه تروریستی، جنگ باز و بی انتها آغاز کرده اند، هشدار می دهیم که اگر دوباره جنگ باز و همه جانبه می خواهید، ما برای رویارویی با شما آمادگی کامل داریم. ملت ما همچون سایر ملت های جهان برای دفع تجاوز متجاوزان از حق مشروع و مقدس برخوردار است.

علاقمندم به دوست قبل از دشمن یاد آوری کنم که حاج عماد مغنیه با همکاری برادران همزم خود، همه وظایف و مأموریت ها را به نحو مطلوب تکمیل کرده است. امروز که با شهادت از میان ما خدا حافظی می کند، کارهای اندکی بر عهده مان گذاشته است که وظیفه داریم آن ها را تکمیل کنیم. از لحظه ای که جنگ ژوئیه پایان یافت، کار آماده سازی و بازسازی مجدد نیروهای خود را آغاز کردیم. زیرا اطمینان کامل داریم که اسرائیل بار دیگر به لبنان تجاوز خواهد کرد. از روز ۱۴ اوت سال ۲۰۰۶ که آوارگان و جنگ زدگان به شهرها و روستاهای خود در جنوب باز گشتند، بخش اعظم نیروهای سازمان حزب الله به جبران خسارت های ناشی از جنگ و اسکان جنگ زدگان رسیدگی می کردند. در همان شرایط سایر جنگجویان و رزمندگان برای جنگ آینده آماده می شدند.

امروزه حزب الله و رزمندگان مقاومت اسلامی برای رویارویی با هرگونه تجاوز احتمالی دشمن به لبنان و یا تحمیل جنگ بر کشورمان در آمادگی کامل بسر می برند. در سخنان ماه گذشته درباره قدرت موشکی مقاومت بحث کردم. اما امروز در پیشگاه پیکر بزرگترین فرمانده مقاومت درباره میزان آمادگی رزمندگان سخن بگویم. وینودگراد در گزارش خود به شکست اسرائیل در جنگ ژوئیه اعتراف کرده و



صهیونیست ها هشدار دادم که اگر می خواهید جنگ باز و همه جانبه ای را بر ما تحمیل کنید، ما برای رویارویی با شما آماده ایم. آنگاه به مردم مقاوم و با ایمان وعده پیروزی دادم. زیرا من به امدادهای غیبی و کمک الهی و پایداری مؤمنان و به پشتیبانی مردم لبنان اطمینان کامل دارم. امروز نیز به صهیونیست ها که با این شیوه تروریستی،

نقش شهادت حاج رضوان در پایه گذاری مقاومت عراق...

■ واکنش محافل انقلابی و اسلامی منطقه به شهادت حاج رضوان

شهادت حاج عماد مغنیه فرمانده مقاومت اسلامی لبنان به دست عوامل رژیم صهیونیستی و با همدستی محافل مرتجع و وابسته عرب در دمشق با واکنش های محافل اسلامی و جنبش های انقلابی منطقه مواجه شد. جنبش های مقاومت فلسطین و عراق در واکنش به اقدام تروریستی عوامل صهیونیستی و عربی، و با انجام یک رشته عملیات مسلحانه شماری از صهیونیست ها را در فلسطین اشغالی، و نیز تعدادی از اشغالگران آمریکایی را در عراق به هلاکت رسانده و شماری را نیز زخمی کردند. برخی از این واکنش ها به این شرح است

خبرگزاری های معتبر گزارش دادند که یک فلسطینی ناشناس با دفاتر برخی از خبرگزاری های محلی در سرزمین های اشغالی تماس گرفت و خود را عضو گروه شهید عماد مغنیه معرفی کرده و مسئولیت این عملیات را به عهده گرفت.

در همان حال منابع امنیتی اسرائیل به کشته شدن دو پلیس اعتراف کرده و گفتند که این دو پلیس نزدیک شهرک صهیونیست نشین «مسوا» در دشت اردن توسط افراد ناشناس از مسافت نزدیک هدف رگبار مسلسل قرار گرفتند.

نقش حاج رضوان در پایه گذاری مقاومت عراق

پس از شهادت حاج عماد مغنیه، دو تن از نمایندگان پارلمان عراق وابسته به جریان مقتدی صدر که در بنیانگذاری «جنبش المهدی» نقش اساسی داشتند در گفت و گو با خبرگزاری اسوشیتد پرس فاش کردند که شهید مغنیه فرمانده مقاومت اسلامی لبنان بر فعالیت گردان های حزب الله عراق، به ویژه در زمینه برنامه ریزی و آموزش نیروهای مبارز نظارت داشته است.

روزنامه لبنانی الاخبار که این خبر را در شماره روز سوم ژوئیه سال ۲۰۰۸ منتشر کرده افزوده است که فعالیت های حاج عماد مغنیه در امر کمک به سازماندهی گردان های حزب الله عراق در نیمه سال ۲۰۰۶ و پیش از جنگ ۳۳ روزه رژیم صهیونیستی با حزب الله لبنان آغاز شد، ولی



حزب الله عراق در ادامه این بیانیه اضافه کرده است هنگامی که اشغالگران در پی این حملات موشکی سرگردان شدند، و پا به فرار گذاشتند، رزمندگان گردان های مقاومت عراق آنان را تحت تعقیب قرار داده و به رگبار بستند و سپس شمار زیادی از اشغالگران را به جهنم فرستادند.

حزب الله عراق تأکید کرده که این اولین نشانه های قصاص از قاتلان چراغ راه مجاهدان و عماد مقاومتگران و پشتیبان محرومان شهید حاج عماد مغنیه است، و این عملیات بهترین تسلیت به رهبر فرزانه مقاومت سید حسن نصرالله است که مستکبران را به زانو در آورده است. گردان های حزب الله عراق خطاب به دبیر کل حزب الله لبنان اعلام کرده که در فرهنگ رزمندگان سلحشور مقاومت عراق، اشک ریختن و نوحه سرایی وجود ندارد، بلکه این رزمندگان گلوله های آتشین را همچون صاعقه بر سر متجاوزان و دشمنان خدا و رسول الله (ص) فرود می آورند، و این بخشی از وعده های آقای نصرالله به صهیونیست ها و اربابان و حامیان آن ها می باشد.

کشته شدن دو پلیس اسرائیل

از سوی دیگر گروهی از مجاهدان فلسطینی که خود را «گروه شهید عماد مغنیه» می نامد، روز یکشنبه ۱۵ مارس ۲۰۰۹ اعلام کرد که مجاهدان این جنبش به یک واحد گشتی پلیس اسرائیل در منطقه دشت اردن در نزدیکی شهر اریحا در سرزمین های اشغالی فلسطین حمله کرده و دو تن از آنان را به هلاکت رسانده است.



پنج حمله به پایگاه های آمریکایی ها و انگلیسی ها

چند روز از شهادت حاج رضوان نگذشته بود که گردان های حزب الله عراق با انتشار بیانیه ای در بغداد اعلام کرد که رزمندگان این جنبش در نخستین گام برای قصاص از قاتلان عماد مغنیه ستاد فرماندهی مرکزی نیروهای آمریکا در فرودگاه بغداد (پادگان ویکتوریا)، مرکز فرماندهی منطقه الکرخ (پادگان اسکانیا)، مرکز فرماندهی منطقه الرصافه (پادگان الرستمیه)، پادگان الدهلکی در منطقه العبیدی و پایگاه نیروهای انگلیسی در شهر بصره را هدف موشک های دست ساز قرار داده است.

پس از شهادت حاج عماد مغنیه، دو تن از نمایندگان پارلمان عراق در گفت و گو با خبرگزاری اسوشیتد پرس فاش کردند که شهید مغنیه فرمانده مقاومت اسلامی لبنان بر فعالیت گردان های حزب الله عراق، به ویژه در زمینه برنامه ریزی و آموزش نیروهای مبارز نظارت داشته است.

در پی حمله ارتش عراق بر ضد پایگاه ها و قرارگاه های جیش المهدی در استان های جنوبی آن کشور به ویژه در شهر بصره فعالیت های حزب الله عراق متوقف شد. نمایندگان جریان مقتدی صدر که نخواستند نامشان فاش شود، و تا کنون هیچ جریانی ادعاهای آنان را تأیید نکرده است گفته اند که گردان های حزب الله عراق از جنبش المهدی منشعب شده اند، و تاکنون عملیات مسلحانه برجسته ای بر ضد اشغالگران آمریکایی و انگلیسی در عراق انجام داده اند. ■

تحقیق و تفحص در زندگی مردان تاریخ ساز، و نامداران بزرگ دوران‌های گذشته و معاصر، کار بسیار ساده و آسان است. ولی تلاش برای راهیابی و شناسایی ابعاد شخصیت و جوانب دقیق و حساس زندگی و دستاوردهای مردان بزرگی همچون شهید حاج عماد مغنیه که به مدت سه دهه مورد تعقیب مهمترین سرویس‌های امنیتی جهان قرار داشته و در دگرگونی معادلات بین المللی نقش تعیین کننده بازی کرده است، کاری بسیار سخت و دشوار است. خبرنگار شاهد یاران در چارچوب تلاش‌های دامنه‌دار برای تهیه این ویژه نامه و آگاهی از زندگی این ابرمرد ناچار بود به منابع و شخصیت‌های گوناگون رجوع کند تا با اسناد و مدارک موثق زندگی نامه این فرمانده شجاع را در اختیار علاقمندان قرار دهد. آنچه می‌خوانید حاصل تلاش‌های همه جانبه‌ای از قبیل گفت و گو با شخصیت‌های آگاه و نزدیک به حزب الله و با رجوع به منابع گوناگون بوده است:

الوزیر (ابو جهاد) و شهید صلاح خلف (ابو ایاد) و سایر رهبران جنبش فتح را تأمین کند. صاحب‌نظران دیگری بر این باورند که حاج رضوان هیچ‌گاه به یگان شماره ۱۷ نیپوسته بود، بلکه در برخی موارد محدود به ویژه در زمینه طرح و تدارک برنامه‌های عملیاتی با آن همکاری می‌کرده است. در پادگانی که حاج رضوان در آن دوره آموزش نظامی می‌دید نیروهای طرفدار گرایشات فکری متعددی همچون مارکسیست‌ها، مائوئیست‌ها، ناسیونالیست‌ها و مذهبی‌ها، به طور داوطلبانه درباره راه‌های فراگیری تاکتیک‌های نظامی و انواع اسلحه سبک و شیوه جنگ پارتیزانی آموزش می‌دیدند. با وجودی که حضور طرفداران گرایشات سکولار و ضد دین در میان هواداران جنبش‌های راهی بخش عرب بیداد می‌کرد، ولی عماد مغنیه به اعتقادات مذهبی خود به شدت پایبند بود. در آن زمان جنگ‌های داخلی لبنان به منظور کوتاه کردن دست جنبش مقاومت فلسطینی از این کشور تازه آغاز شده بود، و مناطق جنوبی از آرامش نسبی برخوردار بودند. او سعی می‌کرد در جنگ‌های داخلی لبنان دخالت نکند، و به همین خاطر همراه گروهی از مبارزان مذهبی به جنوب رفت و تلاش‌های خود را روی مبارزه با دشمن صهیونیستی متمرکز کرد. زیرا جنوب در آن مرحله از آرامش نسبی برخوردار بود. شهید حاج عماد افزون بر فراگیری آموزه‌های نظامی و انقلابی در مراکز نظامی جنبش فتح، در کلاس‌های دروس مذهبی و علمی علامه سید محمد حسین فضل الله شرکت می‌کرد، تا میزان معلومات دینی و علمی خود را نیز بالا ببرد.

همزمان حاج عماد مغنیه نقل کرده‌اند که او از جمله رزمندگانی بود که در رفتار و کردار و روابط عمومی خود به شدت مراقبت به عمل می‌آورد. شاید یکی از افرادی بود که نظم و انضباط را به شدت رعایت می‌کرد. در مبارزه خلاقیت و ابتکار عمل نشان می‌داد.

حاج عماد بر این باور بود که جنبش‌های مقاومت در مسیر مبارزه با اسرائیل وظیفه دارند از روش‌ها و تاکتیک‌های گوناگون جنگ چریکی استفاده کنند. او با ابتکارات نوین و منحصر به فردی که داشت، عملیات مسلحانه‌ای را

حاج رضوان از ولادت تا شهادت ...

فرازهایی از زندگی نامه سراسر جهاد و مبارزه

زنده یاد شهید حاج عماد مغنیه

حسن خامه یار



مقاومت فلسطین «فتح» پیوست و در دوره‌های آموزش نظامی این جنبش در یکی از پادگان‌های منطقه الدامور در ۱۵ کیلومتری جنوب بیروت شرکت کرد. او در دوران

رزمندگان مقاومت اسلامی براساس اعتقادات و باورهای دینی‌شان حاج عماد مغنیه را یکی از سربازان گمنام امام زمان (عج) توصیف می‌کردند. این توصیف دلایل معنوی و اخلاقی فراوان دارد. واقعیتی است که رزمندگان مقاومت به آن ایمان کامل دارند. این باورها را بر گرفته از اهداف عاشورا و قیام سرور شهیدان حسین بن علی (ع) و عشق به اهل بیت (ع) می‌دانند.

فراگیری آموزش‌های نظامی و پرورش استعدادها، سیاسی، مهارت و شایستگی وصف ناپذیری از خود بروز داد که فرماندهان نظامی جنبش فتح را شگفت زده کرد، و در نتیجه این شایستگی او را به عضویت یگان نظامی ۱۷ (نیروی ویژه ضربتی وابسته به سازمان آزادی بخش فلسطین) انتخاب کردند. این یگان مکلف بود نیروهای حفاظت ویژه از جان مسئولان سازمان آزادی بخش فلسطین همچون یاسر عرفات (ابو عمار) و شهید خلیل

در منابع گوناگون و موثق آمده است که عماد مغنیه مشهور به (حاج رضوان) روز دوازدهم ژوئیه سال ۱۹۶۲ در روستای طیردبا از توابع شهرستان صور در جنوب لبنان در یک خانواده محروم مذهبی دیده به جهان گشود. عماد دو برادر کوچکتر از خود به نام‌های جهاد و فؤاد داشت که هر دو در دهه گذشته توسط عوامل رژیم صهیونیستی به شهادت رسیدند. حاج فایز مغنیه پدر عماد به علت فراهم نبودن شرایط اشتغال و کسب درآمد و از طرف دیگر به دلیل حمله‌های مکرر رژیم صهیونیستی به جنوب لبنان همچون سرپرستان هزاران خانواده جنوبی همراه خانواده خود به بیروت کوچ کرد. حاج فایز ابتدا در محله فقیر نشین النبعه در منطقه مسیحی نشین شرق بیروت مسکن گزید، و پس از گذشت چند سال، و در پی آغاز جنگ‌های داخلی لبنان به محله شیعه نشین بئر العبد در بخش جنوبی بیروت انتقال یافت.

عماد مغنیه پس از گذراندن مراحل تحصیلات ابتدایی و متوسطه در مدارس دولتی بخش‌های فقیر نشین بیروت در دانشگاه آمریکایی بیروت ثبت نام کرد، اما به علت شرایط بحرانی آن مرحله از تاریخ لبنان امکان ادامه تحصیل برای او فراهم نشد، و همچون سایر جوانان پر شور و انقلابی راه جهاد و مقاومت را در برابر اشغالگران آمریکایی و اسرائیلی و عوامل آنان در لبنان در پیش گرفت.

پیوستن به جنبش فتح

گفته شده که حاج رضوان در سن ۱۸ سالگی به جنبش

سرتاسر لبنان را فرا گرفت، همه ادارات و نهادهای دولتی فرو پاشیدند، و دهها تن از سیاستمداران و دولتمردان از کشور گریختند. تنها مناطقی که امنیت داشتند و زندگی عادی خود را می گذرانند، مناطق مسیحی نشین شرق بیروت بودند. چرا که بسیاری از احزاب مسیحی مستقر در شرق بیروت که گرداننده دولت لبنان بودند با اسرائیل برای اخراج مبارزان فلسطینی از کشورشان سازش کرده بودند، و آتش جنگ به آن مناطق سرایت نکرده بود.

در چنین شرایطی شیعیان لبنان که از طرف جنوب تحت تعقیب و اشغال نظامیان صهیونیست و از طرف شمال در محاصره شبه نظامیان مسیحی و نیروهای حزب فلائز قرار داشتند، به تشکل و سازماندهی خود پرداختند. سه ماه از حمله اسرائیل به لبنان نگذشته بود که نیروهای چند ملیتی متشکل از تنگداران آمریکایی، انگلیسی، چتربازان فرانسه و ایتالیا به منظور آرام کردن اوضاع و تحمیل دولتی دست نشانده در لبنان و تلاش برای امضای موافقتنامه صلح میان بیروت و تل آویو در مناطق گوناگون مسلمان نشین غرب بیروت استقرار یافتند.

در این میان احزاب و نیروهای ملی و اسلامی به منظور دفاع از خود در برابر متجاوزان و نجات کشور، عملیات مقاومت مسلحانه را بر ضد اشغالگران آغاز کردند. یکماه از آغاز این عملیات نگذشته بود که اسرائیلی ها تا منطقه خلده در ۱۰ کیلومتری جنوب بیروت عقب نشینی کرده و نیروهای چند ملیتی نیز فرار را برقرار ترجیح دادند.

آغاز مبارزه خستگی ناپذیر

لبنان در سال های ۱۹۸۲ - ۱۹۸۳ دوران پر التهابی را پشت سر گذاشت. در سال ۱۹۸۲ پایگاه نیروی دریایی آمریکایی (مارینز) در نزدیکی فرودگاه بیروت در جریان یک عملیات شهادت طلبانه منفجر شد و در جریان آن ۲۴۱ نظامی آمریکایی کشته شدند. چند روز بعد ساختمان قرارگاه چتربازان فرانسوی در بیروت به هوا رفت، و در نتیجه آن ۵۸ سرباز کشته شدند. دیری نپایید که پایگاه فرماندهان نظامیان صهیونیست در منطقه البرج الشمالي در نزدیکی شهر صور در جنوب لبنان توسط شهید احمد قصیر منفجر گردید، که حدود ۲۰۰ افسر و درجه دار اسرائیلی به هلاکت رسیده و یا زخمی شدند. در اوایل سال ۱۹۸۳ سفارت آمریکا در منطقه عین المریسه در بخش غربی ساحل بیروت طی یک عملیات شهادت طلبانه منفجر گشت و حدود ۶۳ آمریکایی و لبنانی شاغل در آن به قتل رسیدند.

اهمیت این عملیات زمانی آشکار می شود که نیروهای جنبش مقاومت فلسطین در برابر تهاجم ارتش اسرائیل به سادگی از جنوب لبنان فرار کردند. مقام های آمریکا و فرانسه در پی این عملیات عماد مغنیه را مسئول برنامه ریزی و اجرای آن ها معرفی کردند، از آن روز نام عماد مغنیه در فهرست افراد تحت تعقیب سرویس های اطلاعاتی و جاسوسی آمریکا و فرانسه قرار گرفت. رونالد ریگان رئیس جمهوری وقت آمریکا طی سخنانی هنگام ورود پیکرهای سربازان مقتول آمریکایی به واشنگتن به مردم کشورش قول داد که دولت آمریکا اگر صد سال هم بگذرد عماد مغنیه را تعقیب و به مجازات خواهد رساند. همه این رویدادها در شرایطی اتفاق افتاد که عماد مغنیه بیست و سومین سال تولدش را پشت سر گذاشته بود. عملیات کیفی ضد غربی و ضد اسرائیلی در سرنوشت و آینده مقاومت در لبنان تأثیر بارزی بر جای گذاشت. دستاوردهای این عملیات بیش از انتظار عماد مغنیه و

بر اساس تاکتیک های نظامی که آموخته بود، به رزمندگان مقاومت توصیه می کرد همیشه در حال آماده باش باشند، و از امکانات و تجهیزات کافی برخوردار بوده باشند. او پس از عقب نشینی اسرائیل از جنوب لبنان در سال ۲۰۰۰، به تهیه تجهیزات و جنگ افزارهای پیشرفته مبادرت کرد. زیرا آن مرحله تاریخی را خیلی مهم، و سرنوشت ساز می دانست، و از میزان آمادگی ارتش رژیم صهیونیستی برای حمله مجدد به لبنان آگاهی داشت.



پیوستن به تشکیلات حزب الله

در آن مرحله تشکیلات حزب الله برای پیوستن عماد مغنیه هنوز به نحو محسوس و کامل سازماندهی نشده بود. ولی پس از تأسیس حزب الله عماد به صفوف آن پیوست و مسئولیت تشکیلات انقلابی و حفاظتی فضل الله را به برادرش جهاد واگذار کرد. در سال ۱۹۸۷ سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا) با همکاری سرویس های اطلاعاتی برخی دولت های عربی و مزدوران محلی لبنان طرحی را برای ترور علامه سید محمد فضل الله تدارک دیدند. این طرح در برابر مسجد امام رضا در محله پر جمعیت بئرالعبد به مورد اجرا گذاشته شد که در نتیجه آن، انفجار مهیبی روی داد و ۷۰ شهروند لبنانی از جمله جهاد مغنیه برادر عماد مغنیه به شهادت رسیدند.

انیس نقاش کارشناس لبنانی مسائل راهبردی در گفت و گو با خبرنگار شاهد یاران گفته است: «پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، عماد مغنیه ۲۰ سال سن داشته است. در آن مرحله او را به مسئولان سفارت جمهوری اسلامی ایران در بیروت معرفی کردم. عماد مغنیه در پی این معرفی برای

انجام می داد که در نتیجه آن اشک از چشمان اسرائیلی ها جاری می شد. در دوران جوانی با بیشتر گروه های انقلابی فلسطینی و لبنانی همکاری و هماهنگی عملیاتی داشت. درباره اصول و مبانی مبارزه با همدیگر ریزنی و تبادل نظر می کردند. تاکتیک و فنون رزمی از او می آموختند، و امکانات و اطلاعات در اختیار او قرار می دادند. روش ها و تاکتیک های او به گونه ای چشمگیر و موفقیت آمیز بود که خود اسرائیلی ها انتظار آن را نداشتند. و به همین دلیل بود که چند سال بعد به فرماندهی نظامی جنبش مقاومت اسلامی لبنان برگزیده شد.

پس از خروج نیروهای مقاومت فلسطین از لبنان در پی حمله نظامی گسترده اسرائیل به این کشور، و اشغال بیروت که حدود سه ماه طول کشید عماد مغنیه مقادیر زیادی از اسلحه و مهمات فلسطینی ها را مخفی کرده و سپس آن ها را به جنبش های اصل و رزمندگان حزب الله تحویل داد. او پس از طرح و تدارک و به مورد اجرا گذاشتن موفقیت آمیز چند رشته عملیات مسلحانه بر ضد پایگاه های نظامیان اسرائیلی و آمریکایی در بیروت و جنوب لبنان، مسئولیت فرماندهی گارد حفاظت از جان برخی مقام های بلند پایه مذهبی و انقلابی از جمله علامه سید محمد فضل الله روحانی مبارز لبنانی را بر عهده گرفت و دیری نگذشت که پس از بنیانگذاری تشکیلات نوپای حزب الله به عنوان مسئول عملیات ویژه مقاومت برگزیده شد.

پس گذشت حدود یک دهه از خروج سازمان آزادی بخش فلسطین از لبنان، نغمه بازگشت برخی گروه های فلسطینی به جنوب لبنان دوباره مطرح گردید. حاج عماد در پی شنیدن این خبر فلسطینی ها را از بازگشت مجدد به جنوب لبنان بر حذر داشت، و تأکید کرد که جوانان جنوب امکانات و توانایی مبارزه با اشغالگران را دارند و فلسطینی ها باید در داخل اراضی اشغالی با غاصبین سرزمین شان بجنگند. سرزمین جنوب به لبنانی ها تعلق دارد، و جوانان سلحشور جنوب بیش از دیگران از جغرافیای کشورشان شناخت دارند. مهمترین دیدگاه های حاج رضوان این بود که هیچ جنبش انقلابی نباید اشتباهات گذشته خود را تکرار کند. او همواره موفقیت ها و ناکامی یک جنبش را جمع آوری و مورد بازنگری مجدد قرار می داد. به منظور پیشبرد اهداف و آرمان مقاومت اسلامی، و توانمند سازی این جنبش یک مرکز بزرگ تحقیقاتی به وجود آورد. به منظور حفظ برتری نظامی آمادگی لازم به عمل آورد. نقاط قوت و ضعف دشمن را بررسی، و بر اساس آن راهکار تعیین می کرد، تا رزمندگان مقاومت همواره ابتکار عمل را در دست داشته باشند. به رزمندگان مقاومت اجازه نمی داد توسط اسرائیلی ها غافلگیر شوند.

مهمترین دیدگاه های حاج رضوان این بود که هیچ جنبش انقلابی نباید اشتباهات گذشته خود را تکرار کند. او همواره موفقیت ها و ناکامی های جنبش های رهایی بخش را جمع آوری و مورد بازنگری مجدد قرار می داد. به منظور توانمند سازی و پیشبرد اهداف و آرمان مقاومت اسلامی یک مرکز بزرگ تحقیقاتی به وجود آورد.

اولین بار به تهران آمد و در دیدار با برخی فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به بحث و رایزنی پرداخت. در پی اعزام نیروهای سپاه به لبنان در سال ۱۹۸۲ دیدارها و گفت و گوهای عماد با مقام های نظامی جمهوری اسلامی از سر گرفته شد، و او در زمینه ارائه طرح های راهبردی برای مبارزه با اشغالگران صهیونیست شجاعت و مهارت کم نظیری از خود نشان داد.

در زمانی که جنگ های داخلی لبنان به اوج رسیده بود، اسرائیل نیز در سال ۱۹۸۲ به بهانه اخراج نیروهای جنبش مقاومت فلسطین از لبنان به این کشور حمله کرد. در پی این حمله گسترده و غافلگیر کننده بحران و نا امنی



گزارش‌ها آمده است که او در خلال سال‌های ۱۹۹۰ و ۱۹۹۷ در دو نوبت چهره‌اش را با عمل جراحی ترمیمی تغییر داده است. رسانه‌های وابسته به محافل غربی و صهیونیستی در ادامه ادعاهای دروغین و به منظور مخدوش کردن چهره حزب الله لبنان در صدد برآمدند آمریکا را به حمله به پایگاه‌های حزب الله تشویق نمایند. این رسانه‌ها پس از حمله آمریکا به افغانستان و سرنگونی رژیم طالبان، ادعا کردند که عماد مغنیه در زمانی که اسامه بن لادن رهبر سازمان القاعده در خارطوم

بسر می‌برده با هواپیمای مسافربری به سودان رفته و درباره برنامه‌ریزی راه‌های اجرای عملیات گسترده بر ضد آمریکایی‌ها در مناطق گوناگون جهان بحث و رایزنی کرده است. رسانه‌های غربی نوشتند که عماد مغنیه در این دیدار آمادگی خود را برای انتقال تخصص و تجربیات حزب الله به نیروهای القاعده اعلام کرده، و بن لادن نیز متقابلاً موافقت کرده در ازای این همکاری، اسلحه و تجهیزات نظامی پیشرفته در اختیار حزب الله قرار دهد.

در گزارش‌های ضد و نقیض محافل امنیتی غربی گفته شده که در پی موفقیت عملیات مسلحانه این مبارز لبنانی در سال‌های ۱۹۸۲ تا ۱۹۸۴ دولت‌های آمریکا و فرانسه نام عماد مغنیه را در صدر فهرست افراد تحت تعقیب دستگاه‌های اطلاعاتی و امنیتی خود قرار دادند، و به منظور شناسایی و بازداشت او جایزه ۲۵ میلیون دلاری تعیین کردند. فرانسه نیز وانمود می‌کرد که در جستجوی این شیخ لبنانی است اما هر دو کشور یاد شده به بهانه‌های گوناگون از جمله ترس از پیامدهای بازداشت مغنیه، ادامه جستجوی او را متوقف کرده و این مأموریت را

محافل اطلاعاتی و رسانه‌های غربی در ۲۵ سال گذشته شایعات و باوه‌گویی‌های فراوانی درباره حاج عماد مغنیه منتشر کردند که هیچ کدام آن‌ها باور کردنی نیست. هرگاه انفجاری در گوشه و کنار جهان روی می‌داد، به گونه‌ای زیرکانه آن را به عماد مغنیه نسبت می‌دادند.

به سرویس‌های امنیتی و جاسوسی رژیم صهیونیستی و برخی دولت‌های مرتجع عرب موکول کردند. در همان حال برخی منابع امنیتی لبنان، تعیین جایزه ۲۵ میلیون دلاری برای بازداشت مغنیه را واکنش دولت آمریکا به همکاری علنی او با حزب الله لبنان دانسته‌اند. به این دلیل که سید حسن نصر الله پس از انتخاب به دبیر کلی حزب الله، عماد مغنیه را به فرماندهی واحدهای نظامی مقاومت اسلامی برگزید. منابع گوناگون خبری هم در آن مرحله خبر داد که سرویس‌های جاسوسی رژیم صهیونیستی پس از ربه‌شدن دو نظامی اسرائیلی در جنوب لبنان در سال ۱۹۸۶ و ناتوانی برای آزادی‌شان،

اسلامگرایان لبنان چشمگیر بود، زیرا معادلات سیاسی منطقه را بکلی دگرگون، و محاسبات بین‌المللی را نقش بر آب کرد.

در پی این عملیات کوبنده، عماد مغنیه کمی به استراحت و پنهان کاری و بازسازی تشکیلات خویش نیاز داشت. اما او در مرحله استراحت نیز آرام ننشست. به باروری تیم عملیاتی مخصوص خود پرداخت. آن روزها از دست دولت لبنان کاری ساخته نبود، و حرف اول را حاج رضوان می‌زد و نه آمریکا و اسرائیل. کسانی که با او همکاری می‌کردند، بی‌چون و چرا فرمانبر دستورات او بودند. او را فرمانده و راهنمای خود می‌دانستند. ولی آمریکا و اسرائیل از بلاهایی که در سال‌های ۱۹۸۲ - ۱۹۸۴ بر سرشان در لبنان آمده بود عبرت نگرفته و به اجرای توطئه و دسیسه چینی در لبنان ادامه دادند، و این سبب شد حاج رضوان دوباره به صحنه باز گردد.

منابع امنیتی غربی در تجزیه و تحلیل عملیات حاج رضوان چنین گفته‌اند: «روزی سر و کله عماد مغنیه از پنجره اطاق خلبان هواپیمای مسافربری آمریکایی (A.W.T) در فرودگاه بیروت ظاهر شد. دو مبارز لبنانی به نام‌های حسن عز الدین و علی عطوی در این اقدام به او کمک می‌کرده‌اند. آمریکایی‌ها با تقاضاهای عماد مغنیه به شدت مخالفت کردند، ولی پس از گذشت سه روز، و زمانی که از تأمین خواسته‌های رایندگان خبری نشد. ناگهان پیکر یکی از افسران نیروی دریایی آمریکا که مسافر این هواپیما بوده در برابر دوربین‌های نمایندگان رسانه‌های خبری و خبرگزاری‌های دنیا از درب هواپیما به زمین فرودگاه پرتاب شد، و آنگاه آمریکایی‌ها به خواسته‌های عماد مغنیه ترتیب اثر دادند.»

محافل اطلاعاتی و رسانه‌های غربی در طول ۲۵ سال گذشته شایعات و باوه‌گویی‌های فراوانی درباره عماد مغنیه منتشر کردند، که هیچ کدام آن‌ها باور کردنی نیست. هرگاه انفجاری در گوشه و کنار جهان روی می‌داد، رسانه‌های اسرائیلی و غربی به گونه‌ای زیرکانه آن را به عماد مغنیه نسبت می‌دادند. باوجودی که هیچ جریانی حاضر نبود مسئولیت این انفجارها را بر عهده گیرد و یا دست داشتن در آن را تکذیب کند. رسانه‌های غربی از آغاز دهه نهم از قرن بیستم همواره ادعا می‌کردند که عماد مغنیه با گذرنامه‌های جعلی و با اسامی مستعار به کشورهای مختلف سفر می‌کرده است. در یکی از این



محافل امنیتی آمریکا را به اختصاص جایزه ۲۵ میلیون دلاری تشویق کردند. در همان حال سرویس‌های امنیتی و جاسوسی مربوط به ۴۲ کشور جهان برای بازداشت و یا قتل او بسیج شده بودند.

عماد مغنیه هنگام تحصیل در حوزه علمیه علامه سید محمد حسین فضل الله با شهید شیخ راغب حرب و شیخ عبد الکریم عبید و بسیاری از روحانیون شیعه و سنی جنوب لبنان آشنا شده بود. مدتی از اشغال لبنان در تابستان سال ۱۹۸۲ نگذشته بود که افراد یاد شده با همکاری یکدیگر طرح کنترل منطقه نبطیه را تدارک دیدند. شهر نبطیه در منطقه مرکزی استان جنوب لبنان قرار دارد، و نقطه ارتباطی بخش ساحلی با بقاع غربی را تشکیل می‌دهد. بقاع غربی یک منطقه استراتژیک است که در مثلث مرزی لبنان و سوریه و فلسطین اشغالی واقع شده است.

هدف عماد مغنیه و همزمان او از تمرکز در منطقه نبطیه، گشودن خطوط تماس با نظامیان اسرائیلی و کنترل خطوط ارتباطی بخش‌های شرقی و غربی جنوب لبنان به ویژه ارتفاعات استراتژیک اقلیم التفاح بود، و این چیزی نبود که به آسانی به دست بیاید. آنان جنگ را از محور کفر شوبا در ارتفاعات منطقه جزین آغاز کردند و سپس به روستاهای کفر ملکی، کفر حونه، جرجوع، جباع، حیوش و عربصالیم پیشروی کرده تا سرانجام به مناطق مشرف بر شهر نبطیه رسیدند. هنگامی که جنوب لبنان به اشغال اسرائیلی‌ها درآمد، از عملیات بزرگ مسلحانه خبری نبود. گاهی عملیات پراکنده در برابر اشغالگران همچون عملیات رستوران ویمبی در خیابان الحمراء در مرکز تجاری بیروت و نبردهای جاده بیروت - صیدا در محور خلسه اتفاق می‌افتاد. اما عماد مغنیه جنگ‌های چریکی و پارتیزانی را به روش‌هایی که در اروپای شرقی بر ضد نازی‌ها و در برخی کشورهای شرق آسیا همچون ویتنام معمول بود آغاز کرد. البته اجرای اینگونه عملیات به بسیج جوانان و آماده سازی آنان نیاز داشت، که روحانیون مبارز جنوب همچون شهید شیخ راغب حرب این مأموریت را بر عهده داشتند. نیروهای مقاومت در این نبردها ضربات سختی به اشغالگران اسرائیلی و مزدوران محلی آنان وارد آوردند.

در پی پیروزی‌ها و دستاوردهایی که رزمندگان مقاومت کسب کردند، برای همه تحلیلگران نظامی آشکار شد که عماد مغنیه اندیشه‌ها و نظریه‌های استراتژیک در ذهن خود دارد. تا جایی که در یکی از مراحل نبرد رهایی بخش تصمیم گرفته بود ارتفاعات شویفات و عرمون و الدامور در جنوب بیروت را آزاد، و آن محورها را به شهر صیدا که

می‌شد، اما او با هوشیاری و زیرکی همیشگی اش جان سالم به در می‌برد. تلاش‌های ناکام موساد برای شناسایی محل کار و زندگی عماد مغنیه و جلوگیری از اجرای برنامه‌ها و حرکت‌های او همواره به یک معمای پیچیده تبدیل شده بود. به نحوی که موفقیت‌های پی در پی حزب الله در عملیات نظامی خود ضعف بیش از پیش موساد را در حل این معما آشکار می‌ساخت.

محافل جاسوسی و امنیتی آمریکا، روزی عماد مغنیه و اسامه بن لادن رهبر سازمان القاعده و عبد القدیر خان سازنده بمب هسته‌ای پاکستان را خطرناکترین سه مرد روی کره زمین عنوان کردند. صرف‌نظر از بن لادن که پیروان او با اقدامات تروریستی شان افراد غیر نظامی و شهروندان بی‌دفاع را به قتل می‌رسانند، و در دل مردم سرتاسر جهان رعب و وحشت می‌آفرینند، ولی شهید عماد مغنیه در راه آزادی میهن و دفاع از اعتقادات مردم کشورش در برابر تجاوزگری‌های آمریکا و اسرائیل مبارزه می‌کرد. او با اعتقاد بر این ایده که «هیچ چیز ناممکن نیست جوانان پرشور و انقلابی را به تلاش برای آزادی لبنان و فلسطین تشویق می‌کرد. دامنه عملیات مسلحانه او هرگز از مرزهای جغرافیایی لبنان و فلسطین فراتر نرفت و محافل و رسانه‌های صهیونیستی و غربی که اتهامات ناروایی به او بستند، یاوه گویی بیش نبوده است.

مهمترین جرم عماد مغنیه این بود که با سازماندهی عملیات شهادت طلبانه در اوایل سال‌های دهه هشتم از قرن بیستم همه توطئه‌های آمریکا و اسرائیل را در لبنان و منطقه نقش بر آب کرد... محاسبات آنان را به هم ریخت و کشورش را از وابستگی نهایی به اسرائیل نجات داد... تنها به این دلیل او را به شهادت رساندند و از او انتقام

رسیده است.

حزب الدعوة اسلامی در آن برهه به شدت با رژیم حزب بعث عراق درگیر بود، و تداوم حکومت صدام را از کمک‌های آمریکا و فرانسه و شیخ نشینان عرب خلیج فارس ناشی می‌دانست. حزب الدعوة در واکنش به این حمایت‌های همه جانبه و سکوت محافل سیاسی غرب نسبت به جنایت‌های مستمر صدام در عراق، در سال ۱۹۸۴ سفارتخانه‌های آمریکا و فرانسه را در کویت منفجر کرد، ولی محافل امنیتی کویت و غربی اعلام کردند که گروه‌های وابسته به عماد مغنیه عامل انفجار سفارتخانه‌های کشورهای مزبور بوده‌اند. از سوی دیگر مقام‌های امنیتی کویت عماد مغنیه را مسئول ربودن یک فروند هواپیمای مسافربری کویتی و قتل دو سرنشین آمریکایی آن عنوان کردند.

پس از شهادت حاج رضوان در منطقه کفر سوسه در جنوب شهر دمشق اخبار ضد و نقیض فراوانی درباره دست داشتن او در بسیاری از عملیات ضد صهیونیستی منتشر گردید، که با هیچ عقل و منطق سازگار نمی‌باشد. در برخی از این گزارش‌ها تصریح شده که عماد مغنیه در واکنش به ترور شهید سید عباس موسوی دبیر کل پیشین حزب الله توسط رژیم صهیونیستی، سفارت اسرائیل در بوئنوس آیرس پایتخت آرژانتین در سال ۱۹۹۲ و مجمع یهودیان آرژانتین را در سال ۱۹۹۴ منفجر کرد که در نتیجه آن دو عملیات حدود ۲۰۰ یهودی کشته شدند. همچنین در برخی گزارش‌ها آمده است هنگامی که خوابگاه کارشناسان نظامی آمریکا در شهر نفت خیز الخبر در شرق عربستان سعودی در سال ۱۹۹۶ منفجر شد و در جریان آن ۱۹ آمریکایی کشته شدند، دولت آمریکا این اقدام را از همکاری عماد مغنیه با سازمان القاعده ناشی دانست. اما تاکنون هیچ سر نخ قطعی از عاملان این انفجار به دست نیامده است.

افزون بر آن، محافل اطلاعاتی آمریکا و رژیم صهیونیستی، عماد مغنیه را به جرم ادامه مقاومت و جهاد خستگی ناپذیر و برنامه ریزی و اجرای عملیات‌های گوناگون ضد صهیونیستی متهم کردند. این مجاهد نستوه که در طول حیات پر برکت خود دوست نداشت در برابر دوربین عکاسان رسانه‌های اطلاع رسانی ظاهر شود. او را با نام و کنیه‌های مختلفی معرفی می‌کردند. در طول ۲۵ سال گذشته دهها اقدام تروریستی از سوی سازمان‌های امنیتی رژیم صهیونیستی به منظور ترور ایشان ناکام می‌ماند، یا هر بار شخص مشابهی مورد سوء قصد قرار می‌گرفت. اگر چه در برخی موارد، سوء قصد‌ها مستقیماً به شخص حاج رضوان نشانه گیری



مرکز اداری جنوب لبنان می‌باشد وصل کند. چرا که گفته شده بود انواع تجهیزات و سلاح‌های رزمندگان مقاومت فلسطین در این منطقه مخفی شده است، انبارهای اسلحه نهفته در این منطقه در مراحل گوناگون اشغال جنوب لبنان و پس از آزادی آن همواره مورد حمله‌های هوایی جنگنده‌های رژیم صهیونیستی قرار می‌گرفته است.

مهارت و شایستگی و اندیشه راهبردی عماد مغنیه برای پایان دادن به جنگ و برادر کشی میان نیروهای سازمان آزادی بخش فلسطین، و جنبش امل در منطقه مغدوشه به روشنی تجلی یافت. مغدوشه نام تپه‌ای با موقعیت استراتژیک و مشرف بر اردوگاه آوارگان فلسطینی عین الحلوه در جنوب شهر صیدا می‌باشد. نیروهای فلسطینی و جنبش امل در سال ۱۹۸۶ و در اوج جنگ‌های داخلی لبنان در صدد بر آمدند این تپه استراتژیک را به تصرف خود در آورند. حاج رضوان به منظور جلوگیری از درگیری و برادر کشی میان فلسطینی‌های هوادار یاسر عرفات رئیس پیشین سازمان آزادی بخش فلسطین و جنبش امل چند گردان از رزمندگان مقاومت اسلامی را میان طرفین درگیر مستقر کرد، و از بروز فاجعه بزرگ میان گروه‌های متخاصم لبنانی و فلسطینی در این منطقه جلوگیری به عمل آورد. در حقیقت فهرست اتهامات غربی‌ها به حاج رضوان بسیار

تلاش‌های ناکام موساد برای شناسایی محل کار و زندگی عماد مغنیه و جلوگیری از اجرای برنامه‌ها و حرکت‌های او همواره به یک معمای پیچیده تبدیل شده بود. به نحوی که موفقیت‌های پی در پی حزب الله در عملیات نظامی خود ضعف بیش از پیش موساد را در حل این معما آشکار می‌ساخت.

طولانی است. در دورانی که بحران داخلی لبنان به اوج رسیده بود. گفته شد که ارزیابی سرویس‌های اطلاعاتی غربی نشان می‌دهد که آقای لوثی دولامار سفیر فرانسه در بیروت بطور مستقیم به دست عماد مغنیه به قتل رسیده است. با وجودی که حزب الدعوة اسلامی عراق، در واکنش به اعدام جمعی هواداران خود توسط رژیم صدام و نیز در اعتراض به حمایت‌های همه جانبه فرانسه از رژیم حزب بعث، آقای دولامار را به قتل رساند، ولی چون این حادثه در بیروت اتفاق افتاد محافل امنیتی غربی مدعی شدند که سفیر فرانسه توسط عماد مغنیه به قتل



و به نوار اشغالی جنوب گریخت. حزب الله با همکاری اداره اطلاعات ارتش لبنان موفق شد احمد الحلاق را که به روستاهای اشغالشده جنوب فرار کرده بود، فریب دهد و به بیروت احضار کند. سپس دادگاه نظامی لبنان پس از بازجویی و محاکمه در زندان رومیه بیروت او را اعدام کرد.

جزئیات و مشخصات انواع سلاح‌ها و جنگ افزارهای دشمن را خوب شناخته بود. امتیازات و ویژگی‌های تانک‌های پیشرفته مرکاوا را تشریح می‌کرد. او می‌گفت که سپر این تانک‌ها به قدری ضخیم است که موشک‌آر پی چی هفت جوبیگوی آن نیست، و برای از کار انداختن این نوع تانک‌ها باید موشک‌های کورنیت ساخت روسیه تهیه کرد. مشخصات جنگنده‌های رژیم صهیونیستی را خوب شناخته بود، و برای نداشتن موشک‌های ضد هوایی به منظور مقابله با این جنگ افزارها افسوس می‌خورد. نظر به اینکه مقاومت اسلامی برای تهیه موشک‌های ضد هوایی پیشرفته با مشکل جدی مواجه بود حاج عماد مغنیه به تأمین موشک‌های زمین به زمین با بردهای مختلف روی آورد. اکنون سرتاسر سرزمین های اشغالی فلسطین در تیر رس این موشک‌ها قرار دارد. او بر این باور بود که جنگ با رژیم صهیونیستی جنگ بقاست... از جنگ های سرنوشت ساز منطقه است. به همین دلیل واحدهای رزمی چریکی و در عین حال تشکیلات نظامی کلاسیک و بسیار منظم آماده کرده بود. در مدت شش سالی که از آزادی جنوب لبنان در سال ۲۰۰۰ تا سال ۲۰۰۶ گذشت تحول بزرگی در سازماندهی مقاومت اسلامی و مجهز شدن این جنبش به انواع تجهیزات پیشرفته نظامی به وجود آمد.

برخی صاحب‌نظران عقیده داشتند که با شهادت حاج رضوان خسارت جبران ناپذیری بر حزب الله وارد آمده است، ولی سید حسن نصر الله این طرز فکر را به شدت رد نموده و خاطر نشان ساخت که مقاومت اسلامی هزاران عماد مغنیه در اختیار دارد. آموزه‌ها و راهکارهای او در سرتاسر منطقه فراگیر شده است. مجاهدان فلسطینی و انقلابیون عرب اکنون او را الگو و سرمشق خود قرار داده اند. تاکتیک‌ها و روش‌هایی که نیروهای مقاومت فلسطین در رویارویی با تهاجم نظامیان صهیونیست به غزه در سال ۲۰۰۸ به کار گرفتند و از پیشروی آنان به عمق نوار غزه جلوگیری کردند بر گرفته از راهکارها و تاکتیک‌های حاج عماد مغنیه بوده است. رژیم صهیونیستی که در پنجم ژوئن سال ۱۹۶۷ با چهار کشور عربی وارد جنگ شد و بخش‌های وسیعی از سرزمین‌های آن‌ها را به اشغال درآورد، در جنگ سال ۲۰۰۸ نتوانست به آسانی نوار غزه را به تصرف خود در آورد. اکنون هم نمی‌داند با حزب الله لبنان چه برخوردی باید داشته باشد. هم اینک به برکت خون حاج رضوان، روح شهادت و ایثارگری در خاورمیانه فراگیر شده است.

برخی منابع مستقل و نزدیک به حزب الله گفته‌اند که عماد مغنیه پس از جنگ ۳۳ روزه سال ۲۰۰۶ بیشتر فعالیت‌های خود را در خارج لبنان متمرکز کرد. کوشید تجربیات و آموزه‌های خود را به جنبش‌های مقاومت در عراق و فلسطین منتقل نماید. به همین دلیل میان کشورهای منطقه در حال رفت و آمد بود، و ناگزیر با بسیاری از عوامل سازمان‌ها و جنبش‌های مقاومت که برخی‌شان مسائل امنیتی را به طور دقیق رعایت نمی‌کردند، تماس داشت. مسئله دیگر این است که وجود امنیت نسبی در سوریه نمی‌توانست امنیت جانی او را تأمین کند. و این یک نقطه ضعف به شمار می‌رفت و پیامد ناگوار برجای گذاشت. ■



معنوی و اخلاقی فراوان دارد. واقعیتی است که رزمندگان مقاومت به آن ایمان کامل دارند. این باورها را بر گرفته از اهداف عاشورا و قیام سرور شهیدان حسین بن علی (ع) و عشق به اهل بیت (ع) می‌دانند.

یکی از فرماندهان مقاومت جزئیات یکی از دیدارهای حاج رضوان از جبهه‌های جنوب لبنان را چنین بازگو کرده است: «باور کنید هنگامی که به جبهه می‌آمد از او وحشت داشتیم. اثر حضور او میان رزمندگان بیش از تأثیر گذاری سید حسن نصر الله بود. روزی به شوخی به او گفتم که برخی رزمندگان هنگام حضور نصر الله در جبهه‌ها با شوخی به ایشان می‌گویند که دستورات‌شان را به طور دقیق به مورد اجرا نمی‌گذارند. اما هرگز جرأت ندارند از دستورات حاج عماد سرپیچی کنند. از عماد مغنیه خواستم

سازمان موساد از حاج عماد کینه‌ای زیاد به دل داشت. او را کابوسی می‌نامید که خواب راحت را شبانه روز از اسرائیلی‌ها ربوده است. در همین حال سازمان‌ها و سرویس‌های جاسوسی کشورهای گوناگون جهان عماد مغنیه را «روباه نامیده بودند»

روی کاغذ سفید برای من امضا کند، تا امضای او را به رسم یادگاری نگه دارم. خودکار را به دست گرفت و امضا کرد، و به رزمندگان حاضر گفت که امکان ندارد کسی امضای او را جعل کند. اگر جعل کننده به آسمان‌ها هم فرار کند او را پایین می‌آورد».

عماد مغنیه به مدت ۲۵ سال خواب را از چشمان اسرائیلی‌ها ربوده بود. سرویس‌های جاسوسی موساد و شاباک میلیون‌ها دلار هزینه کردند تا به او دسترسی پیدا کنند. اسرائیلی‌ها در سال ۱۹۹۴ نتوانستند فؤاد برادر کوچکتر او را در بخش جنوبی بیروت که پایگاه مردمی حزب الله می‌باشد ترور کنند. یک مزدور محلی اسرائیل به نام احمد الحلاق خودردی فؤاد مغنیه را بمب گذاری کرد

گرفتند، که با توانمند سازی مقاومت اسلامی لبنان یکی از بزرگترین ارتش‌های منطقه را در جریان جنگ ۳۳ روزه سال ۲۰۰۶ شکست داد.

عماد مغنیه از نگاه رزمندگان مقاومت

حاج رضوان یکی از شخصیت‌های جدال برانگیز و گرداننده تشکیلات نظامی مقاومت اسلامی شاخه نظامی حزب الله لبنان بود. از میان هزاران رزمنده مقاومت، تعداد کمی او را می‌شناختند و یا نامش را شنیده بودند. چه بسا هویت او نیز برای بسیاری از فرماندهان ستاد مقاومت که به طور مستقیم با او همکاری داشتند روشن نبود. گفته شده که اعضای حزب الله و رزمندگان مقاومت هنگام دیدار با سید حسن نصر الله دبیر کل حزب الله اشک شوق در چشمان‌شان حلقه می‌زده است، اما هرگاه نام عماد مغنیه به گوش‌شان می‌رسیده بدن‌شان به لرزه در می‌آمده است. در ستادهای عملیاتی و فرماندهی مقاومت نیز افراد اندکی او را از نزدیک می‌شناختند، و به ندرت با او دیدار و مشورت کرده‌اند. کسانی هم که توفیق نصیب‌شان شده و یکی دو بار حاج رضوان را دیده‌اند، ترجیح داده‌اند هرگز راز دیدار با مرد ۲۵ میلیون دلاری را فاش نکنند. چرا که آمریکا برای شناسایی او این مبلغ را پیشکش کرده بود.

در محافل بازتر حزب الله، عماد مغنیه را سایه و شبج توصیف می‌کردند. چه بسا بسیاری از اعضای حزب به منظور رد گم کردن، و فریب دشمن وانمود می‌کردند که عماد مغنیه یک شخصیت فرضی است و وجود واقعی ندارد. برخی از اعضای پایین‌تر حزب الله نیز نسبت به نقش او در پیروزی‌های چشمگیر مقاومت اسلامی بر اسرائیل شک و تردید ایجاد می‌کردند. ولی محافل امنیتی، و سرویس‌های جاسوسی اسرائیل او را شناخته بودند. سازمان موساد از حاج عماد کینه‌ای زیادی به دل داشت. او را کابوسی می‌نامید که خواب راحت را شبانه روز از اسرائیلی‌ها ربوده است. در همین حال سازمان‌ها و سرویس‌های جاسوسی کشورهای گوناگون جهان عماد مغنیه را «روباه نامیده بودند».

جوانان و رزمندگان مقاومت اسلامی براساس اعتقادات و باورهای دینی‌شان عماد مغنیه را یکی از سربازان گمنام امم زمان (عج) توصیف می‌کردند. این توصیف دلایل

دانستنی‌هایی از زندگی خصوصی یک انقلابی...

• درآمد

حاج عماد مغنیه به شهادت رسید، و با شهادت او گره راهیابی به گوشه‌های پنهان زندگی خانوادگی او گشوده شد. هرچند که نزدیک‌ترین افراد خانواده او هم از چگونگی زندگی جهادی این ابر مرد شناخت کافی نداشتند. ولی برخی افسرد خانواده همچون مادر و خواهران در جریان گفت و گوهای کوتاهی که پس از شهادت حاج رضوان و به طور اتفاقی با نمایندگان رسانه‌های خبری داشتند فقط به گوشه‌هایی از داستان‌های زندگی روزمره او اشاره کردند. شاید نمی‌دانستند که بیرون خانه چه گونه زندگی می‌کرده، و با چه کسی سر و کار داشته و چه رؤیاهایی را در سر می‌پرورانده است. با هم بخشی از این گفت و گوها را می‌خوانیم:



دیدار مثل همیشه نبود... نمی‌دانم چرا از او دل نمی‌کندم... تا آخرین لحظه‌ای که در خانه حضور داشت در کنارش نشسته بودم.

زینب با چشمانی گریان، ولی در عین حال با لیخندی رضایت آمیز به نشانه قبول تقدیر الهی، ویژگی‌های منحصر به فرد و ابعاد شخصیت برادرش حاج رضوان را به عنوان یک انسان به تمام معنا بازگو می‌کرد، و می‌گفت که خود حاج عماد هم نمی‌دانست چرا این ویژگی‌ها را دارد.

چه زیباست که انسان با حس کنجکاو بداند یک فرمانده بزرگ که نیمی از عمر پسر برکتش را در جهاد و پیکار با دشمن صهیونیستی گذرانده بود و پی در پی شکست‌های سنگینی بر این دشمن وارد می‌کرد، به جزئیات زندگی خانوادگی‌اش هم می‌پرداخت و نیازهای فرزندانش و برادر زاده‌های خود فؤاد و جهاد را نیز تأمین می‌کرد.

دختر شهید فؤاد مغنیه در این باره می‌گوید: «من ۸ ساله بودم که پدرم به شهادت رسید. عمویم حاج عماد برای من و برادرانم مثل یک پدر بود. به گونه‌ای با ما مهربان و دلسوز بود که احساس نمی‌کردیم پدرمان را از دست داده‌ایم. امروز دو باره احساس می‌کنم که پدرم شهید شده است. هرچند که خیلی وقت‌ها او را نمی‌دیدیم. ولی حضور او را همواره حس می‌کردیم. احساس می‌کردیم که در کنار ماست و از ما پشتیبانی می‌کند.

از همسر حاج عماد مغنیه چه خبر؟ این همسر وفادار درباره حاج رضوان چه دیدگاهی دارد؟ زینب، خواهر کوچک حاج عماد می‌گوید: «او

آویخته شده نگاه می‌کند و می‌گوید: «با وجودی که با یکدیگر حدود ۲۱ سال تفاوت سن داشتیم، ولی با هم خیلی صمیمی بودیم. در بسیاری از مسائل با هم اتفاق نظر داشتیم. به یک نوع موسیقی علاقه داشتیم. با یک چشم به شخصیت‌های بزرگ و دوست داشتنی جهان اسلام نگاه می‌کردیم.»

زینب مغنیه بار دیگر به عکس برادرش که یونیفورم نظامی به تن دارد خیره می‌شود و می‌افزاید: «هر کسی که به خانه‌مان می‌آمد و نگاهش به این عکس می‌افتاد، ناخودآگاه احساس ترس و دلهره می‌کرد. یکی از زیباترین و باشکوه‌ترین ویژگی‌های

مادر حاج رضوان میان انبوه زنان سیاه پوش شرکت کننده در مراسم هفتمین روز شهادت فرزندش نشست، و به مردم می‌گوید اگر پسران بیشتری داشتیم، در تشویق آنان برای ادامه مسیر عماد تردیدی به دل راه نمی‌دادم. اطمینان کامل دارم که شهیدان زنده‌اند، و در محضر آفریدگار هستی قرار دارند.

برادر این بود که همه آشنایان و کسانی که او را می‌شناختند، به او احترام می‌گذاشتند.

خبرنگار از زینب می‌پرسد که آخرین بار چه روزی برادرش را دیده است؟ و او پاسخ می‌دهد: «آخرین باری که او را دیدم چند روز پیش بود... ولی این

خواهر و خواهر زادگان حاج عماد مغنیه در بخش‌های فرهنگی و اجتماعی حزب الله فعالیت دارند، ولی پیش از شهادت عماد هیچ کسی نمی‌دانست که آنان از بستگان نزدیک او هستند. در مراسم ختمی که برای گرامیداشت این شهید برپا شده بود این بانوان از شرکت کنندگان استقبال می‌کردند و به آنان خوشامد می‌گفتند. برخی از بستگان هم ساکت و آرام و با سرتکان دادن، به مردم خوشامد می‌گفتند.

خبرنگاران تلویزیون المنار که از مراسم هفتمین روز شهادت حاج عماد گزارش تهیه کرده‌اند، در پی این بازدید اعلام کردند در خانه حاج فایز مغنیه پدر حاج عماد فقط یک عکس بزرگ با یونیفورم نظامی به دیوار آویخته شده است. مادر عماد می‌گوید که عکس دیگری از او ندارند. عماد همه عکس‌های دوران کودکی‌اش را از خانه جمع آوری کرد، و در جای امنی پنهان کرد.

زینب خواهر کوچکتر عماد می‌گوید: «قبل از شهادت برادر، ما همه افراد خانواده اصرار داشتیم هویت‌مان را پنهان کنیم. تنها تعداد محدودی از افراد جامعه می‌دانستند که من خواهر عماد مغنیه هستم. ولی امروز نمی‌توانم این وابستگی را از مردم پنهان کنم. اکنون علاقمندم همه مردم جهان بدانند که من خواهر کوچکتر عماد، و یکی از فرزندان خانواده مغنیه هستم. عزت و سربلندی که او به این خانواده بخشید توصیف ناپذیر است. در زمان حیات حاج عماد نیز احساس غرور و سربلندی می‌کردیم، ولی امروز می‌توانیم این احساسات را به طور علنی بیان کنیم.»

زینب با برادرش حاج عماد ۲۱ سال تفاوت سن دارد. ولی او اظهار می‌دارد که برادرش بیش از سایر افراد خانواده به او علاقه داشته است. زینب هنگام سخن گفتن به عکس برادرش که به دیوار

گفت و گو نمی کردید؟ او پاسخ می دهد به این دلیل که دوست نداشته فرزندش لو برود. نمی خواسته فرزندش به شهادت برسد. خبرنگار سمجی به او می گویند اکنون که فرزندان شهید و همچون گذشته نگران جان او نیستید؟ ام عماد بیدرنگ لبخند کنایه داری می زند و می گوید چرا منظورم را درک نمی کنید؟ نمی توانم همه چیز را فاش کنم! یکی از خواهران حاج رضوان که در کنار مادرش نشسته بود داوطلب می شود و به یکی از پرسش های خبرنگاری پاسخ می دهد. او گفت آخرین بار دو روز پیش از شهادت با حاج عماد دیدار داشتیم. او از بیماری شدیدی رنج می برد. به او آمپول تزریق می کردیم. هنگامی که خبرنگار از ام عماد می پرسد با او در لبنان و یا خارج از لبنان دیدار کرده اید، ام عماد بار دیگر سکوت اختیار می کند...

رعایت مقررات امنیتی و توصیه های مسئولان حزب الله از سوی مادر عماد کمتر از فرزندش نیست. او که در طول زندگی، از داشتن عکس های فرزند محروم بود، ولی اقدام بخش اطلاع رسانی حزب الله پس از شهادت حاج رضوان، به انتشار عکس های گوناگون، ام عماد و سایر شهروندان لبنانی را به شدت غافلگیر کرد. او می گوید: اولین بار است این عکس ها را می بینم. اگر شما آن ها را قبلاً دیده اید، من هم دیده ام.

ام عماد با حفظ آرامش معمول خود سنجیده و قاطعانه به پرسش های خبرنگاران پاسخ می داد. چهره آرام او در مراسم هفتمین روز شهادت فرزندش با چهره سایر بانوان شرکت کننده تفاوتی نداشت. عکاسان را که کمین کرده بودند تا شاید در حال گریه از او عکس بگیرند نا امید کرد. عکاسان نمی دانستند که با شیر زنی طرف هستند که گریه و اندوه و افسوس در فرهنگ او وجود ندارد. با از دست دادن اولین و سومین فرزندش هرگز روحیه اش را از دست نداده است.



زینب خواهر کوچکتر عماد می گوید که قبل از شهادت برادرش، همه افراد خانواده اصرار داشتند هویت شان را پنهان کنند. افراد کمی می دانستند که او خواهر عماد مغنیه می باشد. ولی اکنون نمی تواند این وابستگی را از مردم پنهان کند. علاقمند است مردم جهان بدانند که او خواهر حاج رضوان است.

برسد. اصلاً انتظار نداشته که حاج عماد این مسیر را تا نهایت ادامه دهد. او می گوید: «سه فرزندم را برای خدمت به اهداف اسلام و جامعه تربیت کردم. با تمام توان تلاش کردم آن ها را انسان های مؤمن و نماز خوان تربیت کنم. هنگامی که در مسیر جهاد گام برداشتند، آن ها را تشویق کردم این راه را ادامه دهند. به هیچ وجه با خواسته شان و راهی که انتخاب کردند مخالفت نکردم».

از ام عماد می پرسند اکنون که سه فرزندان را از دست داده اید چه احساسی دارید؟ او در پاسخ می گوید: «امروز هم مانند روزهای گذشته است. همانگونه که دیروز این راه را پیمودیم، در آینده هم این مسیر را ادامه خواهیم داد. فرزندانم را در راه خدا داده ام، و برای تداوم این خط جهادی آماده ام جان خویش را هم تقدیم کنم. من به جوانان مقاومت و به دبیر کل حزب الله اطمینان می دهم که در این مسیر استوار ایستاده ایم و به یاری خداوند شکست نخواهیم خورد. دشمن جز به و سیله ترورهای ناجوانمردانه توان چیره شدن بر مردم شجاع لبنان را ندارد».

به رغم دردناک بودن جدایی، و ناراحتی از دستن دادن فرزند، ولی ام عماد نسبت به این تقدیر الهی راضی بود، و کمی خرسند به نظر می رسید. او احساسات خود را چنین بروز می دهد و می گوید: آنگونه که دشمنان وانمود کرده اند فرزندم تروریست نبوده است. او یکی از رزمندگان مقاومت و یکی از مجاهدان سلحشور این امت بوده است. من به فرمانده کل مقاومت آقای نصر الله اطمینان می دهم که عماد رزمندگان زیادی در حجم خود تربیت کرده که گوش به فرمان او ایستاده اند... به او می گویم نگران نباشد... زنان ما نسلی را تربیت خواهند کرد تا به یاری خداوند برتر از حاج عماد خواهند بود.

مادر حاج رضوان میان انبوه زنان سیاه پوش شرکت کننده در مراسم هفتمین روز شهادت فرزندش نشسته بود. او اضافه کرد: «اگر پسران بیشتری داشتم، در تشویق آنان برای ادامه مسیر عماد تردیدی به دل راه نمی دادم. من اعتقاد کامل دارم که شهیدان زنده اند، و در کنار آفریدگار هستی قرار دارند. این یک اصل انکار ناپذیر است».

به نظر می رسد مسئولان حزب الله از ام عماد خواسته اند زیاد با خبرنگاران صحبت نکنند. از او می پرسند چرا با خبرنگاران درباره زندگی فرزندان



فقط سکوت اختیار کرده است. آنچه روابط او را با همسرش عماد پیوند زده بود، یک نوع روابط بی نظیر روحی و معنوی است. این بانوی پرهیزکار همواره در کنار همسرش قرار داشت و در همه مشکلات از او پشتیبانی می کرد. پس از شهادت همسر نیز اصرار داشت در همه آیین های غسل و کفن و دفن و بجای آوردن مستحبات حضور داشته باشد. به رغم احساس ناراحتی و دلنگی که سراسر وجود او را فرا گرفته بود، ولی به روضه الشهیدین (گلزار شهدا) آمد و در آیین مذهبی خاکسپاری همسرش شرکت کرد.

زینب از خبرنگاری می پرسد می خواهید بدانید همسر حاج رضوان کجاست؟ او اکنون بر سر مزار همسرش نشسته، و با آب زلال سنگ قبر او را می شوید. زینب با لحنی قاطع خاطر نشان می سازد که فرزندان عماد و فؤاد راه پدران شان را ادامه خواهند داد... با هرگونه ظلم و بیعدالتی مبارزه خواهند کرد... ظلم ستیزی شجاعت می آفریند... باوجودی که پدران مان را از دست داده ایم، ولی ما همه بازماندگان خاندان مغنیه با پشتیبانی یکدیگر راه شهیدان مان را ادامه خواهیم داد. رسالت آنان را به سمع مردم جهان می رسانیم.

از ام عماد چه خبر دارید؟ در مراسم ختم او را اینگونه معرفی می کردند، و ام عماد صدا می زدند. ام عماد چهره ای ناشناخته نبود. از ابتدای جوانی در برنامه های اجتماعی و مذهبی فعالیت می کرد. ولی اکنون با بردباری و برخورداری از ایمان قوی و خلل ناپذیر به سه فرزند شهید خود مباحثات می کند. به خوبی شناخته است که مجاهدان بزرگی همچون عماد مغنیه از دامان چه صنف مادرانی به معراج می روند. نیازی نیست از ام عماد پرسیم چگونه فرزندش به این مقام رسیده است. زیرا این راز را برای کسی فاش نمی کند. او هیچ روزی پیش بینی نمی کرده که روزی فرزندش به این جایگاه عظیم



می فرستند. صحنه هیجان برانگیزی به وجود می آید. ام عماد نمی تواند احساسات خود را پنهان کند و ضمن ابراز خوشحالی از تولد این نوزاد نو رسیده، برای نبود حاج رضوان افسوس می خورد، و می گوید که ای کاش فرزندم زنده بود و نوه خود را می دید. چه کاری از دست مان ساخته است. خدا اینجوری اراده کرده است. ام عماد آرزو می کند این نوزاد بزرگ شود و راه و رسم پدر بزرگش را ادامه دهد. ابو عماد نیز در برابر این صحنه هیجان برانگیز ابراز احساسات می کند، و چند قطره اشک از چشمانش بر گونه هایش سرازیر می شود. زبانش در محضر عماد نو رسیده بند می آید.

اگر چه این نوزاد هرگز سیمای پدر بزرگ خود را نخواهد دید، ولی شکی نیست که با شنیدن داستان های حماسی و خاطره انگیز و فراموش ناشدنی پدر بزرگ احساس خرسندی و غرور خواهد کرد. بی تردید کودکان محله صغیر و همکلاسی های

پیش از وقوع انفجار در منطقه کفر سوسه دمشق، ام عماد می دانست که فرزندش در سوریه بسر می برد، و خبر وقوع انفجار را در اولین لحظه از برخی رسانه ها شنید. ولی نمی دانست که چه کسی قربانی این انفجار شده است. هنگامی که مسئولان ذیربط به خانه او آمدند، و خبر شهادت فرزند را به آگاهی او رساندند، او گفت: «از زمانی که فرزندم عماد راه مقاومت را انتخاب کرد منتظر شنیدن این خبر بودم. او با شجاعت و بردباری بی نظیری خبر شهادت حاج رضوان را دریافت کرد. چه او پیش از این نیز جهاد، جوان ناکام ۱۸ ساله خود را در انفجار محله بئر العبد از دست داده بود. پس از گذشت هفت سال از این حادثه دلخراش، فؤاد دومین فرزندش را از دست داد. اکنون از عماد دو فرزند پسر و یک فرزند دختر باقی مانده است.

خبرنگاری از ام عماد پرسید چگونه در برابر شهادت سه فرزندتان صبر کردید و بردباری نشان دادید؟ او در پاسخ گفت: «خانواده ما از پیروان اهل بیت (ع) هستند. ما زنان شیعه لبنان، حضرت زینب (س) را الگوی صبر و بردباری می دانیم. هرگاه که مصیبت های آن بانوی بزرگ کربلا در ذهنم زنده می شود، مصیبت از دست دادن فرزندان خویش را فراموش می کنم. من فرزندان خویش را با عشق به امام حسین (ع) و عشق به فاطمه (س) و عشق به زینب (س) تربیت کردم. به همین دلیل فرزندانم راه پیامبران و امامان و اولیای خدا را پیمودند».

یک سالی از شهادت حاج عماد مغنیه نگذشته بود که نام عماد مغنیه دیگری در دفاتر ثبت احوال لبنان و در سبجلات مقاومت و شرافت به ثبت رسید. از نسل حاج رضوان، عماد مغنیه دیگری تولد یافت. چندی پیش در خانواده حاج عماد نوزادی متولد شد که او را عماد مغنیه نامیدند. این نوزاد پسر مصطفی، فرزند ارشد حاج رضوان است. ام عماد در واکنش به این میلاد پر میمنت، لبخند می زند و می گوید این نامگذاری پیامی است به دشمن صهیونیستی که هرگاه فرزندی از خانواده مان به شهادت برسد، دنیا به آخر نمی رسد. نسل نورانی والهی خاندان مغنیه قطع نمی شود. هم اینک فرزندی متولد شده که با نام و رسم عماد مغنیه، تفنگ پدر بزرگ را به دست گرفته است. این تولد را به فرزندم عماد تبریک می گویم. آرزو دارم زمانی که این نوزاد بزرگ شود راه پدر بزرگش را ادامه دهد.

در یک شب بهاری، بیمارستان بهمن در بخش شیعه نشین جنوب بیروت از جمعیت موج می زد. بخش زایمان در طبقه چهارم این بیمارستان تاکنون هرگز چنین نوزادی را به خود ندیده است. لحظه های انتظار به کندی سپری می گردد. در آن نیمه شب بهاری یکی از پرستاران از اطاق عمل بیرون می آید و خبر تولد عماد مغنیه دیگری را اعلام می کند. عماد نوه همان حاج عماد مغنیه است که سایه او به مدت ۲۵ سال خواب را از چشمان دشمنان ربوده بود. ابو عماد و ام عماد، بزرگ خاندان مغنیه نوزاد را در آغوش می گیرند.

مردمی که در بیمارستان تجمع کرده بودند صلوات

دختر شهید فؤاد مغنیه می گوید که او در سن هشت سالگی پدرش را از دست داده است. عمویش حاج عماد برای او و برادرانش جای پدرش بود. به گونه ای با آنان مهربان و دلسوز بود که احساس نمی کردند پدرشان را از دست داده اند. ولی امروز دوباره احساس می کنند که پدرشان شهید شده است.

آینده عماد جدید به او خواهند گفت که پدر بزرگ او یک مرد اسطوره ای بوده است. مردم لبنان مدیون پیروهای پدر بزرگ او هستند.

مردم و تعدادی از بستگان حاج رضوان هنگام خدا حافظی با عماد نو رسیده برای مادر او آرزو کردند او نیز مانند ام عماد مغنیه صبور و بردبار باشد. با سعه صدر با مشکلات دنیا و سختی های زندگی برخورد نماید. چنانچه کسی بخواهد چنین فرزندان رشید و شجاعی تربیت کند، لازم است در برابر

سختی های زندگی مقاومت کند. شاید این پرسش به ذهن خوانندگان برسد که مادر حاج رضوان در پی شهادت سه فرزندش، اکنون چه نقشی در جامعه دارد؟ برای پاسخ به این پرسش باید گفت او همچنان فعالیت های اجتماعی خود را ادامه می دهد. به امور فرهنگی خانواده های شهدای حزب الله و سایر شهیدان لبنانی رسیدگی می کند. در مراسم ملی و مذهبی که در گوشه و کنار این کشور برگزار می گردد، حضور می یابد و به همه مادران داغ دیده دلداری می دهد.

چندی پیش در مراسم روز مادر که در حضور مادران شهیدان روستاهای خط مقدم جبهه جنوب لبنان که در شهر بنت جبیل برگزار شد شرکت کرد. او طی سخنانی در این گردهمایی به خاطره ای از داستان های زندگی فرزندش حاج رضوان اشاره کرد و گفت: «زمانی که عماد فقط ۱۶ سال سن داشت از من تقاضا کرد به او اجازه دهم برای جنگ با اسرائیل به رزمندگان مستقر در محور صف الهوا در منطقه بنت جبیل بپیوندم».

ام عماد می افزاید: «پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران من و فرزندم عماد به مدت ده دقیقه با امام خمینی (ره) در شهر قم ملاقات کردیم. امام در این ملاقات در خصوص تربیت چنین فرزندی به من تبریک گفت. اکنون من به همه زنان و مادران لبنانی به ویژه مادران شهدا توصیه می کنم قدرشناس شهیدان راه آزادی باشند.»

وابسته به ارتش آنتوان لحد از پایگاه‌های خود فرار کرده و به پایگاه‌های منطقه مرجعین پناه برده‌اند. این در حالی است که نیروهای سازمان ملل متحد، حیرت زده ناظر اوضاع هستند و آنچه اتفاق می‌افتاد از نظر آن‌ها باور کردنی نبود.

مسئول حزب الله در جنوب لبنان در ادامه بازگو نمودن خاطرات خود گفت: «شامگاه یک‌شنبه و پس از پایان اولین مرحله آزاد سازی منطقه وادی الحجیر، شهید حاج عماد مغنیه به منطقه آمد و با فرماندهان مقاومت جلسه تشکیل داد. در آن جلسه فوق العاده طرحی به منظور ادامه پیشروی همزمان اهالی جنوب با هماهنگی رزمندگان مقاومت از طریق گذرگاه‌های ارتباطی به سوی مناطق اشغالی به تصویب رسید، و این طرح از ساعت‌های بامداد روز دوشنبه به مورد اجرا گذاشته شد. در این روز هزاران تن از اهالی جنوب از گذرگاه ارتباطی شقرا و دشت وادی سلوقی را پشت سر گذاشته و به سوی روستاهای مرزی حولا، مرکبا، طلوسه و رب ثلاثین در حال پیشروی هستند. در چنین شرایطی شبه نظامیان مزدور و وابسته به ارتش آنتوان لحد دچار سردرگمی شده و سراسیمه خود را تسلیم رزمندگان مقاومت و واحدهای ارتش لبنان می‌کردند، و یا اسلحه و تجهیزات و اسناد و مدارک خود را بر زمین نهاده و به سوی فلسطین اشغالی فرار می‌کردند. این برنامه‌ها در روزهای بعد تکرار شد و اهالی جنوب با پشتیبانی رزمندگان مقاومت به سوی شهرهای بزرگ الناقوره و الخیام و مرجعین و همه روستاهای مرزی پیشروی کرده و آن‌ها را آزاد کردند».

شیخ نبیل قاووق به مهم‌ترین رویدادهای این حرکت آزادی بخش مردمی اشاره کرده و می‌گوید: «در چنین شرایطی نظامیان رژیم صهیونیستی و شبه نظامیان ارتش آنتوان لحد به گلوله باران اهالی بی‌دفاع هنگام گذر از گذرگاه‌های ارتباطی به سوی مناطق اشغالی مبادرت کردند که در نتیجه این اقدام شماری از مردم شهید و یا زخمی شدند. سید حسن نصرالله دبیر کل حزب الله در واکنش به این اقدام با من تماس گرفت و از من خواست با تیمور گوگل سخنگوی نیروهای سازمان ملل متحد مستقر در جنوب لبنان تماس بگیرم و از او بخواهم پیام شدید اللحنی را به اسرائیلی‌ها ابلاغ کند. مفاد پیام دبیر کل حزب الله از این قرار بود که اگر تا یک ساعت دیگر گلوله باران غیر نظامیان را متوقف نکنند، رزمندگان مقاومت اسلامی شهرهای صهیونیست نشین شمال فلسطین اشغالی را موشک باران خواهند کرد. گوگل بی‌درنگ با یهود باراک

پس از پایان اولین مرحله آزاد سازی منطقه وادی الحجیر، شهید حاج عماد مغنیه به منطقه آمد و با فرماندهان مقاومت جلسه فوق العاده تشکیل داد، و در آن تصمیماتی به منظور پیشروی همزمان اهالی جنوب و رزمندگان مقاومت از طریق گذرگاه‌های ارتباطی به سوی مناطق اشغالی اتخاذ گردید و به مورد اجرا گذاشته شد.

شیخ نبیل قاووق که حدود ۲۰ سال است مسئولیت حزب الله در جنوب لبنان را بر عهده دارد، و خاطرات فراوانی از صحنه‌های حماسه و جهاد مردم سرزمین جبل عامل در رویارویی با اشغالگران صهیونیست در ذهن دارد، نقش شهید حاج عماد مغنیه را در پیروزی‌های بزرگ مردم لبنان تعیین کننده توصیف می‌کند.

این مقام حزب الله در ادامه بیان خاطرات خود از لحظه‌های ماندگار مقاومت و آزادی جنوب لبنان می‌افزاید: «روز یکشنبه بیستم ماه می سال ۲۰۰۰ اهالی روستای اشغالی القنطره به منظور گرامی داشت شهادت یکی از فرزندان خود در روستای آزاد شده الغندوریه مراسم ختمی برگزار کرده بودند. روستاهای القنطره و الغندوریه در دامنه‌های شمالی و جنوبی دشت استراتژیک وادی الحجیر قرار دارند. ظهر همان روز یکی از افسران گردان قناتندی وابسته به نیروهای سازمان ملل متحد مستقر در جنوب لبنان با من تماس گرفت و درباره ماهیت تحرکات اهالی روستاهای جنوب لبنان در نزدیکی گذرگاه ارتباطی مناطق آزاد و مناطق اشغالی جنوب لبنان در محور الغندوریه پرسش‌هایی را مطرح کرد. افسر مزبور پرسید که نکنند اهالی جنوب درصدد برآمدن از گذرگاه الغندوریه به سوی روستای اشغالی القنطره پیشروی کنند؟ به او گفتم که از اوضاع الغندوریه هیچ اطلاعی ندارم».

شیخ قاووق اضافه کرد: «چند ساعت نگذشته بود که من خبر دادند هزاران تن از اهالی جنوب همراه تعدادی از رزمندگان مقاومت با خودروهای شخصی و یا پیاده گذرگاه الغندوریه را پشت سر گذاشته و به سوی روستاهای القنطره و دیر سریان و الطیبه در حال پیشروی هستند. در همین حال نیروهای مزدور

شیخ نبیل قاووق مسئول حزب الله در جنوب لبنان درباره چگونگی یورش رزمندگان مقاومت اسلامی به پایگاه عرمتا و آزاد سازی آن می‌گوید: «رزمندگان برای آزاد سازی این پایگاه که از پایگاه‌های محوری شبه نظامیان مزدور رژیم صهیونیستی ارتش آنتوان لحد در جنوب لبنان بود، برای اولین بار از یک کامیونت ضد گلوله استفاده کردند. در این کامیونت سه تن مواد منفجره کار گذاری شد، و این محموله برای انهدام این پایگاه و به هلاکت رساندن شبه نظامیان مستقر در آن کفایت می‌کرد. آنگاه یک رزمنده شهادت طلب، خودرو را به سوی پایگاه مزبور هدایت کرد و در نتیجه انهدام پایگاه و استحکامات آن ده‌ها تن از نظامیان صهیونیست و مزدوران مستقر در آن به هلاکت رسیده یا زخمی شدند. این عملیات کیفی به سردرگمی و روحیه شکست خورده صهیونیست‌ها و ارتش آنتوان لحد افزود، و موجب شد نیروهایی که جان سالم به در برده بودند از این پایگاه فرار کنند».

این مقام حزب الله می‌افزاید: «حاج عماد مغنیه در ادامه تلاش برای آزاد سازی جنوب لبنان از لوث وجود صهیونیست‌ها و مزدوران‌شان، طرح آزاد سازی پایگاه استراتژیک البیاضه را تدارک دید، که به آزاد سازی آن منجر گردید. پایگاه البیاضه نیز یکی از پایگاه‌های محوری به شمار می‌رفت که بر دشت منطقه صور مشرف بود. حاج رضوان بر روند عملیات آزاد سازی این پایگاه نظارت داشت و رزمندگان مقاومت اسلامی در این عملیات برای اولین بار از تانک‌های «تی-۵۴» ساخت روسیه استفاده کردند».

از سوی دیگر ناظران و آگاهان لبنانی بر این باورند که در نتیجه عملیات بزرگ و کیفی که در پایگاه‌های عرمتا و البیاضه به مورد اجرا گذاشته شد، و عملیاتی که پیش از آن تحقق یافت، تلفات سنگینی بر اشغالگران در پی داشت، و به فریادهای اعتراض آمیز صهیونیست‌ها برای عقب‌نشینی هرچه سریع‌تر از جنوب لبنان افزود. در حقیقت عملیات چریکی و پارتیزانی رزمندگان مقاومت کارایی نیروی هوایی و واحدهای زرهی ارتش رژیم صهیونیستی را در جنوب لبنان مختل کرده بود، و در پی این عملیات ششمارش معکوس شکست کامل ارتش اسرائیل در جنوب لبنان پس از ۲۲ سال اشغال و جنگ و تجاوز آغاز گردید که با خروج آخرین نظامیان صهیونیست از جنوب لبنان به استثنای منطقه کشتزارهای شبعاء در روز ۲۰۰۵/۵/۲۵ تجلی یافت.

داستان‌های کوتاه از حماسه‌های بزرگ...

■ ناگفته‌هایی از حماسه آفرینی‌های حاج عماد مغنیه برای آزادی

سرزمین‌های اشغالی جنوب لبنان

• درآمد

حدود ۹ سال پیش و به طور مشخص یک هفته پیش از آزاد سازی جنوب لبنان در تاریخ ۲۰۰۵/۵/۲۵ حاج عماد مغنیه برای آزاد سازی پایگاه شبه نظامیان ارتش «آنتوان لحد» مزدور رژیم صهیونیستی در محور «عرمتا در منطقه اشغالی جزین برنامه‌ریزی کرد و شخصا بر اجرای این عملیات نظارت داشت. او همچنین سه سال پیش طرح ربودن تعدادی از نظامیان رژیم صهیونیستی را در مرز فلسطین اشغالی به منظور مبادله آن‌ها با اسیران لبنانی از جمله سمیر قنطار در زندان‌های فلسطین اشغالی برنامه‌ریزی کرد، و با حضور مستقیم در منطقه آزاد شده جنوب لبنان، رزمندگان مقاومت را برای اجرای موفقیت‌آمیز این عملیات راهنمایی کرد. فراهایی از جزئیات و چگونگی اجرای این عملیات را از زبان یکی مسئولان حزب الله و برخی از فرماندهان مقاومت اسلامی با هم می‌خوانیم:



زرهی ارتش رژیم صهیونیستی آسیب جزئی وارد کنند، تا سرنشینان آن را زنده به اسارت بگیرند. ولی گلوله‌های آر پی جی هفت به قسمت بدنه میانه خودروی زرهی و به سمت صندلی نظامیان اسرائیلی به نام‌های «گولد فاسر» و «الدادا ریغیف» اصابت کرده که یک نفرشان در جا به هلاکت رسیده و دیگری به شدت زخمی شده بود. دو تن دیگر از سرنشینان خودروی منهدم شده از درب‌های آن طرف خودرو پیاده شده و در جنگل‌های منطقه متواری شدند.

پس از انتقال دو نظامی اسیر اسرائیلی به عمق اراضی لبنان، یک دسته از رزمندگان مقاومت به منظور پاکسازی آثار خون نظامیان اسیر شده، خودروهای منهدم شده آنان را با مقادیری بنزین آتش زدند، تا اسرائیلی‌ها که برای تحقیق و بررسی به منطقه عملیات می‌آیند، نتوانند تشخیص دهند که نظامیان اسیر شده زنده هستند و یا به هلاکت رسیده‌اند.

یکی از فرماندهان مقاومت فاش کرده که حاج عماد مغنیه شب عملیات میهمان یکی از فرماندهان مقاومت در جنوب لبنان بود، و برخلاف معمول چند ساعت قبل از آغاز عملیات با او خداحافظی کرد. میزبان در این حال شگفت زده شده و از حاج عماد خواست برای صرف شام بماند، ولی حاج عماد به میزبان می‌گوید که کار مهم و فوری در پیش دارد و باید برود، سپس از میزبان می‌خواهد برای او دعا کند. حاج عماد پس از انجام موفقیت آمیز عملیات اسارت دو نظامی رژیم صهیونیستی به سراغ میزبان شب پیش خود رفت و درباره نامگذاری عملیات با یکدیگر به مشورت و رایزنی پرداخت. حاج عماد عناوینی را پیشنهاد کرد، ولی هم‌رمز او نام وعده صادق را به حاج عماد پیشنهاد کرد، و هر دو بر سر این نام به توافق رسیدند. هم‌رمز حاج عماد در توجیه انتخاب نام وعده صادق گفته بود که آقای نصرالله چند بار وعده داده که اسیران لبنانی در بند رژیم صهیونیستی را آزاد خواهد کرد و شایسته است با این نامگذاری حق او را ادا کنیم.

چند ساعت نمی‌گذرد که آتش جنگ ۳۳ روزه میان رژیم صهیونیستی و مقاومت اسلامی لبنان به بهانه تلاش برای آزادی دو اسیر اسرائیلی ولی با هدف نابودی حزب الله آغاز می‌شود، و حاج عماد مغنیه به جبهه‌های جنگ باز می‌گردد، و این جنگ نابرابر را به نحو چشمگیری اداره می‌کند که به شکست ذلت‌بار اسرائیل و پیروزی شکوهمند حزب الله منجر می‌شود.

اکنون که ۹ سال از آزادی جنوب لبنان و ۳ سال از جنگ ۳۳ روزه ژوئیه گذشته است، مقاومت اسلامی لبنان به یکی از قدرت‌مندترین ارتش‌های منطقه تبدیل شده که رژیم صهیونیستی از درگیر شدن مجدد با حزب الله به شدت پرهیز می‌کند. همچنین حضور نظامی، سیاسی و نیز پایگاه مردمی حزب الله در جامعه لبنان به قدری چشمگیر شده که همه گروه‌های سیاسی و طوایف لبنان و مقامات آن کشور برای آن احترام قابل هستند. ■



یک تحول استثنایی بود.

پس از گذشت شش سال از آزادی سرزمین‌های اشغالی جنوب لبنان و در پی مخالفت رژیم صهیونیستی با آزادی اسیران لبنانی از جمله سمیر القنطار از زندان‌های فلسطین اشغالی، سید حسن نصرالله دبیر کل حزب الله چند بار به رژیم صهیونیستی و مجامع بین‌المللی هشدار داد اگر برای آزادی اسیران لبنانی اقدام نشود، رزمندگان مقاومت اسلامی ناچار خواهند شد تعدادی از نظامیان صهیونیست را به اسارت بگیرند تا با این روش به رژیم صهیونیستی فشار وارد کنند، به مبادله آن‌ها با اسیران لبنانی تن دهد. آقای نصرالله چند بار

این تهدیدات را تکرار کرد، ولی صهیونیست‌ها انگار نه انگار هیچ ترتیب اثری به این تهدیدها ندادند. در نتیجه یکدندگی و دهن‌کجی اسرائیلی‌ها به هشدارها و تهدیدهای دبیر کل حزب الله، حاج عماد مغنیه ابتکار عمل را به دست گرفت و طرح به اسارت گرفتن تعدادی از نظامیان صهیونیست را در مرز لبنان و فلسطین اشغالی تدارک دید، و این طرح را شامگاه روز یکشنبه یازدهم ژوئیه سال ۲۰۰۶ در محور عینا الشعب در مرز فلسطین

حاج رضوان که حرکت همگانی آزاد سازی جنوب را برنامه‌ریزی کرده بود، همواره در کنار رزمندگان مقاومت در جبهه حضور داشت و مسئولیت حمایت از جان و مال مسیحیان ساکن مناطق در آستانه آزادی را بر عهده گرفت، و از هر گونه حرکت‌های انتقام جویانه و یا بروز بی‌نظمی به شدت جلوگیری به عمل آورد.

اشغالی به مورد اجرا گذاشت. منابع موثق در مقاومت اسلامی لبنان در این باره فاش کرده‌اند که حاج رضوان برای اجرای دقیق این عملیات یک تیم عملیاتی متشکل از چهار دسته تشکیل داد: دسته اول مأموریت داشت خودروهای زرهی گشتی نظامیان صهیونیست را هدف موشک‌های «آر پی جی» هفت قرار دهد. دسته دوم وظیفه داشت با مسلسل‌های سبک و نیمه سنگین از سایر دسته‌های ضربتی پشتیبانی کند. دسته سوم مأموریت یافت به نیروهای کمکی اسرائیلی‌ها رسیدگی و آن‌ها را زمین گیر کند. به دسته چهارم مأموریت داده شده بود از سیم خاردار مرز عبور کند و چند نظامی صهیونیست را به اسارت بگیرد و به داخل سرزمین لبنان منتقل کند.

منابع موثق تأکید کردند که حمله رزمندگان مقاومت اسلامی به گونه‌ای سریع و ضربتی انجام گرفت که خودروی زرهی ارتش رژیم صهیونیستی منهدم گردید و سرنشینان آن به هلاکت رسیده و یا زخمی شدند.

دسته چهارم از رزمندگان مقاومت بی‌درنگ یک نظامی زخمی اسرائیلی و جسد یک نظامی دیگر را با بالونکارد به داخل اراضی لبنان انتقال داده و آن‌ها را توسط یک دستگاه خودروی غیر نظامی از صحنه دور کرده و به جای امنی انتقال دادند. در پی این حمله، دو دستگاه خودروی زرهی ارتش اسرائیل با شش سرنشین از راه رسیده و با رزمندگان مقاومت اسلامی درگیر شدند که در جریان درگیری با نیروهای مقاومت کشته و یا زخمی شدند.

منابع آگاه در مقاومت اسلامی گفته‌اند که رزمندگان این جنبش طوری آموزش دیده بودند تا در جریان عملیات به خودروهای



نخست وزیر وقت رژیم صهیونیستی تماس گرفت و تهدید آقای نصرالله را به او ابلاغ کرد. باراک که به منظور بررسی رویدادهای جاری در جنوب لبنان با اعضای کابینه جلسه اضطراری تشکیل داده بود، بی‌درنگ متعهد شد گلوله باران اهالی و غیر نظامیان را متوقف کند.

در آن روزها، خبر رویدادهای جنوب لبنان و حرکت رهایی‌بخش مردمی به سوی مناطق اشغالی سریع‌تر از برق در سایر مناطق لبنان منتشر شد و هزاران تن از مردم سایر مناطق آزاد شده به کمک هموطنان خود شتافتند. این حرکت همگانی موجب شد هزاران تن از مزدوران، خود را تسلیم رزمندگان مقاومت و نیروهای مردمی کرده، و نظامیان صهیونیست با مشاهده این صحنه‌های درخشان ناگزیر سلاح‌های سنگین خود را رها کرده و به سوی سرزمین‌های اشغالی فلسطین فرار کردند. ولی در این میان این پرسش به ذهن می‌رسد که شهید حاج عماد چه نقشی در این رویدادها داشت؟

مسئول حزب الله در جنوب لبنان در این باره می‌گوید: «حاج رضوان که این حرکت همگانی را برنامه‌ریزی کرده بود همواره در میدان و در کنار رزمندگان مقاومت حضور داشت. مسئولیت حمایت از جان و مال مسیحیان ساکن مناطق در آستانه آزادی را بر عهده گرفت و از هر گونه حرکت‌های انتقام جویانه و یا بروز بی‌نظمی به شدت جلوگیری به عمل آورد. در این میان اسناد و مدارک شبکه‌های جاسوسی رژیم صهیونیستی در لبنان به غنیمت گرفته شد که ضربه امنیتی شدیدی به طرح‌ها و برنامه‌های رژیم صهیونیستی در لبنان وارد آورد».

شیخ نبیل قاووق می‌افزاید: «شهید حاج عماد مغنیه فرمانده مقاومت در نخستین روز عقب نشینی اسرائیلی‌ها از منطقه مرجعین، از من خواست همراه اولین کاروان اهالی جنوب به این منطقه عزیمت کنم و مسیحیان ساکن شهرهای مرجعین، القلیعه و روستاهای اطراف آن را مطمئن کنم که جان و مال و ناموس آنان محفوظ است و جنبش مقاومت از آنان حمایت می‌کند. هنگامی که به منطقه رسیدم، جاده‌ها و خیابان‌های این منطقه را خالی از جمعیت یافتم. مردم در کلیساها تجمع کرده بودند و به دعا و نیایش می‌پرداختند».

این مقام حزب الله گواهی رئیس کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در مورد برقراری آرامش در مناطق آزاد شده جنوب را افتخار آفرین می‌خواند و می‌گوید: در پایان خروج نظامیان صهیونیست از جنوب لبنان رئیس کمیته بین‌المللی صلیب سرخ با من دیدار کرد و از برخورد مقاومت با مردم ساکن مناطق اشغالی تجلیل و قدردانی به عمل آورد. او در این دیدار تأکید کرد که در اسناد سازمان صلیب سرخ دیده نشده که ارتشی شکست خورده باشد، و ارتش پیروزمند وارد مناطقی شده باشد، اقدامات تجاوزگرانه و ناپدید شدن افراد و یا تجاوز به مال و ناموس مردم اتفاق نیفتاده باشد. برقراری آرامش در مناطق آزاد شده و عدم تعرض به جان و مال و ناموس شهروندان مناطق آزاد شده

فرانسوی‌ها از ترس واکنش ایران مانع بازداشت حاج رضوان شدند...



چکیده‌ای از تلاش‌های دامنه‌دار سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا) برای بازداشت شهید حاج عماد مغنیه

• درآمد

تلاش‌های دامنه‌دار سرویس‌های جاسوسی و محافل امنیتی وابسته به ده‌ها کشور جهان برای شناسایی حاج عماد مغنیه که سرانجام به شهادت او در روز ۱۳ فبریه در منطقه کفر سوسه در غرب دمشق منجر شد، پایان یافت. این تلاش‌ها حدود ۲۵ سال پیش، و از زمانی که مغنیه از سوی محافل غربی به دست داشتن در برنامه‌ریزی عملیات مسلحانه ضد صهیونیستی و نیروهای چند ملیتی مستقر در لبنان متهم شده بود، در محله الشیخ در جنوب بیروت آغاز شد. سرویس‌های جاسوسی و اطلاعاتی اسرائیل و آمریکا می‌کوشیدند اماکن استقرار و فعالیت و یا به قول خودشان، پناهگاه ایشان را شناسایی کنند. زیرا پس از حمله سال ۱۹۸۲ اسرائیل به لبنان و اشغال این کشور و در پی استقرار نیروهای چند ملیتی، متشکل از نیروهای آمریکا، فرانسه، انگلیس و ایتالیا در بیروت عملیات کیفی چشمگیری در مخالفت با استقرار آن‌ها در لبنان روی داد، که به کشته شدن صدها نظامی اسرائیلی، آمریکایی و فرانسوی و انگلیسی منجر گردید. اتهامات حاج رضوان از سوی محافل غربی و میزان ترس و وحشت آن‌ها از هر گونه اقدام برای بازداشت این مجاهد نستوه لبنانی را با هم می‌خوانیم:

سخت و یا ناممکن بود. در همان حال آقای امین جمیل رئیس جمهور وقت لبنان، همه افراد مظنون به انفجارها و بمب‌گذاری‌ها را آزاد کرده بود. کارگزاران سیا احتمال داده بودند که جمیل در ازای دریافت باج و یا بر اساس زد و بند، افراد مظنون را آزاد کرده بود. آزادی این افراد تلاش کارگزاران سیا را به نقطه صفر بازگرداند. تنها سندی که در اختیار داشتیم بریده گزارش مطبوعات بیروت از اظهارات سه نفر از اعضای سازمان جهاد اسلامی لبنان بود، که گفته می‌شد به عماد مغنیه ارتباط دارند. این خبر می‌توانست سرآغاز خوبی برای شروع کارمان باشد. ولی پیش از آغاز تلاش و جستجو، این پرسش‌ها را مطرح کردم که آیا عماد مغنیه با کمک این سه نفر در گروگان‌گیری دهها تن از اتباع خارجی در لبنان نقش داشته است؟ آیا سفارت آمریکا در بیروت توسط عوامل او در آوریل سال ۱۹۸۳ متفجر شده است؟ چگونه او توانست هیچ ردپایی از خود باقی نگذارد؟

عامل سازمان سیا می‌افزاید: «به درستی که عماد مغنیه برای آمریکایی‌ها یک معما شده بود! او در فرم تقاضای صدور گذرنامه مشخصات خود را چنین نوشته بود که در سال ۱۹۶۲ میلادی در روستای طبردا از توابع استان صور متولد شده است. ولی با این وجود به مشخصات او مشکوک بودیم. چرا که اغلب شیعیان آواره جنوب لبنان که به اطراف بیروت مهاجرت کرده بودند، به منظور پرهیز از اتهام سکونت غیر قانونی در پایتخت از ذکر محل دقیق سکونت خویش خودداری می‌کردند. در اسناد منابع سازمان سیا گفته شده که خانواده مغنیه در یک خانه محقر و فاقد آب لوله‌کشی، در محله عین الدلیه، یکی از فقیر نشین‌ترین و جنوبی‌ترین محله‌های بیروت سکونت دارد، و او نیز در آن خانه به دنیا آمده است.

واشننگتن فراهم شد تا در دوره کوتاه ویژه آموزش مبارزه با تروریسم شرکت کنم. هیچ جایی بهتر از مرکز (C.T.C) برای گذراندن این دوره وجود نداشت. در این مرکز مانند پادوی آرشیو یک کتابخانه، به پرونده‌های سازمان سیا در بخش شیوه‌های مبارزه با تروریسم دسترسی داشتم. اولین پرونده مورد علاقه‌ام که جلب توجه کرد، پرونده انفجار سفارت آمریکا در بیروت بود. در پی بررسی پرونده سبز

عامل سیا می‌گوید که عماد مغنیه برای آمریکایی‌ها یک معما شده بود! او مشخصات خود را در فرم تقاضای صدور گذرنامه چنین نوشته بود که در سال ۱۹۶۲ میلادی در روستای طبردا از توابع استان صور متولد شده است. ولی با این وجود به مشخصات او مشکوک بودیم.

رنگ و پوسیده این حادثه، احساس سرافکنندگی سراسر وجودم را فرا گرفت. مثل این که ظرف آب سردی را بر سرم ریخته باشند. چرا که جدیدترین اطلاعات این پرونده مربوط به دو سال پس از حادثه انفجار بود و این چند دلیل داشت: دلیل اول این است که حادثه مزبور به موقعیت سازمان سیا در لبنان آسیب جدی وارد آورد. زیرا با انتقال سفارت آمریکا از مرکز بیروت به ارتفاعات منطقه مسیحی نشین شرق بیروت، بیشتر عوامل و کارکنان مسلمان برگزیده خود را از دست دادیم. این عوامل امکان تردد از خطوط تماس درگیری میان مناطق مسیحی نشین و مسلمان نشین را از دست دادند. بازسازی شرایط گذشته، کاری بسیار

انفجار ستاد فرماندهی ارتش اسرائیل در شهر صور در جنوب لبنان، انفجار پایگاه تفنگداران نیروی دریایی آمریکا نزدیک فرودگاه بیروت، انفجار سفارت آمریکا در محله عین المریسه در ساحل غربی بیروت و نیز حمله به ستادهای فرماندهی نیروهای انگلیسی و فرانسوی در بیروت، بخشی از عملیات مجاهدان لبنانی را تشکیل داد، که اسرائیلیها در نتیجه این عملیات، به ناچار از بخش وسیعی از خاک لبنان عقب نشینی کرده و نیروهای چند ملیتی نیز وسائل و تجهیزات خود را جمع‌آوری کرده و از راهی که آمده بودند به کشورشان بازگشتند.

رابرت بایر افسر ارشد پیشین سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا-اسپا که روزگاری مأموریت جستجوی عماد مغنیه در لبنان را بر عهده داشت. چند سال پیش کتابی تحت عنوان سقوط سیا در سال ۲۰۰۱ منتشر کرد، و در آن تلاش‌های بیهوده خود را برای شناسایی عماد مغنیه شرح داده است. هر چند که نمی‌توان اظهارات رابرت بایر را صد در صد باور کرد، اما برخی از این اظهارات با واقعیت‌های آن مرحله شکوه‌مند از تاریخ پایداری و مقاومت شجاعانه مردم لبنان در برابر متجاوزان اسرائیلی و مهاجمان غربی مطابقت دارد. افسر ارشد سازمان سیا در کتابش نوشته است: «پس از این که محمد حسونه با کامیون حامل یک تن مواد منفجره وارد لابی ساختمان سفارت آمریکا در بیروت شد، این ساختمان ده طبقه‌ای حدود ۲۰ متر به هوا پرتاب شد و به شکل توده آوار پایین آمد. عماد مغنیه، محمد حسونه را برای این اقدام انتحاری (شهادت طلبانه) استخدام کرده بود. در پی این حادثه کارگزاران سیا و واشنگتن مرا به لبنان اعزام کردند و مأموریت یافتن عماد مغنیه را شناسایی و تعقیب کنم».

بایر می‌افزاید: «پیش از اعزام به بیروت این فرصت در



در دوران جنگ‌های داخلی لبنان، بخش‌های جنوبی بیروت خطوط اصلی تماس میان طرف‌های درگیر را تشکیل می‌داد و صدای انواع آتشبارها و انفجار گلوله‌های توپ و راکت همواره او را در سنین نوجوانی آزار می‌داده است. این اطلاعات را عوامل محلی سازمان سیا در اختیار سفارت آمریکا در بیروت قرار داده بودند. در آن شرایط بحرانی امکان نداشت افسران و کارگزاران سیا از محله عین الدلیه بازدید به عمل آورند، و اطلاعات خود را ارزیابی نمایند. چرا که بخش شیعه نشین جنوب بیروت از زمان پیدایش آن یکی از ایمن‌ترین قلعه‌های دنیا به شمار می‌رود. ساکنان این محله‌ها یکدیگر را می‌شناسند و بیگانگان را به راحتی تشخیص می‌دهند. مأموران انتظامی نیز در برخی مراحل جنگ‌های داخلی امکان ورود به این بخش را نداشتند. رابرت بایر می‌افزاید: «چند ماه از آمدنم به بیروت نگذشته بود که یک جوان ناشناس به نام مستعار خضر سلامه و با هویت مجعول فلسطینی توسط نیروی انتظامی لبنان دستگیر شد، و به شرکت در برخی عملیات گروگانگیری اعتراف کرد. سلامه پس از گذراندن مدت کوتاهی در زندان با سه دیپلمات سفارت شوروی در بیروت که توسط اصولگرایان اهل تسنن به گروگان گرفته شده بودند مبادله شد. اوضاع و شرایط لبنان در آن مرحله باور کردنی نبود. مطبوعات لبنان آن روزها گزارش دادند که دیپلمات‌های شوروی با میانجیگری عماد مغنیه آزاد شده‌اند. شوروی در پی این معامله که به آزادی سه دیپلمات خود منجر شد، تعقیب مغنیه و اعضای سازمان جهاد اسلامی را متوقف کرد. در پی فاش شدن هویت واقعی خضر سلامه، تلاش کارگزاران سیا برای شناسایی عماد مغنیه و سازمان جهاد اسلامی دشوارتر گشت. ولی پس از گذشت مدتی روشن شد که نام واقعی خضر سلامه «علی دیب» می‌باشد. علی دیب یک جوان شیعه لبنانی است که در سال ۱۹۵۷ متولد شده و در سن جوانی به جنبش فلسطینی الفتح پیوسته است. علی دیب در پی آغاز جنگ‌های داخلی لبنان در سال ۱۹۷۵ فرماندهی نظامی جنبش امل را در محله عین الدلیه بر عهده داشته، و در آنجا با عماد مغنیه آشنا شده و در برنامه‌های انقلابی فراتر از مرزهای لبنان فعالیت می‌کرده است.»

رابرت بایر در ادامه درج خاطراتش در کتاب مزبور می‌افزاید: «در پی این تلاش‌ها سرنخی از عماد مغنیه پیدا کردم. عصام بصور شهروند لبنانی که در بخش جنوبی بیروت سکونت داشت مغنیه را می‌شناخت. برای دیدار با عصام بصور با کمک افرادی از سازمان شبه نظامیان مسیحی به چهار راه گالری سمعان آمدم. (این چهار راه در حد فاصل خطوط تماس میان مناطق مسلمان نشین و مسیحی نشین بخش جنوبی بیروت قرار دارد) عصام سر قرار آمد و به او گفتم عماد مغنیه را زنده می‌خواهم!

عصام کمی مکث کرد و به چهره من خیره شد. سپس به همراهم جان رو کرد و از او پرسید: رابرت خیلی جدی سخن می‌گویی؟ جان سخنی نگفت و سرش را به علامت تأیید پایین آورد. عصام گفت: دو هزار دلار پیش پرداخت می‌خواهم و مبلغ ۲۰ هزار دلار پس از اجرای عملیات! به او گفتم: عماد را زنده می‌خواهم. عصام گفت: من نیستم... یک نفر دیگری را جستجو کن. رابرت بایر اضافه می‌کند: «این دیدار پایان یافت و عصام بصور به جستجو و تعقیب عماد مغنیه ادامه می‌داد. به مدرسه دینی که عماد هفته‌ای یک شب در آن می‌خوابید سر می‌زد. عماد قرارگاه دائمی نداشت. بخوبی آگاه بود که افزون بر سازمان سیا، سازمان‌های جاسوسی و اطلاعاتی دیگری او را تعقیب می‌کنند. اجازه نداشت دو شب پیاپی در یک خانه و زیر یک سقف بخواهد. برای رد گم کردن همیشه از درهای اضطراری ساختمان‌ها خارج می‌شد. برای پیگیری فعالیت‌هایش از چند دستگاه خودرو استفاده می‌کرد. یک هفته بعد با کمک شبه نظامیان مسیحی دوباره با عصام بصور در چهار راه گالری سمعان دیدار کردم. از او پرسیدم: آیا می‌توانی عماد مغنیه را برابایی و تحویل دهی؟ عصام در پاسخ گفت: چند بار به شما گفتم که فقط می‌توانم او را به قتل برسانم. اگر فکر می‌کنی می‌توانم او را برابیم اشتباه می‌کنی! در اطراف مدرسه دینی اماکنی وجود دارد که می‌توانم خودروی بمب‌گذاری شده را در آن پارک کنم. در حال حاضر یکهزار کیلوگرم مواد منفجره از نوع «سمیتکس» در اختیار دارم. دو هزار دلار به عنوان پیش پرداخت دریافت می‌کنم و پس از قتل مغنیه ۲۰ هزار دلار دیگر دریافت می‌کنم.

عماد قرارگاه دائمی نداشت. بخوبی آگاه بود که افزون بر سازمان سیا، سازمان‌های جاسوسی و اطلاعاتی دیگری او را تعقیب می‌کنند. اجازه نداشت دو شب پیاپی در یک خانه و زیر یک سقف بخواهد. برای رد گم کردن از درهای اضطراری ساختمان‌ها خارج می‌شد. برای پیگیری فعالیت‌هایش از چند دستگاه خودرو استفاده می‌کرد.

رابرت بایر در کتاب سقوط سیا می‌افزاید: «برای سازمان سیا امکان نداشت عماد مغنیه را براباید. فقط می‌توانستیم او را به قتل برسانیم. با این وصف من از هرگونه تصمیم‌گیری جدی ترس داشتم. میان رویدادهای سال ۱۹۸۲ لبنان با رویداد ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ نیویورک حدود ۲۰ سال فاصله وجود داشت. در آن مرحله سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا قتل و ترور مخالفان را ممنوع کرده بود. اما جرج دبلیو بوش پس از انفجارهای سال ۲۰۰۱ نیویورک این تحریم را شکست، و دست دستگاه‌های امنیتی و جاسوسی آمریکا را برای قتل و ترور افراد گوناگون باز گذاشت. هرگونه اقدام برای ترور عماد مغنیه در اوایل دهه هشتم از قرن بیستم پیامدهای خطرناکی در پی داشت. آرزو داشتیم

مسئول انفجار سفارتخانه کشورمان را برابیم. اما اختیارات کافی و اخلاقی برای صدور حکم اعدام او را نداشتیم. چنین تصمیمی را باید دولتمردان آمریکا اتخاذ می‌کردند.» افسر ارشد سیا پس از گذشت حدود ۲۰ سال از پایان مأموریتش در بیروت از این که نتوانسته برای ترور عماد مغنیه تصمیم جدی بگیرد اظهار پشیمانی می‌کند. او در نتیجه‌گیری خود ادعا کرده که عماد مغنیه به اندازه اسامه بن لادن برای آمریکا خطرناک بوده است.

از سوی دیگر ریمیه پوتریل رئیس پیشین سازمان اطلاعات فرانسه به بخش‌هایی از همکاری آمریکا و فرانسه در زمینه مبارزه با تروریسم اشاره کرده و نوشته است: اقدامات آمریکا برای تعقیب عماد مغنیه هیچ روزی متوقف نشده بود. اعتماد مسئولان و کارگزاران سازمان سیا به نحوه همکاری سازمان اطلاعات فرانسه در زمینه تلاش برای بازداشت عماد مغنیه نسبی بوده است. کارگزاران سیا در سال ۱۹۸۷ تصمیم گرفتند ما را بیازمایند. در آن سال مسئول سازمان سیا بطور مستقیم برای فرانسوا میتران رئیس جمهور پیشین فرانسه پیام بسیار مختصری ارسال کرد. در آن پیام چنین نوشته شده بود: عماد مغنیه فرمانده اورکستر خرابکاری حزب الله بزودی از یکی از فرودگاه‌های فرانسه عبور خواهد کرد. از همکاری شما برای بازداشت او سپاسگزاریم.»

پوتریل اضافه می‌کند: «میتران این پیام را برای پیر ژاکس وزیر کشور وقت فرستاد و از آن طریق برای سازمان اطلاعات فرانسه (D.S.T.) ارسال شد. کارشناسان ما این پیام را شگفت‌آور و خیال‌پردازانه و تلاشی به منظور آزمودن میزان همکاری سرویس‌های اطلاعاتی فرانسه با آمریکا ارزیابی کردند. مقام‌های اطلاعاتی فرانسه به پیر ژاکس پیشنهاد کردند با اتخاذ تدابیر امنیتی در فرودگاه‌های اورلی و رواسیه در پاریس موافقت کند، اما او با این پیشنهاد به شدت مخالفت کرد.»

ریمیه پوتریل گفته است که کارگزاران سازمان اطلاعات فرانسه بجای تلاش برای بازداشت عماد مغنیه که بسیاری از سرویس‌های اطلاعاتی و جاسوسی جهان در جستجوی او بودند، به وزیر کشور اطلاع دادند که مأموران فرانسوی تحرکات و رفتارهای مغنیه را زیر نظر دارند.

پوتریل ادعا کرده که مأموران سازمان اطلاعات فرانسه از بازداشت عماد مغنیه خودداری کردند. زیرا توان تحمل پیامدهای بازداشت و تحویل او را به آمریکایی‌ها نداشتند. امیدوارم ایرانی‌ها از این رفتار نیک فرانسوی‌ها به خوبی قدردانی نمایند.

رئیس پیشین سازمان اطلاعات فرانسه در خاطراتش نوشته است که سازمان او به منظور نشان دادن حسن نیت به آمریکایی‌ها تدابیر امنیتی فرضی به بهانه تلاش برای بازداشت عماد مغنیه در فرودگاه‌های فرانسه به مورد اجرا گذاشت، تا وانمود کند که با آمریکا در زمینه مبارزه با تروریسم بخوبی همکاری می‌کند. به هر حال هنگامی که چند فروند هواپیمای مسافربری مظنون در فرودگاه پاریس به زمین نشستند، مأموران فرانسه جلوی چشمان مأموران سازمان سیا بیهوده و زیرکانه عماد مغنیه را جستجو کردند. چند ساعتی نگذشته بود که رئیس سازمان سیا از فرانسوا میتران به خاطر این همکاری تشکر کرد.

دوازده سال بعد پاسکال اندیانی سخنگوی وزارت خارجه فرانسه در واکنش به شهادت عماد مغنیه به طرز زیرکانه ابراز تأسف کرد که چرا هیچ کسی نتوانست او را بازداشت و محاکمه کند. این گزارش نشان می‌دهد که سرویس‌های جاسوسی و اطلاعاتی کشورهای غربی قبل از هر چیز منافع کشورشان را در نظر می‌گیرند و در بسیاری مواقع با فریب و نیرنگ با یکدیگر برخورد می‌کنند. ■

حاج رضوان «یاقوت مقاومت بود»...

■ سوگنامه‌هایی به قلم شخصیت‌های سیاسی، فرهنگی لبنان

پیرامون ابعاد معنوی و مبارزاتی شهید حاج عماد مغنیه



حاج رضوان «یاقوت مقاومت بود»...

سوگنامه شیخ عقیف نابلسی
رئیس هیئت علمای جبل عامل لبنان

هرگاه می‌خواهم درباره شخصی، مانند عماد مغنیه سخن بگویم احساس می‌کنم، کلمات به درخشش در می‌آیند، و شکوه و عظمت پیدا می‌کنند... مانند آب زلال سرچشمه‌ها که تشنگان را سیراب، و قلب‌ها را شگفت زده می‌کنند... ولی سخن گفتن در برابر بادیان‌های عطر آگین جهاد، و نمناک شده به نسیم سحر، نوعی بی‌پروایی است...

بهترین سخن شیوا درباره افرادی همچون حاج عماد مغنیه را حضرت علی بن ابیطالب (ع) بیان کرده و می‌گوید: «ای انسان گمان کرده‌ای به اندازه هسته کوچکی هستی؟ نمی‌پنداری که جهان هستی در تو نهفته است. مردم تا دیروز درباره‌ات پنهان و آشکار سخن می‌گفتند... ولی امروز توفان کلام به وجود آورده‌ای... تا دیروز پنهان بودی، و امروز شکوه و عظمت یافته‌ای... همه جا حضور یافته‌ای... شهادت شکوهمند، درخشان و نورانی تو به گونه‌ای سویمین‌معلقات کعبه میهن درآمده است. پس از شیخ راغب حرب و سید عباس موسوی هم اینک نام تو در فهرست نام آوران جاوید به ثبت رسیده است... نام آورانی که از تو پیشی گرفتند، و نام آورانی که منتظر رسیدن به «سرالمقام هستند و هیچگاه سنت خدا را تغییر ندادند.

ای عماد... می‌دانم که دستان را به سوی آسمان بلند کردی و زینده‌ترین مسأله‌ها را از درگاه احدیت تقاضا کردی... از درگاه معشوق تقاضای شهادت کردی، و او ارزنده‌ترین شهادت را بر تو ارزانی داشت. امروز ماهیت و حقیقت تو بر همه مردم آشکار شده است... همه شناختند که تا واپسین لحظه زندگی و تا آخرین نفس مرد مقاومت بودی... اکنون پرتو افکن شده‌ای، و به همه تشنگان آزادی و عدالت امید می‌بخشی... در حالی که سرگذشت تو مقاومت بوده، با چه کلماتی که شایسته مقام توست سخن گویم، و استدلال کنم... در برابر دشت‌ها و کوهستان‌های سرزمین ابو ذر غفاری که بر حضور تو گواهی می‌دهند چه می‌توان گفت... هنگامی که تو هستی چه کاری از دست دشمن ساخته است؟ دشمن از غرش صدای تو به ستوه آمده... از

درد ضربات کوبنده‌ات فریاد بر آورده... ای عماد... از دوران نوجوانی که مقاومت را حرفه اصلی خود پذیرفتی، و عملیات جهادی را دستور کار خود قرار دادی، خوب درک کرده بودی که دشمن جز زبان زور زبان دیگری نمی‌شناسد. به ما فهماندی که تنها با اصرار و قاطعیت و سازش ناپذیری می‌توان سرنوشت جنگ‌ها را دگرگون کرد.

ای عماد... از تو پنهان نمی‌کنم که فرهنگ‌ها ولغت نامه‌ها را جستجو کردم تا واژه‌ای معادل تو را بیابم... تا همه رنگ‌های درخشنده و همه زیبایی‌ها و ویژگی‌های معنوی و عرفانی در آن واژه خلاصه شده باشد. آرزو داشتم سیمای تو را با آن واژه توصیف کنم. ولی بدان که بهتر از «یاقوت» واژه دیگری نیافتم. یاقوت از سنگ‌های گرانبهایی است که بر انواع جواهرات و مرواریدها و مرجان‌ها شرف و برتری دارد. یاقوت سنگی بسیار شفاف، پاک و درخشنده است. نشانه‌های ظاهر و باطن هستی در آن نهفته است. بدان که زیباترین ویژگی‌های یاقوت سه چیز است:

اول: کسانی که یاقوت در انگشت داشته باشند فقیر نمی‌شوند.

دوم: درهای بهشت از یاقوت ساخته شده است. سوم: خداوند بهشت را از دو خشت طلا و نقره ساخته، و دیوارهای آن را از سنگ یاقوت به وجود آورده است.

چنانچه با این توصیف نمادین، خواسته باشم ویژگی‌های یاقوت را با شخصیت عماد مغنیه همسنگی قرار دهم، بهترین توصیفی که می‌توانم از عماد مغنیه داشته باشم، او را «یاقوت مقاومت» توصیف کنم. زیرا عماد مانند سرچشمه‌های زلال سرزمین جبل عامل یک شخصیت اسرار آمیز، دوست داشتنی و پر محتوا است. او انسانی آرام، نهان و پیچیده‌ای

ای عماد... از دوران نوجوانی که مقاومت را حرفه اصلی خود پذیرفتی، و عملیات جهادی را دستور کار خود قرار دادی، خوب درک کرده بودی که دشمن جز زبان زور زبان دیگری نمی‌شناسد. به ما فهماندی که تنها با اصرار و قاطعیت و سازش ناپذیری می‌توان سرنوشت جنگ‌ها را دگرگون کرد.

بود که در یک لحظه غافلگیر کننده درخشید و آشکار شد. شخصیت او در حوزه شهادت و شهود اصالت یافت. در میان جهاد تنها با جامه‌های رنگارنگ رزم دیده می‌شد که به سوی دنیای سرشار از عشق و معنویت در حرکت بود، و دیری نباید که بال گشود و به سوی دنیای جاودانگی به پرواز درآمد.

عماد مغنیه خود را در آینه عشق به معشوق و در استدلال‌های عبرت آموز یافت، و سرانجام به وسیله درخشش خون و شکوه شهادت به پیروزی رسید، و به اوج بندگی دست

یافت. شاید با شرمندگی بتوان درباره پاک‌ی و روشنائی و صفای روح عماد مغنیه و مبارزه او با تهیدستی در زندگی و تلاش برای زندگی آبرومندانه در سایه آزادی و آگاهی سخن گفت. مگر امنیت باعث رفاه نمی‌شود؟ مگر او امنیت را برای ما به ارمغان نیاورد؟ مگر شهادت مایه عزت و سربلندی همیشگی ملت‌مان نیست؟ مگر او نبود که با راه اندازی کاروان شهیدان، پیروزی درخشان برای ما آفرید؟ مگر با آزادی، زندگی، شکوفا نمی‌شود؟ و عماد آزادی را مانند عطر بهاری در آسمان کشورمان افشاند؟ مگر آگاهی و شناخت نشان پیشرفت جامعه نیست، و عماد چرخ حرکت زمان را به گردش درنیاورد؟ مردم کشورمان خوب می‌دانند که عماد دروازه گشوده‌ای بود که مشتاقان جهاد و مقاومت و شهادت از آن می‌گذشتند. می‌دانیم که او دژ تسخیر ناپذیری بود که تمامیت ارضی میهن در وجود او مصون می‌ماند.

ای عماد... به خاطر همه این ارزش‌ها و همه این دستاوردها تو را یاقوت زیبا، شفاف، شفیع، پناهگاه و خیال پرداز مقاومت می‌خوانم. هر طرحی و هر اقدامی در پرتو مقاومت با الفبا آغاز می‌شود، و الفبای مقاومت تو بودی... پاسخگوی پرسش‌های جهادگران و دورنمای از مومن مقاومت تو بودی... در برابر همه پدیده‌های نامتعارف و ناهنجاری‌های جامعه بر آشتی... نا ممکن‌ها را امکان پذیر ساختی... همه پدیده‌های غلط و سنت شکن را در هم پیچیدی، و در رویارویی با دشمن متجاوز زمام امور را به دست گرفتی. با وجودی که سال‌های طولانی در لاک خود زندانی بودی، اما در عین حال آزاد مردی بودی که واقعیت‌های تلخ را نفی می‌کردی، و به حقایق امور که بر پیشانی مجاهدان و بازوان پولادین شان نقش بسته بود پناه می‌بردی. پس از اینکه با سنگ ایمان و علم و امید، قلعه‌های تسخیر ناپذیر برای آنان به وجود آوردی از میان ما رفتی.

ای عماد... در این شرایط سرنوشت‌ساز، و سرشار از تحولات بنیادین، تو را نشانه راهمان و نماد پیروزی شکوهمندمان قرار می‌دهیم. میراث تو نشانه راه و دورنمایی رزمندگان و مجاهدان مستقر در جبهه‌های عشق و شهادت می‌باشد. تا با دیدگان تو دشمن را نشانه‌گیری کنند. دشمنان بدانند که عقربه‌های ساعت هرگز به عقب باز نمی‌گردد. از این پس این سرزمین دچار خشکسالی نخواهد شد. بادهای توفانی ویرانگر به دشت‌های سر سبز و خرم میهن آسیبی نخواهد رساند. چرا که خون تو دورنمای آینده میهن و منطقه را روشن کرده است. با خون تو سرنوشت و روند حرکت منطقه مشخص گردیده است.

ای عماد... در منزلگاه بهشتیان خشنود و آسوده باش... به آرزوی خود دست یافته‌ای، و به وصال معشوق رسیده‌ای... صدر المتألهین شیرازی گفته است: «هرگاه روح از بدن انسان جدا شود، و به سوی آفریدگار یکتا به پرواز درآید، آنگاه نشانه‌های بزرگ آفرینش هستی را تماشا خواهد کرد. روح او از گناه و شهوت پرستی و وابستگی‌های دنیوی پاک می‌شود. نور معرفت و ایمان به قدرت لایزال الهی در برابر چشمان او نمایان می‌گردد. این نور به گوهری مقدس تبدیل می‌شود. آنگاه یاقوت مقاومت به این نور می‌پیوندد.

میهن برای شرکت در مراسم خاکسپاری این شهید گرانمایه به بیروت آمده بودند استقبال به عمل آوردند. مردم با این اقدام، مراتب عشق و دلپستگی خود را به یکی از فرزندان این میهن کوچک به نمایش گذاشتند. میهن کوچکی که با خون شهیدان خود عظمت یافت، و برای همه ملت‌های جهان نماد پایداری و توانمندی و مقاومت گشت. اکنون شهیدان و رزمندگان مقاومت لبنان همه ملت‌ها و محافل سیاسی جهان را به شگفتی وا داشته‌اند. پایداری مردم لبنان در برابر تجاوزگری اسرائیل در جنگ ۳۳ روزه سال ۲۰۰۶ و تلاش خستگی ناپذیرشان برای بازپایی حقوق اساسی و هویت ملی‌شان، افکار عمومی را به شگفتی واداشته است. مردم لبنان با شرکت در مراسم تشییع شهید عماد مغنیه توانایی نامحدود خود را برای رویارویی با سختی‌ها و مشکلات و اختلافات و کشمکش‌های سیاسی به اثبات رساندند. این اختلافات به حدی رسید، که وحدت ملی و یکپارچگی داخلی و حق حیات این ملت را در آستانه فروپاشی قرار داده بود.

به درستی که حزن و اندوه ملی، مردم را یکپارچه می‌کند. ابعاد توطئه‌ها و تهدیدهای جدی را آشکار می‌سازد. اگر برخی هموطنان تاکنون نسبت به میزان و ابعاد این توطئه‌ها شک دارند و همواره دلیل و برهان می‌خواهند، به آنان می‌گویم که رفتار جنایتکارانه دشمن صهیونیستی هیچ شک و تردیدی باقی نگذاشته است. دشمن با دلایل مستند و واقعی ثابت کرده که همچنان دشمن کشورمان است، و تا نهایت تاریخ، دشمن‌مان باقی خواهد بود. اصرار دشمن برای نابودی لبنان و انتقام‌گیری از شکستی که در جنگ سال ۲۰۰۶ متحمل شده فزونی یافته است.

بنابراین برای رویارویی با توطئه‌ها و جنایات تروریستی دشمن وظیفه داریم هوشیار باشیم... وحدت و یکپارچگی ملی‌مان را پاس بداریم... چرا که خون شهید عماد مغنیه و سایر شهیدان لبنان راه سازندگی آینده درخشان را در برابرمان ترسیم کرد. ترور این مقاوم مطلق زنگ خطری برای هموطنان غافل لبنانی است که گمان کرده‌اند جنگ اسرائیل با لبنان پایان یافته است. به آنان هشدار می‌دهم که جنگ همچنان ادامه دارد. مردم وظیفه دارند با حفظ هوشیاری و یکپارچگی، خود را برای رویارویی با تهدیدهای اسرائیل آماده نمایند. باید این واقعیت را درک کنند که اسرائیل تا نهایت همچنان دشمن‌شان باقی خواهد بود. تنها کسی که

تسخیر ناپذیر برای پاسداری از خاک میهن خواهد بود. من و برادرانم همه اعضا و کادر رهبری حزب الله و جنبش مقاومت اسلامی، و نیز برادرانم در کادر رهبری و اعضای جنبش امل در درجه اول لبنانی باقی خواهیم ماند. از لبنان و هویت ملی‌مان، و از هویت عربی و اسلامی‌مان چشم پوشی نخواهیم کرد. ما لبنانی هستیم و به هویت لبنانی‌مان افتخار می‌کنیم. ما عرب و مسلمان هستیم و به اسلام خویش مباهات می‌کنیم.

به برادرانم مستقر در سنگرها و جبهه‌های جنوب و به همه تلاشگران توصیه می‌کنم که در برابر تجاوزگری دشمن صهیونیست همواره اسلحه‌شان را در دست داشته باشند. گزینه مقاومت تنها گزینه‌ای است که پیروزی به ارمغان می‌آورد. ما با گزینه مقاومت در جنگ ۳۳ روزه ژوئیه سال ۲۰۰۶ بر اسرائیل به پیروزی بزرگ دست یافتیم. با گزینه مقاومت اسرائیل را کاملاً شکست دادیم. زیرا حاج عماد مغنیه برای رزمندگان مقاومت الگو و سرمشق بود و از آرمان عادلانه ملت فلسطین دفاع می‌کرد.

شهادت حاج عماد مغنیه را به خاندان پاک و خوشنام او تبریک می‌گویم. چه نام فامیلی زیبایی را برای خودتان انتخاب کرده‌اید. این نام برای شیعیان و همه مردم لبنان افتخار آفرین است. پدر شهید عماد مغنیه مرد خیر خواهی است. مادر عماد مغنیه زن پاکدامنی است که سه قهرمان پرورش داده است.

در این مناسبت لازم می‌دانم به این نکته اشاره کنم. من برای اولین بار این راز را فاش می‌کنم. چندی پیش با سفیر پیشین آمریکا در لبنان دیدار و گفت و گو کردم. در آن دیدار داوطلب شدم و از دولت آن کشور برای سه جوان لبنانی تقاضای بخشودگی کردم. به سفیر آمریکا هشدار دادم، و به او گفتم امکان ندارد این سه جوان انقلابی خود را تسلیم شما کنند، و یا در دامی که برای آن‌ها گسترده‌اید گرفتار شوند. این جوانان به من گفته بودند که نبرد و مبارزه را با دشمن اشغالگر ادامه می‌دهند. با کشته می‌شوند و یا دشمنان را به قتل می‌رسانند. من به آمریکایی‌ها توصیه می‌کنم که از پیگرد این جوانان انقلابی همچون عماد مغنیه و هم‌زمان او دست بردارند. زمانی که آمریکایی‌ها روی موضع‌شان پافشاری کردند، به آنان گفتم که شما هرگز به این جوانان دسترسی پیدا نخواهید کرد. ما همواره در کنار آن‌ها خواهیم بود. زیرا هر کدام‌شان معادل یک‌هزار رزمنده هستند.

حاج رضوان در اوج سوگواری میهن به شهادت رسید...

سوگنامه عماد مغنیه از زبان طلال سلمان مدیر مسئول روزنامه السفير

در یکی از روزهای بهاری، حزن و اندوه سراسر وجود لبنانی‌ها را فرا گرفت. آن‌ها را صرفنظر از اختلافات‌شان و دیدگاه‌های سیاسی متفاوت‌شان مانند دریای خروشان متحد و یکپارچه کرد. چرا که در آن روز اصل موجودیت میهن و نظام در مرکز خطر جدی قرار گرفته بود.

مردمی که خود را برای شرکت در مراسم بزرگداشت شهید رفیق حریری نخست وزیر پیشین آماده می‌کردند، ناگهان جنگ افروزان متجاوز اسرائیلی، یکی از قهرمانان شجاع این سرزمین را نشانه گرفتند و به شهادت رساندند. او عماد مغنیه فرمانده شهید حزب الله است که مقاوم زندگی کرد و مقاوم به درجه رفیع شهادت نایل آمد.

به درستی که خیابان‌های مرکزی و اطراف بیروت آغوش باز کردند، و از کاروانیان صدها هزار لبنانی که از گوشه و کنار



حاج رضوان معادل هزار جنگجو بود...

سوگنامه شیخ عبد الامیر قبالان نایب رئیس مجلس اعلای شیعیان لبنان

و تو ای عماد... شجاعت و سلحشوری را در خود مجسم ساختی... همگام با سایر مجاهدان و رزمندگان مقاومت اسلامی، مردم لبنان را سرافراز کردی... تو مرد بزرگ میدان جنگ بودی، و از مرگ هراس نداشتی... در این مقوله برای هیچ یک از رزمندگان شجاع مقاومت استثنا قائل نیستیم... همه‌شان به شهادت عشق ورزیدند، و آخرت ماندگار را بر این دنیای فانی ترجیح دادند... اگر چه دیر هنگام با تو آشنا شدم، ولی همیشه مشتاق دیدار تو بوده‌ام... تو مردی شجاع و سلحشور بودی... تو و همه فرزندان غیور مقاومت در سازندگی تاریخ نوین لبنان نشانه‌های راه بودید...

عماد... تو همچنان زنده هستی... همه دشمنان و کسانی که بر ضد تو توطئه کردند مرده‌اند... اسرائیل همچنان در حال سردرگمی، سرافکندگی، نگرانی، ترس و وحشت بسر می‌برد... ارتش و همه دستگاه‌های امنیتی خود را به حال آماده باش در آورده است. از پیامدهای این جنایت زشت، و از بیم حمله به سفارتخانه‌های خود در سرتاسر جهان و به مراکز نظامی خود در سرزمین‌های اشغالی فلسطین به شدت هراس دارد... صهیونیست‌ها، با ترور حاج عماد می‌خواستند جنگ ویرانگری را بر ما تحمیل کنند، ولی بدانند که ما آغازگر جنگ نخواهیم بود. به صهیونیست‌ها می‌گویم اگر خواهان جنگ هستید ما آمادگی جنگیدن را داریم. همه شهروندان لبنانی در این جنگ همچون عماد مغنیه خواهند جنگید.

شهادت حاج رضوان را به خاندان مغنیه که خاندان علم و رستگاری هستند تبریک می‌گویم. ما شیعیان لبنان سلاح را فقط برای رویارویی با اسرائیل به دست گرفته‌ایم. ولی با سایر برادران هموطن لبنانی بر مبنای سنت حضرت عیسی بن مریم (ع) رفتار خواهیم کرد. ایمن پیامبر بزرگ به ما توصیه کرده است: «اگر کسی به سمت راست صورت شما سیلی زد، سمت چپ صورت‌تان را هم به او نشان دهید. ما شیعیان لبنان بر اساس این توصیه به همه هموطنان لبنانی وفادار خواهیم بود. از لبنان مستقل و آزاد پاسداری خواهیم کرد. جنبش مقاومت اسلامی سپر بازدارنده و دژ



وجه قابل تجزیه و تحلیل نیست. مگر با واژه «ایمان... چرا که او به آرمان خود و به آرمان میهن و حق حیات ملت خود ایمان کامل داشت.

پس از گذشت ۲۵ سال از جهاد خستگی ناپذیر... این سوارکار شجاع از زین اسب به زمین افتاد... چگونه... چرا... کجا... و چه کسی و با چه شیوه و با چه نیرنگی او را به زمین زد؟ پاسخ این پرسش‌ها باید داده شود. به نظر می‌رسد پاسخ به این پرسش‌ها به علت شرایط پیچیده‌ای که او برای زندگی انتخاب کرده بود مدت زمانی طول خواهد کشید. به این علت که این عملیات تروریستی و شیطان صفتانه با دقت بسیار به مورد اجرا گذاشته شده است. این مجاهد اسطوره‌ای ونستوه با شهادت خود به نماد واقعی تبدیل شد. هاله‌ای از نور و عظمت نام و یاد عماد را فرا گرفت. شهادت، او را الگو و سرمشق و نشانه راه‌هایی از ظلم و بیعدالتی و اشغالگری و تبلیغات دروغین قرار داد. امیدوارم شهادت حاج رضوان پیوندهای سیاسی و اجتماعی مردم لبنان را بیش از پیش استحکام بخشد، تا مردم این سرزمین در سایه شهیدان بزرگ خویش با عزت و سربلندی زندگی نمایند.



دشمنان از شنیدن نام حاج رضوان هراس داشتند...

سوگنامه عماد مغنیه از زبان فرزند شهید شیخ راغب حرب

شهادت حاج رضوان، این فرمانده فرزانه و شجاع را به سید حسن نصرالله دبیر کل حزب الله و همه مجاهدان راستین و رزمندگان مقاومت اسلامی و خانواده محترم شهید و همه مردم با ایمان تسلیت می‌گویم. به روح پاک فرمانده مجاهدان راه اسلام حاج عماد مغنیه و به روح پاک سید الشهداء مقاومت اسلامی سید عباس موسوی و همسر و فرزند شهید او، و نیز به روح پاک پدرم شیخ الشهدای مقاومت اسلامی، شیخ راغب حرب و همه شهیدان راه آزادی و عدالت درود می‌گویم.

مسلمانان لبنان هر چند سال یک‌بار، در ماه فبریه شهید بزرگی را تقدیم حق تعالی و راه اسلام و آزادی کنند. دشمن صهیونیستی گمان کرده است با ترور رهبران و فرماندهان مقاومت می‌تواند نهضت خروشان مردم آزادی خواه لبنان را خاموش کند. پس از گذشت ۲۵ سال از شهادت شیخ راغب حرب و پس از گذشت ۲۰ سال از

از خروج این مقاومت از لبنان در پی یورش سال ۱۹۸۲ اسرائیل به این کشور عماد بیدرنگ به صفوف حزب الله پیوست.

از لحظه پیوستن ایشان به تشکیلات نوپای حزب الله، پیوندهای دوستانه و همکاری مبارزاتی میان مغنیه و سید حسن نصرالله گره خورد. هر دو در قلب مقاومت، مسئولیت فرماندهی و برنامه‌ریزی و اجرای عملیات را برعهده داشتند. آن دو همگام با سایر مجاهدان مقاومت اسلامی در جنگ‌های سال‌های ۱۹۹۳ و ۱۹۹۶ که اسرائیل بر لبنان تحمیل کرد شرکت کردند. در فضای شاد و لذت بخش آزادی جنوب و عقب نشینی اشغالگران در سال ۲۰۰۰ در کنار یکدیگر بودند. آنگاه تقدیر الهی چنین بود که عماد مغنیه و حسن نصرالله در روزهای بزرگ و پر عظمت جنگ سال ۲۰۰۶ دوش به دوش هم باشند و صحنه‌های درخشانی در رویارویی با تهاجم وحشیانه اسرائیل بیافریند. بی‌تردید جنبش مقاومت اسلامی لبنان در سال‌های آینده پرونده شجاعت‌ها و دستاوردهای مبارزات بی‌نظیر و ۲۵ ساله حاج عماد مغنیه را رونمایی خواهد کرد. این جنبش جهادگر که در سایه تجاوزگری‌های مستمر اشغالگران و ناتوانی نظام سیاسی لبنان از رویارویی با این تجاوزگری‌ها متولد شده با سایر جنبش‌های رهایی بخش ملی و اسلامی منطقه تفاوت چشمگیر دارد. این جنبش نسبت به رشادتها و قهرمانی‌های شخصی رزمندگان مقاومت مباحثات و فخر فروشی نمی‌کند. همه تلاش خود را روی معرفی دستاوردهای بزرگ مقاومت به عنوان یک سازمان آرمان‌خواه که توانسته بخش وسیعی از سرزمین را از لوٹ اشغالگران آزاد سازد متمرکز کرده است.

این جنبش با تکیه بر علم و آگاهی و دشمن شناسی و برنامه ریزی بر اساس اطلاعات دقیق و کسب تخصص و تجربه و مهتر از همه برخورداری از روحیه شهادت طلبانه توانسته است به این دستاوردهای عظیم دست یابد. مجاهدان مقاومت هرگز افراد انتحاری نبوده‌اند. رزمندگان سلحشوری که دشمن و تاکتیک‌ها و نیرنگ‌های او را خوب شناخته بودند. در هنر رویارویی با دشمن تاندان مسلح از مهارت‌های وصف ناپذیر برخوردار بوده‌اند. توانستند همه شیوه‌ها، روش‌ها و تاکتیک‌های دشمن را شناسایی کنند و به همه نهادهای اطلاعاتی و ضد اطلاعاتی و موانع مخفی دشمن رخنه کنند، و عوامل جاسوس و خبرچین و منابع اطلاعاتی دشمن را کشف و بازداشت نمایند.

نظر به این که حاج عماد مغنیه یک انسان ظاهرنا و جنجال برانگیز نبوده... به دستاوردهای عظیم شخصی خود مباحثات و فخر فروشی نمی‌کرده است... به داشتن نقش سیاسی و شهرت طلبی هیچ علاقه‌ای نشان نمی‌داده است... مسئولیت‌هایش را به نحو مطلوب و با دقت کم نظیر ادامه می‌داده است... به روشنی می‌دانست که خود را وقف شهادت کرده است... شاید از لحظه تولد به درجه شهادت نایل آمده بود... به همین دلیل تا آخرین نفس، یک رزمنده مقاوم مطلق بوده است... هیچ کسی چهره او را نمی‌شناخت. اما بازتاب حرکت و نقش او در جهان طنین انداز بود. رویدادهای گذشته نشان داد که او همه جا حضور داشت. در هر عملیاتی که بر ضد اسرائیلی‌ها روی می‌داده، او متهم اصلی شناخته می‌شد. نام او در سراسر وجود دشمنان وحشت می‌آفریده است. دشمنانی که از شناسایی او و حرکات او عاجز مانده بودند. به همین دلیل او را «روبه نامیدند. شیخ اسطوره‌ای او خواب راحت را از اسرائیلی‌ها ربوده بود. دستگاه‌های جاسوسی و قدرتمند آنان که از سوی جاسوسی گوناگون غرب به ویژه از سوی آمریکا پشتیبانی می‌شدند از شناسایی عماد مغنیه عاجز ماندند. حضور و عملکرد اسطوره‌ای بنام مغنیه به هیچ

از تفرقه و پراکندگی و تضعیف وحدت ملی مردم لبنان سود می‌برد دشمن صهیونیستی است. اختلافات سیاسی توانمندی و مقاومت مردم را تضعیف می‌کند.

برای افراد غافل و از همه چیز بی‌خبر کافی است که به تصویر نمایندگان صف کشیده پارلمان اسرائیل به منظور عرض تبریک شهادت عماد مغنیه به ایهود المرت نخست وزیر (پیشین) شکست خورده در لبنان نگاه کنند. ترور مرد قهرمانی که از دوران نو جوانی خویش را وقف شهادت کرده بود، اسرائیلی‌ها را شاد و خرسند کرد. نمایندگان پارلمان اسرائیل همچنین به مئیر داگان رئیس موساد که این جنایت شوم را طراحی کرده بود درود گفتند. کافی است افراد غافل به اظهارات سخنگوی دولت آمریکا نگاه کنند. او گفته است: «پس از ترور مغنیه دنیا بهتر از گذشته شده است... ما برای مرگ مغنیه گریه نمی‌کنیم».

کافی است هموطنان غافل لبنانی به گواهی دشمنان توجه نمایند که عماد مغنیه را برنامه ریز ممتاز، مغز متفکر و مرد خطرناک توصیف کرده‌اند. برای دشمنان امکان نداشت به راحتی و سادگی او را شناسایی کنند. طبیعی است که اسرائیل از زبان جدهون عزرا اعلام کند: «به کسی که این ترور را انجام داد تبریک می‌گوئیم. بسیاری از هموطنان حرفی برای گفتن درباره عماد مغنیه ندارند. چه او انسان به تمام معنی، مجاهدی خستگی ناپذیر، برنامه‌ریز حرفه‌ای، بی‌نهایت شجاع و مردی که متهورانه وارد میدان کارزار می‌شد. شاید از این مرد شجاع که حدود ۲۵ سال مجاهدت و مبارزه کرده فقط چند عکس از او به یادگار مانده است. این جوان روستائی زاده و فرزند روستای طیردبا در یک خانواده فقیر و تهی دست به دنیا آمد. مانند هزاران خانواده محروم و بی‌بضاعت از این منطقه کوچ کرده و یکی از محله‌های فقیر نشین بخش شرقی بیروت را برای سکونت انتخاب کرد. اما دیری نپایید که این خانواده در پی آغاز جنگ‌های داخلی لبنان در سال ۱۹۷۵ دوباره از بخش مسیحی نشین النبعه به بخش جنوبی بیروت انتقال یافت.

نظر به این که زادگاه عماد مغنیه نزدیک مرز فلسطین واقع شده است، خانواده او شاهد بزرگترین عملیات تبعید و آوادگی دستجمعی ده‌ها هزار فلسطینی به لبنان بوده است. افزون بر آوارگی فلسطینی‌ها، حمله‌های پی در پی هوایی، زمینی و دریایی اسرائیل به جنوب لبنان باعث شد عماد مغنیه با آرمان فلسطین همفکری کند، و در نهایت برای دفاع از میهن خود به جنبش مقاومت فلسطین و سپس

او انسان به تمام معنی، مجاهدی خستگی ناپذیر، برنامه‌ریز حرفه‌ای، بی‌نهایت شجاع و مردی که متهورانه وارد میدان کارزار می‌شد. شاید از این مرد شجاع که حدود ۲۵ سال مجاهدت و مبارزه کرده فقط چند عکس از او به یادگار مانده است.

مقاومت لبنان بیبوند. چرا که اسرائیلی‌ها هر چند یکبار با بمباران روستاهای جنوب لبنان، هزاران شهروند جنوبی را شهید و یا آواره می‌ساختند. بر این اساس عماد به عضویت جنبش فتح در آمد و مدتی در یگان شماره ۱۷ نیروی ویژه ضربتی سازمان آزادی بخش فلسطین فعالیت کرد. با توجه به این که عماد مغنیه بر اساس اعتقادات و باورهای درونی خود به صفوف جنبش مقاومت فلسطین پیوسته بود، پس

از سوی دیگر اقدام تروریستی اسرائیل یک کار حرفه ای بود. اگر عماد زنده می ماند، بی تردید نسبت به این اقدام خشمگین می شد، اما هرگز انفعالی برخورد نمی کرد. مردی که بهترین شیوه های نابودی اسرائیل را جستجو می کرد، دیگران او را آرمان خواه توصیف می کردند و می گفتند که او رؤیاهای بلند پروازانه در سر می پروراند. اصولاً واژه نابودی اسرائیل در ذهن او حک شده بود. کسانی را که ایده های او را ساده اندیشی و کودکانه عنوان می کردند به باد تمسخر می گرفت.

عماد با این ایده فقط در حد شعار معتقد نبود، بلکه همه تلاش های خود را روی تحقق این شعار متمرکز کرد. اسرائیل بر این اساس او را دشمن شماره یک معرفی کرد. اسرائیلی ها او را مردی می دانستند که به طرز خستگی ناپذیر برای نابودی رژیم پوسیده شان گام بر می دارد، و توان فرسایش این رژیم را دارد. اسرائیلی ها سایه او را نه فقط در لبنان، که در قدس و کرانه باختری رود اردن و در نوار غزه و در قلب فلسطین به روشنی حس می کردند. به دنبال سایه او راه می رفتند. در خارج از سرزمین های اشغالی چهار چشمی و در حالتی نگران کننده مراقب او بودند. او نیز سایه به سایه اسرائیلی های اشغالگر در حال حرکت بود.

عماد مغنیه می دانست که آمریکایی ها نیز او را تحت تعقیب قرار داده اند. او می گفت: «آمریکایی ها داستان هایی درباره می یابند. در بسیاری از عملیات مسلحانه که در گوشه و کنار جهان بر ضد آنان روی می دهد، مرا مسئول آن ها معرفی می کنند. اوضاع را طوری جلوه می دهند، مثل این که من کلیدار هستی هستم. نمی خواهند باور کنند که من بخشی از نهادی هستم که برای تحقق اهداف و آرمان خود بی سر و صدا برنامه ریزی می کند و به آرامی گام بر می دارد. حرکت مقاومت اسلامی، هرگز انفعالی و انتقامجویانه نیست. دشمنان خوب می دانند که در دستور کارم فقط یک بند وجود دارد، و آنهم راهی از اشغالگری و پشتیبانی از مقاومت فلسطین است. زیرا تلاش برای آزادی سرزمین فلسطین مسئولیت همه ملت های اسلامی است، هر چند که میان فلسطینی ها افرادی بر خلاف این ایده حرکت نمایند».

آنگونه که برخی افراد ساده لوح وانمود کرده اند، حاج رضوان سایه سید حسن نصر الله دبیر کل حزب الله، و مرد شماره ۲ حزب الله و تنها فرمانده و الهام بخش روحی و معنوی مقاومت نبوده است، چه او مرد توانمند و مبتکری بوده که مراحل فرماندهی را در نهاد مقاومت به خوبی طی کرده و دستاوردهای بزرگ و ارزشمندی از خود بر جای گذاشته است.

عماد هرگاه شرایط اقتضا می کرد، در صحنه حضور می یافت، و برای جنگ با دشمن صهیونیستی می اندیشید و برنامه ریزی می کرد. همه گونه امکانات و تجهیزات رزمندگان را تأمین می کرد. برای سازماندهی نبردی بی امان با اشغالگران همواره در جبهه های جنگ جنوب حضور می یافت. دشمن را با مهارت تمام فریب می داد. علاقمند بوده تا جایی که دشمن را از نظر روانی سردرگم کند از خود اثر انگشت و یا نشانه ای بر جای می گذاشت. در برخورد با دشمن بی رحم بسیار سرسخت و انعطاف ناپذیر بود. برای اسرائیل امکان نداشت او را در میدان جنگ و یا در اطاق عملیات شناسایی و به شهادت برساند. بی تردید اسرائیلی ها از شناسایی و یافتن عماد در میدان رزم ناتوان بودند. به رغم همه اقدامات تحریک آمیزی که در درون محافل اطلاعاتی و امنیتی و سرویس های جاسوسی دنیا برآه انداختند، برای دستیابی به ابر مردی که همه جنایت کاران و مستکبران را غافلگیر کرده و به وحشت انداخته کافی

الهی اطمینان دارد می گویم که ما همواره پشت سر تو ایستاده ایم. در سایه پرچم تو به حرکت مان ادامه می دهیم. سختی و مشکلات این راه پر فراز و نشیب ما را به زانو در نخواهد آورد. همچون قله های استوار در برابر کولاک و توفان مقاومت می کنیم.



حاج رضوان «جادوگر مقاومت شهید شد...

سوگنامه ابراهیم الامین سردبیر روزنامه الاخبار

مرگ را در چشمان شان می دیدم... شکست در چشمان شان به روشنی نمایان بود... هنگامی که نخستین دسته موشک ها به سوی شهر حیفای شلیک شدند، به دوستانی که کنارم ایستاده بودند گفتم اسرائیل بازنده این جنگ است...

این بخشی از خاطرات عماد مغنیه از رویدادهای جنگ ۳۳ روزه ژوئیه سال ۲۰۰۶ بود. او چند هفته پس از توقف جنگ که از فرط خستگی و ناراحتی جسمی رنج می برد، در یک آپارتمان ساده در یکی از محله های فقیر نشین بیروت زندگی می کرد. این مرد نیرومند حزب الله در آن آپارتمان ساده آرام نبود و نقشه آمادگی برای رویارویی با حمله احتمالی مجدد دشمن صهیونیستی را ترسیم می کرد. زیرا مطمئن بود که دشمن به منظور جبران این شکست تصمیم گرفته از مقاومت اسلامی انتقام بگیرد.

عماد طبق معمول کمتر سخن می گفت و همواره اوضاع کشور جنگ زده و مناطق ویران شده لبنان را جویا می شد. از رشادت و شجاعت و پایداری خستگی ناپذیر مردم سؤال می کرد. از طرفی هم دلایل موضع گیری های زشت و ننگ آور برخی جریان های لبنانی را جویا می شد. عماد برنامه های خود را با دقت ارزیابی می کرد. هیچ کس نمی توانست تشخیص دهد در مغز و ذهن او چه می گذرد.

بسیاری از افراد و محافل امنیتی، عماد مغنیه را شیخ، حاج رضوان، روباه و معما توصیف کردند. این ابر مرد امکان نداشت در صحنه ظاهر شود مگر با پیکر به خون آغشته و شهید شده. هیچ کسی جرأت نگاه کردن به سایه او را نداشت مگر در یک محفل بسیار تنگ و محدود. بنابر این دشمن با دستیابی به حاج رضوان به کار بسیار وحشتناک و خطرناکی دست زده است. در عین حال با ترور او ضربه دردناک، کمر شکن و ناجوانمردانه به مقاومت وارد آورده که در تاریخ حزب الله بیسابقه است.

شهادت سید عباس موسوی، این بار دست جنایتکاران تروریست به سوی یکی از فرماندهان سلحشور مقاومت دراز شد، و حاج رضوان را به قله عظمت و حیات جاودانگی رساند. دشمن نمی داند که با خون پاک این شهیدان بزرگ بادهای عزت و سربلندی و بوی بهشتیان بر سرزمین جبل عامل وزیدن گرفته است... دشمن نمی داند که با صلابت و عزم آهنین رزمندگان مقاومت اسلامی، اسطورهی شکست ناپذیری ارتش رژیم صهیونیستی به افسانه تبدیل شده است...

امام و سرور شهیدان ما حضرت ابا عبد الله الحسین (ع) به ما آموخته است که با شهادت و پایمردی و با اراده خلل ناپذیر می توانیم عزت و کرامت انسانی خویش را باز یابیم. با شعار هیئات منا الذله و توکل بر حق تعالی می توانیم به ساحل رهایی و نجات برسیم. در شرایطی که عربده های ارتش رژیم صهیونیستی لوزه پر اندام رژیم ها و ارتش های دولت های عربی می انداخت، و در دل آن ها رعب و وحشت ایجاد می کرد، شما مردان غیور و شجاع مقاومت اسلامی روی پای خود ایستادید، و با اطمینان به وعده های غیبی الهی، به مردم نوید پیروزی دادید. شما جز در پیشگاه خدای بزرگ در برابر هیچ بندهای کمر خم نکردید. با نثار خون تان صحنه های حماسی و درخشان برای مردم جنوب لبنان آفریدید. با مقاومت بی نظیر و شکوهمندان، پیروزی های درخشان به ارمغان آوردید. با مقاومت و ایستادگی در برابر ماشین مدرن جنگی صهیونیست های غاصب، برای ملت های آزادی خواه جهان الگو و نمونه شده اید. روزی که معرفت و شناخت خدا در ذهن و قلب تان تجلی یافت، پرده های یأس و نومیدی را دریدید، و فاصله های رسیدن به معبود را کوتاه کردید.

و تو ای حاج رضوان! به مستکبران و همه طاغوتیان فهماندی که هر اندازه به مردم ظلم و ستم روا بدارند، و مانند فرعونیان با مردم رفتار کنند، روزی دژهای آنان فرو می ریزد و به خاک ذلت می نشینند. بلایی بر سر دژخیمان و مستکبران فرود آوردی که از شنیدن نام تو هراس داشتند. پس از شهادت نیز نام و یاد تو در دل شان رعب و وحشت می آفریند. همه این دستاوردها در نتیجه پیوند مستحکم تو با خدای بزرگ بوده است. ترس، هراس، بیم و نگرانی هرگز با فرهنگ تو سازگار نبوده است. عزت و سربلندی را از پیشگاه خدای بزرگ تقاضا کردی و نه از درگاه پادشاهان زبون و خار صفت! در طول تاریخ دیده شده کسانی که به درگاه طاغوتیان و مستکبران ناتوان پناه بردند خار و ذلیل شدند، مانند این است که به خانه عنکبوت پناه برده اند.

ای عماد... ای شهید بزرگ... هر اندازه دشواری ها، سختی ها و درد و رنج ها فزونی یابند، هر اندازه دشمنان در مسیرمان کمین کنند و مانع حرکت مان شوند، از راه تو منحرف نخواهیم شد. امانتی را که بر دوش مان نهاده ای بر زمین نخواهیم گذاشت.

به آقای دبیر کل حزب الله که همواره به وعده های پیروزی

روزی دژهای آنان فرو می ریزد و به خاک ذلت می نشینند. بلایی بر سر دژخیمان و مستکبران فرود آوردی که از شنیدن نام تو هراس داشتند. پس از شهادت نیز نام و یاد تو در دل شان رعب و وحشت می آفریند. همه این دستاوردها در نتیجه پیوند مستحکم تو با خدای بزرگ بوده است.

نموده است.

از عقب نشینی اسرائیل از جنوب لبنان در سال ۲۰۰۰ چند روزی نگذشته بود که حاج رضوان کار ترسیم خط آتش جدیدی را آغاز کرد. از آن تاریخ مرز لبنان با فلسطین اشغالی را محل سکونت جدید خود قرار داد، تا شبانه روز هوای فلسطین را استشاق کند. تاکتیک‌ها و تجربیات ارتش اسرائیل او را شگفت زده کرده بود. از این تجربه‌ها درس‌های بسیار عبرت آموزی آموخت. نارسایی‌های تاکتیکی اسرائیلی‌ها را بررسی می‌کرد و به منظور بهره برداری از آن طرح و برنامه ارائه می‌داد. با فرماندهان مقاومت شوخی می‌کرد و به آنان می‌گفت چنانچه نارسایی‌های دشمن را تشخیص دهند به آنان جایزه بزرگی تقدیم می‌کند. این جایزه وعده پیروزی یا شهادت بود.

برای فرماندهانی که با گروه حاج رضوان کار می‌کردند، شنیدن خبر شهادت دهها رزمنده مقاومت اسلامی بسیار دشوار و سنگین بود. از نظر دشمن نیز تشخیص انگیزه جوانان مقاومت برای حق دفاع سرسختانه از میهن‌شان دشوار بود. در عین حال درک نشانه‌های سکوت و آرامش عماد مغنیه برای همپیمانان او در سایر جنبش‌های مقاومت در کشورهای عربی دشوار بود. چرا که او همواره آنان را به بردباری و ادامه تلاش در راه فراهم نمودن امکانات لازم به منظور تداوم مبارزه با اشغالگران فرا می‌خواند. برای مبارزه با دشمن به جدول زمانبندی شده توجه نداشت و سقف خاصی نیز تعیین نمی‌کرد. هرگاه تصمیمات سرنوشت ساز اتخاذ می‌شد. خود را به اجرای دقیق آن ملزم می‌دانست. برای اجرای دقیق طرح‌ها و تصمیم‌گیری‌های سرنوشت ساز ماه‌ها منتظر می‌ماند. اما هرگز اجازه نمی‌داد طرح‌ها لو رود و ناچار شود طرح جدیدی را تسدادر ببیند. از تجربیات همه کسانی که پیش از او این راه را ادامه دادند بهره می‌گرفت. چه بسا شجاعت و مهارت و شایستگی رزمندگان غیور به شگفت زدگی او می‌افزود. از میان ما چه کسی باورش می‌شد که رزمندگان مقاومت لبنان از این همه توانمندی بی‌نظیر برخوردار هستند؟ در برابر همه گونه ابزارهای جنگی مقاومت کردند. ارتش اسرائیل از هر نوع سلاحی که در اختیار داشت بر ضد آنان بکار گرفت. اما رزمندگان مقاومت از پایگاه‌های خود فرار نکردند و سلاح‌شان را بر زمین نگذاشتند.

عماد مغنیه در آن روزهای سخت و سرنوشت ساز بیش از همه نسبت به آینده و برای دستیابی به پیروزی قطعی خوشبین بود. او پس از توقف جنگ ۳۳ روزه گفت: «اگر اسرائیلی‌ها دوباره بخواهند شانس‌شان را با ما بیازمایند به آنان درس فراموش نداشتن می‌دهیم. پاسخ دندان شکنی به آنان می‌دهیم که هرگز تصور آن را نخواهند کرد. او یکی از دستیاران اصلی و وفادار سید حسن نصر الله بود. سید به عماد و مغز پویا و متفکر او عشق می‌ورزید. آن دو مرد روزهای طولانی را در سنگرهای جنوب گذراندند. عماد در این باره می‌گوید: «سید هیچ چیزی را به اندازه حضور در جبهه در کنار مجاهدان دوست ندارد. از مقررات متنفذ است. به دلیل برخورداری من از آزادی عمل در رفت و آمد میان پایگاه‌های جبهه و دفاتر حزب الله بدون محافظ و بدور از مقررات دست و پا گیر به من حسادت می‌کند. در ایستگاه‌های بازرسی خطوط جبهه هنگامی که مجاهدان ما را متوقف می‌کردند تا از مسئولان خود مجوز گذرمان را دریافت کنند، سید می‌خندید.

دوستم که با یکی از فرماندهان مقاومت روابط دوستانه و خاص دارد. در یکی از روزهای ماه ژوئن سال ۲۰۰۶ از او تقاضای مجوز بازدید از خطوط مقدم جبهه می‌کند. با وجودی که میان دوستم و فرمانده مزبور روابط خوشی و وجود دارد، اما هر کدام از آنان شغل یکدیگر

عماد هرگاه شرایط اقتضا می‌کرد، در صحنه حضور می‌یافت، و برای جنگ با دشمن صهیونیستی می‌اندیشید و برنامه ریزی می‌کرد. همه گونه امکانات و تجهیزات رزمندگان را تأمین می‌کرد. برای سازماندهی نبردی بی‌امان با اشغالگران همواره در جبهه‌های جنگ جنوب حضور می‌یافت.

را نمی‌شناختند. تاریخ بازدید مشخص شد و فرمانده مزبور از دوستم خواست با خودروی خویش به جنوب برود. در مسیر راه یک رزمنده نو جوان آنان را متوقف کرد و از دوستم خواست از خودرو پیاده شود، تا بقیه مسیر را او رانندگی کند. راننده پس از گذشت چند دقیقه در نزدیکی یک مغازه میوه فروشی توقف کرد، و یک مرد میان سال معمولی سوار خودرو شد. مرد هیچ شباهتی به انقلابیون بزرگ نداشت، و شاید چهره او در ذهن هیچ کسی نمی‌گنجید. پس از گذشت حدود نیم ساعت، هر سه سرنشین به خودروی دیگری جابجا شدند تا آنان را به یکی از پایگاه‌های رزمندگان مقاومت راهنمایی کنند. مردی که میان راه به آن دو نفر پیوسته بود ناگهان ناپدید و پس از گذشت چند دقیقه دوباره با یونیفورم نظامی مخصوص فرماندهان ستاد مقاومت ظاهر شد. به همسفران خود دست داد و خود را به نام حاج رضوان! معرفی کرد... آنگاه عماد مغنیه (حاج رضوان) جادوگر مقاومت به مسیر خود در جبهه‌های رزم که از دوران کودکی با آن آشنا بود ادامه داد... اما این بار میراث سنگینی را برای همراه و هم‌رزم صديق خود سید حسن نصر الله از خود برجای گذاشت...



ترور حاج رضوان سر آغاز جنگ بی‌پایان...

سوگنامه هانی المصری سردبیر روزنامه الايام چاپ قاهره

فرماندهان نظامی و مسئولان سیاسی اسرائیل حق دارند نسبت به موفقیت اقدام تروریستی‌شان مبنی بر ترور فرمانده نظامی حزب الله، و مقاوم برجسته شهید عماد مغنیه شادی و فخر فروشی کنند. چرا که حزب الله با مقاومت و پایداری اسطوره‌ای در طول ۲۵ سال گذشته شکست ذلت باری بر ارتش اسرائیل تحمیل کرده، تاجایی

که رئیس کمیته حقیقت یاب اسرائیل (کمیته وینوگراد) به ناکامی‌های سیاسی و نظامی و اطلاعاتی این رژیم در جریان جنگ ۳۳ روزه ژوئیه سال ۲۰۰۶ اعتراف کرد. در این جنگ چند هزار رزمنده وابسته به یک حزب کوچک شبه نظامی، در برابر ارتش تادندان مسلح و مجهز به انواع سلاح‌های پیشرفته ساخت آمریکا و با تکنیک مدرن در زمینه‌های گوناگون حدود پنج هفته مقاومت کردند، و این ارتش را با شکست مفتضحانه مواجه کردند که در تاریخ ۶۰ ساله رژیم صهیونیستی سابقه نداشته است.

به درستی که آمریکا و اسرائیل عماد مغنیه را مسئول اصلی پیروزی بزرگ حزب الله لبنان در جنگ سال ۲۰۰۶ و مسئول مستقیم اجرای یک رشته عملیات کیفی می‌دانستند که در نتیجه آن صدها سرباز آمریکایی و اسرائیلی کشته شدند، تا جایی که برای شناسایی عماد و محل زندگی او جایزه ۲۵ میلیون دلاری تعیین کردند. به همین دلیل با کمک برخی سرویس‌های جاسوسی و امنیتی منطقه او را یافته و به طرز فجیعی به شهادت رساندند.

شکی نیست که شیوه راهیابی به این هدف بزرگ و انتخاب زمان و مکان اجرای این طرح تروریستی یک دستاورد بزرگ برای اسرائیل تعبیر می‌شود. اما اکنون این پرسش مطرح است که اسرائیل چگونه قادر خواهد بود خود را از واکنش حزب الله و مقاومت اسلامی مصون بدارد؟ آقای سید حسن نصر الله دبیر کل حزب الله اعلام کرد که دشمن صهیونیستی با ترور حاج رضوان راه جنگ بی‌پایانی را در برابر خود گشوده است.

اسرائیل با این اقدام در صدد بود به افکار عمومی یهودیان وانمود کند که شکست در جنگ سال ۲۰۰۶ را با ترور عماد مغنیه جبران کرده، و از طرفی قدرت بازدارندگی خود را باز یافته است. اما فروپاشی پی در پی شبکه‌های جاسوسی موساد در لبنان، نشان داد که اسرائیل بدون همکاری سرویس‌های امنیتی برخی دولت‌های عرب توانایی چنین کار بزرگی را نداشته است. شاید بتوان گفت که ترور شهید عماد مغنیه در نتیجه سهل انگاری و یا وجود خلل در تدابیر امنیتی معمول در حزب الله بوده که می‌بایست هرچه سریعتر به آن رسیدگی کرد، تا در آینده خسارت‌های سنگین و جبران ناپذیر و دشمن شاد بر این حزب وارد نیاید.

انگیزه و اهداف اسرائیلی‌ها از ترور مغنیه بسیار روشن است. آن‌ها با این عملیات تروریستی در صدد بودند در درجه اول اعتبار و حیثیت ارتش را پس از شکست در جنگ ۳۳ روزه باز یابند، و در درجه دوم می‌خواستند نظریه بازدارندگی ارتش را که در جنگ مزبور به شدت لطمه خورده بود باز سازی کنند. مقاومت اسلامی لبنان در آن درگیری نابرابر توانست از یک جهت جنگ را طولانی‌تر کند، و از جهت دیگر توانست جبهه جنگ را به داخل سرزمین‌های اشغالی فلسطین بکشانند. سوم این که موفق شد تا آخرین لحظه جنگ ابتکار عمل را در دست داشته باشد. دبیر کل حزب الله پیش از آغاز جنگ به اسرائیلی‌ها هشدار داده بود که امکان دارد آغازگر جنگ باشند. اما هیچ نقشی در سرنوشت روند جنگ و توقف آن نخواهند داشت. بنابر این ترور عماد مغنیه نشان داد که اسرائیل با اقدام احمقانه بزرگی که مرتکب شد نمی‌خواهد بپذیرد که شکست خورده، بلکه خود را برای جنگ در آینده آماده می‌کند، تا حیثیت از دست رفته اش را باز یابد. اسرائیل جز منطق جنگ و قدرت به هیچ چیزی اعتقاد ندارد. اگر هم نتواند با زور و قدرت به اهدافش برسد، از نهایت قدرت نظامی و سلاح کشتار جمعی استفاده می‌کند.

یکی از بزرگترین نشانه‌های قلدری و زور مداری اسرائیل پیش از حادثه ترور عماد مغنیه، بمباران یکی از مراکز دور

خودستایی شده بودند. ولی نمی‌دانم شهید عماد مغنیه برادر دو شهید فؤاد و جهاد و هم‌رزم شهدای بزرگ لبنان و فرزند سرزمین شهید پرور جبل عامل را از چه صنف مردانی توصیف کنم؟

یگانه آرزوی این مرد بزرگ، آزادسازی سرزمین‌های اشغالی جنوب، و تنها هدف او آسیب رساندن به سربازان دشمن بود، تا دشمن در آینده گستاخی و یورش مجدد به لبنان را نداشته باشند. او به همه زرق و برق های دنیا پشت کرد، و هیچ پاداش معنوی که حق مسلم همه مبارزان راستین است تقاضا نمود.

در نیمه دهه هفتم از قرن بیستم، عماد مغنیه که هنوز به سن ۲۰ سالگی نرسیده بود همچون بسیاری از فرزندان نسل آن مرحله به جنبش مقاومت فلسطین پیوست. چرا که در آن مرحله و در دوران ناامیدی‌ها و شکست‌های پی در پی دولت‌های عربی همه رؤیاها و آرزوهای جوانان انقلابی، در انقلاب فلسطین خلاصه می‌شده است. او پس از فراگیری آموزش‌های لازم به صف رزمندگان مقاومت فلسطین پیوست و دوش به دوش آنان با اشغالگران جنگید، و تجربه‌های فراوانی آموخت. این تجربیات را به مقاومت لبنان که امام موسی صدر اولین بنیانگذار آن بوده منتقل کرد. به موازات پیدایش حزب الله در پی حمله نظامی رژیم صهیونیستی به لبنان در سال ۱۹۸۲، عماد مغنیه در جنگهای شکست‌محاصره بیروت از تجربیات پیشین خود استفاده کرد.

پس از ناپدید شدن امام موسی صدر، آموزگار بزرگ عماد مغنیه و پس از خروج مقاومت فلسطین از لبنان، این امکان برای مغنیه وجود داشت که مبارزه را کنار بگذارد و در راهکار سیاسی و فکری خود تجدید نظر نماید، و به زندگی عادی و شخصی خود بازگردد، به ویژه که در نخستین روزهای یورش اسرائیل به لبنان بیشتر مردم این سرزمین چه در جنوب و چه در بقاع احساس سرخوردگی و ناامیدی کرده بودند. اما او به همراه تعداد اندکی از مبارزان سلحشور و متعهد و هم‌رزم خود، راهکار مقاومت را برنامه زندگی قرار داد. او که نقاط ضعف دشمن را شناخته بود، به فرسایش قدرت دشمن اطمینان داشت. به همین دلیل به برنامه ریزی و اجرای عملیات کیفی بر ضد اشغالگران ادامه داد. در نتیجه این عملیات، دشمن خود را در برابر یک مرد استثنائی با مغز استثنائی، ایمان پایدار و خلل ناپذیر، شایستگی بی‌ظنیر و توان بی‌سابقه، شیوه‌های نامتعارف و شجاعت غیر عادی یافت. دشمن نیز بر این اساس همه امکانات و توانمندی‌های خود و امکانات همپیمانان خود به ویژه آمریکا را به منظور پیگرد این مرد شجاع و کفایت در سرتاسر دنیا بسیج کرد.

زمانی که عماد مغنیه به صف انقلابیون مقاومت فلسطین پیوست، انتفاضه و مقاومت همگانی و محاصره فلسطین آغاز گردید. او همچون برادرانش فؤاد و جهاد و هم‌زمانش غالب عوالی، محمد صالح، ابو حسن سلامه و ابو علی یاسین تلاش خود را روی پشتیبانی از انتفاضه فلسطین متمرکز ساخت. این رزمندگان غیور همکاری و هماهنگی میان جناح‌های مقاومت لبنان و فلسطین و سایر کشورهای منطقه را یک امر حیاتی می‌دانستند. هر چند که عماد مغنیه و هم‌زمانش به همه جریان‌های فکری و سیاسی و مقاوم درون امت وابسته بودند، اما به ایده مقاومت برای اخراج اشغالگران و گشودن درها بسوی نهضت فراگیر فکری و سیاسی اصالت بخشیدند.

اسرائیل اعلام کرده بود، همه‌شان تهدیدهای سید حسن نصرالله را جدی گرفته‌اند. در پی این تهدیدها، کابینه رژیم صهیونیستی با صدور بخشنامه برای ارگان‌ها و شهروندان اسرائیل و همه یهودیان جهان آنان را به آماده باش عمومی و رعایت احتیاط فراخواند. به همه اسرائیلی‌ها توصیه شد از سفر به کشورهای عربی در این شرایط حساس خودداری نمایند.

با این وصف این پرسش مطرح می‌گردد که اگر اسرائیل واقعا خواهان صلح با اعراب می‌باشد و برای برقراری صلح گام بر می‌دارد، چرا عماد مغنیه را ترور کرد؟ مگر نمی‌داند این گونه اقدامات منطقه را دستخوش عملیات انتقام‌جویانه قرار می‌دهد؟ کسانی که بذر نفرت و کینه تیزی را در منطقه می‌پاشند، بی‌تردید به ترس و وحشت دامن می‌زنند. حزب الله که ستون فقرات مقاومت لبنان را تشکیل می‌دهد و تاکنون با وعده‌های صادقانه خود، ارتش اسرائیل را در سال‌های ۲۰۰۰ و ۲۰۰۶ شکست داده است، اکنون نیز می‌تواند وعده‌های خود را عملی سازد. در حال حاضر هیچ توجیهی برای نابآوری تهدیدهای جدی حزب الله وجود ندارد. اگر اسرائیل سخنان و تهدیدهای دبیر کل حزب الله را باور دارد، چرا ما اعراب آن را باور نداریم؟!



مردی که همیشه «ستاره مقاومت بود..»

سوگنامه معن بشور رئیس کمیته‌های مردمی لبنان

همانگونه که شناسایی سیمما و همه جهت گیری‌ها و رفت و آمدها و اهداف و برنامه‌های شهید عماد مغنیه در طول سالیان دراز مبارزه از سوی شبکه‌های جاسوسی موساد و سازمان سیا کار آسانی نبوده است. در عین حال هرگونه تلاش برای شناخت زندگی سراسر جهاد و مبارزه خستگی ناپذیر و دستاوردهای ۲۵ ساله این شهید گرانقدر، در روز شهادت او از سوی مراکز پژوهشی و رسانه‌های اطلاع رسانی جهان آسان نخواهد بود. زیرا این شهید بزرگ در طول حیات خود، پنهان کاری، از خود گذشتگی، فروتنی، مخالفت با هرگونه خودستایی و خود بزرگ بینی را به شدت رعایت می‌کرد، و با تحقق دستاوردهای چشمگیر، به اسطوره بی‌ظنیر تبدیل شد. این در حالی است که بسیاری از سیاستمداران برجسته و مبارزان پیشین در روند پیکار سیاسی سه دهه اخیر لبنان، قربانی دنباله روی از تمایلات خود خواهانه و

دست سوری، و ادامه حمله‌های هوایی به نوار غزه و تهدید مستمر به جنگ ویرانگر بر ضد حزب الله لبنان می‌باشد. اسرائیل با این شیوه تلاش می‌کند نقش برتری جویانه و سلطه گرانه در سرتاسر خاورمیانه داشته باشد. به ویژه اینکه اعراب نقش خود را از دست داده‌اند، و بازیگران جدیدی همچون ایران و ترکیه در صحنه سیاسی منطقه ظاهر شده‌اند.

یکی از پیامدهای خطرناک و نگران کننده ترور عماد مغنیه چگونگی واکنش دولت آمریکا به این اقدام تروریستی بود. سخنگوی دولت آمریکا این راهزنی بین المللی و نقض حاکمیت یک کشور مستقل را نادیده گرفت و اعلام کرد که با مرگ مغنیه جهان بهتر شده است! آمریکا به عنوان قدرتمندترین کشور جهان که مسئولیت حفظ امنیت و صلح جهانی را بر عهده دارد، در برخورد با موضوع ترور مغنیه موقعیت و مسئولیت خود را زیر پا گذاشت. جا داشت این اقدام تروریستی را که بدور از اصول حقوقی و قضایی انجام شده و در نتیجه آن حاکمیت یک کشور عضو سازمان ملل متحد مورد تجاوز قرار گرفته محکوم می‌کرد. به موجب قوانین و مقررات معمول سازمان ملل متحد، هیچ کشوری به هیچ وجه حق ندارد به حاکمیت و تمامیت ارضی کشور دیگری از کشورهای عضو سازمان ملل متحد آسیب برساند.

ولی اسرائیل که مورد حمایت همه جانبه و پشتیبانی آمریکا قرار دارد، و خود را مافوق قانون می‌داند، پس از گذشت چند روز از برگزاری مراسم شادمانی عمومی، و پس از عرض تبریک اعضای پارلمان به ایهود اولمرت نخست وزیر وقت نسبت به موفقیت عملیات ترور مغنیه و نیز ضمن خودداری مقام‌های این رژیم از بهعهده گرفتن مسئولیت قانونی و سیاسی این اقدام تروریستی، اکنون لبخند کنایه دار از چهره مسئولان اسرائیل از بیم انتقام حزب الله پنهان شده است. تهدیدات رهبر حزب الله و رهبر مقاومت لبنان آقای سید حسن نصرالله خواب آسوده را از چشم اسرائیلی‌ها ربوده است.

نویسندگان، روزنامه‌نگاران و تحلیلگران رسانه‌های اطلاع رسانی رژیم صهیونیستی نسبت به پیامدهای این اقدام نابخردانه به شدت ابراز نگرانی کردند. آنان تأکید کردند که ترور عماد مغنیه همه درها را به سوی واکنش حزب الله گشوده است. این اقدام نشان داد که اسرائیل از آتش افروزی در منطقه دست بر نداشته، و به بحران آفرینی در خاورمیانه ادامه می‌دهد. اسرائیل با این اقدام به حزب الله به اندازه کافی بهانه داده تا اعلام کند که جنگ ژوئیه سال ۲۰۰۶ هنوز پایان نیافته است. اسرائیل مهمتر از همه این بهانه را به حزب الله داد تا جنگ را به خارج از سرزمین‌های لبنان منتقل نماید. این امر باعث شده که مسئولان و منافع اسرائیل در سرتاسر جهان در معرض خطر جدی انتقام گیری حزب الله قرار گیرند. در این میان سید حسن نصرالله دبیر کل حزب الله آمادگی رزمندگان مقاومت را برای رویارویی با هرگونه تجاوز احتمالی دشمن اعلام کرد. ایشان اظهارات خود را تکرار کرد و گفت که اسرائیل با ترور مغنیه کلید شمارش معکوس نابودی خود را روشن کرده است. به این دلیل که با ترور شهید راغب حزب در سال ۱۹۸۴ شمارش معکوس عقب نشینی اسرائیلی‌ها از بیروت و سرتاسر جنوب لبنان به استثنای نوار اشغالی آغاز شد. همچنین با ترور سید عباس موسوی دبیر کل پیشین حزب الله در سال ۱۹۹۳ شمارش معکوس آزاد سازی نوار اشغالی به استثنای کشتزارهای شبعاً آغاز گردید.

مسئولان، سیاستمداران، فرماندهان نظامی، احزاب سیاسی و افکار عمومی اسرائیل، آنگونه که وزیر پیشین جنگ و رئیس ستاد مشترک ارتش و فرمانده منطقه شمال ارتش

حاج رضوان و پایان سرگذشت اسرائیل..

سوگنامه نسیم خوری
استاد دانشگاه لبنان

داستان سرگذشت فلسطین پایان نمی‌یابد... زیرا هر یهودی که متولد می‌شود، چاقویی همراه می‌آورد که سرانجام به وسیله آن به قتل می‌رسد... این یک سخن اغراق آمیز نیست. بلکه بخشی از قطعه شعری است که «وینا حییم» شاعر یهودی سروده است. ولی سید حسن نصرالله دبیر کل حزب الله با لحن و آهنگ خاصی که هنگام خدا حافظی با عماد مغنیه سرود، داستان سرگذشت اسرائیل را پایان یافته تلقی کرد. ایشان اعلام کرد که اسرائیلی‌ها با ترور عماد مغنیه گور خود را کندند.

شاید داستان گروه‌های مهاجر یهودی که از نظر فرهنگی و نژادی و زبانی با یکدیگر متفاوت هستند، و از سرزمین‌های دور دست به این منطقه کوچ کرده، و سرزمین فلسطین را غصب نموده‌اند به این زودی پایان نمی‌یابد. آنان به این سرزمین آمدند و با آواره نمودن مردم اصلی و بومی، کوشیدند نسل خود را بر سرزمینی که در افسانه‌های تاریخی و دینی‌شان هیچ اشاره‌ای به آن نشده تحمیل کنند. اگر این سخن را به افسانه مشهور یهودیان که می‌گویند: «شمشیر و تورات همزمان از آسمان نازل شدند» آمیخته کنیم، نتیجه خواهیم گرفت که شمشیر در ردیف اول و پیش از تعالیم تورات قرار دارد. رژیم صهیونیستی از زمان پیدایش آن در سرزمین فلسطین بر مبنای نسل کشی، خونریزی و کشتار ملت‌های منطقه بر پا شده و بر اساس این دیدگاه می‌توان سرنوشت این رژیم را ارزیابی کرد. چگونه می‌توان با کسانی که آرام نشستند و از خداوند خواستند به نمایندگی از سوی آنان بجنگد (خدای آفریدگار به نیابت از شما می‌جنگد و شما آرام نشسته اید - انجیل مسیح) اعتماد کرد؟

این آیه نشان می‌دهد که جامعه یهودیان برپایه خشونت و ترور و کشتار و خرابکاری برپا شده است. پاسخ به این پرسش که چگونه می‌توان با یهودیان سازش کرد؟ بسیار دشوار است. برای پاسخگویی به این پرسش به بازگو نمودن سخنان آقای سید حسن نصرالله پس از شهادت عماد مغنیه و ریخته شدن خون او بر سرزمین دمشق نیاز نداریم. به سخنان دیوید بن گوریون بنیانگذار اسرائیل استناد می‌کنیم که گفته است: «چنانچه اسرائیل در جنگی در برابر اعراب شکست بخورد، نابودی آن حتمی است». سید حسن نصرالله با استناد به این سخنان اعلام کرد، با شهادت عماد مغنیه فروپاشی کیان غاصب عملاً آغاز شده است. چرا که دشمن صهیونیستی با این اقدام موجبات فروپاشی خود را فراهم کرده است.

صرفنظر از تفسیر تاریخی سید حسن نصرالله درباره سرگذشت نهایی اسرائیل و اعلام آماده باش نظامی و سیاسی در سرزمین‌های اشغالی فلسطین در پی هشدار دبیر کل حزب الله مبنی بر لزوم خونخواهی شهادت عماد مغنیه که رعب و وحشت در دل همه صهیونیست‌ها در سرتاسر جهان ایجاد کرد، بطور تاکید باید گفت که داستان سرگذشت اسرائیل پایان یافتنی است. لازم می‌دانم که به این نکته نیز اشاره کنم که رزمندگان حزب الله که در این سرزمین ریشه دوانده‌اند و به عزت و کرامت انسانی خویش ایمان دارند، و به قدرت لایزال الهی و حق حیات مردم خویش چنگ زده‌اند، خود را از وابستگی به تاریخ قدیم و جدید معاف دانسته و سرنوشت و آرمان خویش را کاملاً به دست خداوند متعال سپرده‌اند.

پایان داستان سرگذشت اسرائیل تنها پیشگویی دیوید بن



گوریون نبوده است. چه پیش از او نیز ناحوم گلدمن رئیس آژانس جهانی یهود و یکی از بنیانگذاران کنگره جهانی یهود که پایه‌گذاری اسرائیل را زمینه‌سازی کرده، چند دهه پیش کتابی به عنوان «اسرائیل به کجا می‌رود؟» نوشته است. این کتاب در سال ۱۹۷۵ منتشر شده و با همکاری دانشجویانم آن را به زبان عربی ترجمه کرده‌ام. گلدمن در این کتاب گفته است: «شانس ماندن اسرائیل، این جزیره خونین! در قلب جهان عرب و جهان اسلام ناچیز است. اسرائیل بر اساس گناه به وجود آمده و گناه به تدریج به گناه بزرگتری کشیده می‌شود. شکل‌گیری قدرت فزاینده اعراب و مسلمانان را از قبل پیشگویی نکرده بودیم، فراموش کرده بودیم که اعراب و مسلمانان در قرن‌های گذشته بزرگ‌ترین قدرت جهان بوده‌اند. در بخشی از اروپا هم حکومت می‌کردند و یک آیین گسترده در جهان آفریدند. اکنون عامل زمان بسود آنان پیش می‌رود. اکنون کیان اسرائیل منزوی شده و به سوی بی‌ثباتی به تمام معنی حرکت می‌کند. چنانچه اسرائیل به خونریزی و فزون‌خواهی ادامه دهد نابودی آن حتمی است».

صرفنظر از داستان سرگذشت اسرائیل و پیامدها و دورنمای مبارزات خستگی ناپذیر ملت‌های منطقه. بطور تاکید اکنون رویدادهای بحرانی داخل لبنان پایان یافته است. با وجودی که ملت‌های خاورمیانه از کشمکش‌ها و درگیری‌های حاشیه‌ای پستوه آمده‌اند و برای سازندگی آینده خویش می‌اندیشند، قدرت‌های سلطه‌گر به فتنه انگیزی و تفرقه افکنی ادامه می‌دهند. در ارتباط با برخی جریانات سیاسی لبنان که خواهان خلع سلاح مقاومت هستند لازم می‌دانم نکاتی را به آنان یادآوری کنم:

۱- در منابع تاریخی هرگز اشاره نشده که مردم روسیه روزی یورش نظامی ارتش سزارها را پذیرفته باشند، و برای خلع سلاح فرزندان انقلابی‌شان با سران جنبش مقاومت وارد مذاکره شده باشند.

۲- در متون تاریخی هرگز اشاره نشده که مردم ممالک ایتالیا از سلاحی که برای آزادی میهن‌شان در برابر تجاوزگری رومی‌ها استفاده کردند شرمگین شده باشند.

۳- سرخپوستان آمریکا از چهار صد سال پیش تاکنون هرگز تسلیم زورگویی دولتمردان این کشور نشده‌اند، و همواره مراتب خشم و انزجار خود را نسبت به سیاست‌های نژاد

پرستانه دولتمردان آمریکا ابراز می‌دارند.

۴- تا کنون هیچ شهروند ایرلندی گستاخی آن را نداشته تا با جنبش مقاومت کشورش که با انگلستان مبارزه می‌کرده، وارد مذاکره شده باشد، و مبارزان ایرلندی را به خلع سلاح‌شان متقاعد کرده باشد.

۵- در متون و منابع تاریخی هرگز دیده نشده که دولت یونان با سازمان انقلابی ایلاس که شرافتمندانه با نازی‌های آلمان جنگیده است برای خلع سلاح این جنبش وارد مذاکره شده باشد.

۶- مردم سرزمین باسک تاکنون هیچ واکنش منفی نسبت به گروه‌های مقاومت که بر ضد دولت اسپانیا می‌جنگند نشان نداده‌اند.

۷- از زمان آزادی و استقلال ویتنام تاکنون نیز هیچ شهروند ویتنامی جلسه گفت‌وایی به منظور رسیدگی به سرنوشت روابط مقاومت این کشور با دولت آمریکا تشکیل نداده است.

۸- آیا می‌توان پنداشت که مردم چین در مورد سرنوشت مقاومت شکوهمندشان در برابر اشغالگران ژاپنی با مأثو تسه تونگ بحث و کشمکش داشته باشند؟

۹- آیا می‌توان پنداشت که شهروندان الجزایری روزی از مقاومت ملی کشورشان که ده‌ها سال با استعمارگران فرانسه جنگیده است، خواسته باشند درباره سرنوشت سلاح مقاومت با استعمارگران مذاکره کند؟

این گونه مثال‌ها فراوانند. چه بسا مردم چین ده‌ها سال در برابر سزارها و نیز کمونیست‌های روسیه مقاومت کردند. مردم آسیای میانه در برابر روس‌ها و مردم افغانستان در برابر اتحاد جماهیر شوروی به مقاومت برخاستند. فلسطینی‌ها شصت سال است در برابر اشغالگران صهیونیست مقاومت می‌کنند.

پیشگامی جنبش مقاومت فرانسه در برابر اشغالگران نازی هنوز زبانزد مردم این کشور است. به رغم برپایی اتحادیه اروپایی و فروپاشی دیوارهای تصنعی، مردم فرانسه هنگام برگزاری سمینارها و جشنواره‌های سینمایی و یا انتشار کتاب‌ها همواره عظمت مقاومت کشورشان را بر ضد اشغالگران آلمانی گرامی می‌دارند. هرگاه یادی از نام یک مزدور بیمار و کهنسال فرانسوی به میان می‌آید، همه احزاب دست راستی و چپ‌گرا و گروه‌های متخاصم فرانسه پیرامون واژه مقاومت متحد و منسجم می‌شوند.

اما سیاستمداران لبنانی که هیچ‌کس در حافظه‌شان وجود ندارد، از میان ملت‌های جهان اولین کسانی هستند که همه ارزش‌ها را نادیده گرفته‌اند، و با جنبش مقاومت کشورشان برای خلع سلاح آن وارد مذاکره شده‌اند! این رویکرد در تاریخ دنیا نظیر ندارد. به این سیاستمداران یادآوری می‌کنم که خورشید درخشان لبنان هرگز طلوع نمی‌کند، مگر از سرزمین جنوب!

در محله‌مان یک تروریست سکونت دارد...

سوگنامه حسن علیق

نویسنده روزنامه لبنانی الاخبار

انسان، گاهی فکر می‌کند آدم‌های مظنون به ربودن هوایما و یا منفجر نمودن سفارتخانه‌ها، گمنام و ناشناخته‌اند، یا هنوز از شکم مادران مهربانی به دنیا نیامده‌اند. آنچه در ذهن کودک هفت ساله در محله الصفر در بخش جنوبی بیروت زنده مانده، خاطراتی است که بزرگ‌ترا برای او بازگو کرده‌اند. برخی از کودکان این محله در ذهن خود چنین ترسیم کرده‌اند که عماد مغنیه مرد کوتاه قدی است که در سنین جوانی هوایما ربوده و یا تعدادی از دیپلمات‌های

باید گفت که ابعاد شخصیت و ماهیت مأموریت‌هایی که به او موکول شده بود دلایل پنهان ماندن اسرار و معماهای زندگی او را توجیه می‌کند. این جوان انقلابی که در روستای طیردبا از توابع شهرستان صور در جنوب لبنان دیده به جهان گشود، از دوران جوانی و پس از پیوستن به حزب الله صعود به قله‌های شکوه و عظمت و ماندگاری را آغاز کرد. عماد مغنیه در آستانه شکل‌گیری و سازماندهی حزب الله حدود ۲۰ سال سن داشت، و با تصمیم و اراده و جوش و خروش انقلابی به این حزب پیوست. مهمتر از همه چیز ماهیت نقش حزب الله و شرایط آن مرحله سرنوشت ساز را شناخته بود. در آن مرحله فراگیر شدن گرایشات اسلامی، بیشتر جوانان پر شور را به جنب و جوش و ادار کرده بود.

با وجودی که حاج عماد مغنیه از زمانی که خود را شناخت به عضویت جنبش فتح درآمد. ولی در پی حمله نظامی گسترده اسرائیل به لبنان در سال ۱۹۸۲ و اشغال این کشور و خروج مقاومت فلسطین از لبنان، مانند بسیاری از جوانان انقلابی و خشمگین به حزب الله پیوست تا در آینده نقش تعیین‌کننده‌ای در آزادی کشورش داشته باشد. از سوی دیگر پیروزی انقلاب اسلامی ایران، احساسات این جوان انقلابی و بسیاری از جوانان پر شور را بر انگیزت و آنان را به گرایشات دینی کشاند. عماد مغنیه در چنین شرایطی به مجموعه علامه سید محمد حسین فضل الله روحانی سرشناس لبنان پیوست، و دوش به دوش ایشان حرکت کرد. در این میان تعداد اندکی از جوانان انقلابی از هویت و ماهیت این جوان انقلابی و وظایف و مسئولیت‌های او شناخت داشتند و آینده او را پیشبینی می‌کردند.

سه سالی از پیوستن عماد مغنیه به حزب الله نگذشته بود که در سال ۱۹۸۵ مأموریت بسیار سنگین و حساسی به او موکول شد. از او خواستند برای شناسایی عاملان انفجار محله بئر العبد در بخش جنوبی بیروت تحقیق کند. هدف اصلی این انفجار ترور علامه فضل الله بود که در نتیجه آن حدود ۷۰ شهروند لبنانی شهید شدند. واگذاری مأموریت تحقیق و بررسی انفجار مزبور به عماد مغنیه یک اقدام سنجیده بود. زیرا ویژگی‌ها و تخصصی که در اینگونه مسائل داشت متولیان امور در حزب الله را متقاعد کرد تا چنین مأموریت سنگینی را به حاج رضوان موکول نمایند. این در حالی است که جهاد مغنیه برادر کوچکتر او در این انفجار به شهادت رسیده بود. برادر سوم او فؤاد مغنیه نیز در انفجار محله صغیر در سال ۱۹۹۴ شهید شد.

افرادی که از نزدیک حاج مغنیه را می‌شناسند، می‌گویند که او یک جوان معمولی نبوده است. از نظر بینش نظامی و امنیتی یک انسان بسیار با تجربه و موفق به شمار می‌رفت.

عماد مغنیه، همچون سایر فرماندهان مقاومت، دو فرزند پسرش را در تعطیلات تابستانی به جبهه‌های جنوب لبنان اعزام می‌کند. هر اندازه ترس و وحشت جوانان محله از نام عماد افزایش می‌یافت تواضع و بالندگی خاندان مغنیه نیز فزونی می‌یافت.

اشغالی ربوده شدند. فقط سید حسن نصرالله و حاج عماد مغنیه از این ماجرا آگاهی داشتند. به هر حال عماد مغنیه همیشه دوشادوش سید حرکت می‌کرد، برای رزمندگان مقاومت در ادامه این مسیر سویاپ اطمینان بود. یکی از رزمندگان وجود عماد مغنیه را مانند آغوش گرم مقاومت توصیف کرده بود. او گفته است که هنگام سفر حج به نیابت از حاج عماد دو رکعت نماز در خانه خدا خوانده است. روز شهادت عماد، پدرش به مغازه نمی‌آید. کارکنان نهادهای حزب الله بر سر کارشان حاضر نمی‌شوند. چند دقیقه بعد مادر آن جوان فریاد می‌کشد عماد را کشتند.

این جوان انقلابی، آمریکایی‌ها و اسرائیلی‌ها را سر در گم کرده بود..

سوگنامه عمار نعمه نویسنده لبنانی

داستان پیچیده شهادت این جوان انقلابی باور نکردنی است. سرگذشت این جوان انقلابی به سرگذشت یک فرمانده شیخ و یک مرد اسطوره‌ای شباهت داشت، و پس از گذشت ۲۵ سال مبارزه پنهان و افسانه‌ای، زندگی او پایان یافت، و نام او در ردیف نام‌آوران بزرگ تاریخ معاصر به ثبت رسید. سرنوشت چنین اقتضا کرد تا حاج عماد مغنیه در سایه زندگی کند، و با خاکسپاری او بسیاری از اسرار و راز تحولات مهمی که چهره تاریخ معاصر لبنان و منطقه، به ویژه روند مبارزه با اسرائیل را دگرگون کرد، همچنان پنهان بماند. شاید یکی از نشانه‌های مسخره آمیز تقدیر این باشد که همه رازها و معماهای زندگی عماد به رغم محوری بودن او در ساختار تحولات تاریخ لبنان و سیاستگذاری‌های این کشور، و نیز در روند شکل‌گیری مقاومت، همچنان پنهان بماند. شکی نیست که سیاستگذاری‌های لبنان از آغاز پیدایش این کشور مهم بوده، و بی تردید حاج عماد مغنیه با عملکرد خود نقش تعیین

کننده‌ای در دگرگونی این سیاستگذاری‌ها داشته است. اکنون که از میان‌مان رفته و به درجه رفیع شهادت نایل آمده، بسیاری از مردم لبنان می‌پرسند عماد فایز مغنیه کیست؟ آیا واقعا یکی از ارکان اصلی حزب الله بوده و از زمانی که به این حزب پیوست تا لحظه شهادت، چه نقشی در باروری حزب الله و مقاومت اسلامی لبنان داشته است؟ برای پاسخ به این پرسش‌ها،

غربی را در لبنان گروگان گرفته است. عملیات مسلحانه‌ای را بر ضد اشغالگران آمریکایی و اسرائیلی رهبری کرده است. هرگاه انفجار مهیبی در گوشه‌ای از جهان روی می‌داد، و هرگاه آمریکایی‌ها در صدد بودند به ما یاد آوری کنند که می‌خواهند از ما انتقام بگیرند، نام عماد مغنیه در حافظه‌ها و اذهان نقش می‌یست.

کودک هفت ساله هرگاه بزرگتر می‌شد، نام عماد مغنیه بیش از پیش در ذهن او جلوه‌گر می‌شد. در بونوس ایرس پایتخت آرژانتین انفجار مهیبی روی‌داد و متقابلا انفجار دیگری در محله الصغیر اتفاق افتاد، و فؤاد برادر کوچکتر عماد را در کام مرگ فرو برد. انفجارهای پی در پی ادامه می‌یافت. روزی در آرژانتین و چند سال بعد در شهر الخبر در منطقه شرقی عربستان سعودی.

اکنون کودک هفت ساله به سن بلوغ رسیده و درباره کارلوس و ودیع حداد مطالعه می‌کند. نام عماد مغنیه را در ردیف نامبرداران می‌بیند. آنگاه به بخش جنوبی بیروت ضاحیه نقل مکان می‌کند. به او می‌گویند که خانواده عماد مغنیه در ساختمان مجاور خانه او سکونت دارند. بیم و هراس سراسر وجود جوان را فرا می‌گیرد. اما تواضع و ساده زیستی پدر ابو عماد و مهربانی مادر عماد بیدرتنگ بیم و هراس جوان را از بین می‌برد. فرزندان عماد همواره از پدر بزرگ و مادر بزرگ دیدن می‌کنند. فرزندان هوشیار و با فراست هستند. یکی از نوجوانان محله سراغ عماد را از فرزندش می‌گیرد. جواب می‌شود که به مسافرت رفته و مدتی است از او خبر ندارد. فرزندان عماد از دوستان و همکلاسی‌های خود در منزل پدر بزرگ پذیرائی می‌کنند. هرگز به راننده تاکسی غریبه اجازه نمی‌دهند آنان را به خانه شان بازگردانند.

عماد مغنیه، همچون سایر فرماندهان مقاومت، دو فرزند پسرش را در تعطیلات تابستانی به جبهه‌های جنوب لبنان اعزام می‌کند. هر اندازه ترس و وحشت جوانان محله از نام عماد افزایش می‌یافت تواضع و بالندگی خاندان مغنیه نیز فزونی می‌یافت. مادر عماد مغنیه، مانند بسیاری از مادر بزرگ‌ها از ناراحتی قلبی رنج می‌برد، ولی دوست دارد هنگام شرکت در راهپیمایی روز جهانی قدس تنها باشد، از افراد خانواده کسی همراه او نباشد. آرزو دارد از میان توده جمعیت، نیم نگاهی به سید حسن نصر الله هنگام سخنرانی بیندازد. می‌داند سید تاچه اندازه به او لطف و محبت دارد. در همین حال ابو عماد که پدر همه اعضای خانواده است در مصرف سیگار زیاده روی می‌کند، توصیه پزشکان و همسایگان را نادیده می‌گیرد.

روزی یکی از جوانان محله به دوستش می‌گوید: شهرت او «حاج رضوان است. او معاون جهادی سید حسن نصرالله دبیر کل حزب الله است. دوست جوان بیدرتنگ جواب می‌دهد: عماد مغنیه بر همه واحدهای مقاومت حزب الله شرف و برتری دارد، رزمندگان مقاومت را فرماندهی می‌کند. برای رزمندگان مقاومت فلسطین اسلحه و مهمات ارسال می‌کند. برای اجرای عملیات کیفی نقشه می‌کشد.

در سال ۱۹۹۸ شخصی بنام جواد نور الدین به عضویت ششورای مرکزی حزب الله انتخاب شد، دوست مزبور به جوان محله می‌گوید: نام حاج رضوان برای اعضای حزب الله بیگانه نیست، او حزب را با جان و دل پرورش داده و از آن پاسداری می‌کند. آنگونه که یک کشاورز از نهال درخت محافظت می‌کند.

روز ۲۵ مه سال ۲۰۰۰ جنوب لبنان از اشغال صهیونیست‌ها آزاد شد. دو سال بعد یک افسر بازنشسته رژیم صهیونیستی در جریان عملیاتی بی نظیر امنیتی به بیروت دعوت شد و به اسارت حزب الله در آمد. در ژوئیه سال ۲۰۰۶ دو نظامی اسرائیلی توسط رزمندگان مقاومت اسلامی در مرز فلسطین





ریزی ربودن دو نظامی اسرائیلی در مرز فلسطین اشغالی در روز ۱۲ ژوئیه سال ۲۰۰۶ بوده که نتیجه این اقدام میان اسرائیل و حزب الله جنگ ۳۳ روزه روی داده است. این در حالی است که اتهامات برخی محافل داخلی لبنان کمتر از اتهامات اسرائیلی‌ها نبوده است. این محافل ادعا کرده‌اند که عماد مغنیه مغز متفکر همه عملیات‌های مسلحانه حزب الله و شاید هم رهبر واقعی حزب الله بوده است.

عملیات بزرگ و پیچیده‌ای تروریستی که سرویس‌های امنیتی و جاسوسی رژیم صهیونیستی و برخی دولت‌های منطقه در مرکز دمشق انجام دادند، و عماد مغنیه را ترور کردند، بر مبنای فهرست سیاه آمریکا انجام گرفت. این فهرست سیاه به روشنی هویت قاتلان فرمانده مقاومت اسلامی را مشخص می‌کند. آمریکا با بهره برداری از حوادث یازدهم سپتامبر سال ۲۰۰۱ کوشید بدون ارائه دلایل مستند میان حزب الله و سازمان القاعده روابط فرضی قابل شود. در همان حال دولت وقت جرج بوش سعی داشت همه نیروهای انقلابی و جنبش‌های مقاومت و دولت‌های مخالف سیاست‌های آمریکا در منطقه را در یک جبهه قرار دهد. دولت بوش به منظور توجیه این اتهامات، فهرست سیاه ۲۲ نفره منتشر ساخت و ادعا کرد این افراد خطرناکترین تروریست‌های جهان هستند. اسامی سه انقلابی لبنانی به نام‌های عماد مغنیه، حسن عز الدین و علی عطوی در این فهرست گنجانده شده بود.

آمریکا در این پرونده اتهامی، مشخصات عماد مغنیه را به دقت شرح داده و اعلام کرده که حزب الله یک سازمان تروریستی است و عماد مغنیه مسئولیت اداره بخش امنیتی حزب الله را برعهده دارد، و در لبنان زندگی می‌کند. دولت آمریکا برای دسترسی به عماد مغنیه و بازداشت او ابتدا مبلغ ۵ میلیون دلار جایزه تعیین کرد، ولی زمانی که از دسترسی به او ناامید شد این مبلغ را به ۲۵ میلیون دلار افزایش داد. آمریکا در پی تعیین این جایزه اعلام کرد زنده دستگیر شدن عماد مغنیه و یا اعلام خبر مرگ او تفاوتی ندارد. با شهادت این جوان انقلابی سخنگوی وزارت خارجه آمریکا اعلام کرد «زندگی مردم جهان بدون حضور مغنیه بهتر شده است». آمریکا در پی این اقدام تهدید کرد همه کسانی که دستشان به خون آمریکایی‌ها در لبنان آغشته شده است به مجازات خواهند رسید. ■

۱۹۹۴ ساختمان آژانس یهود در آرژانتین منهدم گردید، و در جریان آن دهها یهودی کشته شدند، عماد مغنیه را متهم به اجرای این عملیات معرفی کردند.

به هر حال فهرست اتهامات این جوان انقلابی از سوی محافل صهیونیستی و غربی به اینجا ختم نمی‌شود. در این فهرست آمده است که عماد مغنیه با هماهنگی اسامه بن لادن رهبر سازمان القاعده در انفجار سفارتخانه‌های آمریکا در کینا و تانزانیا در سال ۱۹۹۸ نقش داشته است. همچنین با گروه‌های مقاومت عراقی بر ضد اشغالگران آمریکایی در عراق همکاری می‌کرده است.

نه شخص عماد مغنیه و نه حزب الله، هیچ کدام‌شان به این اتهامات پاسخ نمی‌گفتند. او با سکوت خود، میدان مطبوعات را برای ارائه تحلیل‌های ضد و نقیض و اظهار

افرادی که از نزدیک حاج مغنیه را می‌شناسند، می‌گویند که او یک جوان معمولی نبوده است. از نظر بینش نظامی و امنیتی یک انسان بسیار با تجربه و موفق به شمار می‌رفت. تیز هوشی، اعتماد به نفس، توانمندی‌های فکری، آماده‌باش همیشگی، رعایت احتیاط و مسائل ایمنی و جمع آوری اطلاعات، مهمترین ویژگی‌های او را تشکیل می‌داد.

نظرهای گوناگون آزاد گذاشته بود. در این میان اسرائیلی‌ها و آمریکایی‌ها هرچه در جعبه داشتند مطرح می‌کردند تا شاید بتوانند عماد مغنیه و حزب الله را به واکنش و انفعال بکشانند. پس از اینکه گفت و گوهای غیر مستقیم میان حزب الله و رژیم صهیونیستی برای مبادله اسرا در سال ۲۰۰۵ به بن بست رسید، اسرائیلی‌ها عماد مغنیه را به ربودن رون آراد خلبان اسرائیلی متهم کردند. (هواپیمای جنگی رون آراد در سال ۱۹۸۲ در منطقه بقاع جنوبی سقوط کرد و این خلبان اسرائیلی از آن سال ناپدید شد) آخرین اتهام اسرائیلی‌ها این بود که عماد مغنیه عامل برنامه

تیز هوشی، اعتماد به نفس، توانمندی‌های فکری، آماده‌باش همیشگی، رعایت احتیاط و مسائل ایمنی و جمع آوری اطلاعات، مهمترین ویژگی‌های او را تشکیل می‌داد. در آن مرحله که تلاش‌های دامنه داری برای تأسیس حزب الله به عمل می‌آمد، و این حزب موجودیت خود را به طور رسمی اعلام نکرده بود، حاج عماد خود را مسئول گروه تحقیق و شناسایی عاملان انفجار محله بشر العبد معرفی کرد. اعتماد به نفس این فرمانده توانا در مخالفت با دخالت برخی از شخصیت‌های سیاسی آن دوره سرنوشت‌ساز از تاریخ لبنان به روشنی تجلی یافت. شجاعت این جوان انقلابی در مخالفت با تقاضای آقای نبیه بری رئیس وقت طایفه شیعه لبنان مبنی بر موکول کردن تحقیق به سال‌های آینده بسیاری از محافل و صاحب‌نظران سیاسی را شگفت زده کرد. عماد مغنیه هرگونه دخالت نابجا در مراحل تحقیق انفجار بشر العبد را به شدت رد کرد و اظهار داشت که تحقیق برای شناسایی عاملان این انفجار بر حسب وظیفه شرعی و ملی و اخلاقی ادامه خواهد یافت.

این جوان انقلابی و رستگار با اندام چهار شانه‌اش، اصرار داشت نتایج تحقیق با همکاری برخی محافل امنیتی منطقه درباره این جنایت هولناک و عاملان آن منتشر شود و به آگاهی عموم برسد. عماد مغنیه از دوران جوانی رفتار شجاعانه داشته و تا آخرین لحظه حیات اینگونه رفتار می‌کرده، و رمز موفقیت او در شجاعت و عدم ملاحظه‌کاری او نهفته است. هر اندازه در مبارزه با رژیم صهیونیستی در لبنان موفقیت کسب می‌کرد، به همان اندازه اتهامات آمریکا و اسرائیل بر ضد او افزوده می‌شد. به طور مثال در نیمه دوم دهه هشتم از قرن بیستم، هنگامی که چند شبکه جاسوسی موساد را در لبنان کشف و عملیات آن‌ها را ناکام ساخت، سیل اتهامات به سوی او سرازیر شد. محافل امنیتی آمریکا و اسرائیل طوماری از اتهامات برای او تدارک دیدند که در نتیجه آن سازمان امنیتی و جاسوسی وابسته به ۴۲ کشور جهان او را تحت پیگرد قرار دادند. در بخشی از این اتهامات آمده است که عماد مغنیه در انفجار سفارت آمریکا، انفجار مقر نیروهای دریایی آمریکا (مارینز) و انفجار مقر چتربازان فرانسه در بیروت در سال ۱۹۸۳، ربودن هواپیمای مسافربری شرکت هواپیمایی آمریکایی (TWA) در فرودگاه بین‌المللی بیروت در سال ۱۹۸۵ و در بسیاری از عملیات هواپیما ربایی و گروگانگیری اتباع آمریکا، فرانسه و انگلیس در لبنان دست داشته است.

این جوان انقلابی در پی این اتهامات، ناگهان در اواخر دهه هشتم از قرن گذشته میلادی از انتظار پنهان شد و جز تعداد انگشت شماری هیچ کس از محل اقامت او اطلاع نداشت. برخی از هم‌زمان او در حزب الله در آن برهه ادعا کردند که عماد مغنیه فعالیت‌های سیاسی و نظامی را کنار گذاشته و گوشه‌گیری را انتخاب کرده است. افراد دیگری گفتند که او برای فراگیری علوم دینی به حوزه علمیه قم انتقال یافته است. به هر حال شایعات فراوانی در مدت پنهان شدن او بر زبان‌ها جاری شده بود. این شایعات ضد و نقیض باور کردنی نبود. برخی افراد نیز وانمود کردند که عماد مغنیه پس از بازگشت از قم در اوایل دهه قرن بیستم مسئولیت فرماندهی نظامی مقاومت اسلامی در شورای رهبری حزب الله به او واگذار شده است. ولی در همان حال آمریکایی‌ها و اسرائیلی‌ها در گزارش‌هایی که در صدر مطبوعات منتشر می‌کردند، می‌گفتند که عماد مغنیه مسئولیت روابط خارجی حزب الله را بر عهده گرفته است. شکی نیست که آمریکا و اسرائیل با این ادعاها می‌خواستند او را مسئول عملیات تروریستی که در گوشه و کنار جهان اتفاق می‌افتاد معرفی کنند. به طور مثال زمانی که سفارت اسرائیل در بوئنوس آیرس پایتخت آرژانتین در سال ۱۹۹۲ منفجر شد، و در سال

• درآمد

بررسی پرونده سیاه اسرائیل و آمریکا در لبنان و سیعتر از آن است که بتوان آن را در یک گفت‌وگوی مطبوعاتی با یک شخصیت آگاه به رویدادهای گذشته لبنان خلاصه کرد. روز ۱۳ فبریه سال ۲۰۰۷ هنگامی حاج عماد مغنیه بدست اهریمنان در دمشق ترور شد سخنگوی دولت آمریکا، اعلام کرد که جهان بدون مغنیه موقعیت بهتری خواهد داشت. در پی این اقدام جنایتکارانه موج شادی اسرائیل را فرا گرفت. شاید وظیفه هر رسانه اطلاع‌رسانی باشد که افکار عمومی را نسبت به جنایات آمریکا و اسرائیل در لبنان آگاه کند. منابع رسمی دولت لبنان در آن مرحله اعلام کردند که در جریان حمله اسرائیل به لبنان در سال ۱۹۸۲ که با حمایت آمریکا صورت گرفت حدود (۳۰۰۰) لبنانی و فلسطینی کشته شدند و سه برابر این رقم زخمی برجای ماند. به استثنای کشتار اردوگاه‌های صبرا و شاتیلا، عوامل موساد و سیا با همکاری سرویس‌های جاسوسی انگلیس و عربستان و مزدوران محلی‌شان بمبی را در مقابل مسجد امام رضا (ع) در محله بئر العبد در بخش جنوبی بیروت هنگام برگزاری نماز جمعه علامه سید محمد حسین فضل‌الله متفجر کردند که در نتیجه آن حدود ۸۰ نمازگزار شهید و ۱۲۵ نفر زخمی شدند. شاهد یاران در گفت‌وگوی اختصاصی با دکتر حسین دهقان برخی اهداف حمله رژیم صهیونیستی به لبنان و نقش حاج عماد مغنیه در مبارزه با بیگانگان متجاوز را بررسی کرده است.



■ مروری بر ویژگی‌های شش‌گانه حاج عماد مغنیه در گفت‌وگوی

اختصاصی شاهد یاران با سردار حسین دهقان

حاج رضوان مصداق بارز جهاد فی سبیل الله بود...

کشور حمله کرد. اشاره کردید که اسرائیل پیش‌بینی می‌کرد یکسری جریاناتی در لبنان در حال شکل‌گیری بود. زمانی که در لبنان مستقر شدید تا چه اندازه زمینه شکل‌گیری نیروهای مقاوم آشکار بود؟

پیروزی انقلاب اسلامی در ایران به رهبری امام خمینی (ره)، پیام جدیدی را به دنیای اسلام و جهان تشیع ارائه کرد. و یا به عبارتی دیگر حیات سیاسی مجدد با تفکر اصیل اسلامی به مردم جهان معرفی کرد. طبیعی است که رهبری این جریان به عهده یک مرجع شیعی است و جهان تشیع از جمله شیعیان لبنان خیلی سریع آن را پذیرفتند. چنانچه به جهان اسلام نگاه کنیم، ملاحظه خواهیم کرد شیعیان لبنان از نظر معنوی و روانی و اعتقادی در مقایسه با سایر شیعیان جهان به ندای امام خمینی و پیام انقلاب اسلامی سریع‌تر لبیک گفتند. امروزه هم به ندای پیام مقام رهبری پاسخ می‌دهند. به طور طبیعی این تأثیر پذیری، یا این الهام‌گیری از طرف آن‌ها به شکل جدی قابل توجه محافلی قرار گرفت که دغدغه انقلاب اسلامی را در ذهن داشتند، و نمی‌خواستند دامنه نفوذ این انقلاب به مناطق دیگری گسترش یابد. به ویژه به مناطقی که طرفداران و مدافعان انقلاب اسلامی زیاد هستند. در این محافل منطقه‌ای مخالف انقلاب اسلامی در منطقه به شدت به گسترش تمایلات و اندیشه‌های انقلاب اسلامی عکس العمل منفی نشان دادند. لبنان به طور طبیعی، جایی است که شیعیان بیشترین تأثیر را از انقلاب اسلامی و رهبری امام پذیرفتند، و در جهت پیاده کردن و تحقق اهداف انقلاب گام برداشتند.

پذیرش انقلاب اسلامی از سوی شیعیان لبنان همگانی بود یا نسبی، در دیدارهایی که با برخی شخصیت‌های سیاسی لبنان داشته‌ایم، آنان گفته‌اند که برخی شیعیان جنوب لبنان از حمله اسرائیل به

اشغالی جلوگیری کند که این خود یک تهدید جدی برای اسرائیل به شمار می‌رفت.

اهداف کلان اسرائیلی‌ها این بود که فضایی را فراهم کنند تا از شکل‌گیری جبهه‌ای به موازات انقلاب اسلامی در منطقه جلوگیری کنند. ولی هدف اولیه حرکت اسرائیل و اشغال لبنان به نوعی پاکسازی این کشور از وجود نیروهای مقاومت فلسطینی بخصوص جنبش فتح بود.

من بر این باورم که فلسطینی‌های مستقر در جنوب لبنان، در آن مرحله، آمادگی ادامه مبارزه مسلحانه

یکی از افرادی که بیشترین تأثیر را در تبلور اندیشه حاج عماد مغنیه داشت سید حسن نصرالله بود. عماد از ابتدای جوانی به نوعی سید حسن را باور داشت و سید حسن هم متقابلاً به او اعتماد داشت. شاید ارتباط روحی و معنوی که بین آن دو برقرار بود کمتر بین سایر مسئولان حزب الله وجود داشت.

را نداشتند. اساساً در آن مرحله اراده تداوم حرکت مسلحانه در ذهن مسئولان رسمی فلسطین جایگاهی مهمی نداشت. اما حمله اسرائیل بهانه‌ای بود برای این که یک واقعیت تاریخی در تاریخ مبارزات ملت فلسطین به نام جنبش فتح و ساف را از بین ببرند. لذا می‌توان گفت اسرائیل با این سه فرضیه: پیش‌گیری از تداوم کسب موفقیت و پیروزی برای انقلاب اسلامی و از بین بردن بقایای جنبش فتح و پیش‌گیری از شکل‌گیری یک جریان مقاصوت و مخالف اهداف پلید رژیم صهیونیستی با ماهیت شیعی در لبنان، به این

در پی حمله اسرائیل به لبنان در سال ۱۹۸۲ حضرت‌عالی همراه نیروهای سپاه عازم سوریه و لبنان شدید، تا از مردم آن منطقه در برابر این تجاوز پشتیبانی کنید. بفرمایید که اسرائیل از حمله و اشغال لبنان چه اهدافی را دنبال می‌کرده است؟

بسم الله الرحمن الرحیم. همزمانی حمله اسرائیل به لبنان با عملیات بیت المقدس و آزادی خرمشهر، و به عبارتی رفع اشغال از سرزمین کشورمان توسط رژیم بعثی صدام، شاید مهمترین پاسخی به پرسش‌ها باشد. از این زاویه می‌توانیم حمله اسرائیل به لبنان را ارزیابی کنیم که این حمله واکنشی به آزادسازی بخش وسیعی از سرزمین‌های خوزستان بود. در یک کلمه می‌توان گفت که اقدامات و سیاست‌های اسرائیل بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران بر اساس مخالفت و دشمنی با انقلاب اسلامی و شعارها و دستاوردهای انقلاب بوده است.

شاید بتوان این بحث را با استناد به فرمایشات حضرت امام (ره) که بعد از اعزام نیروهای سپاه و ارتش به سوریه و لبنان برای مقابله با حضور اسرائیل در لبنان بیان کردند. حضرت امام این هشدار را دادند که راه قدس از کربلا می‌گذرد. این هشدار را به این نقطه ای مورد توجه قرار دادند که حرکت اسرائیلی‌ها در لبنان تلاشی برای انحراف افکار عمومی از جبهه‌های جنگ تحمیلی به لبنان باشد. اگر از یک طرف همزمانی پیروزی رزمندگان ایران در جبهه‌های جنگ تحمیلی با حمله اسرائیل به جنوب لبنان، و از طرف دیگر فرمایشات حضرت امام را کنار هم بگذاریم شاید به این نتیجه برسیم که یکی از اهداف اسرائیلی‌ها از حمله به جنوب لبنان به نوعی دور کردن تهدیدها از سرزمین‌های اشغالی فلسطین بود. بی تردید اسرائیل با اشغال لبنان قصد داشت از شکل‌گیری یک جریان لبنانی و شیعی معارض اسرائیل در مرز لبنان و فلسطین

به شدت از آن استقبال کردند، و سپاهیان را به عنوان فرزندان خودشان پذیرفتند.

در آن شرایط، تحولات سیاسی و امنیتی لبنان، بسیار گسترده و تأثیرگذار و عمیق بود، و پیامدهای بلند مدت در پی داشت. علاوه بر اشغالگران اسرائیلی، نیروهای آمریکایی، فرانسوی، انگلیسی و ایتالیایی هم در لبنان حضور داشتند، نیروهای حزب کثائب (فالانژ) هم فعال بودند. سوریه در ارتباط با اسرائیل و در ارتباط با حضور فلسطینی‌ها نقش تعیین کننده در لبنان داشت. همه این تحولات، لبنان را به منطقه‌ای پراشوب، پرتنش و از زاویه دیگر به صورت فعال در آورده بود.

سپاه با این هدف در لبنان حضور پیدا کرده بود که بتواند به مردم لبنان و شیعیان برای دفاع از هویت و موجودیت خودشان کمک کند. بنابراین حضور سپاه طبیعی جلوه می‌کرد.

واقعیت دارد که حضور سپاه در لبنان به دعوت رهبران جامعه شیعیان بوده است؟

ج: در حقیقت بر اساس توافقی که بین مقام‌های جمهوری اسلامی ایران و سوریه انجام شد، نیروهای سپاه و ارتش به آنجا اعزام و استقرار یافتند. در آن مرحله امام موسی صدر ناپدید شده بود و جنبش امل نیز حضور فعال نداشت تا به طور مثال فضای مناسب را بوجود بیاورد. و سپاه توسط یک مقام رسمی لبنان دعوت بشود. دولت لبنان هم با این موضوع تفاهم کامل نداشت. بقیه جریان‌های سیاسی لبنانی هم به نوعی اختیار مسئولیت دعوت از سپاه را نداشتند. بنابراین عزیمت به لبنان یک بحث بود و استقرار در آن کشور بحث دیگری بود. استقرار بصورت طبیعی انجام شد، یعنی با استقبال و همراهی مردم لبنان همراه بود.

نوع تعاملی هم که نیروهای اعزامی سپاه با مردم برقرار کردند، این اطمینان را به آنها داد که برعکس بقیه نیروهای بین المللی که به سود منافع مردم به لبنان نیامده بودند و هدفشان تأمین منافع اسرائیل بود. با استقرار نیروهای سپاه و همکاری با مردم شکل گرفت. یعنی جدایی میان نیروهای سپاه و مردم هرگز احساس نمی‌شد. یک نوع پیوستگی و یکپارچگی و هماهنگی به آسانی آنجا برقرار شد. سپاه و نیروهای مردمی لبنان هیچ هزینه‌ای برای این همکاری پرداخت نکردند. این نشأت گرفته از خواست اصیل و عمیق و منطقی مردم لبنان بود که این حضور را طبیعی جلوه داد. بد نیست به این نکته نیز اشاره کنم که پس از ناپدید شدن امام موسی صدر، جنبش امل دچار چند دستگی شد و انسجام خود را از دست داد. به این معنی که از هویت تعریف شده برخوردار نبود که بگوئیم نماینده واقعی

یک مجموعه متجاوز و اشغالگر انتظار دارد ملت لبنان به او خیر مقدم بگوید؟ فرش قرمز زیر پای او پهن کند؟ به متجاوزان مدال دهد؟ طبیعی است که هر ملتی با هر توان و امکاناتی که در اختیار دارد با اشغالگری مقابله می‌کند. بنابراین غربی‌های پهلای سنگین تجاوزشان به لبنان را پرداخت کردند.

سنی و مسیحی را در این تشکیلات استخدام کنند. تا به عبارتی یک نیروی محلی لبنانی امنیت اسرائیل را تأمین کند. این تشکیلات وظیفه داشت از شکل‌گیری هرگونه مقاومت ضد صهیونیست در جنوب لبنان جلوگیری کند. اسرائیلی‌ها دوست داشتند به طور مستقیم در جنوب لبنان حضور نداشته باشند، علاقمند بودند نیروهایی با هویت لبنانی مسئولیت حفظ امنیت در مرز فلسطین اشغالی را برعهده داشته باشند. به ویژه پس از اینکه فلسطینی‌ها از آنجا اخراج شدند. ولی چه قدر زمان طول کشید؟ به هر حال نمی‌شد از توده مردم انتظار داشت که همه مسائل را آن‌گونه که هست متوجه شوند، مردم مسائل زود گذر و آنی را به راحتی لمس می‌کنند، ولی مسائل کلان و بلند مدت را زود درک نمی‌کنند، و از آن‌ها انتظار نمی‌رود زود هنگام مسائل کلان را درک کنند. بر این اساس بود که نخبگان و پیشانان مقاومت به مسئولیت خود عمل نموده و مردم را آگاه کردند، و به آن‌ها گفتند که حضور اسرائیل برای آن‌ها سودمند نخواهد بود.

به اعتقاد من لبنان اساساً یک جامعه سیاسی است، و شاید بتوان گفت که مردم از ابتدای سن بلوغ مسائل سیاسی را درک می‌کنند، و همواره سعی می‌کنند در صحنه‌های سیاسی حضور داشته باشند، بطور طبیعی آمادگی شنیدن و قبول سخن منطق، و چالش اطلاع یافتن را دارند، تا در میدان نقش آفرینی حضور داشته باشند. به همین دلیل خیلی سریع امواج فکری که بیانگر نیات شوم و ضد منافع ملت لبنان و حرکت‌های رژیم صهیونیستی بود در جامعه لبنان توسط نخبگان منتشر شد، و مردم به طور طبیعی این پیام را دریافت کردند و به شدت با جریان مقاومت همراه و همگام شدند. به همین دلیل در جنوب در دوران اشغال بیشترین همراهی را مردم با جریان مقاومت داشتند.

زمانی که نیروهای سپاه در بقاع مستقر شدند، آیا با مشکلات و موانعی جدی هم مواجه بودند، این مشکلات چگونه بود، و آیا حضور سپاه با استقبال مردم لبنان مواجه شد؟

سپاهیان ایرانی که به لبنان رفتند، نیروهای اشغالگر نبودند، بلکه میهمانانی بودند که به کمک مردم لبنان شتافته بودند. خود مردم لبنان برای رویارویی با اشغالگران به حضور و کمک سپاه نیاز داشتند. سپاه برای استقرار در لبنان و آغاز حرکت، از طرف مردم با هیچ مشکلی مواجه نبود. هیچ وقت ندیدیم که مردم لبنان نسبت به حضور سپاه و نیروهای ایرانی عکس العمل منفی داشته باشند. بلکه

لبنان استقبال کردند. نظرتان چیست؟

شما هیچ جامعه‌ای و هیچ ملتی را نمی‌توانید پیدا کنید که دو عنصر اساسی در حیات آن ملت وجود نداشته باشد. این دو عنصر اساسی امنیت و رفاه هستند. جوامع در سایه امنیت و رفاه شکل می‌گیرند. یکی از محورهای اصلی فعالیت دولت‌ها تأمین امنیت و رفاه برای جامعه‌شان است. تا این جامعه را از تعرض دیگران مصون بدارند. از آن طرف بستر رفاه ملت را فراهم کنند تا این جامعه به خواسته‌های مادی خود برسد.

در لبنان، بعد از استقلال، هیچ‌گاه حکومت مرکزی مقتدری که بتواند خواسته‌های طوایف مختلف را تأمین کند وجود نداشت. مضافاً بر اینکه قانون اساسی و پذیرش سیستم چند طایفه‌ای و نسبت دادن امتیازات حکومتی به طوایف مختلف بر مبنای یک نگاه استعماری بوده است. این عوامل همواره در ماهیت و درون قانون اساسی و نظام سیاسی یک نوع حق کشی و بی‌عدالتی را نسبت به سایر طوایف به همراه داشته است. در این گفت و گو کاری به جزئیات و اهداف قانون اساسی لبنان ندارم، ولی واقعیت این است که اغلب بندهای این قانون اساسی توسط فرانسوی‌ها نوشته شده، با این نیت نوشته نشده که جامعه مستقل این کشور یک دولت مقتدر داشته باشد، تا لبنان یکپارچه‌ای را اداره کند، و برای مردم فضای امنیت را فراهم کند. قانون اساسی به گونه‌ای نوشته شده که زمینه بروز تنش و تحریک برخی طوایف و از بین بردن امنیت و انسجام جامعه در آن وجود دارد. قانون اساسی اینطور نوشته شده تا لبنان جای پای باشد برای دیگران تا این کشور حضور یابند و فعالیت‌هایی را در راستای اهدافشان انجام دهند.

طبیعتاً جنوب لبنان، منطقه‌ای است که کمتر مورد توجه دولت مرکزی قرار داشته است. مردم آنجا هم به نوعی زندگی بدون حضور دولت را تجربه کرده بودند. فلسطینی‌ها هم جایی برای رفتن نداشتند و نزدیک‌ترین نقاطی که به فلسطین اشغالی قرار داشت جنوب لبنان بوده است. در مناطق مختلف لبنان هم حضور داشتند ولی تمرکز فلسطینی‌ها در جنوب لبنان و اگر هم اقدامی بر علیه اسرائیلی‌ها انجام می‌دادند، و یا اسرائیل بهانه‌ای برای تجاوز به جنوب لبنان مطرح می‌کرده، این بهانه حضور فلسطینی‌ها در جنوب لبنان بوده است. تاریخ این‌طور گفته که فلسطینی‌ها به عنوان مجموعه افراد مهاجر و پناهنده در جنوب لبنان ساکن نبوده‌اند، کسانی بودند که احساس می‌کردند می‌توانند از جنوب لبنان اقداماتی را جهت منافع خودشان انجام دهند. لذا درست این حرف که شیعیان جنوب از کردار برخی گروه‌های فلسطینی ناراضی بودند. چون جنوب لبنان دنبال امنیت بود، و آن عناصر را مخالف امنیت خود می‌دانست و وجود آن‌ها بهانه‌ای برای تجاوز اسرائیل بود و از اینکه دارند این‌ها را اخراج می‌کنند، ناراحت نباشند. اما اینکه آیا این ناراحتی‌شان با پذیرش اشغال سرزمین فلسطین مساوی باشد، و به ظلم و به تعدی به مسلمانان فلسطینی راضی باشند، این‌طور نبوده است. بلکه عامل تهدید کننده امنیت آن‌ها اسرائیلی‌ها بوده اند.

بفرمایید این روند تا چه مدتی ادامه یافت تا مقاومت ضد صهیونیستی مردم جنوب لبنان شکل گرفت؟

مدت زیادی ادامه پیدا نکرد. اسرائیلی‌ها پس از اشغال جنوب لبنان، تشکیلاتی نظامی محلی به رهبری سرگرد سعد حداد بوجود آوردند و سعی کردند جوانان شیعه،



لبنان را دنبال کند. در آن شرایط این بحث وجود داشت که مقاومت لبنان چگونه می‌خواهد در چارچوب یک حرکت سیاسی منظم و تشکیلاتی عمل کند و پویایی خود را حفظ نماید. آیا مقاومت می‌خواهد صرفاً یک جنبش مقاومت و عملیاتی و سازمان یافته و بسیج کننده نیروهای مقاوم باشد؟ یا می‌خواهد جنبه سیاسی هم داشته باشد؟ اگر می‌خواهد وارد فاز سیاسی شود، راهکار مقاومت باید چگونه باشد؟ لذا سپاه با همه جریانات سیاسی و تشکلهای شیعی و روحانیون و شخصیت‌های علمی و سیاسی آن مرحله که در عرصه مقاومت و برنامه‌های سیاسی فعالیت می‌کردند تماس گرفت، و با آنان ارتباط برقرار کرد. در نتیجه این تماس‌ها حرکت بسیار گسترده و منظم و منسجم به منظور یکپارچه نمودن همه این جریانات و هویت بخشیدن به آنان در قالب یک حرکت فراگیر و همگانی آغاز گردید، تا همه این جریانات مقاومت را رهبری کنند. در آن فضا هر کسی که در لبنان افراد و گروهی را در اختیار داشت، و فعالانه مبارزه می‌کرد و یا انگیزه برای فعال شدن داشت، و برای حضور در عرصه‌های سیاسی تمایل نشان می‌داد، با آن‌ها تماس گرفته شد، و سپاه با آن‌ها ارتباط برقرار کرد و تشویق نمود در قالب یک تشکیلات منظم و زیر یک چتر فعالیت کنند. ایده شکل‌گیری حزب الله با همین نگاه انجام شد. قرار شد که ما یک تشکل سیاسی فراگیر ایجاد کنیم که در بر گیرنده همه جریانات و جناح‌های فعال سیاسی و مقاومتی شیعی لبنان باشد. باضافه این که این هویت یکپارچه و منسجم قادر باشد که یک فضای همکاری را با همه جریانات موجود و فعال در صحنه لبنان را فراهم کند و به گونه‌ای سامان دهد که این همکاری و تعامل منجر به پشتیبانی از مقاومت بشود.

بدین ترتیب دایره حضور مقاومت را فراهم کردیم، و تلاش به عمل آوردیم که همه جریانات شیعی و غیر شیعی از مقاومت ذهنیت مشترک داشته باشند. به هر حال حزب الله شکل گرفت و بجز جنبش امل همه گروه‌های شیعی به حزب الله پیوستند. جنبش امل که از نظر سنتی خود را متولی امور شیعیان لبنان می‌دانست می‌خواست رهبری جامعه شیعه را ادامه دهد، ولی برادران سیاسی جنبش امل قادر نبودند خواست شیعیان را که بیشترشان میل به انقلاب اسلامی و رهبری امام خمینی (ره) داشتند، برآورده سازند. بطور طبیعی میان حزب الله و جنبش امل یک نوع تضاد و تعارض بوجود آمد. تنش‌هایی هم در برخی مراحل بروز کرد و در برخی مقاطع به درگیری خونین منجر گردید.

حاج عماد مغنیه چگونه به حزب الله پیوست؟

عماد مغنیه هم در رأس یکی از مجموعه‌هایی بود که در حوزه مقاومت فعالیت می‌کرد. شناخت زندگی شخصی عماد مغنیه را می‌توانید از خانواده‌اش و یا از طریق آشنایان لبنانی او جستجو کنید. ولی زمانی که تصمیم گرفته بود عازم حوزه علمیه شود تا درس بخواند، ناگهان ملاحظه می‌کند نیروهایی در حال



آن‌ها علاقه‌ای به چنین رابطه‌ای نداشتند. به طور کل همه طوایف بخصوص شیعه و سنی در یک حرکت کاملاً هماهنگ و با هدف دفع تجاوز و اشغالگری و دفاع از تمامیت و استقلال لبنان با سپاه همکاری داشتند، و این همکاری همچنان ادامه دارد.

پس از گذشت یکسال از استقرار سپاه در لبنان و خروج جنبش مقاومت فلسطین از این کشور، دولت لبنان به رهبری امین جمیل رئیس‌جمهوری وقت با اسرائیل موافقتنامه سازش امضا کرد. امضای این قرارداد چه تأثیری بر حضور سپاه در لبنان داشت؟

این نوع حرکت‌های سیاسی، مبتنی بر خواسته توده مردم لبنان نبوده است. مسئولان آن وقت لبنان، نمایندگی جریان‌های برون مرزی را بر عهده داشتند، و اهداف جریانات بین‌المللی را در لبنان پیاده می‌کردند. این افراد هیچ ارتباطی با خواسته‌های برحق مردم نداشتند. مردم هم از آن‌ها نه حمایت می‌کردند و نه خواهان سازش با رژیم صهیونیستی بودند. مهمترین دلیل این سخن، این است که این توافق پایدار نماند، و دیری نپایید که با قیام مردمی لغو گردید. تا زمانی که اسرائیل خاک لبنان را در سال ۲۰۰۰ تخلیه کرد، ملت لبنان تا آن لحظه احساس

حاج عماد مغنیه یک شخصیت جامع بود. همین شخصیت جامع باعث شده بود که هم‌زمان نگاه امنیتی، نگاه نظامی، نگاه تبلیغاتی، نگاه سیاسی، نگاه محملی، نگاه منطقه‌ای، نگاه جهانی داشته باشد. مسائل را در یک ارتباط منطقی تجزیه و تحلیل می‌کرد.

نمی‌کرد که دولتی وجود دارد، و به نفع خواسته‌های مردم گام برمی‌دارد. چون دولتی به این صورت در کار نبود، مقاومت و مردم با ابزارها و امکاناتی که در اختیار داشتند، خواسته‌های خود را مستقیماً دنبال می‌کردند. لذا پس از امضای قرارداد سازش، مردم هیچ واکنش مثبتی نشان ندادند. بلکه با اصرار زیاد خواسته خودشان را برای اخراج اشغالگران دنبال کردند و در مقاطع زمانی مختلف که طعم شیرین دستاوردهای پیروزی مقاومت را به کام خودشان چشیده بودند، به طور طبیعی علاقمند بودند که مقاومت روز به روز قوی‌تر گردد، و گسترش یابد و سرزمین‌های اشغالی را آزاد نماید.

هنگام فعالیت تان در لبنان چگونه با حاج عماد مغنیه آشنا شدید و ایشان را چگونه انسانی یافتید؟

سپاه از بدو ورود به لبنان، کار آموزش و سازماندهی و تدارک جوانان مبارز لبنانی را دنبال می‌کرد. سپاه علاقمند بود جریان مقاومت با هویت لبنانی شکل بگیرد، و بطور طبیعی و نه‌ایستاً خواسته‌ها و منافع ملت



جامعه شیعیان است.

در آن شرایط گروهی از کادر رهبری جنبش امل جدا شدند و حرکت امل اسلامی را شکل دادند. بقیه علما و روحانیون لبنانی هم با جنبش امل ارتباط نداشتند، شاید بتوان گفت بصورت انفرادی و گروهی در صحنه سیاسی حضور داشتند، ولی این حضور پشتوانه عمیق مردمی و یا به عبارتی با پشتوانه سیاسی و اجتماعی تعیین کننده برخوردار نبودند. چون چارچوب مرزهای فکری در آن مرحله به جامعه معرفی نشده بود. لذا این طور نبود که بتوان گفت جنبش امل رهبری جامعه شیعیان لبنان را بر عهده دارد ولی مجموع همه این‌ها این ویژگی را داشت.

برخی افراد و رسانه‌ها وانمود کرده‌اند که سپاه پس از حضور در لبنان فقط به شیعیان کمک کرده است. آیا رسالت سپاه در چارچوب کمک انقلاب اسلامی به همه مستضعفان جهان، واقعاً به شیعیان کمک می‌کرده یا با طوایف و جریانات اهل تسنن و مسیحی هم ارتباط برقرار کردید؟

سپاه به لبنان اعزام نشد که صرفاً از طایفه شیعه دفاع کند. سپاه برای دفاع از حق مسلم و انکار ناپذیر یک ملتی که مورد تجاوز قرار گرفته، به منطقه اعزام شد. سرزمین این ملت مورد اشغال متجاوزان قرار گرفته بود. هدفمان کمک به همه ملت لبنان بود. طبیعی است که طایفه شیعه سریع‌تر از دیگران به مجموعه سپاه پیوست و از آن استقبال کرد. ولی اینطور نبود که سپاه، همه تلاش خود را روی کمک به شیعیان لبنان متمرکز کند. سپاه با مرحوم شیخ سعید شعبان رهبر جنبش توحید اسلامی در طرابلس در شمال لبنان ارتباط خوبی داشت و با یکدیگر همکاری می‌کردند. با تجمع علمای مسلمین لبنان که از روحانیون شیعه و سنی لبنان تشکیل شده همکاری وجود داشت. تقریباً بیشتر پیروان اهل تسنن لبنان با سپاه همکاری و همراهی داشتند. طبیعتاً است که برخی از آن‌ها هم این‌طور نبودند. ولی طیف وسیعی از پیروان جامعه اهل تسنن لبنان از سپاه حمایت کرده و با آن همراه شدند. به این معنی که هرگز مخالفتی نمی‌دیدیم. برخی فرماندهان سپاه با بسیاری از علما و روحانیون اهل تسنن در بیروت و سایر مناطق لبنان همکاری و همراهی داشتند، و از سوی آن‌ها حمایت می‌شدند. بخش مهمی از برادران اهل تسنن در جنوب لبنان هم همین‌طور با ما همکاری می‌کردند، و آموزش می‌دیدند. در آن مرحله تنها با مسیحیان مارونی ارتباط وجود نداشت. زیرا

با دریافت مسائل اعتقادی از این منظر ارزیابی کرد.
روابط شهید حاج عماد مغنیه و آقای نصرالله از چه زمانی آغاز شد؟

این ارتباط از قبل وجود داشت. چون جوانان مبارز لبنانی به نوعی در تشکلهای سیاسی لبنان مثل حزب الدعوه، جنبش امل و جریانات علمایی و دانشجویی با یکدیگر ارتباط داشتند. اینها همدیگر را می شناختند. ولی اینکه با هم همکاری داشته باشند، ممکن است زمینههای همکاری مشترک وجود نداشت. ولی به هر صورت همدیگر را می شناختند. ارتباط میان آن دو از زمانی که سید حسن نصرالله به فرماندهی شاخه حزب الله در بیروت انتخاب شد برقرار گردید. چون حزب الله در آن مرحله به چند شاخه تقسیم بندی شده بود. به طور مثال شاخه بیروت، شاخه بقاع، شاخه جنوب، شاخه بقاع غربی. بر سر هر یک از این شاخهها یک فرمانده وجود داشت. سید حسن نصرالله ابتدا فرماندهی شاخه بقاع را بر عهده داشت و سپس مسئولیت شاخه بیروت را بر عهده گرفت.

در زمان دبیر کلی شهید سید عباس موسوی بود؟
ج: همین طور است. به همین دلیل ارتباطشان با یکدیگر بسیار جدی و تعیین کننده تر شد.

اتهامات غربی ها به عماد مغنیه مبنی بر دست داشتن در انفجار مقرهای نیروهای آمریکایی و فرانسوی در بیروت بر اساس چه دلایلی بوده است؟

بجای اینکه دنبال پاسخ به انگیزه این اتهامات باشیم، من فکر می کنم که این گونه پرسشیم که آیا یک ملت اشغال کشورش و اشغالگر را می پذیرد یا نه؟ به طور طبیعی پاسخ منفی است. بسیار خوب یک ملت در برابر اشغالگری چه برخوردی باید داشته باشد؟ جز این است که هر کاری که از دست او ساخته است انجام می دهد؟ امروزه نمی شود گفت که آقا این اتهامات را به چه کسی نسبت دهید. ملت لبنان هرگز تحمل اشغال و اشغالگری را نداشت. لذا با اشغالگر با شیوههای گوناگون و با هر امکاناتی که در اختیار داشت مبارزه کرد. توانمندیهای آن روز ملت لبنان چه بود؟ خوب عملیات استشهادی بود. یعنی مؤثرترین و کم هزینه ترین روش مقاومت برای دفع تجاوز اشغالگران بود. من فکر می کنم که آمریکایی ها، فرانسوی ها و اسرائیلی ها نباید دنبال این باشند که چه کسی این کار را کرده است. عامل اصلی این عملیات خودشان بوده اند. کسی این کار را کرد که متجاوز بود. کسی این کار را کرد که حقوق مردم را نادیده گرفت. کسی این کار را کرد که گمان کرده بود با توسل به اسلحه می تواند هر خواسته ای را به یک ملت تحمیل کرد. کسی این کار را کرد که مناطق لبنان را با ناوشکن نیوجرسی گلوله باران کرد. کسی این کار را کرد که مناطق لبنان را با هواپیماهای سوپر اتندارد بمباران کرد. فرانسوی ها با این هواپیماها پادگان امام علی (ع) در بعلبک را بمباران کردند. می خواهند بگویند این کار را نکردند. آمریکایی با ناوشکن نیوجرسی بیروت را به شدت گلوله باران کردند. آمریکایی ها و فرانسوی ها اسرائیل را تشویق کردند در لبنان مستقر شود، و به او پوشش سیاسی و تبلیغاتی و نظامی دادند تا در این کشور بماند. خب یک مجموعه تجاوزگر و اشغالگر انتظار دارد ملت به او خیر مقدم بگوید؟ فرش قرمز زیر پای او پهن کند؟ به متجاوزان مدال دهد؟ طبیعی است که هر ملتی با هر توان و امکاناتی که در اختیار دارد با اشغالگری مقابله می کند. بنابراین آنها بهای سنگین تجاوزشان به لبنان را پرداخت کردند. یک وقت توان

حاج رضوان در مسائل نظامی یک نابغه بود. یک فرمانده تمام عیار که هم تهدید را تشخیص می داد و هم مناسب آن تهدید برنامه ریزی می کرد و سازمان مقاومت را به روز آوری و آماده اقدام می کرد. این نابگی در بحث روبرواری با اسرائیلی ها در جنگ ۳۳ روزه سال ۲۰۰۶ مصداق پیدا کرده است.

طبیعی این گرایش را در فرزند خود ایجاد می کرد، و او را به آشنایی بیشتر به سمت معارف اسلامی تشویق می کرد. عماد هم به همین کیفیت بود، ولی شاید بعد از اشغال لبنان، غالب فعالیت های عماد جنبه های نظامی و مقاومتی او را تشکیل می داد زیرا او یک جوان باهوش و با استعداد و خوش فکر، گیرندگی ذهنی او بسیار قوی بود. قدرت تجزیه و تحلیل مسائل به صورت ریشه ای و عمیق و از نگاه راهبردی بود. لذا حافظه خوب و ذهن فعال و نگاه دور نگرانه، و فهم درست مسائل، همه دست به دست هم داده بود تا از حاج عماد یک شخصیت تمام بدی بسازد. و این سبب شده بود که خود را در دو بعد مقاومت و خود سازی علمی بسازد. اینطور نباشد که در یک جنبه تمرکز داشته باشد، و از سایر جنبه ها غافل باشد. امکان داشت حوزه علمیه هم نمی رود، ولی توانسته بود جنبه های اعتقادی خود را رشد و پرورش دهد. اساسا هر کاری که می کرد، سعی داشت آن کار بر اساس ساختار فکری و عقیدتی اسلامی و شیعی متکی باشد. و این باعث می شد که به دنبال شناخت باورهای عقیدتی و فکری برود. یکی از افرادی که بیشترین تأثیر را در تبلور فکر و اندیشه حاج عماد داشت سید حسن نصرالله بود. حاج عماد از ابتدای جوانی به نوعی سید حسن را باور داشت و سید حسن هم متقابلا به او اعتماد داشت. شاید ارتباط روحی و معنوی که بین سید حسن و حاج عماد و مجموعه او برقرار بود کمتر بین سایر مسئولان حزب الله وجود داشت. لذا می توان این تأثیر پذیری را

سازماندهی و عزیمت به سمت جنوب برای کمک به مقاومت فلسطین هستند، و بیدرنگ به آنان می پیوند و پیوستن او به جنبش مقاومت فلسطین سبب گرایش او به فعالیت های جهادی و مبارزاتی می شود.

ویژگی های شخصیتی او را چگونه یافتید؟
ابعاد و ویژگی های شخصیتی حاج عماد مغنیه بسیار قابل توجه بود. او به طور طبیعی در مسیری که قرار گرفت، این ویژگی ها به او کمک می کرد تا بتواند مردی فعال و خستگی ناپذیر باشد. به هر حال ایشان با تعداد دیگری از دوستان که در چارچوب یک تیم فعالیت می کردند، به سپاه وصل شد و در پی این ارتباط کوشیدیم در زمینه مقاومت با اشغالگران آنان را رهنمون سازیم، و لی از ورودشان به عرصه سیاسی جلوگیری کردیم. شاید خودشان هم تمایلی به فعالیت در عرصه های سیاسی در آن شرایط خاص نداشتند. آشنایی من با ایشان از زمان فعالیت های مربوط به مقاومت و سازمان جهاد اسلامی شروع شد، و تیمی که آقای عماد در آن حضور داشت، ارتباط قوی و منسجمی با سپاه برقرار کرد، و این آشنایی و همکاری از همین منظر ادامه داشت. البته دوستی شخصی من و عماد تا آخرین روزهای حیات طویه ایشان ادامه داشت. لذا نقطه ارتباط و همکاری این شهید بزرگوار با سپاه روی مبارزه با رژیم متجاوز صهیونیستی متمرکز بود، و این همکاری تا آخرین روز شهادت ایشان تداوم یافت. شاید اینطور بگویم که پس از شهادت سید عباس موسوی همان تشکل سازمان جهاد اسلامی به حزب الله پیوست و مسئولیت بخش مقاومت را به عهده گرفت.

همانگونه که اشاره کردید حاج عماد مغنیه قبل حمله اسرائیل به لبنان در سال ۱۹۸۲ ضمن همکاری با مقاومت فلسطین به تحصیلات حوزوی هم گرایش داشت، بفرمایید به کدام جهت بیشتر گرایش داشت به تحصیل یا به مقاومت؟

شکی نیست که حاج عماد مغنیه یک شخصیت کامل بود. با توجه به سن و وضعیتی که داشت، در یک خانواده کاملاً مذهبی متولد و پرورش یافته بود. ساختارهای فکری و مذهبی او از طریق خانواده بسیار قوی بودند. این خانواده با این پشتوانه اعتقادی به طور



جنگی شرکت کرده بودند؟ یا در مراکز آموزش نظامی پیشرفته دنیا درس خوانده اند؟ درحالی که در جبهه عراق همه نجیبگان نظامی و تحلیل گران مسائل راهبردی حضور داشتند و از صدام حمایت می کردند. در جبهه های ایران بچه های کم تجربه و لسی با ایمان به خدا و امدادهای غیبی، جنگ را ادامه دادند و بر قوای کفر جهانی غالب شدند. گفته شده که حاج عماد در سال های اخیر نگاهی فراتر از لبنان داشته است. و سعی می کرده جنبش های مقاومت فلسطین و عراق را هم تقویت کند. آیا اینطور بوده است؟

حاج رضوان این گونه به مسائل نگاه می کرد که دشمن مشترک است و جبهه مقاومت هم جبهه ای واحدی است. طبیعتاً کسانی که در جبهه مقاومت قرار دارند بایستی در هر جایی که هستند در مقابل دشمن مشترک تا جایی که می توانند بایستند، و به یکدیگر کمک کنند. اگر فرض کنیم بخواهیم خارج از این چارچوب تحلیل کنیم، شاید کمی این تحلیل نارس باشد. لذا زمانی که عراق اشغال می شود، طبیعی است که اشغالگر بر علیه اسلام و شیعه وارد عمل شده است. همین اشغالگر زمانی از صدام حمایت می کرده است. ولی بعد از سرنگونی صدام دارد کارهای دیگری انجام می دهد. طبیعی است که سازمان های مقاومت و طیفه دارند از یکدیگر حمایت کنند. بخصوص اینکه جریانات مقاومت تابع یک دولت رسمی نیستند، جنبش های مقاومت همدیگر را می شناسند و در برابر دشمن مشترک، سرنوشت مشترک دارند. ولی بیشترین تمرکز حاج رضوان بر مقاومت در لبنان و فلسطین بود. با توجه به این پیوستگی که بین هر دو جنبش وجود دارد. چون دشمن مشترک اسرائیل است و هدف این رژیم تسلط بر خاورمیانه است.

بعد از جنگ ۲۰۰۶ بسیاری از تحلیل گران و کارشناسان راهبردی اسرائیل احساس کرده اند که در مقابل قدرت نظامی حزب الله مستأصل شده اند. آیا حزب الله واقعاً به این توان رسیده که می تواند مصداق آیه کریمه «کم من فئه قلیله غلبت فئه کثیره» باشد و اسرائیل را به زانو در بیاورد؟

قدرت حزب الله بیش از این است که اسرائیلی ها فکر می کنند! امروزه حزب الله «فئه قلیله» نیست. امروزه حزب الله نماد اراده تمام عیار مردم لبنان است که در طول تاریخ حیات سیاسی خودشان برای اولین بار طعم خود باوری را چشیده اند. در طول تاریخ دیده نشده که ملت لبنان به صورت یکپارچه و منسجم، و با هویت لبنانی در مقابل یک عنصر متجاوز و بیگانه در صحنه حضور داشته باشد. امروزه کسانی که در صحنه جهاد حضور پیدا نکرده اند، شرمند مردم شان هستند. این تحول بزرگی است که پس از جنگ ۳۳ روزه در لبنان اتفاق افتاده است. دنیا هم این را پذیرفته که ملت لبنان برای اولین بار در طول تاریخ هویت و جایگاه خود را شناخته است. لبنان یک هویت جمعی شده است. یک نام و نشان و یک معادله در مقابل تجاوزگری شده است. یک افتخار بزرگ برای ملت های منطقه شده است. ■



دارد به طور علنی در برابر تهاجم و اشغالگری بایستد و یک وقت توان دارد با عملیات شهادت طلبانه با متجاوزان مقابله کند.

برخی رسانه های غربی و به دنبال آنها رسانه های عربی مدعی شده اند که حاج عماد مغنیه برای مدتی از انظار پنهان شد و به ایران آمد. هدف از آمدن ایشان به ایران چه بوده است؟

ایشان هرگز پنهان نشد. و مدتی برای ادامه تحصیل علوم دینی به حوزه علمیه قم آمد. هرگز نمی توان گفت که ایشان از جهاد و مبارزه کناره گیری کرده یا پنهان شده است. چون حاج عماد مغنیه قابل پنهان شدن نبوده است.

ویژگی های دیگر عماد مغنیه کدامند؟

ویژگی های حاج عماد فراوانند که به ترتیب به آن ها اشاره می کنم: ویژگی اول: عماد شخصیتی بود که خود را به تمام معنی کلمه وقف اسلام و تشیع کرد، و چیزی برای خود نمی خواست. آنچه می خواست عزت و اقتدار و سربلندی اسلام و مسلمین بود. آرزو داشت مسلمانان ارزش ها و باورهای اسلامی را به میدان بیاورند و فضای جامعه اسلامی را دگرگون کنند.

دومین ویژگی عماد مغنیه، خلوص او بود که جز برای رضای خدا کار نمی کرد. یکی از مهم ترین دلایل موفقیت او هم همین بود. هیچ روزی ندیدم که عماد چیزی را برای خودش می خواهد.

سومین ویژگی او خطر پذیری، یا به عبارتی شجاعت وصف ناپذیر شهید عماد مغنیه بود. در کنار شجاعت، سرعت عمل و توانمندی بی نظیر در تصمیم گیری های سرنوشت ساز در شرایط بحرانی داشت. حاج رضوان توانسته بود در بحرانی ترین شرایط، در کوتاه ترین زمان بهترین تصمیم را بگیرد. در کنار همین هم قدرت خارق العاده ای که در سازماندهی و مدیریت شرایط بحرانی بود. ضمن اینکه از قدرت تجزیه و تحلیل و درک درست مسائل برخوردار بود. آن تصمیم گیری درست را هم به سادگی به اجرا می گذاشت. هم در بعد نظری و هم در بعد عملی، یک شخصیت فوق العاده داشت.

چهارمین ویژگی حاج رضوان، همه جانبه نگرایی او بود. یعنی یک عنصر تجربی نبود، یک عنصر واقعاً تمام عیار بود. هر چند که در عالم امکان نمی توانیم یک فرد را کامل و مطلق بدانیم. ولی او یک شخصیت جامع بود. همین شخصیت جامع باعث شده بود که هم زمان نگاه امنیتی، نگاه نظامی، نگاه تبلیغاتی، نگاه سیاسی، نگاه محلی، نگاه منطقه ای، نگاه جهانی داشته باشد. مسائل را در یک ارتباط منطقی تجزیه و تحلیل می کرد.

ویژگی پنجم حاج عماد کم حرفی او بود. یعنی عماد این ملکه را خیلی در ذهن تقویت کرده بود که بیشتر کار کند، عمل کند تا بخواهد حرف بزند. به همین دلیل نفوذ شخصیتی او فوق العاده بود. یعنی کمتر حرف می زد، و حرفی هم که می زد حرف بود. یعنی این حرف نقطه شروع بسیاری از کارها بود.

ویژگی ششم حاج رضوان این است که در مسائل نظامی یک نابغه بود. یک فرمانده تمام عیار بود که

هم تهدید را خوب تشخیص می داد و هم مناسب آن تهدید برنامه ریزی می کرد و سازمان خود را مجهز، به روز آوری کند، آماده اقدام کند. یعنی یک نابغه نظامی بود. این نابغگی در بحث رویارویی با اسرائیلی ها و حمله به اسرائیلی ها به ویژه در جنگ ۳۳ روزه سال ۲۰۰۶ مصداق پیدا کرده است. بخصوص اینکه دنیای عرب در شصت سال گذشته اسرائیل را در چند جنگ تجربه کرده و یک هیبتی از اسرائیل بوجود آورده که اسرائیل هر وقت اراده کند همه کاری را می تواند بکند و کسی هم حریف او نیست.

اما همین نگاه حاج عماد مغنیه و درک درست او از میزان توان و آسیب پذیری اسرائیل، توانسته بود که سازمان مقاومت را به گونه شکل دهد تا بتواند در برابر ماشین جنگی اسرائیل ۳۳ روز مقاومت کند، و شکست را بر اسرائیل تحمیل کند. همین یک نقطه برای کارنامه حاج عماد به عنوان یک نابغه نظامی و

قدرت حزب الله بیش از این است که اسرائیلی ها فکر می کنند! امروزه حزب الله «فئه قلیله» نیست. حزب الله نماد اراده تمام عیار مردم لبنان است که در طول تاریخ حیات سیاسی خودشان برای اولین بار طعم خود باوری را چشیده اند. این ملت یکپارچه با هویت لبنانی در مقابل متجاوزان بیگانه ایستاده است

به عنوان یک طراح و صاحب نظر نظامی و فرمانده نظامی کافی است.

این پشتوانه فکری و هوشمندی حاج رضوان را نتیجه چه عاملی میدانید؟

این عنایت الهی است. این ویژگی ها را خدا به او داده است. «الذین جاهدوا فینا لنهذینهم سُبُلنا» بهترین پاسخ به پرسش است. یا «ومن یتق الله یجعل له مخرجاً و یرزقه من حیث لا یحتسب». این ها واقعیت هایی است که ما آن را در لبنان دیده ایم. همان طور که ما در جبهه های نبرد هشت ساله دیده بودیم. مگر فرماندهان مان سابقه نظامی گری داشته اند؟ مگر در

قدرت مقاومت فلسطین بیش از قدرت فلائرها بود. بر این اساس اسرائیل تصمیم گرفت بطور مستقیم وارد عمل شود، و کار فلسطینیها را یکسره کند.

هدف دوم: تلاش برای به سازش کشاندن اعراب. امضای معاهده صلح کمب دیوید میان قاهره و تل آویو، مصر را به عنوان بزرگترین دولت عربی از میدان رویارویی اعراب و اسرائیل خارج کرد، و این رویکرد اسرائیلیها را به شدت خرسند ساخت. زیرا مناخیم بگین نخست وزیر وقت رژیم صهیونیستی علاقمند بود بجای اینکه با همه اعراب یکجا طرف شود، تصمیم گرفت دولت‌های عربی را در زاویه تنگ قرار دهد، تا آنها را مجبور کند به صورت انفرادی با اسرائیل سازش کنند، و به او امتیاز دهند، و این رژیم را مشروع بدانند.

لذا مانع اصلی امضای قراردادهای صلح یکجانبه میان رژیم صهیونیستی و اعراب بعد از داستان کمب دیوید، فلسطینیها بودند که در جنوب لبنان و بیروت و سایر اردوگاه‌های لبنان حضور چشمگیر داشتند. البته هیچ دولت عربی با داشتن انبوه مخالفان سازش با رژیم صهیونیستی نمی‌تواند در مذاکرات سازش شرکت کند. باید در درجه اول این موانع را بردارد، تا بتواند اهدافش را تحقق بخشد. بنابراین اسرائیل برای متقاعد نمودن دولت لبنان به منظور امضای قرارداد صلح همچون قرارداد کمب دیوید، تصمیم گرفت مقاومت فلسطین مستقر در لبنان را قلع و قمع کند تا جاده سازش در برابر همه دولت‌های عربی صاف شود.

هدف سوم: بعد از پیروزی رزمندگان اسلام در جبهه‌های دفاع مقدس در برابر رژیم بعثی عراق، به خصوص زمانی که خرمشهر روز سوم خرداد سال ۱۳۶۱ آزاد گردید. این آزادی بسیار چشمگیر بود. آزادی خرمشهر مانند آزادی شهرهای بزرگی که در جریان جنگ‌های اول و دوم جهانی اتفاق افتاد تعبیر شد. دشمنان مطمئن شده بودند

عملیات ویژه امنیتی که از اهمیت فوق‌العاده برخوردار بود مسئولیت آن را حاج عماد مغنیه بر عهده داشت. به این دلیل که با توجه به پیشینه حضور او در سیستم نظامی جنبش فتح، و عملیات ویژه‌ای که در چارچوب این جنبش بر ضد اسرائیلی‌ها در جنوب لبنان انجام می‌داد، بر اوضاع جنوب لبنان اشراف کامل داشت، و از تجربیات زیادی برخوردار بود

این تحرکات، اسرائیلی‌ها را به شدت نگران کرده بود، و آرزو داشتند همان‌گونه که دولت اردن، فلسطینی‌ها را قلع و قمع کرد، دولت لبنان هم آنان را قلع و قمع کند. ولی دولت لبنان از قدرت متمرکز و ارتش قوی برخوردار نبود تا مقاومت فلسطین را سرکوب کند. از سوی دیگر احزاب و سازمان‌های لبنانی، شاخه‌های مسلح نظامی در اختیار داشتند که توان آنها با قدرت ارتش لبنان برابری داشت، و از طرف دیگر با مقاومت فلسطین روابط دوستانه داشتند. ولی اسرائیل مأموریت سرکوب فلسطینی‌ها را به حزب مارونی کتائب (فالانژ) و جریان‌های همسوی خودش واگذار کرد. لذا از سال ۱۹۷۵ نیروهای فالانژ با فلسطینی‌ها در بیروت درگیر شدند. و فلسطینی‌ها به ناچار به دفاع از خود برخاستند. با آغاز جنگ‌های داخلی در لبنان، کشتارهای عظیمی بر ضد فلسطینی‌ها صورت گرفت، ولی حوادثی که در چارچوب جنگ‌های داخلی اتفاق افتاد، فالانژها نتوانستند فلسطینی‌ها را قلع و قمع کنند. چون

برای آغاز بحث و آگاهی خوانندگان از چگونگی شکل‌گیری مقاومت اسلامی، ابتدا بفرمایید انگیزه اسرائیل برای حمله نظامی به لبنان در سال ۱۹۸۲ چه بوده است؟

بسم الله الرحمن الرحيم. در ارتباط با اهداف حمله رژیم صهیونیستی به لبنان، تصور می‌کنم که این رژیم سه هدف را دنبال می‌کرد. دو هدف را از قبل پیگیری می‌کرده، و هدف سوم آنی و فوری بود که بعد از پیروزی‌های نیروهای سپاه و بسیج و ارتش در جبهه‌های نبرد حق و باطل بخصوص بعد از فتح خرمشهر بوجود آمد:

هدف اول: بعد از جنگ‌های سپتامبر سیاه که در سال ۱۹۷۰ در اردن صورت گرفت و رژیم ملک حسین به نمایندگی از اسرائیل توانست فلسطینی‌ها را قلع و قمع کند، و کشتار عظیمی را بوجود بیاورد، و نیروهای مقاومت فلسطین را از اردن اخراج کند. در نتیجه این کشتار مرزهای اردن و اسرائیل در برابر عملیات مقاومت فلسطین بسته شد، و این مرزها برای اسرائیل کاملاً امن گردید. زیرا نیروهای ملک حسین نقش ژاندارم اسرائیل را ایفا میکردند.

در پی رویدادهای خونین سپتامبر سیاه، نیروهای مقاومت فلسطین حرکتشان را به جنوب لبنان منتقل کرده و این منطقه عملاً به صورت پایگاه اصلی حرکت مقاومت فلسطین بر ضد اسرائیل درآمد. در آن مرحله بیشترین عملیات مسلحانه که بر ضد اسرائیل در داخل سرزمین‌های اشغالی فلسطین یا در مناطق گوناگون جهان تحقق می‌یافت، در جنوب لبنان برنامه ریزی می‌شد. از سوی دیگر نیروهای انقلابی سراسر دنیا که از مقاومت فلسطین حمایت می‌کردند، یا می‌خواستند به حرکت‌های انقلابی و رهایی‌بخش در دنیا دست بزنند، به جنوب لبنان می‌آمدند، و برنامه‌ریزی‌شان را آنجا انجام می‌دادند. فلسطینی‌ها هم به آنها کمک می‌کردند و آموزش نظامی می‌دادند.

دشمنان اینگونه حاج رضوان را شناسایی کردند...

■ نگاهی به چگونگی شناسایی چهره و ترور حاج عماد مغنیه در گفت‌وگوی اختصاصی

شاهد یاران با حجت الاسلام والمسلمین سید علی اکبر محتشمی‌پور



• درآمد

همسویی و همراهی برخی دولت‌های عربی با رژیم صهیونیستی از لحظه پیدایش این رژیم در خاورمیانه، همواره به دولت‌های مترقی و نیز به جنبش‌های انقلابی منطقه آسیب جدی وارد کرده است. از پشت خنجر زدن این دولت‌ها به برخی کشورها و جنبش‌های رهایی‌بخش که برای آزادی فلسطین گام بر می‌داشتند قابل شمارش نیستند.

هشدار سید حسن نصرالله دبیر کل حزب‌الله به برخی دولت‌های عربی در جریان جنگ ۳۳ روزه سال ۲۰۰۶ که حزب‌الله را ماجراجو توصیف کردند، و ملت‌های مسلمان را از تقدیم هرگونه کمک معنوی به این حزب منع کردند فراموش نکردیم. حجت‌الاسلام والمسلمین سید علی اکبر محتشمی‌پور دبیر کل کنفرانس بین‌المللی حمایت از حقوق ملت فلسطین، و سفیر پیشین جمهوری اسلامی در دمشق در گفت‌وگوی اختصاصی با شاهد یاران چگونگی همدستی و نقش یکی از این دولت‌های عربی را در زمینه شناسایی چهره حاج عماد مغنیه که شش ماه بعد به شهادت ایشان منجر شد فاش کرده است که با هم می‌خوانیم:



که جمهوری اسلامی ایران هرگز نمی‌تواند خرمشهر را باز پس گیرد. زیرا عراقیها این شهر را آنقدر مستحکم کرده بودند که به نظر آنان آزادی آن امکان پذیر نیست. خب نیروهای ایران با شجاعت و رشادت توانستند خرمشهر را آزاد کنند، و بلافاصله اسرائیلی‌ها احساس کردند اگر سرزمین‌های ایران آزاد شود، با توجه به ایده‌ای که آن روز مطرح بود «امروز ایران - فردا فلسطین» راه برای آزادی فلسطین در برابر پیشروی نیروهای ایرانی هموار می‌شود. البته نباید فراموش کرد که روایاتی در اسلام و نیز در یهودیت وجود دارد، و حاکی از آن است که قوم یهود بار دیگر قبل از ظهور امام زمان (عج) توسط سپاهیان ایرانی که پرچم‌های سیاه در دست دارند شکست می‌خورند، و فلسطین و مسجد الاقصی آزاد می‌شود. این روایات تاریخی اسرائیلی‌ها را کاملاً به وحشت انداخته بود، که امکان دارد سپاهیان ایرانی پس از آزاد سازی عراق خود را به مرزهای فلسطین برسانند، و این سرزمین و قدس شریف را آزاد نمایند. همه مسلمانان دنیا آگاهند که آزادی قدس شریف یکی از ایده‌های اولیه امام خمینی (ره) بوده و این ایده تاکنون اسرائیلی‌ها را به شدت به وحشت

روایاتی در اسلام و نیز در یهودیت وجود دارد، که قوم یهود قبل از ظهور امام زمان (عج) توسط سپاهیان ایرانی که پرچم‌های سیاه در دست خواهند داشت شکست می‌خورند، و فلسطین و مسجد الاقصی آزاد می‌شود. این روایات تاریخی اسرائیلی‌ها را کاملاً به وحشت انداخته بود، که امکان دارد سپاهیان ایرانی پس از آزاد سازی عراق خود را به مرزهای فلسطین برسانند.

انداخته است. روی این حساب اسرائیلی‌ها برای اینکه خاکریزهای خود را از مرز فلسطین به عمق سرزمین‌های لبنان و سوریه منتقل کنند، با اقدام سریع بخشی از لبنان را به اشغال خود در آوردند. البته اسرائیل امکان داشت اهداف گذشته‌اش مانند از بین بردن مقاومت فلسطین در لبنان و تلاش برای برقراری صلح با دولت لبنان را در دراز مدت انجام دهد. ولی آزادی خرمشهر باعث شد که اسرائیل در اجرای اهداف دراز مدت خود سرعت عمل نشان دهد و برای نجات خود، لبنان را اشغال کند و ریشه‌های مقاومت را در لبنان بسوزاند. به هر حال اسرائیل در سال ۱۹۸۲ این کار را در لبنان انجام داد ولی تلفات سنگینی در نیروی

انسانی متحمل شد. از سوی دیگر اسرائیل خوب می‌دانست که انگیزه‌های دینی و معنوی قوی میان گروه‌های فلسطینی و احزاب سکولار لبنانی وجود ندارد. این احزاب بیشتر به دنبال اهداف کوتاه مدت سیاسی‌شان هستند. حتی مقاومت فلسطین هم به دنبال اهداف و انگیزه‌های سیاسی‌گرایش پیدا کرده بود. امکان دارد انگیزه

سیاسی تا حدودی کاربرد داشته باشد، اما از نظر آنان تا مرز شهادت کاربرد ندارد. روی این حساب اسرائیلی‌ها و آمریکایی‌ها با مطالعاتی که انجام داده بودند، به این نتیجه رسیده بودند که اسرائیل با کمترین هزینه می‌تواند طرف مقابل را به زانو در بیاورد. علاوه بر اینکه درگیری‌های جنگ داخلی لبنان موجب تضعیف و فروپاشی جبهه داخلی لبنان شده بود. موضوع دیگری که اسرائیل را برای این حمله گستاخ کرده بود، مردم جنوب لبنان از عملکرد فلسطینی‌ها خشمگین شده بودند. بخصوص که شیعیان جنوب عملکرد فلسطینی‌ها را قبول نداشتند. کارهای زشت و غیر اخلاقی که فلسطینی‌ها مرتکب می‌شدند موجب رنجش خاطر شیعیان شده بود. اسرائیلی‌ها می‌دانستند که مردم جنوب لبنان در مقابل آنان مقاومت نخواهند کرد. و با این ایده وارد سرزمین لبنان شده، و با پنج لشکر ظرف یک هفته خود را به بیروت رساندند. از آن طرف هم در بقاع غربی تا مرز سوریه پیشروی کرد، و نیروهای سوری را از شهر زحله عقب راندند و تمام پایگاه‌های موشکی سوریه را در همان وهله اول در مناطق بقاع و بقاع غربی و مرزهای سوریه از کار انداختند. کار بجایی رسیده بود که هلی‌کوپترهای اسرائیل به راحتی تانک‌های سوریه را شکار می‌کردند، لذا اسرائیل سریع توانست مقاومت را در لبنان سرکوب کند.

در برابر پیشروی نظامیان اسرائیل مقاومتی صورت گرفت؟

خیر... مقاومتی وجود نداشت... همه تسلیم وضع موجود شده بودند.

در آن مرحله ائتلافی از دولت‌های سوریه، عراق، الجزائر، لیبی و یمن جنوبی بنام جبهه پایداری وجود داشت که اصولاً این جبهه برای رویارویی با اسرائیل بوجود آمده بود. این جبهه چرا در مقابل یورش اسرائیل به لبنان بی‌تفاوت نشست، و سهل انگاری کرد.

از ابتدای تشکیل این جبهه، عراق با عضویت در آن مخالفت کرد. بعثی‌های عراق هیچ‌گاه زیر بار مقاومت و مقابله با اسرائیل نرفته بودند. در جنگ‌های گذشته هم نیرو به سوریه اعزام می‌کردند، ولی این نیروها جنبه نمادین و نمایشی داشتند. زمانی که در سوریه سفیر بودم، سوری‌ها نقل کرده‌اند زمانی که جنگ‌های سالهای ۱۹۶۷ و ۱۹۷۳ اتفاق افتاد، به فرماندهان نیروهای عراقی که در سوریه متمرکز بودند گفتیم چرا در جنگ شرکت نمی‌کنید؟ چرا به ما کمک نمی‌کنید؟

عراقی‌ها می‌گفتند «ماکو اوامر» یعنی از بغداد دستور شرکت در جنگ به ما داده نشده است. تا آخر هم از بغداد به آنها دستور نرسید که از سوریه در برابر اسرائیل دفاع کنند. بر این اساس عراقی‌ها شعار تند سر می‌دادند ولی در مرحله عمل جا می‌زدند و کارشان ضربه زدن از پشت بود. از پشت به جبهه پایداری خنجر می‌زدند. الجزائر و لیبی هم که عضو این جبهه بودند، فاصله جغرافیایی زیادی با لبنان و فلسطین داشتند. امکان نداشت در یک چنین جنگ شتاب زده‌ای عمل‌آینرو اعزام کنند و کمک نمایند.

بی‌تفاوتی آن دولتها را سهیل انگاری و ناتوانی میدانید یا مانند برخورد برخی دولت‌های عربی در جنگ سال ۲۰۰۶ بین حزب الله و رژیم صهیونیستی و جنگ ۲۲ روزه غزه با اسرائیل همدست شده بودند و خیانت کردند؟

نمی‌توانم بگویم که برخی از این دولت‌ها همدست اسرائیل بودند ولی روحیه‌ای که جمهوری اسلامی داشت، و بی‌درنگ به سوریه و لبنان نیرو اعزام کرد، هیچ‌کدام از دولت‌های عربی و اسلامی، نه یمن جنوبی و نه لیبی و نه الجزائر شجاعت و روحیه شورانگیز ایرانی‌ها را برای کمک به مسلمانان لبنان و سوریه نداشتند. در ارتباط با همدستی برخی دولت‌های میانه‌رو عربی با اسرائیل در جنگ ۲۳ روزه اسرائیل با حزب الله و جنگ ۲۲ روزه غزه، باید گفت دولت‌های مصر و اردن و دیگران از قبل با اسرائیل رابطه مستقیم و غیر مستقیم و یا بصورت دو فاکتور رابطه داشتند. ولی آن دولتهای سازشکار عرب در جریان حمله سال ۱۹۸۲ اسرائیل به لبنان کمک کردند، و اجازه دادند که اسرائیل تا عمق سرزمین لبنان و تا نزدیک مرز سوریه پیشروی کند. ولی نمی‌توان گفت که جبهه پایداری همکاری کرد، ممکن است سهیل انگاری کرده باشند. بهانه‌شان هم این است که یمن جنوبی امکانات کافی در اختیار نداشت و لیبی و الجزایر هم فاصله جغرافیایی شان زیاد بوده است.

سوریه که عضو اصلی جبهه پایداری بود چه موضعی داشت؟

سوریه و فلسطینی‌ها به این دلیل در این بحران تنها بودند که امکانات و تجهیزات نظامی و نیروی انسانی‌شان کافی نبود. ولی چیزی که مهمتر از تجهیزات نظامی می‌باشد، انگیزه‌های معنوی و عقیدتی و اراده نیروهای جنگجو است که مهم‌تر از تجهیزات نظامی می‌باشد. مگر رزمندگان حزب الله و مقاومت اسلامی لبنان چه امکاناتی و چه سلاحی در اختیار داشتند که توانستند اسرائیل را به عقب نشینی از لبنان وادار کنند؟ نه نیروی هوایی و نه نیروی دریایی و نه تجهیزات و امکانات پیشرفته و سنگین نظامی داشتند. ولی از روحیه فداکاری و انگیزه‌های معنوی قوی برخوردار بودند که از هرگونه سلاح پیشرفته کارآمدتر است. ارتش سوریه و نیروهای مقاومت فلسطینی از انگیزه‌های معنوی و روحیه ایثارگری در آن زمان برخوردار نبودند.

در سال ۱۹۸۲ ارتش اسرائیل به مدت یک هفته سرتاسر جنوب لبنان و پایتخت این کشور را اشغال کرد. در آن





خیر... حزب الله هیچ نیروی وابسته را نمی پذیرفت. بر اساس طرحی که برای حزب الله تهیه کرده بودم، گروه های نظامی وابسته به احزاب لبنانی به هیچ وجه اجازه نداشتند وارد حزب الله شوند. زیرا حضور هواداران و اعضای احزاب اسلامی در حزب الله را مقدمه فروپاشی حزب الله می دانستم. به حزب الله یادآوری کرده بودم که قصد نداریم شرکت سهامی دایر کنیم.

سرنوشت احزاب و گروه هایی که حزب الله را تشکیل دادند چه شد؟

هرگز اجازه نمی دادیم وابستگان گروهی به حزب الله بپیوندند. شرط پیوستن به حزب الله این است که فرد هیچ وابستگی گروهی قبلی نداشته باشد، و اگر هم در حزبی و گروهی عضویت دارد، باید حتما استعفا دهد و یا حزب خود را منحل کند. به طور مثال رهبران حزب الدعوه شاخه لبنان حزب خود را منحل اعلام کرده و آنگاه به حزب الله پیوستند. شیخ علی کورانی یکی از بنیانگذاران حزب الدعوه (شاخه لبنان) به بیروت آمد و در پی بحث و همفکری سایر همکارانش حزب الدعوه را منحل کرد، و از آن به بعد در لبنان حزب الدعوه وجود نداشت.

برخی آگاهان و صاحب نظران معتقدند که حاج عماد مغنیه قبل از پیوستن به حزب الله برای خودش یک سازمان انقلابی مستقل به نام سازمان جهاد اسلامی ایجاد کرده بود و عملیات شهادت طلبانه که در آن مرحله اتفاق می افتاد سازمان جهاد اسلامی مسئولیت آن را به عهده می گرفت. آیا واقعا همین طور بوده است؟

عملیاتی که در آن زمان صورت می گرفت توسط یک سری سازمان ها و گروه هایی بود که هیچ ارتباطی به حزب الله نداشتند. شاید حزب الله هم خبر نداشت که چنین عملیاتی در حال برنامه ریزی یا در حال اجراست. فرض کنید جبهه مستضعفین، یا سازمان جهانی جهاد اسلامی و غیره... این عملیات ویژه ای که حاج رضوان انجام می داد بر اساس سوابق گذشته اش بود که با جنبش فتح داشت. یعنی آن تیمی که در جنبش فتح بود، همان حرکت ها را با نگرش جدید اسلامی ادامه داد، و این حرکات خیلی مؤثر بود و در زمینه ضربه زدن به اسرائیل از کارایی بالایی برخوردار بود.

چه خاطراتی از شهید حاج عماد مغنیه دارید؟

گمان کنم در زمستان سال ۱۹۸۲ اولین بار حاج عماد مغنیه را دیدم. در آن زمان اسرائیلی ها از بیروت تا منطقه خلدیه عقب نشینی کرده بودند. من از طریق جاده کوهستانی لبنان به بیروت رفتم، و جلسات متعددی با شخصیت های نظامی حزب الله داشتم. قرار شد با تیم عملیات ویژه هم ملاقاتی داشته باشیم که طبیعتا انجام عملیات مسلحانه در

حزب الله پایه گذاری شد، دو وظیفه داشت. نوع کار مقاومت دو جهت داشت. یکی جهت گیری نظامی، و دیگری جهت گیری امنیتی یا عملیات ویژه بود. البته این دو وظیفه که مقاومت اسلامی داشت به دو طیف و دو دسته از نیروهای لبنانی تفویض شده بود. وظیفه نظامی به یک جریان نظامی واگذار شده بود که در رأس آن سید حسن نصرالله قرار داشت و مرکزیت آن در شهر بیروت بود. یکسری از فرماندهان نظامی مقاومت هم در جنوب مستقر بودند، و به دستورات شورای رهبری مقاومت عمل می کردند. فرماندهی شاخه نظامی در منطقه بقاع هم بر عهده شخصیت دیگری واگذار شده بود.

عملیات ویژه امنیتی که از اهمیت فوق العاده برخوردار بود مسئولیت آن را حاج عماد مغنیه بر عهده داشت. به این دلیل که حاج عماد مغنیه با توجه به پیشینه حضور او در سیستم نظامی جنبش فتح، و عملیات ویژه ای که در چارچوب این جنبش بر ضد اسرائیلی ها در جنوب لبنان انجام می داد، بر اوضاع جنوب لبنان اشراف کامل داشت، و مناطق مختلف استراتژیک را می شناخت، یعنی یک راه طولانی را طی کرده و از تجربیات زیادی برخوردار بوده است. مانند یک کارشناس نظامی ارشد که سال های طولانی عمر خود را در مسائل نظامی سپری کرده باشد.

گمان نمی کنم در آن سال بیش از ۲۱ سال سن داشت. اما از دوران نوجوانی در صفوف مقاومت فلسطین و جنبش فتح حضور داشت. و چون یک آدم نابغه ای بود، از هوش و استعداد بسیار بالایی برخوردار بود. بسیاری از مسائل را خیلی سریع آموخته و در یک رشته عملیات نظامی هم شرکت کرده بود.

آیا در دوره های آموزش نظامی که حزب الله در بقاع تشکیل داد شرکت کرد؟

خیر... ایشان نیازی به شرکت در دوره های آموزش نظامی که حزب الله در پایگاه جنتا در شرق بقاع دایر کرده بود نداشت. افرادی که در این دوره های ابتدایی شرکت می کردند، از قبل آموزش نظامی ندیده بودند. برای عملیات ویژه امنیتی دوره های تخصصی دایر شده بود که افراد با استعداد پس از گذراندن مراحل به پایگاه های مخصوص در لبنان و خارج لبنان اعزام می شدند. اصولا حاج عماد جوانان لبنانی و غیر لبنانی را آموزش می داد. عملیات ویژه

نمی توانم بگویم که برخی از دولت های عربی در حمله سال ۱۹۸۲ اسرائیل به لبنان همدست اسرائیل بودند، ولی روحیه ای که انقلاب اسلامی داشت، و بی درنگ به سوریه و لبنان نیرو اعزام کرد، هیچ کدام از دولت های عربی و اسلامی، نه یمن جنوبی و نه لیبی و نه الجزایر شجاعت و روحیه شورانگیز ایرانی ها را برای کمک به مسلمانان لبنان و سوریه نداشتند.

ما فوق عملیات نظامی می باشد. عملیات استشهادهای که بر ضد اشغالگران اسرائیلی در جنوب لبنان انجام شد، بخشی از سلسله وظایف عملیات ویژه بود که شهید عماد مغنیه مسئولیت آن را بر عهده داشت. عماد مغنیه در آن مرحله حدود ۲۱ سال سن داشت و از تخصص بالایی برخوردار بود. سن بیشتر نیروهای حزب الله در آن مرحله هم میانگین ۱۶ تا ۲۵ سال بود. حزب الله سنین بالای ۲۵ سال را نمی پذیرفت.

نیروهایی که به حزب الله می پیوستند وابستگی گروهی قبلی هم داشتند؟

زمان قلعه (تاریخی) الشقیف را مستحکم ترین دژهای مقاومت فلسطین در جنوب لبنان یاد میکردند که اگر اسرائیلی ها بخواهند آن را تسخیر کنند، ماه ها باید پشت این قلعه بجنگند تا آن را از جنگ فلسطینی ها بیرون آورند. نیروهای مستقر در این قلعه هنگام حمله اسرائیل حتی یک شب هم مقاومت نکردند. بلافاصله آن را تخلیه کردند. اسرائیلی ها در پیشروی یک هفته ای خود در خاک لبنان همه امکانات و سلاح های فلسطینی ها از انبارها تخلیه و به فلسطین اشغالی منتقل می کردند. این وضعیتی بود که در آن زمان وجود داشت. ولی الآن ملاحظه کنید که نیروهای مقاومت حماس و جهاد اسلامی در فلسطین در مقابل ماشین جنگی اسرائیل ایستادگی می کنند. اسرائیل به مدت ۲۲ روز نتوانست وارد غزه شود.

در آن شرایط که قدرت اعراب فروپاشیده بود و همه سازمان ها و احزاب ناسیونالیست و سوسیالیست عرب سرگردان شده بودند، روحانیون و جوانان شیعه لبنانی با چه انگیزه و با کدام امیدی مقاومت را پایه گذاری کردند؟

آنچه که امروز در لبنان تحت عنوان مقاومت اسلامی یا حزب الله، یا مقاومت مؤمنه وجود دارد، آن ها را محصول تفکر و اندیشه بلند حضرت امام (ره) می دانم. در حقیقت ما نرفته بودیم لبنان تا مقاومتی را ایجاد کنیم. ما رفته بودیم خودمان مقاومت کنیم. جمهوری اسلامی ایران نیرو به سوریه و لبنان اعزام کرد تا عملا با اسرائیل بجنگند، و از سرزمین لبنان و مرزهای سوریه دفاع کنند و اشغالگران را به عقب برانند. وقتی کفار به یک سرزمین اسلامی حمله می کنند، همه مسلمانان وظیفه دارند از مسلمانان آن سرزمین دفاع کنند. این وظیفه اولیه نیروهای اعزامی جمهوری اسلامی ایران به منطقه بود. اصولا به فکر کسانی که تصمیم گرفتند نیروی ایرانی به مرزهای سوریه و لبنان اعزام کنند نیامده بود که روزی مقاومت اسلامی در لبنان شکل بگیرد. صرفا این حرکت به عنوان یک امداد فوری بود. ولی وقتی حدود سه تیپ در قالب دو هزار رزمنده وارد سوریه شدند، امام پس از آگاهی از تصمیم، با اعزام این همه نیرو به شدت مخالفت کردند و دستور دادند اعزام نیرو متوقف شود. ابتدا قرار بود هر شب یک فروند هواپیما نیرو و تجهیزات نظامی به سوریه منتقل شود تا تعداد نیروها به یازده لشکر برسد و در مرزهای سوریه و فلسطین مستقر شوند. اما نیروهایی که وارد منطقه شده بودند، آنجا ماندند و به دستور حضرت امام کار آموزش جوانان لبنانی را آغاز کردند که به تدریج مقاومت شکل گرفت.

تصمیم گیری برای اعزام نیرو به سوریه و لبنان توسط شورای عالی دفاع گرفته شد و حضرت امام خمینی (ره) پس از آگاهی با این تصمیم مخالفت کردند. بفرمایید که ماندن نیروهای سپاه در لبنان تحت مسئولیت شرعی ولایت امام به عنوان ولی فقیه قرار گرفت؟

اصولا امام (ره) ایده های خودشان را در چارچوب نظام سیاسی اجرا می کردند. وقتی امام با این تصمیم سیاسی نظامی مخالفت کردند، استقلال خودشان را بیان کردند، و از آن به بعد کلیه تصمیم گیری ها در وزارت امور خارجه و سپاه و ارتش و شورای عالی دفاع در چارچوب اندیشه امام شکل گرفت. تصمیماتی که گرفته می شد در پرتو نظریات امام بود. امام از آن لحظه دستور دادند در لبنان مقاومت تشکیل شود و نظام سیاسی جمهوری اسلامی از نظر مادی و معنوی حمایت کند تا مقاومت روی پای خود بایستد و نیروهای بیگانه را از لبنان اخراج کند.

در آن شرایط که شخصیت های لبنانی با حضرت تعالی به عنوان سفیر جمهوری اسلامی ایران در دمشق و نماینده حضرت امام در سوریه و لبنان تماس می گرفتند و با سپاه ارتباط برقرار کردند، حاج عماد مغنیه هم حضور داشت؟ ایشان در آن مرحله چه جایگاهی داشت؟ آیا با نیروهای اعزامی هم ارتباط برقرار کرده بود؟

اصولا مقاومت که با پیشنهاد امام (ره) شکل گرفت و

شنیده بودم که حاج عماد مغنیه به دعوت یکی از خاندان آل سعود به عمره رفته بوده است. نمی دانم به دعوت ملک عبدالله بوده یا به دعوت شخص دیگری! به هر حال به عربستان رفته و سعودی ها در این سفر از او عکس جدید و به روز گرفته اند. تردیدی نیست که عکس جدید حاج عماد در اختیار سرویس های آمریکایی قرار گرفته است. چون آمریکایی ها در سایر اماکن عربستان حضور دارند.

شخصاً سیستم حفاظتی خود را تغییر داده و گاهی شخصاً و بدون محافظ رانندگی می کرد و معتقد بود این روش برای تسریع کارها بهتر جواب می دهد. البته من شنیده بودم که ایشان حدود پنج یا شش ماه قبل از شهادت یک سفر رسمی به عربستان سعودی داشته است.

این دیگه خیلی خطرناک بود!!

شنیده بودم حاج عماد به دعوت یکی از خاندان آل سعود به عمره رفته بوده است. نمی دانم به دعوت ملک عبدالله بوده یا به دعوت شخص دیگری! به هر حال به دعوت دولت عربستان سعودی بوده است. در عربستان هم ایشان را حفاظت شده با ماشین ضد گلوله جابجا می کردند. بعد از انجام مراسم عمره هم او را به مدینه منوره بردند. می خواهم به این نکته مهم اشاره کنم که از سال ۱۹۸۲ که اسرائیل وارد لبنان شد تا حدود شش ماه پیش از شهادت، هیچ تصویری در دنیا از حاج رضوان وجود نداشت. در هیچ جا و با هیچ کس ظاهر نشده بود. در ملاقات هایی که شرکت می کرد به هیچ کس اجازه عکس برداری نمی دادند. آمریکایی ها و اسرائیلی ها برای تعقیب و بازداشت حاج عماد مغنیه فقط از عکس دوران نو جوانی که در پرونده او در جنبش فتح وجود داشته استفاده می کردند. زمانی هم که آمریکا برای بازداشت و یا شهادت ایشان جایزه ۲۵ میلیون دلاری تعیین کرد، همین عکس در اختیار سرویس های اطلاعاتی وجود داشت. طبیعتاً در این سفر عمره سعودی ها عکس جدید و به روز از حاج رضوان گرفته اند، و بی تردید عکس جدید حاج عماد مغنیه در اختیار سرویس های آمریکایی قرار گرفته است. چون آمریکایی ها در فرودگاه و سایر اماکن عربستان حضور فعال دارند.

یعنی امکان دارد مقام های عربستان عکس او را در اختیار آمریکایی ها قرار داده باشند؟

قطعاً اینطور است. گذرنامه او گذرنامه به روز بوده است، طبیعتاً سرویس های امنیتی و اطلاعاتی عربستان سعودی با توجه به هماهنگی که با سرویس های آمریکایی در عربستان دارند راحت می توانند از او عکس برداری کنند. بر این اساس قیافه و چهره جدید حاج رضوان با عکس حدود ۳۰ سال پیش کاملاً متفاوت بوده است. قبل از سفر به عربستان هرگز چهره حاج رضوان قابل شناسایی نبوده است. به نظر من علت اینکه او را شناسایی کردند، او خیلی راحت و آزاد بلند شده رفته عمره، یا سیستم حفاظتی را که از شش ماه قبل تغییر داده است، در همان شبی که به شهادت رسید، به تنهایی و آزادانه به زیارت مرقد حضرت رقیه (س) در دمشق رفته بوده است. حاج عماد قبل از سفر عمره به عربستان، مخفیانه و با نام مستعار به همه کشورهای سفر می کرد. به آمریکا و اروپا و سوریه و برخی کشورهای عربی می رفت. به ایران می آمد. هر جا که می رفت کسی او را نمی شناخت. ولی سفر عربستان سرگذشت او را به پایان رساند. ■

ملاقات کردید. کلاً روحیه ایشان را پس از شهادت حاج رضوان چگونه یافتید؟

روز ۱۴ محرم الحرام دو سال پیش (دو هفته قبل از شهادت حاج عماد مغنیه) در اجلاس قدس که در سوریه از سوی جنبش حماس برگزار شد شرکت کردم. پس از اجلاس تصمیم گرفتم به بیروت بروم و با آقای نصرالله دیدار کنم. به بیروت خبر دادم که من قصد آمدن دارم. ولی به من گفتند از آمدن به بیروت خودداری کنید. من خیلی تعجب کردم که چرا به من گفته اند به بیروت نروم. چرا که همیشه استقبال می کردند. یک روز بعد از سفارت کشورمان در دمشق خبر دادند که برای من ساعت ۱۴ بعد از ظهر ملاقاتی ترتیب داده اند. پرسیدم ملاقات با کیست؟ مسئولان سفارت گفتند در موعد مقرر آگاه می شوید. چند دقیقه قبل از موعد ملاقات مرا سوار ماشین کردند و به مکان مخصوصی بردند که دیدم آقای نصرالله حضور دارد. پس از گذشت چند لحظه حاج عماد مغنیه هم به ما پیوست. در آن جلسه تعدادی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی هم حضور داشتند. در این جلسه حدود دو ساعت درباره موضوع فلسطین بحث کردیم و یکسری اشکالات و پیشنهاداتی مطرح گردید. آقای نصرالله پیشنهاد کرد برای اینکه استفاده بیشتری از این جلسه بشود، جلسه مخصوصی هم با حاج رضوان گذاشته شود. شب بعد جلسه دیگری در حضور حاج رضوان و تعدادی از برادران تشکیل شد، و به طور مفصل درباره مسائل لبنان و فلسطین بحث و تبادل نظر به عمل آمد.

غرض از این مقدمه می خواهم به این نکته اشاره کنم هنگامی که به محل جلسه رفتم، منطقه ای است که حاج رضوان در آن اقامت داشت، از نظر من به طرز وحشتناکی مسئله دار بود. با توجه به اهمیت آقای سید حسن نصرالله و آقای حاج عماد مغنیه، این منطقه برای اقامت آنها و ملاقات هایی که در آن صورت می گیرد، به هیچ وجه مناسب نیست و به راحتی مورد شناسایی قرار می گیرد.

همان منطقه کفرسوسه که حاج عماد در آن ترور شد؟

آری... نه کنترلی و نه نگرانی وجود داشت. هر کسی خیلی راحت می توانست در خیابان های این منطقه رفت و آمد کند. این نارسایی را برای برخی دوستان هم مطرح کردم که اینجا خطرناک است. خب این مسئله را آنجا مطرح کردم و مراتب نگرانی خود را برای دوستان بیان کردم. شاید هم برای برخی افراد نامه نوشتم که این کار بسیار خطرناک است. برخی از دوستان گفتند که سیستم حفاظتی حاج عماد مغنیه تغییر کرده است. سیستم حفاظتی حاج عماد در سالهای گذشته کاملاً امنیتی و بسته بوده و به هیچ وجه در انظار ظاهر نمی شده است. رفت و آمدهای ایشان بکلی سری بوده است. اما الان حاج عماد



درون پایگاه های اسرائیلی ها در جنوب لبنان در مسئولیت این تیم قرار داشت. اولین بار در آن جلسه با چهره حاج عماد مغنیه آشنا شدم. ایشان را یک جوان سرحال و رشید که حدود ۲۰ سال سن داشت یافتیم. آثار نبوغ و شجاعت و اراده و تصمیم در چهره او کاملاً نمایان بود. جلسه حدود ۲ تا ۳ ساعت طول کشید، و حاج عماد گزارشی از فعالیت ها و برنامه های تیم خودش ارائه داد.

دومین ملاقات با حاج عماد، گمان کنم در سال ۱۹۸۳ بود که ایشان همراه چند نفر از برادران مقاوم برای ارائه گزارشی به سوریه آمد و مسائلی را مطرح کرد. یکی از مهمترین زمینه های موفقیت آقای مغنیه این است که قبل از شکل گیری مقاومت با آقای سید حسن نصرالله روابط بسیار صمیمانه داشت. آن دو نسبت به مسائل آن مرحله دیدگاه مشترک داشتند. هم سن و سال و دوران جوانی شان را در کنار یکدیگر سپری کرده اند. با وجودی که آقای سید حسن نصرالله دوره های آموزش نظامی را در برخی پایگاه های فلسطینی دیده بود، ولی در زمان امام موسی صدر عضو برجسته و شاخص جنبش امل بود. آقای عماد مغنیه هم که در جنبش فتح فعالیت می کرد باعث شده بود آن دو با یکدیگر ارتباط تنگاتنگ داشته باشند. این دوستی را تا نهایت همچنان حفظ کردند.

به طور معمول میان یک تشکیلات امنیتی و یک تشکیلات سیاسی همواره رقابت وجود دارد. این تشکیلات در اغلب کشورها یکدیگر را خنثی می کنند. همیشه در حال رقابت هستند. تشکیلات امنیتی می گوید من موفقتر هستم، و تشکیلات سیاسی می گوید من موفقتر هستم. تشکیلات اول می خواهد امکانات بیشتری در اختیار داشته باشد، و تشکیلات دوم می خواهد اختیارات بیشتری به دست بگیرد. اما اهمیت جریان مقاومت اسلامی لبنان در این است که تشکیلات نظامی و تشکیلات امنیتی با یکدیگر همکاری می کردند و مکمل یکدیگر بودند، و هیچ گونه رقابت منفی و خنثی سازی یکدیگر میان شان وجود نداشت. لذا قدرت نظامی مقاومت اسلامی در پرتو این همکاری حرف اول را در لبنان می زد، عملیات ویژه امنیتی که شهید حاج رضوان در رأس آن قرار داشت، حرف اول را در لبنان می زد، و هیچ قدرتی در لبنان وجود نداشت تا بتواند همپراز مقاومت اسلامی و نیروهای نظامی حزب الله باشد.

حضر تعالی در مراسم تشییع حاج رضوان در بیروت حضور داشتید و با سید حسن نصرالله دبیر کل حزب الله



• درآمد

ترور شهید حاج عماد مغنیه در شامگاه سه شنبه ۲۳ بهمن سال ۱۳۸۷ توسط سازمان جاسوسی رژیم صهیونیستی «موساد» با همدستی سرویس‌های امنیتی و جاسوسی برخی دولت‌های عربی در دمشق چهره زشت و کریه برخی دولت‌های خود فروخته عربی و نیز ماهیت سران برخی گروه‌ها و احزاب دست راستی لبنان را آشکار ساخت. این همدستی همچنین نشان داد که هیچ نظام سیاسی به اندازه برخی رژیم‌های دست نشانده در جهان عرب قهرمانان ملی خود را که مایه عزت و سرافرازی ملت‌های عرب و مسلمان شده‌اند این اندازه تحقیر نمی‌کنند. آقای سید محمد صادق حسینی کارشناس امور خاورمیانه در گفت و گوی اختصاصی با شاهد یاران ضمن تجلیل و تقدیر از مجاهدات‌های خستگی ناپذیر شهید حاج عماد مغنیه و با ارائه تحلیلی جامع و منطقی از دلایل همدستی برخی رژیم‌های عرب منطقه با رژیم صهیونیستی در زمینه برنامه ریزی و اجرای عملیات تروریستی به شهادت رساندن این شهید فرزانه را آشکار ساخته است:

■ بررسی دلایل همدستی محافل سازشکار لبنانی و برخی دولت‌های عرب منطقه برای ترور حاج عماد مغنیه در گفت‌وگوی اختصاصی شاهد یاران با سید محمد صادق حسینی

حاج رضوان با همدستی دولت‌های خائن منطقه با صهیونیست‌ها به شهادت رسید...

عرب و دنیای اسلام به عمل آورد. می‌توان این رویکرد را یک حرکت خردمندانه از سوی یک انسان به تمام معنی نابغه توصیف کرد.

با این وصف به محض انتقال مقاومت فلسطین از اردن به لبنان در پی کشتارهای سپتامبر سیاه، شهید حاج عماد مغنیه آن را در آغوش گرفت و به آن پیوست. انتقال مقاومت فلسطین به لبنان را یک فرصت طلایی تلقی کرد، تادیدگاه‌ها و اندیشه‌های انقلابی و دینی خویش را به آن منتقل نماید و انقلاب لبنان را به انقلاب فلسطین پیوند دهد. حاج عماد مغنیه با وجودی که یک انسان انقلابی و پویا و متدین و متعهد بود، در عین حال با تدین سنتی و آیین‌های بی‌محتوا مبارزه می‌کرد.

به موازات انتقال جنبش مقاومت فلسطین به لبنان، نشانه‌های پیدایش نهضت نوپای اسلامی در منطقه نمایان شده بود. بخشی از بادهای این نهضت از حوزه علمیه نجف اشرف از طریق درس‌های «حکومت اسلامی امام خمینی (ره) وزیدن گرفته بود، و بخشی از آن با آمدن امام موسی صدر از ایران و تلاش برای سازندگی و بهبودی جامعه مظلوم شیعیان لبنان وزیدن گرفته بود.

در چنین شرایطی این مرد شجاع و مؤمن و شیعه زود هنگام اسلحه به دست گرفت و دوشادوش برادران اهل تسنن فلسطینی به سوی میدان جنگ با رژیم صهیونیستی گام برداشت، و در عین حال با برادران مبارز ایرانی رانده شده از عراق نیز روابط صمیمانه برقرار کرد. در آن مرحله که سرآغاز انقلاب اسلامی ایران و سرآغاز شکوفایی انقلاب فلسطین و سرآغاز اوج‌گیری گرایش‌های دینی در خاورمیانه به شمار می‌رفت، حاج عماد مغنیه توانست دهها تن از شخصیت‌های مبارز ایرانی، فلسطینی، لبنانی اعم از شیعه و

این ایده را مطرح می‌کردند که قدرت لبنان در ضعف او نهفته است، و می‌کوشیدند لبنان را به سمت دنباله روی از کشورهای غربی، به ویژه دایه مهربان‌تر از مادر «فرانسه رهنمون سازند. جریان دوم به چپگرایی و طرفداری از بلوک سوسیالیسم گرایش داشت، و می‌کوشید لبنان را به اتحاد جماهیر شوروی پیوند دهد.

حاج رضوان نماد یک امت بود... هیچ وقت به حزبگرایی اعتقاد نداشت. مانند کسی بود که برای تحقق فلسفه «امت حزب الله آفریده شده است... حزب الله پس از یورش اسرائیل به لبنان در سال ۱۹۸۲ تأسیس شد، ولی شهید حاج عماد مغنیه چند سال پیش از تأسیس این حزب به فلسفه «امت حزب الله» ایمان مطلق داشت، و همواره این ایده را مطرح می‌کرد.

در میان این دو جریان، نیروهای مؤمن و متعهد جایگاهی نداشتند. در آن شرایط سرنوشت ساز و تاریخی، و در سایه سردرگمی همه روحانیون و همه سیاستمداران لبنانی بی‌طرف و یا مستقل، حاج عماد مغنیه، این جوان انقلابی برانگیخته شد، و از دوران جوانی در صدد نجات لبنان از این سردرگمی برآمد. کوشید پیوندهای دینی و پیوندهای مشترک تاریخی لبنان و فلسطین را تقویت کند. تلاش‌های دامنه‌داری را برای پیوستن انقلابیون لبنان و فلسطین با جهان

گفت و گو را با این پرسش آغاز می‌کنیم که حاج عماد مغنیه کیست؟ جنابعالی که سال‌ها در لبنان زندگی کرده‌اید، و با برخی انقلابیون عرب ارتباط داشتید، ایشان را چگونه مبارزی یافتید؟

بسم الله الرحمن الرحیم: در حقیقت سخن گفتن از این اسطوره مقاومت، یا این مرد اسطوره‌ای کار دشواری است. اگر او را «چه گوار»ی اعراب و مسلمانان عصر حاضر بنامیم اغراق نگفته ایم. زیرا او با ایمان و عقیده استوار دینی، فراتر از مرزهای لبنان و فراتر از مرزهای جغرافیایی جهان عربی و دنیای اسلام می‌اندیشید. از زمانی که این مرد خود را شناخت، در مسیر جهاد گام برداشت. از روزی که بنده و دو تن از برادرانم و تعدادی از مجاهدان ایرانی و عراقی بر اثر فشارهای رژیم حزب بعث نجف اشرف را ترک کردم و در لبنان استقرار یافتیم، با تعدادی از برادران مبارز و آزادی‌خواه لبنانی از جمله حاج عماد مغنیه آشنا شدم. او را جوانی مؤمن و متعهد یافتیم که تدین و اعتقادات مذهبی او نظیر نداشت. این ویژگی بی‌نظیر، حاج رضوان را از دیگران متمایز می‌کرد. به این دلیل این جوان شیعه و متدین لبنانی را از دیگران متمایز دیدم که از دوران جوانی می‌کوشید میان دین و سیاست آمیختگی ایجاد کند.

در آن برهه مبارزان فراوانی در لبنان فعالیت می‌کردند، ولی هرگز به خود اجازه نمی‌دادند سیاست را با دین آمیخته کنند. اصولاً با فرهنگ دینی علاقه‌ای نداشتند. افزون بر آن، در آن شرایط کسی نبود که جامعه لبنان را با جوامع عربی و اسلامی پیوند دهد. در آن مرحله دو گرایش خطرناک بر جهت‌گیری‌ها و رویکردهای شخصیت‌های سیاسی و سران احزاب لبنانی حاکمیت داشت. یک جریان به راستگرایی و انزوا طلبی گرایش داشت. نظریه پردازان این گرایش،

پهلوی به سر می‌برد. ولی شهید عماد مغنیه به شدت از این درد رنج می‌برد، و به محض اینکه انقلاب اسلامی در ایران آغاز شد، تحت تأثیر انقلاب اسلامی و دیدگاه‌های امام خمینی (ره) قرار گرفت. زمانی هم که مبارزان ایرانی به لبنان می‌آمدند و کمک تقاضا می‌کردند، حاج عماد آنان را به پایگاه‌های جنبش فتح رهنمون می‌کرد تا آموزش ببینند و به کشورشان باز گردند. جز کسب رضای خداوند متعال هیچ منافع مادی عاید او نمی‌شد. برادران عراقی که از ستم صدام فرار می‌کردند، و به لبنان می‌آمدند، حاج عماد به آنان پناه می‌داد و کمک‌شان می‌کرد تا به عراق باز گردند و کشورشان را از حکومت استبدادی صدام نجات دهند.

یکی دیگر از ویژگی‌های حاج رضوان این است که با جهان‌بینی باز و گسترده حرکت می‌کرد. با انقلابیون آمریکایی لاتین به ویژه انقلابیون بولیوی و طرفداران چه‌گوارا ارتباط نزدیک داشت. این انقلابیون به لبنان می‌آمدند تا به فلسطینی‌ها کمک کنند و هم خودشان بهره‌مند شوند. بسیاری از انقلابیون چپ‌گرای اروپا که بر ضد امپریالیسم آمریکا مبارزه می‌کردند به لبنان می‌آمدند و با شهید عماد مغنیه ارتباط برقرار می‌کردند. او به منظور تضعیف امپریالیسم آمریکا با انقلابیون اروپایی همکاری می‌کرد. زیرا آمریکا مهم‌ترین پشتیبان رژیم صهیونیستی است. بنابراین آنچه که حاج عماد را از دیگران متمایز می‌ساخت این است که او بین المللی می‌اندیشید. خود را به لبنان و فلسطین و خاورمیانه محدود نمی‌دانست. او هرگز به حزبرگایی و گروه‌گرایی اعتقاد نداشت. با وجودی که به نظم و انضباط و سازماندهی اعتقاد داشت، خود را همواره از کشمکش‌ها و درگیری‌های حزبی و گروهی دور می‌ساخت. از تنگ‌نظری‌ها و خط‌بازی‌ها متنفر بود.

پس از شهادت حاج عماد مغنیه برخی نویسندگان و تحلیلگران لبنانی شیوه‌ها و راهکارهای مبارزاتی و عملیاتی او را مانند شیوه‌های «هوشی مین» رهبر انقلابیون ویتنام توصیف کردند، ولی جنابعلی او را «چه‌گوارا»ی اعراب توصیف کردید. چه تفاوتی میان این دو شیوه انقلابی وجود دارد؟

در پی جنگ‌های متعددی که حاج رضوان فرماندهی آن را بر عهده داشت، و پس از تحکیم پایه‌های حزب الله در لبنان، تحول چشمگیری در راهکارها و شیوه‌های مبارزاتی او بروز کرد. در آغاز پیکار با شیوه‌های پارتیزانی و جنگ‌های چریکی به سبک چه‌گوارا و انقلابیون آمریکایی لاتین مبارزه می‌کرد، ولی هر اندازه تاریخ می‌گذشت شیوه‌ها و سبک‌های جدیدی را گزینش می‌کرد. شیوه‌های جنگ ویتنام و راهکارهای «هوشی مین» نیز یکی از این شیوه‌ها بود. سرانجام حاج عماد میان شیوه‌های «چه‌گوارا» و شیوه‌های «هوشی مین» آمیختگی ایجاد کرد و مکتب نظامی جدیدی را به وجود آورد که به مکتب منحصر به فرد حاج عماد مغنیه نامیده می‌شود که همانا مکتب «امت حزب الله» است.

با توجه به تفاوت جنوب لبنان با ویتنام و آمریکای لاتین، این مکتب را بر اساس چه ملاکی به وجود آورد؟

حاج عماد مغنیه قبل از تأسیس حزب الله تجربیات گوناگونی را پشت سر گذاشته بود. جنگ پارتیزانی را در چارچوب همکاری با جنبش فتح آموخت. میان مردم و جامعه خویش پرورش یافت، زیرا خود را از توده مردم می‌دانست. از مکاتب بزرگانی همچون شهید سید محمد باقر صدر و امام موسی صدر و علامه فضل الله دانش‌های فراوان آموخت. پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران نیز از مکتب انقلابی امام خمینی (ره) سیراب شد. همه این دانش‌ها و تجربیات را آمیخته کرد و تجربه جدید و منحصر به فرد خود را به وجود آورد.

ناگفته نماند که حاج عماد در ابتدای پیکار و جهاد، یک تشکیلات اسلامی در درون جنبش فتح تأسیس کرده بود،

عماد مغنیه برای نجات انسان از بی‌عدالتی و گمراهی، همه مکاتب فکری و انسانی را در نورددید. ادبیات همه جنبش‌های اسلامی از جمله ادبیات جنبش اخوان المسلمین را بازخوانی کرد. اهمیت پشتوانه فکری عماد این است که مردی از جنس مردم بود، و از سرچشمه مکاتب انسانی نوشید. از قشر مستضعف جامعه برانگیخته شده و به سوی مردم بازگشت.

را با جنبش فتح منسجم کند. زیرا هدف او بازگرداندن لبنان به محیط عربی و اسلامی این کشور بود. می‌کوشید مبارزات ملت‌های منطقه را به سوی آرمان فلسطین که مهم‌ترین قضیه اعراب و مسلمانان می‌باشد، رهنمون سازد. حاج عماد مغنیه پیش از اینکه با دیدگاه‌ها و اهداف امام خمینی آشنا شود، نسبت به ابعاد خطر موجودیت کیان غاصب صهیونیستی در لبنان و منطقه شناخت پیدا کرده بود. او باور داشت که رژیم صهیونیستی یک غده سرطانی است که باید ریشه‌کن شود. زیرا خطر رژیم صهیونیستی را به روشنی درک کرده بود.

دیدگاه‌ها و راهکارهای امام موسی صدر چه نقشی در تبلور فکری شهید عماد مغنیه داشت؟

به محض اینکه امام موسی صدر وارد لبنان شد و کارسازندگی جامعه شیعیان لبنان را آغاز کرد، و آنگاه که «گردان‌های مقاومت لبنان» تأسیس شد، حاج عماد مغنیه بی‌درنگ به کمک امام موسی صدر شتافت، ولی از پیوستن به تشکیلات جنبش امل خودداری کرد. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های حاج رضوان این است که هیچ وقت به حزب‌گرایی اعتقاد نداشت. اصولاً مانند کسی بود که برای تحقق فلسفه «امت حزب الله» آفریده شده است. قبل از تشکیل حزب الله به فلسفه «امت حزب الله» ایمان مطلق داشت. همانگونه که می‌دانید حزب الله پس از یورش اسرائیل به لبنان در سال ۱۹۸۲ تأسیس شد. ولی شهید حاج عماد مغنیه چند سال پیش از تأسیس حزب الله به این ایده گرایش داشت. او نماد یک امت بود.

در زمانی هم که دیدگاه‌های فکری و عقاید اجتهادی علامه سید محمد حسین فضل الله در جامعه شیعیان لبنان به عنوان یک مکتب فکری رواج داشت، حاج عماد مغنیه مدتی به این مکتب فکری گرایش پیدا کرد. مانند گم‌گشته‌ای که پی در پی قله‌های تکامل فکری و سیاسی و عقیدتی را جستجو می‌کند. در عین حال می‌کوشید، همه مبارزان و تلاش‌گران را به قبله مرکزی و محور مبارزات اعراب و مسلمانان، یعنی سرزمین فلسطین رهنمون سازد.

حاج عماد مغنیه چه تفاوت‌ها و برتری‌هایی بر سایر شخصیت‌های انقلابی داشت؟

این پرسش مهمی است. بسیاری از مجاهدان و مبارزان و تئوریسین‌های آن مرحله، به فریادهای دادخواهانه ملت‌های مسلمان توجهی نداشتند. برای آن‌ها مهم نبود که ملت مسلمان ایران زیر سایه حکومت استبدادی

سنی را بسیج و پیرامون محور مبارزه با دشمن صهیونیستی یکپارچه کند، و آنان را در مقابل دو موج راست‌گرایان انزواطلب و چپ‌گرایان طفیلی قرار دهد. این نشان می‌دهد که عماد مغنیه‌ای جوان، یک انسان نابغه، بی‌همانند و از دیگران متمایز بوده است.

ویژگی‌هایی که به آن اشاره کردید، این پرسش را تداعی می‌کند که هر انسان اندیشمند و مجاهد از یک مکتب فکری فارغ التحصیل شده است. بفرمایید که پشتوانه فکری حاج عماد مغنیه چه مکتبی بوده و نبوغ فکری خود را کجا آموخته است؟

تردید ندارم که شهید حاج عماد مغنیه در راهکار خود به منظور نجات انسان از بی‌عدالتی و نادانی، همه مکاتب فکری و مکاتب انسانی را جستجو کرد. اهمیت پشتوانه فکری حاج عماد مغنیه این نیست که او پیرو مکتب حزب الدعوه و یا پیرو جنبش اسلامی شیعی و یا جنبش سنی بوده و یا شاگرد مکتب یک مجتهد بزرگ بوده باشد! با وجودی که حاج عماد از سرچشمه همه این مکاتب نوشیده است، اما اهمیت او در این است که مردی از جنس مردم بوده است. از قشر مستضعف جامعه برانگیخته شده و به سوی مردم بازگشته است. او ادبیات همه جنبش‌های اسلامی از جمله ادبیات جنبش اخوان المسلمین و مرحوم سید قطب و شهید حسن البنا را مطالعه کرده بود.

در نتیجه این مطالعات توانست نظریه‌های فکری و سازمانی ارائه دهد؟

حاج عماد مغنیه تئورسین نبود. نه به این دلیل که به نظریه پردازی اعتقاد نداشت، با وجودی که به بیشتر نظریه پردازان احترام می‌گذاشت، ولی شخصاً بر این باور بود که میدان کارزار بهترین آزمون است. میدان کارزار را نماد و ملاک عمل می‌دانست. من شیوه جنگ و مبارزه او را در تشکیلات جنبش فتح با چشم خود دیده‌ام. جنبش فتح یک جنبش اسلامی نبود. ولی حاج عماد فقط دشمن را نشانه‌گیری می‌کرد.

با وجودی که دیدگاه‌های فکری جوانان مستقل لبنانی با جنبش فتح متفاوت بود، اما حاج عماد می‌کوشید روابط آنان





رضوان اشاره کردید، بفرمایید چه عناصری در برنامه‌ریزی و ترور ایشان دست داشتند؟

من بر این باورم که حاج عماد مغنیه اولین شخصیت مورد پیگرد جبهه استکبار جهانی بوده است. به چه دلیل؟ به این دلیل که او اولین کسی بود که کیان غاصب صهیونیستی را تکان داد. او در برنامه‌ریزی بسیاری از عملیات انقلابی نقش داشت. این عملیات کیفی، شکوه و هیبت دشمن را شکست و شاخ و برگ دستگاه‌های جاسوسی و اطلاعاتی این رژیم را متلاشی کرد. حاج عماد مغنیه کسی بود که با فریب و نیرنگ «الحنان» تنبایم افسر امنیتی رژیم صهیونیستی را به بیروت احضار و بازداشت کرد. حاج رضوان مغز متفکر این طرح بی نظیر بود. او از طریق روابط گسترده انسانی که با محافل انقلابی جهان داشت توانست این افسر اطلاعاتی اسرائیلی را به لبنان احضار کند تا او را با اسیران لبنانی دربند رژیم صهیونیستی مبادله کند.

حاج عماد مغنیه مغز متفکر طرح به ذلت کشاندن و به زانو درآوردن دولت های غربی بود که در جریان جنگ تحمیلی از رژیم استبدادی صدام حمایت می کردند. او دولت های غربی را وادار کرد در بسیاری از مسائل با جمهوری اسلامی ایران وارد مذاکره شوند. در این باره بیش از این نمی توانم همه مسائل را آشکار کنم.

حاج رضوان مغز متفکر طرح به زانو درآوردن و به ذلت کشاندن فرانسوی ها به منظور آزادی پنج انقلابی عرب به رهبری انیس نقاش از زندان های فرانسه بود.

حاج عماد مغز متفکر گفت و گوهای سخت و دشوار و پیچیده برای آزادی زندانیان بیگناه لبنانی مانند برادران حمادی و دیگران از زندان های آلمان بود.

حاج رضوان مغز متفکر به زانو در آوردن و به ذلت کشاندن سرویس های جاسوسی و امنیتی رژیم صهیونیستی در جهان بود. این سرویس ها برای اجرای عملیات گسترده تروریستی در جهان بر ضد جنبش های رهایی بخش عربی و اسلامی نقشه کشیده بودند که حاج عماد مغنیه همه آنها را ناکام ساخت.

حاج عماد مغنیه مغز متفکر سازماندهی تعدادی از هسته های مقاومت مردمی در عراق بر ضد رژیم استبدادی صدام بود. حاج رضوان مغز متفکر طرح بسیاری از عملیات مسلحانه در جنوب لبنان به ویژه عملیات به اسارت گرفتن دو نظامی اسرائیلی به منظور مبادله آنها با اسیران لبنانی در زندان های فلسطین اشغالی بود. این عملیات دشمن را سرفراز کند و دیوانه کرد. حاج عماد مغنیه با این عملیات همه برنامه ها و استعداد های رژیم صهیونیستی را برای حمله نظامی گسترده به لبنان و تلاش برای نابودی حزب الله نقش بر آب کرد.

جنگ تحمیلی اختصاص داد. از یک طرف کوشید دولت نوپای ایران بعد از انقلاب را تقویت کند و از طرف دیگر روابط و همکاری های جمهوری اسلامی ایران با جنبش های آزادی بخش در جهان عرب و جهان اسلام و جهان مستضعفان را تنظیم و سامان دهد. زیرا که حاج رضوان به مکتب امام خمینی (ره) ایمان واقعی داشت، و بر این باور بود که جنگ بزرگ و دامنه دار میان استکبار جهانی و مستضعفان متوقف نخواهد شد.

با توجه به نکاتی که به آن اشاره کردید به نظر می رسد حاج عماد مغنیه را از زمینه سازان

ظهور مهدی موعود (عج) می دانید؟ همه تلاش ها و مبارزات او را در پرتو انتظار و زمینه سازی منجی نهایی تعبیر می کنید. اینطور نیست؟

حاج رضوان از نظر علمی و منطقی و الهی، صد در صد به این ایده ایمان داشت، که اگر انسان های پیرو همه ادیان و همه اقوام و همه طوایف، در همه زمان ها و در همه مکان ها قیام نکنند و با ظلم و بی عدالتی مبارزه نکنند، زمینه واقعی ظهور مهدی موعود (عج) فراهم نمی شود. او نه فقط شیعیان و مسلمانان، بلکه همه انسان ها را به قیام و انتظار ظهور امام زمان (عج) فرا می خواند. زیرا قیام و ظهور امام زمان (عج) نماد و بیانگر قیام همه ملت های ستمدیده جهان است. قیام حضرت مهدی (عج) به همه ملت های جهان تعلق دارد. زندگی روزمره و روابط اجتماعی حاج رضوان به چارچوب مرزهای جغرافیایی لبنان محدود نبود. روابط و همکاری های او از چارچوب مرزهای لبنان، فلسطین، ایران و کشورهای خاورمیانه فراتر رفت و با همه ملت های جهان ارتباطات دوستانه برقرار کرد. از هیچ فرصتی برای آشنایی و همکاری

حاج رضوان با جهان بینی باز و گسترده حرکت می کرد. با انقلابیون آمریکای لاتین به ویژه انقلابیون بولیوی و طرفداران چه گوارا ارتباط نزدیک داشت. این انقلابیون به لبنان می آمدند تا به فلسطینی ها کمک کنند و هم خودشان بهره مند شوند. بسیاری از انقلابیون چپ گرای اروپا که بر ضد امپریالیسم آمریکا مبارزه می کردند به لبنان می آمدند و با شهید عماد مغنیه ارتباط برقرار می کردند.

با نمایندگان نهضت های رهایی بخش در جهان دریغ نکرد. به منظور پشتیبانی از نظریه ظهور منجی، روح انسانیت را میان دوستان و همکاران خویش زنده می کرد.

من اطلاع دارم حاج عماد مبارزان اروپای شرقی را که به لبنان می آمدند با مبارزان آمریکای لاتین آشنا می کرد. آنان را به همکاری مشترک بر ضد قدرت های استبدادی فرا می خواند. میان مبارزان غیر مسلمان با مبارزان مسلمان هماهنگی ایجاد می کرد، او با این شیوه و شیوه های دیگر زمینه ظهور امام عصر (عج) را فراهم می کرده است.

حال که به ابعاد زندگی و جهاد خستگی ناپذیر حاج

که من آن را شاخه اسلامی جنبش فتح می نامم. هنگامی که مردم لبنان پس از حمله سال ۱۹۸۲ اسرائیل به کشورشان به پا خاستند، ناگهان جایگاه طبیعی خود را باز یافت و گم شده خود را در «امت حزب الله» یافت. او یکی از مبتکران نام «امت حزب الله» پیش از تأسیس حزب الله بوده، تا همه اقشار جامعه را به تشکیلات «امت حزب الله» پیوند دهد، و با اشغالگران مبارزه کنند.

حاج عماد پس از پیدایش تشکیلات حزب الله نیز همه تجربیات و راهکارها و برنامه های جنبش های انقلابی و رهایی بخش جهان را مورد مطالعه و بازنگری قرار داد. هیچ نظریه و شیوه ای را از نظر دور نداشت. همه تجربیات پیشینیان را در خدمت اهداف «امت حزب الله» به کار گرفت. البته نباید فراموش کرد که او در پیکار و جهاد با اشغالگران و مستکبران احکام قرآن و اسلام را ملاک عمل خود قرار داده بود. بر مبنای احکام و دستورات مکتب قرآن و پیامبر اکرم (ص) و اسلام محمدی اصیل جهاد کرد. در جنگ و جهاد هیچ مکتب و روشی را سبک نمی پنداشت. از تجربیات جنبش های ناسیونالیست و سوسیالیست و همه جنبش های رهایی بخش جهان بهره مند شد.

آیا اطلاع دارید در مدت زمانی که از انتظار پنهان شده بود، چگونه فعالیت می کرد و در پیروزی های سال ۲۰۰۰ و سال ۲۰۰۶ چه نقشی داشت؟

شما می دانید که حاج عماد مغنیه زندگی اسرار آمیز داشت. بسیاری از اسرار زندگی او هنوز ناشناخته مانده است. من به بخشی از زندگی و دستاوردهای او آگاهی دارم. او در آن مدت حتی یک لحظه بیکار ننشست. با سران همه جنبش های رهایی بخش در جهان عرب که با صهیونیسم مبارزه می کنند، ارتباط برقرار می کرد و آنان را به سازماندهی و برنامه ریزی سالم و ثمربخش رهنمون می ساخت. کمک ها و امکانات این جنبش ها را برای جنگ با دشمن صهیونیستی در لبنان که دشمن اصلی اعراب و مسلمانان است بسیج می کرد. بنابراین او در خط موازی و در سایه پیکار می کرد، خط مبارزه مستقیم با دشمن در جنوب لبنان و خط ایجاد هماهنگی و سازماندهی جنبش های ضد صهیونیستی در جهان عرب. هیچ وقت مسئولیت خود را به جنگ با دشمن صهیونیستی در جنوب لبنان محدود نمی دانست. همیشه به پرورش استعدادها و کادرهای فعال مبارزان مسلمان در صحنه فلسطین تلاش می کرد. زیرا سرزمین فلسطین را میدان جنگ حقیقی با دشمن صهیونیستی می دانست.

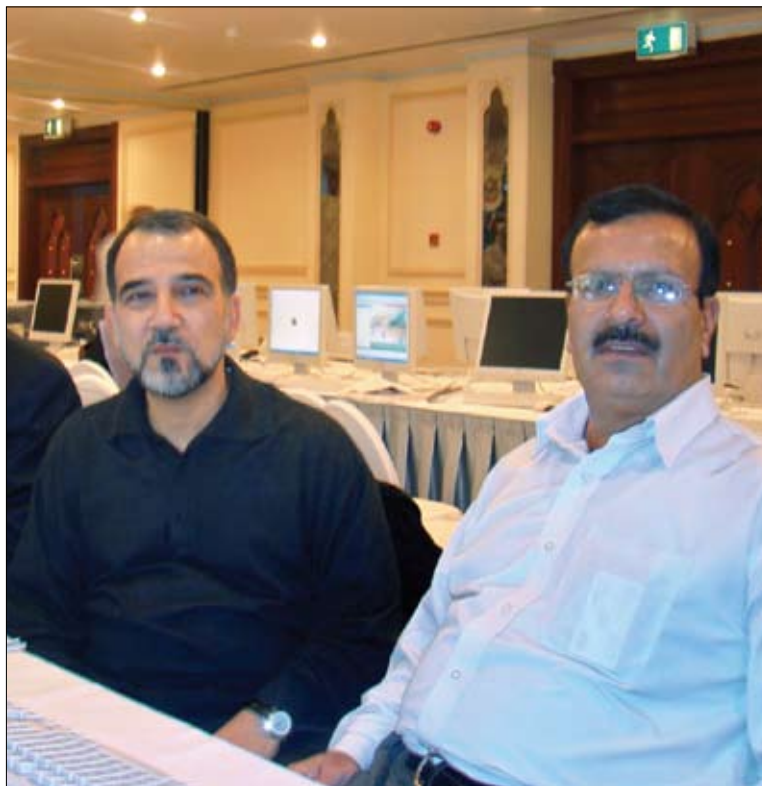
از نظر شهید حاج عماد مغنیه، کادرسازی، جمع آوری کمک های مالی و تدارک اسلحه، سه عامل مؤثر در تعیین سرنوشت مبارزه بودند. او به دور از چشم مردم به جمع آوری اموال و اسلحه و تربیت کادرهای ورزشی برای مبارزان فلسطینی در سرزمین های اشغالی مبادرت می کرد. با این ابتکار عمل درصدد بود هسته های «امت حزب الله» را در سرزمین های اشغالی فلسطین به وجود بیاورد. آرامش و خستگی در فرهنگ او مفهوم نداشت. آرام نمی گرفت. همه موانع را از سر راه خود بر می داشت. با جنبش فتح و جبهه خلق برای آزادی فلسطین، و سازمان های جدیدی همچون حرکت مقاومت اسلامی فلسطین (حماس) و جنبش جهاد اسلامی همکاری می کرد. زیرا عقیده داشت که «امت حزب الله» باید در همه صحنه ها حضور داشته باشد.

از تجربه جنگ تحمیلی هشت ساله هم استفاده کرد؟
از این تجربه و از دستاوردهای جنگ تحمیلی بهره فراوان برد. زیرا بر این باور بود که انقلاب اسلامی ایران یک تحول بنیادین در راهکارهای موضوعی حرکت معاصر اسلامی به وجود آورده است. حاج عماد مغنیه در چارچوب مبارزات خستگی ناپذیر خود، بخش مهمی از تلاش ها و وقت خود را به کمک جمهوری اسلامی ایران در دوران

اخیر منافع چپگرایان و سوسیالیست‌های دروغین لبنان با منافع رژیم‌های عرب منطقه و منافع رژیم صهیونیستی و منافع برخی قدرت‌های جهان گره خورد. طرفداران «هرج و مرج سازنده» یا به قول خودمان هواداران انقلاب مخملی و طرفداران یورش دمکراسی غربی به جهان عرب و دنیای اسلام گمان کردند که یورش این دمکراسی با شعارهای «هرج و مرج سازنده می‌تواند جنبش‌های مقاومت و دولت‌های طرفدار مقاومت در منطقه همچون جمهوری اسلامی ایران و جمهوری سوریه و حزب الله و حماس و جهاد اسلامی را از بین ببرد.

متأسفانه شخصیت‌ها و جریانات مزبور لبنانی ضمن تلاش برای تضعیف مقاومت اسلامی لبنان با شیوه‌های خیانتکارانه و نامردانه، در جمع‌آوری اطلاعات و شناسایی حاج عماد مغنیه از طریق افراد جاسوس و سیستم‌های ارتباطی و ارائه آن به رژیم صهیونیستی نقش بسزایی در شهادت ایشان ایفا کردند.

مقام‌های سوریه اعلام کردند که از عاملان ترور حاج عماد مغنیه سررنجی پیدا کرده‌اند و به زودی هویت عاملان را فاش می‌کنند. علت اینکه تاکنون هویت



ناپذیر که خواهان عزت و کرامت انسانی می‌باشد قادر است دشمن تا دندان مسلح را شکست دهد. در حالی که این رژیم‌ها شصت سال است که از رویارویی با اسرائیل ناتوان هستند و هرچند مدت یک بار در جنگ با این رژیم شکست می‌خورند. نظام‌های پوسیده و حاکم در جهان عرب، پیروزی‌های درخشان حاج عماد مغنیه را گناه نابخشودنی می‌دانستند. مایل نبودند کسی مانند حاج رضوان بینی‌شان را به خاک ذلت بمالد و آن‌ها را رسوا کند.

پس از جنگ ۳۳ روزه ملاحظه کردید که بیشتر احزاب

تاکنون کسی نمی‌داند خدا چگونه به حاج عماد مغنیه و شورای رهبری حزب الله الهام بخشید تا برای اجرای عملیات به اسارت گرفتن دو نظامی صهیونیست در جنوب لبنان این تصمیم سرنوشت‌ساز را اتخاذ نمایند. حاج عماد با الطاف الهی به چنین عملیاتی مبادرت نمود، و از وقوع فاجعه‌ای بزرگ توسط رژیم صهیونیستی بر ضد حزب الله جلوگیری کرد.

سیاسی و طوایف لبنان به ویژه گروه ۱۴ مارس بر ضد حزب الله بسیج شده بودند؟ آیا جریانات هم در جمع‌آوری اطلاعات و کمک به موساد نقش داشتند؟

متأسفانه برخی شخصیت‌های سیاسی و سرشناس لبنانی از این مسئله خشمگین بودند که در طول چند دهه گذشته نتوانستند دستاوردهای مفیدی برای مردم کشورشان داشته باشند. بلکه با شعارهای توخالی و شعارهای دروغین ملی‌گرایی و انقلابی و دفاع از سوسیالیسم و آرمان کارگران و زحمتکشان، اهداف و آرمان‌های مردم را مورد معامله قرار می‌دادند، زمانی که حاج عماد مغنیه به صحنه آمد، شعارهای آنان را نیز رسوا کرد. به ویژه اینکه در سال‌های

با وجودی که رژیم صهیونیستی در واکنش به اسارت دو نظامی خود در مرز فلسطین اشغالی به لبنان حمله کرد و جنگ ۳۳ روزه‌ای را بر حزب الله تحمیل کرد، ولی حاج عماد مغنیه با آمادگی و استعدادهای نظامی کاری کرد که دشمن را به خاک ذلت و شکست کشاند.

تاکنون کسی نمی‌داند که خداوند متعال چگونه به حاج عماد مغنیه و شورای رهبری حزب الله الهام بخشید، تا برای اجرای عملیات اسارت گرفتن دو نظامی صهیونیست در جنوب لبنان این تصمیم سرنوشت‌ساز را اتخاذ نمایند. اصولاً عملیات اسارت دو نظامی صهیونیست که روز ۱۱ ژوئیه سال ۲۰۰۶ به مورد اجرا گذاشته شد، بر خلاف اصول متعارف رزمندگان مقاومت اسلامی بوده است. حزب الله بر اساس تفاهمنامه آوریل سال ۱۹۹۶ که در پی عملیات خوشه‌های خشم به طور غیرمستقیم با رژیم صهیونیستی امضا کرد اجازه نداشت در منطقه عینا الشعب به عملیات مسلحانه دست بزند.

من تأکید می‌کنم که خداوند متعال به حاج عماد مغنیه الهام داد تا به چنین عملیاتی مبادرت نماید، و از وقوع فاجعه‌ای بزرگ توسط رژیم صهیونیستی بر ضد حزب الله جلوگیری کرده باشد. به همین دلیل آقای سید حسن نصرالله گفته است که پیروزی در جنگ ژوئیه سال ۲۰۰۶ پیروزی الهی بود و این پیروزی از الطاف خداوند متعال بود.

حاج رضوان با این پیروزی همه توطئه‌ها و طرح‌ها و برنامه‌ها و تلاش‌های خائنانه دشمن صهیونیستی و آمریکا را به منظور شکست حزب الله و برپایی «خاورمیانه جدید» نقش بر آب کرد. رژیم صهیونیستی در صدد بود در سپتامبر سال ۲۰۰۶ به لبنان یورش برد و حزب الله را غافلگیر کند. اگر آماده سازی اسرائیل تکمیل می‌شد و جنگ در موعد پیشبینی شده اتفاق می‌افتاد، امکان داشت تعداد بسیاری از رهبران حزب الله و فرماندهان مقاومت اسلامی به شهادت برسند و یا به اسارت گرفته شوند. چرا که اسرائیل در صدد بود حزب الله را غافلگیر کند و جنگ بزرگی را بر حزب الله تحمیل کند.

حاج عماد مغنیه بر ضد اسرائیل و بر ضد منافع غرب در لبنان مبارزه می‌کرد و هرگز متعرض دولت‌های عربی نمی‌شد. چرا برخی دولت‌های عرب منطقه در ترور ایشان با موساد همکاری کردند؟

متأسفانه برخی رژیم‌های بزرگ عرب منطقه که مدعی دفاع از اعراب و مسلمانان هستند، در زمینه رفت و آمدها و تحرکات حاج عماد مغنیه اطلاعات فراوان جمع‌آوری کرده و آن را در اختیار دشمن صهیونیستی قرار دادند. به دشمن کمک کردند تا این مرد بزرگ و این فرمانده اسطوره‌ای را به شهادت برسانند. به این علت که این رژیم‌ها نسبت به حزب الله کینه داشتند، و این کینه‌توزی چشم و دل آن‌ها را کور کرده بود. علت دوم این است که این رژیم‌ها به حدی سست و ضعیف شده‌اند که زمام امور خود را به دست آمریکا سپرده‌اند. علت سوم این است که حاج عماد مغنیه با پایداری در مقابل آمریکا و رژیم صهیونیستی هویت و ماهیت زشت این رژیم‌ها را رسوا کرده بود.

حاج عماد با جنگ‌های پی‌در پی و پیروزمند با رژیم صهیونیستی به افکار عمومی نشان داد که یک گروه کوچک و اندک و سازماندهی شده ولی با ایمان قوی و اراده خلیل

پرهیز می‌کنند. در مجموع می‌توان گفت که رهبری و همپیمانان حزب الله با سیاست‌های خردمندانه‌شان تصمیم گرفته‌اند اعلام جزئیات ترور حاج رضوان را به آینده موکول نمایند، تا شبح ترس و نگرانی همواره خواب را از چشمان صهیونیست‌ها برآید. شکی نیست که انتقام خون عماد مغنیه راه است و دامنگیر صهیونیست‌ها خواهد شد. حاج عماد مغنیه هزاران شهادت طلب به ارث گذاشته و روزی خواهد رسید که این افراد انتقام خون فرمانده و رهبرشان را از اسرائیلی‌ها خواهند گرفت. و آنگاه اسرار ترور این مرد سلحشور فاش می‌شود و نقاب از سیمای مزدوران لبنانی و عرب که در ترور این مرد فرزانه دست داشته‌اند برداشته می‌شود. ■

آوردن یک پیروزی ناتوان بودند. ولی به برکت وجود این ابر مرد که همه ابتکارات و مهارت‌ها و خلاقیت‌های جهادی و هوشمندی نظامی را به کار گرفت، و توانست ستون فقرات ارکان رژیم صهیونیستی و محافل نظامی و جاسوسی آمریکا را به لرزه در بیاورد. اعراب و مسلمانان احساس شکوه و عظمت کردند. او توانست به همه قدرت‌های استکباری که بر ضد امت اسلامی توطئه می‌کردند، و می‌کوشیدند موقعیت تاریخی و فرهنگی امت اسلامی را نادیده بگیرند، آسیب جدی وارد کند. قدرت‌های استکباری می‌کوشیدند ملت‌های مسلمان را دنباله رو خودشان قرار دهند. دامنه اندیشه و طرز تفکر این مرد به وسعت جغرافیای جهان اسلام بود. همه سازمان‌ها و جنبش‌های انقلابی را با یکدیگر هماهنگ می‌کرد. او تنها یک مرد نظامی با اندیشه‌های راهبردی نبود. چه او انسان پرهیزکاری بود که فقط خدای یگانه را پرستش می‌کرد. تنها در برابر قدرت و عظمت خدای یگانه به سجده می‌رفت. میان اخلاص به درگاه خدا و زهد و فروتنی در زندگی آمیختگی ایجاد کرد. میان عشق به خدا و عشق به مردم همانند عارفان بزرگ، آمیختگی ایجاد کرد. و خلاصه کلام او یک امت بود. آنگونه که خداوند فرموده: «همانا ابراهیم الخلیل یک امت بود. آنگونه امام خمینی (ره) درباره شهید بهشتی گفته است: «بهشتی یک ملت بود».

حاج رضوان تنها یک فرد نبود. چه او به تنهایی یک سپاه بود همه جبهه‌های جنگ بر ضد دشمن صهیونیستی را در صحنه لبنان اداره می‌کرد. بر همه محورهای جنگ نظارت داشت. شاید زمان آن نرسیده تا درباره دستاوردهای این بزرگ مرد سخن بگویم. ولی به این نکته اشاره می‌کنم که همه نشانه‌گیری‌های او به هدف اصابت می‌کرد. در حقیقت نبوغ و مهارت‌های او اکنون در بسیاری از مکاتب نظامی کشورهای دنیا

اعراب در طول صد سال گذشته و از زمان پیدایش کبان غاصب صهیونیستی در خاورمیانه از به دست آوردن یک پیروزی ناتوان بودند. ولی این ابر مرد با ابتکارات و مهارت‌ها و خلاقیت‌های جهادی و هوشمندی نظامی، توانست ستون فقرات ارکان رژیم صهیونیستی و محافل نظامی و جاسوسی آمریکا را به لرزه در بیاورد.

همکاری کرد. اکنون که به شاخص‌های جهادی حاج رضوان اشاره کردید، بفرمایید ویژگی‌ها و ابعاد شخصیتی او کدامند؟

بی تردید او از دوران جوانی مردی تیز هوش و با استعداد بود. گفته شده هرگاه در محفلی و یا در مراسمی شرکت می‌کرد قبل از هر چیز فضای داخل و اطراف مجلس را شناسایی می‌کرد. برنامه ریزی‌های او دقیق و سنجیده بود. انسانی بسیار منظم بود و تشکیلات مقاومت و واحدهای جهادی را با دقت سازماندهی کرد. برای اجرای هر عملیات مسلحانه‌ای زمان مناسب را انتخاب می‌کرد.

با ظهور مقاومت اسلامی در لبنان به عنوان یک جنبش پیش‌تاز انقلابی، حاج رضوان زود هنگام به این جنبش اسلامی پیوست. جنبشی که در ابتدای هزاره سوم میلادی اولین پیروزی بزرگ و بی نظیر مسلمانان را بر صهیونیست‌ها به ارمغان آورد. پیش از جنگ ژوئیه سال ۲۰۰۶ شکست‌های پی در پی دامن‌گیر مسلمانان شده بود. اعراب و مسلمانان در طول صد سال گذشته و یا از زمان پیدایش کبان صهیونیستی در خاورمیانه از به دست

از نظر شما عماد مغنیه کیست و چه نقشی در شکوفایی جنبش اسلامی در خاورمیانه داشته است؟

بسم الله الرحمن الرحیم: سخن گفتن از حاج رضوان، یا شهید قهرمان حاج عماد مغنیه، سخن گفتن از پدیده‌ای بزرگ است. سخن گفتن از معادله‌ای است که نه فقط لبنان بلکه سرتاسر جهان اسلام را به حرکت در آورد. من هر وقت بر سر آرامگاه او در مقبره «روضه الشهدین» در جنوب بیروت می‌روم بی اختیار اشک از چشمانم جاری می‌شود. البته شهیدان به گریه نیاز ندارند... چرا که آنها پیروز و رستگارانند... شهیدان نجات یافتگان دوزخ هستند... بدون بازجویی به بهشت می‌روند... ولی هرگاه در برابر آرامگاه حاج رضوان قرار می‌گیرم به شدت گریه می‌کنم. گمان کنم خود را در برابر مردی می‌بینم که پیامبر اکرم (ص) درباره چنین مردانی گفته است: «مردان خدا گمنامند... افراد جامعه حضور آنان را درک نمی‌کنند. چنانچه از دنیا بروند نام و یادشان جاودان می‌ماند».

درست است که سیما و نقش حاج رضوان کاملاً نا شناخته بود، و دامنه حرکت و جغرافیای فعالیت‌های او از دورترین نقطه غرب آفریقا تا دورترین نقطه شرق آسیا پنهان مانده بود، و پس از شهادت او همه چیز آشکار گردید. ولی بی‌تردید او یکی از ابر مردانی بود که خدمات شایانی به اسلام و مسلمانان تقدیم کرد که پیامدها و دستاوردهای این خدمات همچنان زنده خواهد ماند، و تا روز قیامت روند حرکت نهضت پویای مسلمانان را به سوی تحول و تکامل رهنمون خواهد ساخت. این ابر مرد از دوران نوجوانی با جهاد و مقاومت خو گرفته و تفنگ را نشانه راه زندگی خود قرار داد. از دوران نوجوانی به منظور دفاع از حقوق مردم ستمدیده فلسطین با یک سازمان فلسطینی که در آن مرحله از پیشگامان مبارزه با دشمن صهیونیستی بود،

حاج رضوان معادله‌ای که جهان اسلام را دگرگون کرد...

نگاهی به دستاوردهای شگفت‌انگیز زنده یاد حاج عماد مغنیه در گفت‌وگوی اختصاصی شاهد یاران با یحیی ابو زکریا نویسنده سرشناس الجزایری

• درآمد

هرچند که تعداد تاریخ‌سازان و نام‌آوران بزرگی همچون حاج عماد مغنیه در تاریخ معاصر اندک است. ولی آنان چه هنگام حیات‌شان و چه پس از شهادت‌شان در دل‌های همه افراد امت، به ویژه آزادی‌خواهان و عدالت‌جویان جهان جای دارند. دوست و دشمن به دستاوردهای شکوهمند، و پیروزی‌های درخشان آنان اعتراف می‌کنند. آقای یحیی ابو زکریا نویسنده سرشناس الجزایری در گفت‌وگوی اختصاصی با خبرنگار شاهد یاران در بیروت به نقش حاج رضوان در دگرگونی معادلات خاورمیانه و جهان در یکی از مراحل حساس و سرنوشت‌ساز لبنان اشاره کرده است که با هم می‌خوانیم:





عنایت و حمایت پروردگار قرار دارد. این جنبش از هر گزندی مصونیت دارد. عماد مغنیه نسلی از جهادگرانی را به وجود آورد که در همه گونه عملیات نظامی شایستگی و مهارت دارند. تاریخ در سال‌های آینده ثابت خواهد کرد که حاج رضوان هزاران جنگجوی فداکار پرورش داده که به یاری خداوند متعال فلسطین را آزاد خواهند کرد.

رزمندگان مقاومت با الهام از نظریات و شیوه‌های رزمی و راهکارهای حاج عماد مغنیه خود را برای رویاروی با هر اقدام تجاوزگرانه رژیم صهیونیستی آماده کرده‌اند. او ایمان کامل داشت که روزی به لقاء الله خواهد پیوست. برای شهادت لحظه شماری می‌کرد. در جبهه‌های جنگ هرگاه شهیدی بر زمین می‌افتاد، او افسوس می‌خورد که چرا خودش شهید نشده است. شهید آیت الله مطهری در کتاب شهید از شهید سخن می‌گوید نوشته است: سخنان هیجان برانگیز، مردم را تحریک نمی‌کند. سخنرانی و کلاس درس به جوانان انگیزه نمی‌دهد، آنچه که به جوانان انگیزه می‌دهد و آنان را به فداکاری و ایثار تشویق می‌کند خون شهید است.

آقای سید حسن نصرالله دبیر کل حزب الله نیز در این باره گفته است: «خون شهید چراغ راه آیندگان است. خون شهید زمینه آزادی بیت المقدس را هموار خواهد کرد». من مطمئن هستم که بیت المقدس آزاد نمی‌شود مگر با بازوان توانمند مردان شریف و اصیل. مردانی که پیرو سرور شهیدان (ع) هستند. اکنون که نام امام حسین (ع) را یاد آور شدم، علاقمندم به این نکته اشاره کنم که جنبش‌های اسلامی هنوز مکتب عاشوراء را نشناخته‌اند. اگر از این مکتب شناخت داشتند می‌توانستند دستاوردهای فراوانی داشته باشند. انقلاب اسلامی ایران به برکت نهضت امام حسین (ع) به پیروزی رسید. حزب الله و مقاومت اسلامی لبنان با الهام از مکتب امام حسین در عرض شش سال توانستند دو پیروزی بی نظیر برای اعراب و مسلمانان به ارمغان بیاورند. در حالی که اعراب حدود صد سال است که با صهیونیست‌ها می‌جنگند، ولی تاکنون جز شکست‌های ذلت‌بار هیچ دستاوردی نداشته‌اند. اکنون جمهوری اسلامی با پایداری و مقاومت لرزه بر اندام رژیم صهیونیستی انداخته است.

احمد الشقیری بنیانگذار سازمان آزادی بخش فلسطین در جلد اول کتاب خاطرات خود نقل کرده است که در سال ۱۹۶۵ و پس از تشکیل جنبش مقاومت فلسطین همراه هیئتی به چین سفر کرد و با مائو تسه تونگ رهبر

سلاح‌های ساده و سبک استفاده می‌کرد که رادارهای دشمن امکان شناسایی آن‌ها را نداشتند. گاهی از چهار پایان نیز استفاده می‌کرد. این نشانگر هوشمندی اوست. مگر یک گروه کوچک مقاومت چگونه می‌تواند یک ارتش تادندان مسلح و مجهز به سلاح‌های پیشرفته آمریکایی را شکست دهد؟ با این سلاح‌های ساده و با روش جنگ پارتیزانی بر ارتش اسرائیل پیروز شد. روش‌های تاکتیکی حاج عماد مغنیه مرا به یاد جنگ‌های مجاهدان الجزایر با استعمارگران

فرانسوی می‌اندازد. هنگامی که انقلابیون الجزایر تصمیم گرفتند با فرانسه وارد جنگ آزادی بخش شوند، اسلحه و مهمات قابل ملاحظه‌ای در اختیار نداشتند. الجزایری‌ها با چوب تفنگ ساختند و با رنگ سیاه رنگ آمیزی کردند. آنگاه به سربازان فرانسوی نزدیک می‌شدند و با نشان دادن تفنگ‌های چوبی آنان را خلع سلاح می‌کردند، و به تفنگ‌های واقعی دست می‌یافتند. انقلاب الجزایر اینگونه آغاز شد.

ایجاد رعب و وحشت در دل دشمن یک توفیق الهی است. بی‌تردید کسانی که صادقانه از حریم میهن اسلامی دفاع می‌کنند، با امدادهای غیبی مواجه می‌شوند. در جنوب لبنان ترس و وحشت سراسر وجود سربازان اسرائیلی را فرا گرفته بود. رزمندگان مقاومت در محورهای گوناگون جنگ جنوب صداهای آخ و ناله و گریه سربازان اسرائیلی را می‌شنیدند. از صحنه‌های گریه و ناله سربازان اسرائیلی عکس‌های فراوانی منتشر شده است. ترس و دلهره باعث شده بود که سربازان دشمن به صورت گروهی در محورهای جنگ مستقر شوند. به صورت انفرادی وارد میدان نمی‌شدند. این در حالی است که از نظر تاکتیک نظامی جایز نیست دسته‌ها و گروهان‌های سربازان را در یکجا مستقر کرد. واحدهای نظامی باید در میدان جنگ پراکنده باشند. این شیوه بیانگر ترس و زبونی سربازان اسرائیلی از رویارویی با رزمندگان مقاومت اسلامی بود. به هر حال حاج عماد مغنیه، عقیده نظامی ارتش رژیم صهیونیستی را خوب شناخته بود. از روحیه ضعیف و فرسوده نظامیان اسرائیل خبر داشت. همه نقاط ضعف دشمن را تشخیص داده و بر اساس آن برنامه ریزی کرده بود.

آن مکتب نظامی که حاج عماد مغنیه به وجود آورد تا فروپاشی رژیم صهیونیستی ادامه خواهد یافت؟

یکی از الطاف و عنایت‌های الهی این است که حاج عماد مغنیه جنبشی را به وجود آورد، و دورنمای آن را ترسیم کرد، که رزمندگان آن مخلصانه در راه دفاع از آرمان‌های الهی و اهداف امت گام بر می‌دارند. بی‌تردید چنین جنبشی مورد

تدریس می‌شود. اگر گزارش‌ها و اسناد دانشکده نظامی دانشگاه عبری رژیم صهیونیستی را بازنگری کنیم. ملاحظه خواهیم کرد که حاج عماد مغنیه یکی از مراجع و منابع پژوهشی این دانشگاه است. اکنون روش‌ها و مفاهیم نظامی او در زمینه برنامه‌ریزی عملیات و جنگ پارتیزانی و سایر فنون نظامی در اغلب دانشگاه‌های دنیا تدریس می‌شود.

ویژگی‌هایی که به آن اشاره کردید، این پرسش را تداعی می‌کند که حاج عماد مغنیه در کدام دانشگاه و کدام مکتب فنون نظامی را آموخته است؟ معمولاً سیاست‌گذاران و کارشناسان مسائل نظامی فارغ التحصیل یک دانشگاه معتبر هستند. شهید عماد مغنیه فارغ التحصیل کدام دانشگاه نظامی بوده است؟ ضرورتی ندارد که یک انسان نابغه و تیزهوش مانند حاج عماد مغنیه فارغ التحصیل یک دانشگاه معتبر

یکی از الطاف و عنایت‌های الهی این است که حاج عماد مغنیه جنبشی را به وجود آورد، و دورنمای آن را ترسیم کرد، که رزمندگان آن مخلصانه در راه دفاع از آرمان‌های الهی و اهداف امت گام بر می‌دارند. بی‌تردید چنین جنبشی مورد عنایت و حمایت پروردگار قرار دارد. این جنبش از هر گزندی مصونیت دارد.

نظامی بوده باشد. بزرگمهر حکیم ایرانیان، در این زمینه گفتاری به این مضمون دارد: بیدارترین و هوشیارترین کسان، دانای سالخورده‌ای باشد که دانش به تجربه آموخته است. زندگی مدرسه و دانشگاه است. میدان‌های نبرد و مبارزه دانش‌های فراوانی به حاج عماد مغنیه آموختند.

حاج رضوان علوم تطبیقی را از واقعیت‌های زندگی آموخت. از موهبت‌های الهی برخوردار بود. در اداره جنگ‌های کلاسیک و سازماندهی نبردهای نظامی با کمک این موهبت‌ها توانست با کمترین امکانات، پیروزی‌های بی‌نظیری بر دشمن بیافریند. او با جنگنده‌های اف ۱۶ و بمب هسته‌ای و سلاح‌های مدرن لیزری ساخت آمریکا جنوب لبنان را آزاد نکرد. بلکه با ساده‌ترین تجهیزات نظامی جنوب لبنان از اشغال صهیونیست‌ها آزاد کرد. او مرکز و قلب دشمن را نشانه گرفت و اهداف خود را مورد اصابت قرار داد. از



است. ولی جزئیات حیات مردان مجاهد همچون عماد مغنیه باید برای مدتی در بایگانی تاریخ محفوظ بماند. ما در صدد افشای اسرار مجرمانه مقاومت اسلامی لبنان نیستیم. می‌خواهیم راهی که حاج عماد مغنیه پیموده به نسل حاضر و نسل‌های آینده معرفی کنیم. با چه شیوه‌ای می‌توان راهکار مغنیه را فراگیر کرد؟

من با صراحت می‌گویم اگر حاج عماد مغنیه یک شهروند انگلیسی یا آمریکایی یا اسرائیلی بود، (هر چند که او راضی نیست او را اینگونه توصیف کنم زیرا او یک شخصیت مسلمان و حسینی و الهی و متعهد بود) به خدا قسم برای او در میدانی شهرهای بزرگ تندیس می‌ساختند و او را تعظیم می‌کردند، و از دستاوردهای او قدردانی به عمل می‌آوردند. درباره او شعر می‌سرودند و میان شعر سرایان و مدیحه‌گویان جوایز ارزنده توزیع می‌کردند. تعجب آور است که تعدادی از علاقمندان و عاشقان مغنیه در یک کشور عربی برای او مجلس ترحیم برگزار می‌کنند، و دولت آن کشور این علاقمندان را بازداشت می‌کند. این چه ننگ بزرگی است؟ آیا شایسته است که عاشقان مردی را که باعث عزت و سربلندی مسلمانان شده بازداشت کنیم؟ آیا این درست است که هواداران کسی را که موجب پیروزی مسلمانان شده و خیر خواه اعراب بوده بازداشت کنیم؟ این چه منطق غلطی است که در جهان عرب بدبخت و بیچاره وجود دارد؟

استراتژی حاج عماد مغنیه بر سه محور استوار بود:

محور اول: سازماندهی همه جانبه و استوار.

محور دوم: پنهان کاری محکم و قاطع.

محور سوم: به کارگیری همه امکانات برای تحقق اهداف مورد نظر.

تعجب آور است که تعدادی از علاقمندان و عاشقان عماد مغنیه در یک کشور عربی برای او مجلس ترحیم برگزار می‌کنند، و دولت آن کشور آنان را بازداشت می‌کند! این چه ننگ بزرگی است؟ آیا شایسته است عاشقان مردی را که باعث سرفرازی مسلمانان شده بازداشت کنیم؟ این چه منطق غلطی است که بر رژیم‌های بدبخت و بیچاره عرب حاکمیت دارد؟

می‌شود و آنگاه افشای اسناد مجرمانه مشکل حقوقی و قانونی ایجاد نمی‌کند. حال که اتحادیه اروپایی اسناد مجرمانه‌اش را به مدت ۳۰ سال مجرمانه نگه می‌دارند، چرا ما نیز اسناد مجرمانه خویش را مجرمانه نگه نداریم. اکنون درباره ابعاد شخصیت عماد مغنیه با شما بحث می‌کنم. جزئیات عقیده و اندیشه نظامی و راهبردی او باید همچنان مجرمانه بماند.

جزئیات دستاوردها و ابتکارات او در زمینه تولید انواع سلاح‌های سبک محلی باید مجرمانه بماند. لازم است شبکه‌های روابط عمومی و مکانیزم تحرکات بین‌المللی او سری بماند. در شرایط کنونی امکان ندارد چگونگی حرکت و برنامه ریزی او را که حدود ۵۰ سرویس اطلاعاتی و امنیتی بین‌المللی را گیج و سردرگم کرده بود فاش کنیم. این سرویس‌های اطلاعاتی و امنیتی در طول ۲۵ سال گذشته بودجه‌های کلانی برای شناسایی عماد مغنیه اختصاص داده بودند. سرویس‌های جاسوسی وابسته به ۵۰ کشور برای شناسایی و بازداشت و یا ترور حاج عماد مغنیه کمیته‌ای به نام «کمیته روباه» تشکیل داده بودند. ولی حاج رضوان با مهارت و تیزهوشی بی‌نظیر خود توانست همه این سرویس‌های جاسوسی را به مدت ۲۵ سال فریب دهد.

بنابراین می‌توان گفت که مقاومت اسلامی لبنان با پنهان کاری، و جلوگیری از رخنه عناصر جاسوس و نفوذی در ساختار این جنبش انقلابی، دشمن را گمراه و فریب دهد. این یک پیروزی بزرگ برای حزب الله محسوب می‌شود. ما نباید اطلاعات رایگان در اختیار دشمن قرار دهیم. در عین حالی که باید نسل حاضر را نسبت به دستاوردهای حاج رضوان آگاه کنیم، راهکارهای او را ملاک عمل و حرکت نسل حاضر قرار دهیم. لازم است نقش و دستاوردهای شهیدان بزرگ را برای عموم مردم آشکار کنیم. به مردم بگوییم که آسایش و امنیت شما مدیون خون این شهیدان

چین دیدار و گفت و گو کرد. الشقیری گفته است که در ملاقات به مائو از او تقاضا کردم شیوه‌های مبارزه را به ما بیاموزد. مائو از طرح این پرسش خشمگین شد و به من گفت این چه تقاضایی است که شما مطرح می‌کنید؟ شما مسلمانان قیام عاشوراء و مکتب انقلابی امام حسین (ع) را دارید، و آمده‌اید شیوه مبارزه را از من یاد بگیرید؟

لذا حاج عماد مغنیه از مکتب انقلابی امام حسین (ع) الهام گرفت... راه سرور شهیدان کربلا را پیمود... به گونه‌ای یاران امام حسین (ع) به شهادت رسید... قیام عاشوراء ملت‌های بسیاری را بیدار کرد. اگر واقعا از امام حسین (ع) و قیام عاشوراء پیروی کنیم. هرگز زیر بار رژیم‌های ستمگر قرار نخواهیم گرفت. اگر مبارزان فلسطینی همچون مقاومت اسلامی لبنان مسیر امام حسین (ع) را بپیمایند و مکتب عاشوراء را الگو و سرمشق خود قرار دهند، بی تردید بر اسرائیل، این غده سرطانی پیروز می‌شوند. من معتقدم که حاج عماد مغنیه مسیر و دورنمای مبارزه را برای ملت‌های منطقه ترسیم کرده. نقشه راه فروپاشی کیان غاصب قدس را کشف کرده. این مسیر را آغاز کرده و ما را تا نیمه راه رسانده است. من بر این باورم که دلیر مردان نستوه و سلحشوری که از مکتب عاشوراء پیروی می‌کنند، این راه را ادامه خواهند داد.

با این وصف جایگاه حاج عماد مغنیه را میان مبارزان لبنانی تشریح کردید. آیا رزمندگان فلسطینی هم او را الگو و سرمشق خود می‌دانند؟

عملیات مسلحانه‌ای که هر چند مدت یکبار در سرزمین‌های اشغالی فلسطین روی می‌دهد، و گردان‌هایی به نام حاج عماد مغنیه مسئولیت آن را به عهده می‌گیرند. نشان می‌دهد که او نقش ارزنده‌ای در سازماندهی این گردان‌ها و برانگیختن انتفاضه مردم فلسطین داشته است. آری... آری... نقش بسزایی در احیای جهاد فلسطینی‌ها داشته است. نقش چشمگیری در سیاستگذاری‌های راهبردی در پرتو مقابله با تجاوز نظامی اسرائیل به غزه داشته است. هنگامی که اسرائیلی‌ها آگاهی یافتند که حاج عماد مغنیه در سازماندهی جنبش‌های مبارز فلسطینی در غزه نقش داشته است، با همکاری برخی مزدوران فلسطینی او را به شهادت رساندند.

شما هم بر این باورید که عوامل موساد به تنهایی در این جنایت دست نداشته و برخی محافل جاسوسی دولت‌های عرب نیز به آن‌ها کمک کرده‌اند؟

همین طور است... متأسفانه سازمان تروریستی موساد، برخی افراد بی‌وجدان و وطن فروش را خریداری کرد و پول‌های هنگفتی در اختیارشان قرار داد. این افراد نیز آپارتمان محل اقامت مؤقت حاج عماد مغنیه را در دمشق شناسایی کرده و آن را به عوامل موساد نشان دادند.

چرا حزب الله و دولت سوریه تا کنون هویت عواملی را که به موساد کمک کرده‌اند افشا نمی‌کنند. آیا وقت آن نرسیده که پرده از جزئیات این جنایت تروریستی برداشته شود؟

در قوانین کشورهای عضو اتحادیه اروپایی یک اصل وجود دارد. به موجب این اصل هیچ کشوری اجازه ندارد پیش از ۳۰ سال اسناد و پرونده‌های مجرمانه‌اش را فاش کند. پس از گذشت ۳۰ سال نسل جدیدی متولد



برپایی کیان صهیونیستی در فلسطین تاریخ اعراب را مطالعه کردند. اکنون هم به مطالعه تاریخ اعراب و مسلمانان ادامه می‌دهند.

چندی پیش کنفرانسی درباره ابن خلدون در تل آویو برگزار شد. روزنامه عبری معاریو درباره دلایل برگزار این کنفرانس نوشت که ابن خلدون یکی از برجسته‌ترین اندیشمندان جامعه شناس بود که هویت اعراب را بررسی کرده است. کارشناسان جامعه شناسی سازمان موساد نیز تا این لحظه همچنان درباره تاریخ اعراب تحقیقات دامنه‌داری را به عمل می‌آوردند. کارشناسان موساد در نتیجه این تحقیقات توانستند راه‌های دامن زدن به تفرقه و پراکندگی میان اعراب و مسلمانان را شناسایی کنند. آن‌ها خوب فهمیده‌اند که تنها با دامن زدن به تفرقه و جدایی میان فرق و مذاهب اسلامی می‌توانند به اهدافشان برسند. نگاه کنید تفرقه و پراکندگی تا چه اندازه در جهان اسلام بیداد می‌کند.

صهیونیست‌ها افزون بر اختصاص بودجه‌های کلان و تقدیم کمک‌های فراوان مالی، از زنان نیز به عنوان ابزار تفرقه و فروپاشی جوامع اسلامی استفاده می‌کنند. در چند قرن گذشته دولت‌ها و دربارهای فراوانی به وسیله زنان سقوط کردند و متلاشی شدند. اکنون صهیونیست‌ها شیوه خطرناکتری را به منظور فروپاشی جهان اسلام به کار می‌برند. می‌کوشند در عقاید مسلمانان شک و تردید ایجاد کنند. آیا می‌دانید که سازمان موساد در حال حاضر ۵۰ سایت و پایگاه اینترنتی با عناوین اسلامی راه انداخته است؟ آیا می‌دانید که موساد اسرائیل دهها پایگاه اینترنتی به منظور برقراری ارتباط میان پسران و دختران راه اندازی کرده است؟

بنابراین برای رویارویی با توطئه‌های فزاینده صهیونیست‌ها به مغزهای متفکر نیاز داریم. ولی متأسفانه جوامع عربی و اسلامی نمی‌خواهند از خواب غفلت بیدار شوند. اکنون دهها مرکز آینده نگری در اسرائیل فعال می‌باشند. ولی در جهان عرب یک مرکز آینده نگری وجود ندارد!!

پاسخ‌تان کمی نا امید کننده بود. ولی در جهان عرب و جهان اسلام عوامل قوت و قدرت فراوانی نیز وجود دارد؟

با این پاسخ می‌خواستم نسبت به پیامدهای توطئه صهیونیست‌ها هشدار داده باشم. زیرا این کیان می‌خواهد جوامع عربی و اسلامی را متلاشی کند، تا موجودیت خود را در منطقه تداوم بخشد. رژیم صهیونیستی عوامل قدرت و قوت در جهان عرب را نیز مورد مطالعه قرار می‌دهد، تا آنگونه که مناسب می‌داند از آن‌ها به نفع خود بهره برداری کند. گمان کنم پس از آزادسازی فلسطین و دسترسی به مراکز پژوهشی و تحقیقاتی اسرائیل ملاحظه خواهیم کرد که صهیونیست‌ها تا چه اندازه درباره حاج عماد مغنیه تحقیق کرده‌اند. تا چه اندازه درباره هویت و شخصیت او گزارش‌ها و اسناد محرمانه تهیه کرده‌اند. صهیونیست‌ها به منظور شناسایی تحرکات حاج عماد مغنیه بودجه‌های کلانی اختصاص داده بودند، که دولت و پارلمان اسرائیل هم از آن اطلاع نداشتند. زیرا از سایه او به شدت می‌ترسیدند. آنگونه که امروز از وجود سید حسن نصرالله دبیر کل حزب الله هراس دارند. اسرائیلی‌ها رسماً اعتراف کرده‌اند که عماد مغنیه از دنیا رفت ولی چهار تا عماد دیگر جایگزین او شده‌اند. ■

دیدار عمر المختار رهبر مجاهدان این کشور رفت، با سلام نظامی وارد مجلس او شد. عمر المختار با شگفتی از این فرمانده پرسید چرا اینگونه سلام کردید؟ فرمانده ارتش ایتالیا به او گفت: «من شما را فرمانده یک سپاه می‌دانم. به همین دلیل به شیوه فرماندهان نظامی به شما سلام کردم». گفت و گوهای فرماندهان نظامی ارتش ایتالیا با عمر المختار به بن بست رسید و سرانجام پس از مدتی او را بازداشت و محاکمه و به اعدام محکوم کردند. هنگامی که طناب دار را در گردن عمر المختار قرار دادند، افسر ایتالیایی به او نزدیک شد و گفت: چنانچه در راهکار انقلابی خود تجدید نظر کنید و تسلیم ایتالیا شوید، و لیبی را به عنوان مستعمره ایتالیا به رسمیت بشناسید، طناب دار از گردن شما برداشته خواهد شد. عمر المختار لیخنندی زد و به افسر ایتالیایی پاسخ داد: من فرزند امتی زنده و پویا هستم. این امت هرگز تسلیم نمی‌شود. اگر مرا شهید کنید، مردم لیبی پرچم مبارزه با استعمارگران ایتالیایی را بر زمین نخواهند گذاشت. دیری نپایید که مسلمانان لیبی با مبارزه خستگی ناپذیر خود ایتالیایی‌ها را به زانو درآورند.

آیا صهیونیست‌ها تاریخ منطقه و پیشینه مبارزات ملت‌های منطقه را مطالعه نکرده بودند که به ترور حاج عماد مغنیه دست زدند؟

این پرسش بسیار مهمی است. برای پاسخ به این پرسش تاکید می‌کنم که صهیونیست‌ها اولین کسانی بودند که تاریخ ملت‌های جهان عرب و جهان اسلام را با دقت مورد مطالعه و بررسی قرار دادند. صهیونیست‌ها از زمان تئودور هرتسل بنیانگذار جنبش صهیونیستی، اوضاع جهان عرب را مطالعه کردند. اگر کتاب هرتسل «دولت اسرائیل» را که در سال ۱۸۹۶ منتشر شده مطالعه کنید ملاحظه خواهید کرد که صهیونیست‌ها برای



احمد الشقیری بنیانگذار سازمان آزادی بخش فلسطین در خاطرات خود نقل کرده که در سال ۱۹۶۵ همراه هیئتی به بکن رفت، و با مائو تسه تونگ رهبر چین دیدار و گفت و گو کرد. در این ملاقات از مائو تقاضا کرد شیوه‌های مبارزه را به فلسطینی‌ها بیاموزد. مائو از این پرسش خشمگین شد و به الشقیری گفت: شما مسلمانان قیام عاشوراء و مکتب انقلابی امام حسین (ع) را دارید.

این سه محور در اندیشه و راهکار حاج رضوان فرمانده مقاومت اسلامی لبنان به روشنی تجسم یافته بود، و به همین دلیل موفق شد. او مردی به تمام معنی منظم و پنهان کار و مرموز بود، و هیچ سرنخی به دشمن نمی‌داد. برای تحقق اهداف مورد نظر از همه امکانات و استعدادهای بالقوه مقاومت بهره می‌گرفت تا به پیروزی قطعی دست یابد. همه جنگ افزارهای نظامی و ابزارهای اطلاع رسانی را بسیج می‌کرد. شکی نیست که حاج عماد مغنیه یک مغز متفکر بود و همه رویدادهای منطقه را پیگیری می‌کرد. به همین دلیل به رغم توطئه‌ها و تلاش‌های مستمر سرویس‌های جاسوسی و امنیتی بین المللی توانست در طول ۲۵ سال گذشته زنده بماند، و پیروزی پی در پی و بی‌سابقه برای مردم لبنان به ارمغان بیاورد.

چنانچه گزارش‌های آژانس تحقیقات فدرال آمریکا و محافل پژوهشی غرب را درباره عماد مغنیه مطالعه کنید، ملاحظه خواهید کرد که این محافل و مراکز تا چه اندازه برای او احترام قائل هستند. هرچند که این محافل که دشمن ما هستند، ولی هرگاه با یک مغز متفکر، قوی و حرفه‌ای مواجه شوند، بی‌تردید برای او احترام قائل می‌شوند. به طور مثال به تاریخچه مبارزات عمر المختار بر ضد استعمارگران ایتالیایی در لیبی نگاه کنید. هنگامی که فرمانده ارتش ایتالیا در لیبی برای مذاکره به



حاج رضوان راه آزادی قدس شریف را هموار کرد...

باز بینی اخلاق انقلابی و رفتار سیاسی حاج عماد مغنیه در گفت و گوی اختصاصی
شاهد یاران با حجت الاسلام والمسلمین شیخ حسان سوبدان روحانی برجسته لبنان

• درآمد

تاریخ سراسر حماسه حزب الله و جنبش مقاومت اسلامی لبنان سرشار از فداکاری‌ها و ایثارگری‌های جوانان سلحشوری است که در گمنامی مبارزه کردند و مظلومانه به درجه رفیع شهادت نایل آمدند. این مبارزه غرور آفرین که با رهنمودهای پیامبرگونه امام خمینی (ره) شکل گرفت همچون درختان کاج در کوه‌های استوار لبنان در برابر شدیدترین تندبادها و توفان‌ها مقاومت کرد و افسانه‌ها و اسطوره‌های پوچ رژیم صهیونیستی را یکی پس از دیگری فرو ریخت. این مبارزه خستگی ناپذیر که با خون مردان بزرگی همچون شهید شیخ راغب حرب و شهید سید عباس موسوی و شهید حاج عماد مغنیه آبیاری شده به راه خود تا بسته شدن طومار اشغالگران و جنایتکاران در منطقه ادامه می‌دهد. حجت الاسلام والمسلمین شیخ حسان سوبدان استاد حوزه علمیه قم در گفت و گوی اختصاصی با شاهد یاران طرح‌های رهایی‌بخش فرا منطقه‌ای فرمانده شهید مقاومت اسلامی لبنان را تشریح کرده است.

شیخ محمد جواد مغنیه در فضای آن روز لبنان، اندیشه اسلامی را از سرچشمه و متون تاریخی استخراج کرد و به سبک ساده در اختیار عموم مسلمانان لبنان قرار داد تا همه اقشار از آن بهره‌مند شوند.

در جمهوری اسلامی ایران، شهید مرتضی مطهری افکار عرفانی و فلسفی و علمی را بازنگری و تجزیه و تحلیل کرد و به اقشار گوناگون جامعه، به ویژه روشنفکران و دانشجویان انتقال داد. ولی در لبنان شیخ محمد جواد مغنیه، اندیشه‌های اعتقادی و فقهی و احکام اسلامی را نوآوری کرد، و به سبک ساده و عوام پسند به مردم ارائه داد.

شهید عماد مغنیه تا چه اندازه از بزرگان خانواده مغنیه متأثر شده بود؟

حاج فایز مغنیه، پدر شهید عماد مغنیه یکی از عموزاده‌های شیخ محمد جواد مغنیه است که در منطقه جبل عامل می‌زیسته است. لذا اندیشه‌ها و افکار علمای بزرگ خاندان مغنیه نیز در اندیشه و تبلور فکری حاج رضوان تراوش کرده است. از سوی دیگر جنوب لبنان در دوران جوانی حاج عماد مغنیه، شاهد یک جنبش بزرگ فکری بوده که امام سید عبدالحسین شرف‌الدین (ره) آغاز گر آن بوده است. در دوران حیات امام شرف‌الدین، هنوز حاج عماد مغنیه متولد نشده بود، ولی به آثار و دستاوردهای فکری و اجتماعی ایشان در جبل عامل دسترسی پیدا کرد. می‌توان گفت که امام شرف‌الدین با فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی خود یکی از علمای بزرگ پایه گذاران مقاومت در جنوب لبنان در نیم قرن گذشته بوده است. مرحوم شرف‌الدین یکی از عالمان دینی است که همزمان در برابر استعمارگران

مقدس می‌شمردند.

از سوی دیگر شهید حاج عماد مغنیه در دوران حیات علامه شیخ محمد جواد مغنیه یکی دیگر از علمای بزرگ خاندان مغنیه زندگی می‌کرده است. شیخ محمد جواد یکی از علمای بزرگ و قضات شرع سرشناس و معاصر لبنان به شمار می‌رفته است. ایشان یکی از مبلغان رسالت اسلام و رهنمایان بزرگ مردم جنوب بوده و تالیفات بسیار ارزشمندی در زمینه‌های فقه، علوم اسلامی و تاریخ اسلام و غیره از ایشان باقی مانده است. مرحوم محمد جواد مغنیه

خاندان مغنیه یکی از خاندان‌های متدین و مذهبی جبل عامل می‌باشد. علمای بزرگی چون مرحوم شیخ حسین مغنیه (ره) یکی از علمای عارف و سالک جنوب لبنان بود که حدود نیم قرن پیش زندگی می‌کرده و مردم از وجود او برکت می‌گرفتند. زیرا ایشان به استقامت و قداست شهرت داشت.

به منظور گسترش آگاهی میان جوانان و اقشار گوناگون مسلمان لبنان دهها کتاب به سبک ساده نوشته است. شاید بتوان ایشان را «مرتضی مطهری» لبنان توصیف کرد. شهید مرتضی مطهری از مردان نابغه و کم نظیر و همسنجی ایشان با محمد جواد مغنیه امکان پذیر نیست ولی علامه

این گفت و گو را با بحث درباره خاندان مغنیه آغاز می‌کنیم. خاندان مغنیه کیست و تا کنون چه مردان بزرگی تقدیم جامعه اسلامی کرده است؟

بسم الله الرحمن الرحيم. حاج عماد مغنیه، یا حاج رضوان، یکی از جوانان مسلمان و انقلابی جبل عامل لبنان بود. او در یک محیط اجتماعی مذهبی و در خانواده متعهد به رعایت احکام اسلامی و موازین شرعی تولد و پرورش یافت. خانواده او هم مانند بسیاری از خانواده‌های جبل عامل به علت مشکلات اقتصادی که دامنگیر مردم جنوب لبنان بود به بخش جنوبی بیروت «ضاحیه» مهاجرت کرد. یکی از عوامل شکل دهنده شخصیت حاج عماد مغنیه، خانواده او بوده است. پدرش حاج فایز مغنیه و مادرش «ام عماد» از انسان‌های صبور و مقاوم و فداکار لبنانی هستند. فداکاری و ایثار این خانواده در راه خدا و در راه میهن برای هیچ کسی پوشیده نیست. این خانواده قبل از حاج عماد دو فرزند دیگر خود را بنام‌های فؤاد و جهاد در راه اسلام و در راه آزادی میهن تقدیم کرده است.

عامل دو که در شکل‌گیری شخصیت حاج عماد مغنیه نقش اساسی داشته وابستگی او به خاندان معروف و برجسته «مغنیه» است. این خاندان یکی از خاندان‌های متدین و مذهبی جبل عامل جنوب لبنان می‌باشد. علمای مقدس و بزرگی از این خاندان برانگیخته شدند. مرحوم شیخ حسین مغنیه (ره) یکی از علمای عارف و سالک جنوب لبنان بوده که حدود نیم قرن پیش زندگی می‌کرده و مردم از وجود او برکت می‌گرفتند. زیرا شیخ حسین مغنیه به استقامت و قداست شهرت داشت، و علمای بزرگ آن مرحله نیز او را



امام خمینی (ره) نیز در آغاز حرکت انقلابی شان در حمایت از آرمان فلسطین چند فتوای مهم صادر کردند. این مرد بزرگ که برای سرنوشتی رژیم پهلوی مبارزه کرد پشتیبانی از ملت فلسطین را هرگز فراموش نکرده بود. طبیعی است که یک انسان متدین همچون حاج عماد مغنیه و بسیاری از برادران هم‌رزم او همچون حاج علی ذیب (ابو حسن سلامه) و دیگران به صفوف مقاومت فلسطین پیوندند. البته فراموش نکنیم که قداست قضیه فلسطین مهمتر از اشتباهات و عملکردهای غلط برخی متولیان فلسطینی است. قداست آرمان فلسطین به حاج عماد مغنیه انگیزه داد تا بر مبنای عقاید و باورهای دینی خود به انقلابیون فلسطین پیوندند. بنابراین پیوستن اینگونه افراد به جنبش مقاومت فلسطین بر مبنای وظیفه دینی و اخلاقی و انجام مسئولیت شرعی طبق فتاوی مراجع بزرگ تقلید بوده است. در مرحله قبل از اشغال جنوب لبنان، یک تشکیلاتی انقلابی منظم که بتواند در برابر فزون خواهی رژیم صهیونیستی بایستد و فلسطین را آزاد کند، وجود نداشت. و این جوانان مؤمن و انقلابی لبنانی ناچار بودند به جنبش همگانی و عمومی مقاومت فلسطین پیوندند، ولی حاج عماد به محض اینکه گم شده واقعی خود را یافت، به مقاومت اسلامی و حزب الله که زیر پرچم اسلام و ایمان مبارزه می‌کند پیوست. من نمی‌گویم که حاج عماد جهت‌گیری و موقعیت خود را تغییر داد. خیر... جهت‌گیری او چه در جنبش فتح و چه در حزب الله مشخص و یکسان بود. با وجودی که با یاسر عرفات مرد شماره یک انقلاب فلسطین روابط دوستانه و نزدیک داشت، ولی هنگامی که پرچم اسلام به دست حزب الله لبنان افراشته شد، بیدرنگ به این پرچم پیوست، و تا آخر حیات هم این پرچم را در دست داشت.

از سوی دیگر سازمان آزادی بخش فلسطین از طریق حاج عماد مغنیه و ابو حسن سلامه کمک‌های مالی فراوانی میان انقلابیون لبنانی و غیر لبنانی توزیع می‌کرد. ولی تاکنون یک مورد سوءاستفاده از این اموال نقدی و یا خیانت در امانت در حق حاج عماد ثبت نشده است. هنگامی که تصمیم گرفت از صفوف مقاومت فلسطین کناره‌گیری کند، و به صف مقاومت لبنان پیوندند، ابتدا این تصمیم را با رهبران انقلاب فلسطین در میان گذاشت و به آنان گفت که من انسانی مؤمن و متدین هستم و بر اساس اعتقادات دینی به مقاومت فلسطین پیوسته‌ام، ولی اکنون تصمیم گرفته‌ام زیر پرچم مقاومت اسلامی لبنان مبارزه کنم. همانگونه که می‌دانید در آن برهه هزاران جوان از طایفه شیعه و طایفه اهل تسنن لبنان به جنبش مقاومت فلسطین و احزاب سیاسی لبنان پیوستند، ولی تاکنون دیده نشده که یکی از آنان مانند حاج عماد مغنیه پیشگام و پیش‌تاز بوده باشد... دلیل این چیست؟

فعالیت قوی داشتند، احزاب کمونیست و سازمان‌های چپ‌گرا و سازمان آزادی بخش فلسطین بودند. در چنین فضای آلوده اگر جوانان متدین خواسته باشند با ظلم و تجاوزگری مقاومت کنند، ناچار بودند با احزاب و سازمان‌های یاد شده ارتباط برقرار کنند. لذا اولین بار که کتاب‌های شهید صدر انتشار یافت، حاج عماد مغنیه تعدادی از این کتاب‌ها را خریداری و به دوستان چپ‌گرای خود هدیه کرد. این کار در آن مرحله و در آن شرایط خیلی ارزشمند بود. حاج عماد به جوانان مسلمان شیعه و سنی که به احزاب و سازمان‌های

مارکسیست و سوسیالیست پیوسته بودند می‌گفت شما مسلمان هستید. چرا به این احزاب پیوسته اید. اگر می‌خواهید مقاومت کنید و فلسطین و مسجدالاقصی را آزاد کنید به آغوش اسلام بازگردید. این آیین حیاتبخش اسلام است که می‌تواند اهداف تان را تأمین کند. شنیده‌ام که حاج عماد توانسته بود بسیاری از طرفداران احزاب کمونیست را هدایت کند، و اکنون این افراد موقعیت خاصی در فرماندهی مقاومت اسلامی لبنان دارند. اما چرا حاج عماد مغنیه به جنبش مقاومت فلسطین پیوست؟ برای پاسخ به این پرسش باید گفت که پیوستن حاج عماد به مقاومت فلسطین دو علت داشت. اولاً آرمان فلسطین در آن مرحله از قداست خاصی برخوردار بود. زیرا قضیه فلسطین از سال ۱۹۴۸ تا کنون در اولویت اهداف و آرمان‌های مسلمانان قرار دارد. صهیونیست‌ها که بدترین دشمنان خدا هستند، این سرزمین را اشغال کرده‌اند. فلسطین سرزمین وحی و عروج پیامبر است، و اولین قبله مسلمانان در آن قرار دارد. در پی اشغال این سرزمین بیشتر علمای جهان اسلام به ویژه مراجع تقلید تشیع و اکتش نشان دادند. علمای پیرو مکتب اهل بیت (ع) در مخالفت با اشغال سرزمین فلسطین پیشگام بودند. آیت الله العظمی سید محسن حکیم (ره)، مرجع تقلید وقت شیعیان جهان، با صدور فتوای مشهوری، پرداخت حقوق شرعی به انقلابیون فلسطینی را تجویز کرد. در پی این فتوا بسیاری از افراد مؤمن حقوق شرعی و سهم امام شان را به مقاومت فلسطین تقدیم می‌کردند.

فرانسه و طرح برپایی رژیم صهیونیستی در فلسطین مقاومت کرد.

بفرمایید علت گرایش حاج عماد به مقاومت فلسطین چه بوده است؟ آیا این گرایش نتیجه اثر گذاری علمای آن مرحله لبنان بوده است؟

شهید حاج عماد مغنیه از دوران جوانی از نبوغ فکری و استعداد فطری برخوردار بود. برخی از برادران که از او شناخت کافی دارند، نقل کرده‌اند که حاج رضوان به اندیشیدن و تأمل عشق می‌ورزید، گرایشات دینی او فراتر از تربیت خانوادگی او بود. او مانند مردم مؤمن و متعهد جبل عامل به عقاید و باورهای دینی خود احترام می‌گذاشت. خانواده حاج عماد مغنیه میهن دوستی و تدین و تعهد به موازین شرعی و عشق به اسلام و خاندان اهل بیت (ع) را از دوران کودکی به او تزریق کرده بودند. این تربیت خانوادگی موجب شد که حاج عماد از سن بلوغ نسبت به مسائل بیعدالتی و تجاوز به حقوق دیگران شناخت پیدا کند، و با آن به مقابله بپردازد. حاج عماد در کنار عشق به مقاومت و جهاد به گسترش فرهنگ و اندیشه اسلامی هم توجه داشت. می‌کوشید جوانان انقلابی را با مسائل فکری و اعتقادی اسلام آگاه کند.

نقل کرده‌اند که حاج عماد در دوران جوانی پس از پیوستن به جنبش فتح کتاب‌های «اقتصاد ما» و «فلسفه ما» که از آثار برجسته و گرانبهای شهید آیت الله سید محمد باقر صدر می‌باشد خریداری و به افراد گوناگون هدیه می‌کرد، تا از این طریق نوآوری اقتصاد و فلسفه اسلامی را به دیگران معرفی کند. جوانان متدین لبنانی در آن مرحله از داشتن تشکیلات منظم و منسجم محروم بودند. کسانی که در لبنان

نقل کرده‌اند که حاج عماد در دوران جوانی پس از پیوستن به جنبش فتح کتاب‌های «اقتصاد ما» و «فلسفه ما» که از آثار برجسته و ارزشمند شهید آیت الله سید محمد باقر صدر می‌باشند خریداری و به افراد گوناگون هدیه می‌کرد، تا از این طریق نوآوری اقتصاد و فلسفه اسلامی را به دیگران معرفی کند.



سوریه همراه او بوده‌اند، برای من نقل کرده‌اند که ایشان هر شب هنگام سحر به زیارت مرقد حضرت رقیه(س) می‌رفته است. یکی از فرماندهان سپاه پاسداران نیز نقل کرده زمانی که در سوریه به سر می‌برده و هر سحرگاه که به زیارت مرقد حضرت رقیه (س) می‌رفته حاج عماد را در حال نماز و نیایش می‌دیده است. بنابر این تدین و پایبندی به اصول اعتقادی یکی از مهمترین ویژگی‌های حاج عماد مغنیه بوده است. او همواره به تکلیف شرعی عمل می‌کرده است.

حاج عماد بعد از مسئله تدین چند ویژگی دیگری هم داشت که عبارتند از: ویژگی اول نبوغ فوق‌العاده در زمینه‌های برنامه ریزی و مهندسی نظامی: حاج عماد در زمینه مهندسی و سازماندهی نظامی، طرح‌هایی بکر ارائه می‌داد که هیچ کس پیش از او چنین طرح‌هایی ارائه نکرده بود. بسیاری از فرماندهان و کارشناسان نظامی در جمهوری اسلامی و برخی از کشورهای اسلامی گفته‌اند که حاج عماد در طرح مسائل جدید نظامی بی‌نظیر بوده است.

ویژگی دوم قدرت شخصیت: حاج عماد در مسئله زهد و پرهیزکاری فوق‌العاده استثنایی بود. به گونه‌ای که تا آخرین روز حیاتش خانه شخصی در اختیار نداشت. این در حالی است که برای خانه دار شدن بسیاری از برادران جنبش مقاومت تلاش به عمل می‌آورد، و می‌کوشید مشکلات و نیازهای اجتماعی آنان را برطرف کند. با وجودی همه گونه امکاناتی در اختیار او گذاشته بودند، ولی فوق‌العاده زاهد و قانع بود. همانگونه که پیشتر اشاره کردم زمانی که در جنبش مقاومت فلسطین حضور داشت و امکانات مالی فراوانی در اختیار او بود و لی به این امکانات هیچ گونه چشم داشتی نداشت.

ویژگی سوم تواضع حاج عماد بود: او از رفتار سرور خود امیر مؤمنان علی بن ابیطالب(ع) پیروی می‌کرد، و در برخورد با رزمندگان مقاومت بسیار فروتن بود. هرگز خود را برتر از دیگران نمی‌دانست. ولی در برابر کسانی که در مسائل دینی و مقاومت سهل انگاری می‌کردند و دچار لغزش می‌شدند سرسختی نشان می‌داد و قاطعانه برخورد می‌کرد. در زمینه حفظ نظم و انضباط به هیچ وجه با رزمندگان مسامحه نمی‌کرد.

گفته شده که حاج عماد برای تحصیل علوم دینی مدتی هم به قم آمد. در این زمینه چه اطلاعاتی دارید؟
آمدن حاج عماد به قم برای اینکه مانند سایر طلاب همه وقت خود را صرف تحصیل علوم و معارف حوزوی کند نبود. ولی او مانند بسیاری از رهبران

مقاومت اسلامی و حزب‌الله بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به ایران می‌آمد و از تجربیات انقلاب اسلامی درس‌های زیادی می‌آموخت. هنگامی که شخصیت‌های بزرگ نظام جمهوری اسلامی نبوغ فکری و استعدادهای بالقوه حاج عماد مغنیه را شناختند شایسته دانستند که او را به ایران دعوت کنند و استعدادهای او را پرورش و بارور کنند.

آیا زمانی که حاج عماد به ایران آمد، آقای نصرالله هم سرگرم تحصیل در حوزه علمیه قم بود.

آری ... مدت زمان کوتاهی که آقای سید حسن نصرالله دبیر کل حزب‌الله برای تحصیل به حوزه علمیه قم آمد، شهید عماد مغنیه نیز به ایران رفت و آمد داشت و گاهی با آقای نصرالله هم دیدار و گفت‌وگو می‌کرد. ■

حاج عماد بنیانگذار طرح مقاومت فراگیر در خاورمیانه بود. حرکتی که آغاز کرد از مرزهای لبنان فراتر رفت و معادلات جهانی و منطقه‌ای را دگرگون ساخت. او بنیانگذار راهکاری بود که به یاری خداوند به آزادسازی فلسطین منتهی خواهد شد. من او را فرمانده پیروزی‌های پی در پی که در آینده تحقق خواهد یافت می‌خوانم.

۲۰۰۰ و پیروزی سال ۲۰۰۶ توصیف می‌کنند. ولی من او را فرمانده پیروزی‌های پی در پی که به کمک حقتعالی در آینده تحقق خواهد یافت می‌خوانم.

قوای استکباری ۲۵ سال حاج عماد را تحت تعقیب قرار داده و سرانجام او را به شهادت رساندند. ولی این قدرت‌ها هرگز به جنایات خود در لبنان و فلسطین و عراق و افغانستان اشاره نمی‌کنند. این دوگانگی را چگونه تفسیر می‌کنید؟

قدرت‌های استکباری فقط به منافع شخصی‌شان می‌اندیشند. برخورد دو گانه رهبران و سران قدرت‌های استکباری با مسائل جهانی یک امر طبیعی است. این قدرت‌ها حتی از جنایات مزدوران و دست‌نشاندها خود در ۹۵ درصد کشورهای جهان چشم‌پوشی می‌کنند. زیرا این جنایات به نفع این قدرت‌ها ارتکاب می‌شود. گاهی از این جنایات‌ها هم ستایش می‌کنند. به طور مثال نگاه کنید به جنایات سال گذشته صهیونیست‌ها در نوار غزه، قدرت‌های استکباری تا چه اندازه این جنایات را تأیید کرده‌اند؟ برای دادگاه بین‌المللی و سازمان ملل ثابت شد که رژیم صهیونیستی در غزه مرتکب جنایات وحشتناک شده است ولی قدرت‌های استکباری در برابر آن سکوت اختیار کرده‌اند. زیرا اسرائیل اهداف و خواسته‌های آنان را تأمین می‌کند. ولی اگر یکی از رزمندگان مقاومت در فلسطین و لبنان به یک حرکت مشروع و قانونی دست بزند و از سرزمین خود به دفاع برخیزد به شدت او را محکوم می‌کنند. شعارهای حقوق بشر قدرت‌های استکباری همه شعارهای تو خالی است.

به بخشی از ویژگی‌های حاج عماد اشاره کردید. بفرمایید که مهمترین و شاخص‌ترین نشانه و امتیاز او چیست؟
برادرانی که در آخرین روزهای حیات حاج عماد مغنیه در

این نتیجه ویژگی‌های ارزشمند و ابعاد استثنایی شخصیت حاج رضوان بوده است. او مقاومت را با جان و خون خود پذیرفته بود. مقاومت را نه به عنوان یک حرفه، بلکه به عنوان یک آرمان و هدف مقدس انتخاب کرده بود. حاج رضوان در این مسیر صادقانه و مخلصانه گام برداشت و تحت تأثیر زرق و برق‌های مادی و شهرت پرستی قرار نگرفت. در حالی که در آن شرایط افراد بسیاری فریب ثروت و شهرت را خورده و به فساد و تباهی کشیده شدند. در آن مرحله کمک‌های مالی بیشماری به سوی جنبش مقاومت فلسطین سرازیر می‌شد. این کمک‌های بی‌حد و حساب بسیاری از رهبران این جنبش را به تباهی کشاند. بسیاری افراد هم خائن و فرصت‌طلب از آب در آمدند، و از پشت به آرمان فلسطین خنجر زدند. بسیاری از عملیات تروریستی که توسط کوماندوهای اسرائیلی در مرکز بیروت پایتخت آن روز مقاومت فلسطین انجام گرفت، در نتیجه خیانت برخی افراد فرصت‌طلب و فریب‌خورده فلسطینی اتفاق افتاد. این در حالی است که حاج عماد مغنیه فوق‌العاده امانتدار و زیرک و هوشمند بود.

گفته شده که حاج عماد مغنیه مدتی هم در حوزه علمیه علامه سید محمد حسین فضل‌الله در بیروت درس خوانده است....

بستگان نزدیک حاج عماد نقل کرده‌اند که او در کنار فعالیت‌های مبارزاتی و انقلابی علاقه داشته به مسائل دینی و فقهی هم آشنا شود. میل نداشته مانند روحانیون و طلاب علوم دینی تحصیلات حوزوی را تا نهایت ادامه دهد. او بر این باور بود که یک فرد انقلابی باید از همه مسائل سیاسی، عقیدتی، دینی و نظامی آگاهی داشته باشد. لذا در سن جوانی در برخی دوره‌های آموزش عقاید شرکت کرد تا با احکام فقهی «رساله‌های عملی» آشنا شود. زیرا این رساله‌ها، احکام اسلام را در زمینه‌های جهاد، جنگ، صلح و همه مسائل عبادی و حیاتی و اجتماعی مشخص کرده‌اند.

در قرن گذشته افرادی مانند حاج عماد در جبل عامل بروز کرده‌اند؟

تردیدی نیست که در تاریخ صد ساله اخیر جبل عامل انقلابیون بزرگی برانگیخته شدند. «ادهم خنجر» و «صادق حمزه» از چهره‌های انقلابی و سرشناس جبل عامل هستند که بر ضد استعمار فرانسه مقاومت کردند. اکنون نبیه بری رئیس مجلس لبنان تالار اجتماعات و ملاقات‌های خود را در جنوب لبنان به نام ادهم خنجر نامگذاری کرده است. ولی با صراحت به شما بگویم که موافق همسنگی مرحوم

حاج عماد مغنیه با سایر انقلابیون جبل عامل نیستم. بی‌تردید برادران مخلص و فداکار فراوانی در مقاومت اسلامی وارث حاج عماد هستند که استعداد و توان و شایستگی آنان کمتر از حاج عماد نیست، و راه او را ادامه می‌دهند. زیرا حاج عماد بنیانگذار و متولی طرح مقاومتی همه‌جانبه و فراگیر در خاورمیانه بود. حرکتی که حاج عماد آغاز کرد از مرزهای لبنان فراتر رفت و معادلات جهانی و منطقه‌ای را دگرگون ساخت. او با دهها تن از شخصیت‌های سیاسی، انقلابی و فکری جهان عرب و جهان اسلام روابط و همکاری داشت. حاج عماد فقط یک شخصیت مقاوم نبود، ابعاد شخصیت او فراتر از مقاومت اسلامی لبنان و فلسطین بود. او بنیانگذار راهکاری بود که به یاری خداوند متعال به آزادسازی فلسطین منتهی خواهد شد. در لبنان حاج عماد را فرمانده دو پیروزی (پیروزی سال



بفرمایید که از شهادت ایشان چگونه می‌توانیم بهره‌برداری کنیم؟

شکی نیست که حاج عماد مغنیه الگو و نمونه خوبی است برای جوانان جهان اسلام. این طور نیست که سفره انقلاب اسلامی فقط برای مردم ایران پهن شده باشد. او با اندیشه‌های پویا، توجه به اولویت‌ها، توان انجام عملیات‌های کیفی و توان برنامه‌ریزی صحیح و سالم، به جوانان مسلمان غیر ایرانی نیز درس چگونه رسیدن به قله‌های عظمت و جاودانگی را آموخت.

افزون بر آن، حاج عماد مغنیه همه سیستم‌های امنیتی و اطلاعاتی و نظامی اسرائیل و پشتیبانان اسرائیل، مانند سازمان (CIA) آمریکا و (MI۶) انگلیس و سیستم‌های جاسوسی فرانسه و دیگران را بازی داد. به آسانی و مانند ماهی درون دریا میان کشورهای منطقه رفت و آمد می‌کرد. همچنانکه به سایر محورهای جنگ ۳۳ روزه سال ۲۰۰۶ رفت و آمد می‌کرد. هنگامی که با فرماندهان و رزمندگان مقاومت اسلامی لبنان صحبت می‌کردم، آنان داستان‌های فراوانی از چگونگی اداره عملیات رزمی در محورهای جنوب لبنان و شیوه مدیریت حاج عماد بازگو می‌کردند. می‌گفتند که حاج عماد همواره در جبهه و زیر آتش سنگین اسرائیلی‌ها حضور داشت. رزمنده‌ها به آمدن او روحیه می‌گرفتند و امیدوار می‌شدند. می‌دانستند که او به جبهه‌ها آمده و آنان را راهنمایی می‌کند. در کنار رزمندگان می‌ایستاد و به آن‌ها روحیه می‌داد و سپس به محور دیگری منتقل می‌شد.

یکی از برجسته‌ترین ویژگی‌های حاج عماد مغنیه این است که همه جا حضور داشت، و هر جا می‌رفت اثر می‌گذاشت. بر این باورم که رفتار و راهکار او می‌توان سرمشق خوبی باشد برای سایر جوانان مؤمن و مبارز در جهان اسلام. این نشانگر این است که سفره پهن انقلاب اسلامی، جوانانی با این مشخصات تربیت می‌کند. شایسته است جوانان ایرانی و غیر ایرانی از این الگو بنحو مطلوب بهره‌برداری کنند.

در سال‌های ۱۳۶۱ — ۱۳۶۲ زمانی که جمهوری اسلامی

حاج رضوان در عشق به اهل بیت (ع) به ویژه حضرت زهرا (س) ذوب شده بود. عاشق ایران و امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری بود. نماد بارز نسلی که به برکت انقلاب اسلامی تربیت شده بود. هوشمندی، مهارت، استعداد فوق‌العاده، قدرت برنامه‌ریزی و تلاش خستگی‌ناپذیر از مهمترین ویژگی‌های او به شمار می‌آیند.

و می‌کوشید از محضر آنان به ویژه شخصیت‌های بزرگ عرفانی نهایت بهره‌برداری معنوی را داشته باشد.

نگاه مسئولین کشورمان به شخصیت حاج عماد مغنیه چگونه بود

حاج عماد مغنیه هنگامی که به شهادت رسید، مقامات کشورمان برای او اشک ریختند. برای از دست رفتن او احساس حزن و اندوه کردند. احساس کردند که حاج عماد مغنیه زودتر از آن‌ها به قله‌های عظمت و رستگاری رسیده است.

هنگامی که با افراد ایرانی درباره شهادت حاج عماد مغنیه بحث می‌کردم، احساس کردم که زبان حال آن‌ها می‌گوید که یکی دیگر از فرماندهان انقلاب اسلامی در مسیر شهادت و ایثارگری از ما پیشی گرفته و به سوی معبود شتافته و لی ما هنوز سر جای خود باقی مانده‌ایم. مسئولیت‌های مهمی که حاج عماد مغنیه در حزب الله لبنان داشت، جایگاه خاص و ممتازی به او بخشیده بود.

مقام معظم رهبری در پیام‌شان فرمودند شهادت حاج رضوان حماسه‌ای است که ملت‌های مسلمان را بیدار می‌کند و افق‌های روشنی در برابرشان ترسیم می‌کند.

پیام تسلیت مقام معظم رهبری به مناسبت شهادت حاج عماد مغنیه خیلی پر معنی بود، و ایشان را برادر مخلص و فداکار توصیف کردند. اصولاً حاج عماد مغنیه کیست و چه شناختی از ایشان دارید؟

بسم الله الرحمن الرحيم. خدا رحمت کند حاج عماد مغنیه را... روح ایشان را با رستگاران و اولیای خدا محشور گرداند... او نمونه بارز عشق و صفا و اخلاص و فداکاری در راه خدا بود. لطف و عنایتی که خداوند در حق حاج رضوان کرده، باعث شده که او با اهل بیت عصمت و طهارت (ع) پیوند و همدمی داشته باشد. سخنی که می‌توانم درباره حاج عماد بگویم این است که او در اهل بیت (ع) به ویژه حضرت زهرا (س) ذوب شده بود. عاشق امام خمینی (ره) و عاشق جمهوری اسلامی ایران و عاشق مقام معظم رهبری شده بود. حاج عماد نماد بارز نسلی که به برکت انقلاب اسلامی ایران در لبنان تربیت شده بود. هوشمندی، مهارت، استعداد فوق‌العاده، قدرت برنامه‌ریزی، تلاش خستگی‌ناپذیر و این همه عشق و لطف و مهر و محبت و صفا، از مهمترین ویژگی‌های او به شمار می‌آیند.

بی‌تردید او یکی از قله‌های مؤثر حرکت پویای انقلاب اسلامی در لبنان به شمار می‌رفت. می‌توانم تأکید کنم که انقلاب اسلامی در لبنان در شخص حاج عماد مغنیه تجلی یافت. او کسی بود که با زبان فارسی مانند یک شهروند تهرانی صحبت می‌کرد. هنگامی که با لهجه تهرانی صحبت می‌کرد، هیچ کسی نمی‌توانست تشخیص دهد که او یک شهروند لبنانی است. البته به چند زبان خارجی هم تسلط داشت. آشنایی به زبان خارجی، به او هنگام مسافرت به کشورهای اروپایی فوق‌العاده توانایی می‌بخشید.

این سفرها را به چه منظور انجام می‌داد؟

حاج عماد مغنیه به خاطر مسئولیت‌های سنگینی که بر عهده داشت به این سفرها می‌رفت. در این مسافرت‌ها سعی می‌کرد با سران جنبش‌های انقلابی و مردمی ارتباط برقرار کند. زمانی هم که به ایران می‌آمد به دیدار علما و مراجع بزرگ می‌رفت

حاج رضوان شاگرد واقعی مکتب اسلام بود...

مروری بر ابعاد عرفانی زنده یاد حاج عماد مغنیه در گفت‌وگوی اختصاصی شاهد یاران با

دکتر حسین شیخ الاسلام مشاور رئیس و مدیر کل روابط بین الملل مجلس شورای اسلامی



• درآمد

بی‌تردید رهروان راه جهاد و مقاومت، رسالتی بزرگ و سنگین بر دوش دارند، و شهید حاج عماد مغنیه یکی از مجاهدان فداکار این راه پر رهرو بوده است. شاید در حال حاضر کسی نتواند جایگزین این شهید فرزانه شود، ولی حسین شیخ الاسلام قائم مقام پیشین وزارت امور خارجه کشورمان در گفت‌وگوی اختصاصی با شاهد یاران خاطر نشان ساخته که حاج رضوان با تربیت کادرهای با استعداد و آماده جانفشانی در زمینه‌های گوناگون، ده‌ها هزار رزمنده سلحشور جایگزین خود کرده است. با هم این گفت‌وگو را می‌خوانیم:



گرفتار جنگ تحمیلی بود، لبنان هم در اشغال اسرائیل و نیروهای چند ملیتی قرار داشت. در این میان حاج عماد مغنیه با عملیاتی که انجام داد، توانست معادلات بین المللی و منطقه‌ای را دگرگون کند. این عملیات چه دستاوردی برای سیاست‌های منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران در پی داشت؟

من به آگاهی مردم ایران و همه عاشقان نهضت اسلامی می‌رسانم که حاج عماد مغنیه با فکر و اندیشه شخصی خود، و با همکاری تشکیلات جهادی که در اختیار داشت، دستاوردهای ارزنده و چشمگیری برای جمهوری اسلامی به ارمغان آورد، که از عهده خیلی افراد بر نمی‌آمد. برای حفظ حیثیت و آبروی نیروهای جمهوری اسلامی و روحیه بخشیدن به ملت مسلمان ایران در مواقع حساس و سرنوشت ساز خدمات ارزنده و شایانی ارائه داده که هیچ کسی نمی‌توانسته چنین خدمتی را به انقلاب اسلامی بکند. این یک سخن اغراق آمیز نیست.

با توجه به شناختی که از حاج رضوان دارم و کارهایی که ایشان کرده به طور تأکید می‌گویم که او این فعالیت‌ها را فقط برای رضای حق تعالی انجام داد. گاهی یک مصاحبه را هم برای رضای خدا نمی‌توانیم انجام دهیم. ولی او جان و آبرو و خانواده و تشکیلات خود را فدای اسلام و انقلاب و امام و رهبری و جمهوری اسلامی ایران کرد. ایران را از صمیم قلب دوست داشت. اگر بگویم که او به اندازه وطن خود به ایران عشق می‌ورزید اغراق نگفته‌ام.

امام امت خمینی بزرگ (ره) شهید بهشتی را «امتی برای ملت ایران» توصیف کردند. با توصیفی که برای حاج رضوان ارائه دادید آیا می‌توان او را نیز «امت» توصیف کنیم؟

این حضرت امام (ره) بودند که شهید بهشتی را این گونه توصیف کردند. من که در چنین موقعیتی نیستم که تشخیص دهم حاج عماد کیست؟ ولی می‌توانم بگویم که حاج عماد مغنیه در ظرفیت کارهایی که انجام می‌داد، نظیر نداشت. همچنانکه شهید بهشتی نظیر نداشت. من هرگز آن دید عمیقی را که حضرت امام داشتند و بزرگان انقلاب اسلامی را معرفی می‌کردند ندارم. ولی با شناختی که از حاج عماد مغنیه دارم می‌توانم تأکید کنم که ایشان برای جهان اسلام و برای تشیع و برای انقلاب اسلامی و اسلام ناب محمدی (ص)

بدلیل نداشت. یکی از ویژگی‌های حاج رضوان این بود که پیش از شهادت، برای هر مسئولیتی که بر عهده داشت جانشین تعیین کرد، و حوزه آن مسئولیت‌ها را به جانشینان توانمند و با استعداد خود منتقل کرد. به این دلیل که همیشه در حال پرواز و در حال اوج گیری به سوی قله‌های عظمت و موفقیت بود، هیچوقت در حال رکود نبود. جانشینان حاج عماد افرادی هستند که به دست توانایی او تربیت شده و پرورش یافته‌اند. هرگاه این مسئولیت‌ها را تکمیل می‌کرد، به مراحل بعدی گام برمی‌داشت.

گمان کنم مهم‌ترین وظیفه جدی و تعیین کننده حزب الله و انقلاب اسلامی پس از شهادت حاج عماد مغنیه، جبران خسارت از دست رفتن اوست. لازم است این خسارت و این نقیصه هرچه

سریع‌تر جبران شود. باید طرح‌ها و برنامه‌های ابتکاری او که برای آینده تدارک دیده شده بود، پیگیری شود. زیرا او در زمینه نوآوری، ابتکار گشودن جبهه‌های جدید، گام برداشتن به سوی ریسک‌های بزرگ از توانمندی‌ها و استعدادهای بالقوه برخوردار بوده است. من توانمندی‌های حاج عماد را در کمتر کسانی سراغ دارم. شاید توانایی‌های او را در هیچ کسی سراغ نداشته باشم. از میان افراد عملیاتی و اطلاعاتی که می‌شناسم کسی نظیر او وجود ندارد. او به راحتی گره مشکلات فرا راه انقلاب اسلامی را باز می‌کرد. مشکلات را از سر راه مسلمانان و شیعیان بر می‌داشت و دوباره یک گام به جلو برمی‌داشت. بر اساس این دیدگاه لازم است برای حاج عماد مغنیه جایگزین پیدا کنیم.

حاج عماد مغنیه همه سیستم‌های امنیتی و اطلاعاتی و نظامی اسرائیل و پشتیبانان اسرائیل، مانند سازمان (CIA) آمریکا و (MI6) انگلیس و سیستم‌های جاسوسی فرانسه و دیگران را بازی داد. مانند ماهی درون دریا به آسانی میان کشورهای منطقه و جهان رفت و آمد می‌کرد.

امیدوارم به یاری خداوند متعال و به برکت خون پاک حاج عماد مغنیه و معرفی راهی که او ترسیم کرد، بتوان از میان همین جوانان عاشق شهادت، عاشق امام و عاشق انقلاب، این توانایی را در امت اسلامی و دوستداران انقلاب اسلامی ایجاد کرد. کسانی که امروزه برای زمینه سازی ظهور امام زمان (عج) گام بر می‌دارند، باید تلاش کنند این نقیصه را برطرف نمایند.

شهید حاج عماد مغنیه در طول حیات گمنام زیست و مظلومانه به شهادت رسید. با توجه به اینکه ملت‌های جهان امثال حاج عماد مغنیه را جزئی از افتخارات خود می‌دانند و برای آنان در میادین شهرها تندیس می‌سازند و یاد و نام آنان را همواره گرامی می‌دارند، چرا تلاش

نمی‌شود از او تجلیل و قدردانی به عمل آید؟

پیشنهادتان کاملاً درست است. هر اندازه لازم بود زندگی شهید مغنیه قبل از شهادت ایشان مخفی و پنهان بماند، اکنون لازم است ابعاد زندگی و شخصیت او آشکار شود. همانطوری که از پیام مقام معظم رهبری برداشت می‌شود، حاج عماد مغنیه باید به عنوان یک الگو و سرمشق و به عنوان یک پیشوا برای جوانان ایرانی و جوانان کشورهای جهان مطرح گردد. اگر قرار باشد که حاج عماد مغنیه برای جوانان متعهد الگو و نمونه باشد، شایسته است همه ابعاد زندگی این الگو شکافته و تشریح شود، روحیات و اخلاق او به مردم جهان معرفی گردد. روشی که به کار برده و به این مقام عالی رسیده روشن شود. ابعاد زندگی معنوی، توانایی‌های فکری و دنیوی او به دقت بررسی شود، تا مردم با راهکارها و دیدگاه‌ها و شیوه کار او آشنا شوند. برای تشریح ابعاد زندگی این شخصیت بزرگ به برپایی جلسات و سمینارهای علمی و فکری نیاز داریم تا مردم بدانند عماد مغنیه کیست، و چه کرد و چگونه به این مقام والا رسید.

خیلی از کارهای او باید به آگاهی مردم رسانده شود. مانند چگونگی مشارکت او در تشکیل حزب الله و چگونگی تربیت و آموزش جوانان حزب الله، شاید بتوان بخشی از این دستاوردها را روشن کرد. عملیات مختلفی که در آن شریک بوده. برخی از عملیاتی که ایشان انجام داده و واقعاً عملیات تعیین کننده و سرنوشت ساز بوده است. عملیاتی که خط یک حرکت را به کلی تغییر داد. تأثیر مهمی در سیاست‌های بین المللی گذاشت. یک مرتبه ابرقدرت‌ها را در زاویه تنگی قرار داد که هرگز پیش‌بینی آن را نمی‌کردند. این ابر قدرت‌ها بدون محاسبه سیاسی خود را گرفتار باتلاق لبنان کرده بودند و با تحمل شکست‌های سنگین و پی در پی از این کشور خارج شدند.

شهادت حاج عماد مغنیه تا چه اندازه برای حزب الله و انقلاب اسلامی و ملت‌های مسلمان منطقه زاینبخش بود؟

من احساس می‌کنم شهادت حاج رضوان خسارت بزرگی بود. ولی بدانید که اگر حاج عماد مغنیه شهید نمی‌شد، از نظر معنوی و منطقی و فکری مشکل به نظر می‌رسید. خطی که او انتخاب کرد، خط شهادت بود که به خط عاشورا و قیام سرور شهیدان (ع) و به خط اهل بیت و ائمه اطهار (ع) منتهی می‌شود. این خط آخرش شهادت است. قله و اوج این خط شهادت است. حال برخی شهادت‌ها معنوی است. برخی شهادت‌ها حیثیتی است. و حاج عماد برای همه این نوع شهادت‌ها خود را آماده کرده بود. سرگذشت زندگی مخفی او با این نوع شهادت به پایان رسد. من بر این باورم که حضرت امام خمینی (ره) هم شهید شد. زیرا آبروی خود را با قضیه قبول قطعنامه در طبق اخلاص قرار داد. یکی از بزرگ‌ترین فرازهای متعالی زندگی امام خمینی (ره) پذیرفتن قطعنامه بود.

حضرت امام خمینی (ره) که من ایشان را امام الشهداء می‌نامم خداوند چنین موقعیتی به ایشان داد، تا عاشقانه به لقای الله بپیوندد. امام آدمی بود که در طول عمر پر برکت خود آری نگفت. با شعار سقوط صدام مردم را به جبهه برده بود، ولی به جایی رسید که برای حفظ اسلام و جمهوری اسلامی خیلی زیبا از این امتحان سربلند بیرون آمد.

حاج عماد هم شب شهادت حضرت رقیه (س) به شهادت رسید. علاقه خاصی به حضرت زینب (س) و حضرت رقیه (س) داشت. آن شب در جمع عزاداران ایرانی حرم حضرت رقیه (س) شرکت داشت. به احتمال زیاد از نذورات و خیرات حرم حضرت رقیه هم میل کرده بود، و همان شب در راه بازگشت به خانه‌اش به شهادت رسید. در لوح تقدیر و سرنوشت چنین نوشته شده بود که او در شب شهادت حضرت رقیه به شهادت برسد. ■



• درآمد

پس از جنگ ۳۳ روزه ژوئیه سال ۲۰۰۶ یک نویسنده عرب با چاپ مقاله‌ای ضمن انتقاد از برخورد غیر اصولی رژیم های عرب در برابر پیروزی چشمگیر حزب الله در جنگ با رژیم صهیونیستی نوشت، اگر سید حسن نصر الله دبیر کل حزب الله لبنان تابعیت یک کشور اروپایی یا غربی را داشت، هیچ شکي نبود که به نشانه سپاس و قدردانی از این پیروزی بزرگ برای او در میادین و پارک‌های عمومی تندیس نصب می کردند. چندی پیش نویسنده دیگری در واکنش به همکاری و همدستی برخی دولت های عربی با رژیم صهیونیستی در اقدام خائنانه برای ترور فرمانده مقاومت اسلامی لبنان تأکید کرد که حاج عماد مغنیه موجب عزت و سربلندی ملت های مسلمان بوده و اگر چنین شخصیتی تابعیت یکی از کشورهای اروپایی را داشت از او در محافل فرهنگی و سیاسی تجلیل و قدردانی به عمل می آورند. ولی افسوس که چنین شخصیت هایی در جهان عرب زندگی می کنند، که معیارهای حاکم در آن وارونه است. آقای انیس نقاش کارشناس مسائل راهبردی که از دوران نوجوانی هم‌رمز و همراه حاج عماد مغنیه بوده در گفت و گوی اختصاصی با شاهد باران خاطر نشان ساخته که حاج عماد کسی است که سران جنبش های آزادی بخش و بسیاری از شخصیت های مردمی جهان برای او احترام خاص قائل هستند. او در این مصاحبه ابعاد شخصیت زنده یاد فرمانده مقاومت را بازگو کرده که با هم می خوانیم:

تشریح مفاهیم جدید نظامی مقاومت اسلامی لبنان در گفت و گوی اختصاصی شاهد

یاران با انیس نقاش کارشناس لبنانی مسایل راهبردی

حاج رضوان معادلات بین المللی و منطقه ای را به هم ریخت ...

شهید عماد مغنیه از سنین جوانی به اسلام تعهد داشت و در ردیف اسلامگرایان راستین عمل می کرد.

آیا عماد مغنیه فرهنگ دینی خود را در مکتب علامه سید محمد حسین فضل الله آموخت؟

ایشان در کلاس های درس علامه سید محمد فضل الله شرکت می کرد. اما آموزش های نظامی و سیاسی خود را در کلاس آموزشی بنده در پادگان جنبش فتح آغاز نمود و در چند دوره آموزش نظامی شرکت کرد.

چگونه با شهید عماد مغنیه آشنا شدید؟

زمانی که حاج عماد مغنیه همراه تعدادی از جوانان مبارز لبنانی کوشید به انقلاب فلسطین بپیوند، با ایشان آشنا شدم. این برادران مبارز تصمیم گرفته بودند در دوره های آموزش نظامی و فراگیری تکنیک های جنگ مسلحانه شرکت کنند، و به انقلاب فلسطین کمک نمایند. این اولین مرحله آشنایی من با شهید عماد مغنیه بود که بیدرنگ به پادگان نظامی پیوست.

رفتار ایشان در پادگان چگونه بود؟

رفتار و کردار حاج عماد در پادگان نشان داد که او یک انسان وارسته و کم نظیر و با دیگران تفاوت دارد. آنچه که شهید عماد مغنیه را از دیگران متمایز ساخته بود، تدین و تعهد او بود. در پادگان دو قشر از نیروهای آموزشی وجود داشت. قشری از برادران متدین لبنانی و قشر دیگری از وابستگان به احزاب و گروه های سیاسی چپگرا و مائوئیست و کمونیست و ملی گرا. شهید عماد مغنیه و شهید شیخ محرم عارفی دو تن از نیروهای متدین آن دوره آموزشی بودند. شیخ محرم عارفی مدت زمان نسبتاً طولانی فرماندهی گردان و الفجر در شهر صیدا در جنوب لبنان را بر عهده داشت. این نیروها با اشغالگران صهیونیست می جنگیدند.

نیروهای آموزشی شیعه و سنی در نمازهای مشترک جماعت پادگان شرکت می کردند. نیروهای آموزشی سکولار با نیروهای مذهبی شوخی می کردند و آنان را شیخ می نامیدند.

سازی جنوب بکار گرفتند. آموزش نظامی و پرورش فکری و استعداد های شهید مغنیه ابتدا همگام با مقاومت فلسطین آغاز شد. چه دلایلی موجب شد که ایشان به مقاومت اسلامی لبنان گرایش پیدا کند؟

در حقیقت حاج رضوان از دو فرهنگ موازی برخوردار بود. یکی فرهنگ دینی و اعتقادی و دیگری فرهنگ سیاسی و انقلابی با گرایش جنگ مسلحانه در چارچوب مقاومت

عملیات شهید عماد مغنیه و هم‌رمز زمان او بر ضد نیروهای چند ملیتی و اسرائیلی معادلات بین المللی را به هم ریخت و سیاست های راهبردی غرب و اسرائیل را در منطقه سرنگون کرد. او یک حزب سیاسی، یا یک گروه شبه نظامی لبنانی را سرنگون نکرد. بلکه معادلات سیاسی استکبار جهانی را در منطقه سرنگون کرد.

فلسطین. در جنبش فتح مسئله عقیده به هیچ وجه مطرح نبود. هویت فکری و فرهنگی جنبش فتح فقط سیاسی و ملی بوده است. اما حاج عماد مغنیه از زمانی که خود را شناخت فعالیت های خود را با نیروهای اسلامی متعهد آغاز کرد. چرا که در لبنان نیروهای اسلامی سستی نیز حضور داشتند و به فعالیت های فرهنگی نیز دست می زده اند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و در پی تشکیل حزب الله در لبنان، افراد بسیاری به اسلام و دینداری گرایش پیدا کردند. لذا

اولین سؤال را در باره هویت حاج عماد مغنیه آغاز می کنیم. ایشان چه نقشی در جنبش اسلامی لبنان و قضیه فلسطین داشت؟

بسم الله الرحمن الرحيم : شهید حاج عماد مغنیه مشهور به حاج رضوان یکی از فرزندان غیور و شجاع لبنان بود. از زمانی که بحران فلسطین در نیمه قرن گذشته میلادی آغاز شد، و مردم مسلمان و متدین جنوب لبنان گرفتار تجاوزگری های دشمن صهیونیستی شدند، آگاهی ایشان از دوران جوانی با اندیشه اسلامی و آرمان فلسطین شکل گرفت، و فراگیری علوم دینی را از سن ۱۵ سالگی در مدارس دینی علامه سید محمد فضل الله آغاز کرد. جهاد و فؤاد دو برادر کوچکتر عماد نیز این راه را ادامه دادند. عماد مغنیه و دو برادرش از دوران جوانی که جریانات چپگرا و ناسیونالیست در فضای سیاسی لبنان حاکمیت داشتند، به گرایشات اسلامی، و پیگیری مسائل سیاسی و انقلابی و مقاومت ضد صهیونیستی روی آوردند. شهید عماد مغنیه از زمانی که خود را شناخت به انقلاب فلسطین نزدیک شد، و در دوره های آموزش نظامی و فرهنگی شرکت کرد، و در زمینه شناخت مسائل سیاسی و مبارزاتی و کسب اطلاعاتی عمومی به کمال مطلوب رسید. در پی حمله رژیم صهیونیستی به لبنان در سال ۱۹۸۲ اوضاع سیاسی و اجتماعی این کشور رو به وخامت گرایید. حضور مقاومت فلسطین و حدود ۳۰۰ هزار پناهنده فلسطینی در لبنان، برای این کشور مشکل ساز شده بود. همچنین در آن مرحله موضوع بازگشت آوارگان فلسطینی به میهن شان، در محافل سیاسی لبنان و میان احزاب ملی و طوایف مسیحی کشمکش های تندی به وجود آورده بود. اما یورش اسرائیل به لبنان و اشغال بخش وسیعی از خاک این کشور، مسئولیت نیروهای انقلابی و اسلامی را سنگین تر کرد، و همه تلاش ها روی آزادسازی جنوب متمرکز شد. در این میان جریانات اسلامی لبنان که از انقلابیون فلسطینی پشتیبانی می کردند، ضمن ادامه پشتیبانی، تلاش های فزاینده خود را برای آزاد

کمونیستی و ناسیونالیستی و مائوئیستی. چنانکه بیشتر رهبران این احزاب مسیحی بودند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران همه چیز دگرگون گردید. جنبش امل نیز که یک سازمان کاملاً مذهبی نبود. برخی نیروهای مذهبی آن به انقلاب اسلامی گرایش پیدا کردند. عماد مغنیه یک انسان مؤمن و نماز خوان و معتقد بود، و در آن مرحله همکاری با جنبش امل را نمی‌پذیرفت.

پس از گذراندن ده سال زندان سرگذشت روابط شما با شهید حاج رضوان چگونه بود؟

از دوران جوانی روابط برادرانه بر مبنای احترام متقابل با یکدیگر داشتیم. این روابط فرا تر از مسائل سیاسی بود. من به داشتن چنین برادری مباهات می‌کردم. گاهی فکر می‌کردم اگر به فرانسه نمی‌رفتم و ۱۰ سال زندانی نمی‌شدم، شاید همکاری‌مان را ادامه می‌دادیم. زیرا هم‌فکر و هم‌عقیده بودیم. پس از آزادی از زندان، هنگامی که دیدم حاج عماد اینگونه پیشرفت کرده، و به قله‌های عظمت صعود کرده احساس غرور و افتخار کردم.

ایشان یک انسان خوش فکر و خلاق و شاید بتوان گفت مغز متفکر بود. اطلاعات گوناگون را جمع‌آوری و به صورت علمی و کارشناسی تحلیل می‌کرد. زیبایی و آرایش نظامی را دوست داشت. هرگاه نیروهای مقاومت در مراسم خاصی در خیابان‌های بیروت و سایر شهرهای لبنان رژه می‌رفتند، دستور می‌داد با آراستگی و نظم و ترتیب خاصی حرکت نمایند، تا در دل دشمن رعب و وحشت ایجاد کنند.

حاج رضوان علاقمند بود رزمندگان از نظر لباس و غذا و تجهیزات نظامی و همه مسائل رفاهی تأمین شده باشند. همواره تأکید می‌کرد که یک رزمنده باید در سطح کمال رسیده باشد. احساس کمبود و بی‌نظمی رزمندگان را هرگز نمی‌پذیرفت. بر این باور بود که یک رزمنده در میدان جنگ اگر به یکصد گلوله تفنگ نیاز داشته باشد، باید ۱۲۰ گلوله در اختیار او گذاشت. اگر سلاح‌های پیشرفته به بازارهای بین‌المللی آمده باشد، لازم است اینگونه سلاح‌ها را خریداری کرد. نباید به سلاح‌های کهنه اکتفا کرد. بنابر این حاج عماد همواره می‌کوشید نیازهای رزمندگان را تأمین کند، و از نظر کیفی و کمی بهبود بخشد.

این از نظر ظاهری بود. شهید عماد مغنیه از نظر کیفی و محتوایی هم به خوبی درک کرده بود که جنگ مراحل متعددی دارد. روند عملیات و رویارویی از یکدیگر متفاوت هستند. من بر این باورم که تاکتیک‌های متنوع مقاومت اسلامی لبنان در جنگ‌های قبل از سال ۲۰۰۰ و جنگ ژوئیه سال ۲۰۰۶ فرماندهان نظامی رژیم ارتش صهیونیستی را غافلگیر کرد. عملیات مقاومت بر ضد اشغالگران در مراحل ابتدایی به شیوه جنگ پارتیزانی بوده است. این عملیات در آغاز بصورت نصب کمین، بمب‌گذاری و هدف‌گیری نظامیان اسرائیل انجام می‌شده است. مقاومت اسلامی پس از آزادی بیشتر خاک جنوب لبنان در سال ۲۰۰۰ شیوه و روش و تاکتیک‌های جنگی خود را دگرگون کرد. شیوه تاکتیک‌های پیشین را کنار گذاشت، و ابتکارات و مفاهیم جدیدی بکار گرفت. هنگامی که دشمن صهیونیستی در سال ۲۰۰۶ با حزب الله وارد جنگ شد، گمان کرده بود مقاومت با همان شیوه‌ها و تاکتیک‌های پارتیزانی گذشته با او می‌جنگد. اما شیوه‌ها و تاکتیک‌های جدید رزمندگان مقاومت اسلامی دشمن را غافلگیر کرد.

من بر این باورم اگر دشمن صهیونیستی در آینده بخواهد مجدداً به لبنان حمله کند، و با حزب الله وارد جنگ شود، بی‌تردید غافلگیر خواهد شد. چرا که حاج عماد مغنیه قبل از شهادتش مفاهیم و روش‌های جدیدی در عقیده جنگی مقاومت اسلامی وارد کرد که بدون شک با روش‌های

رفتار شهید عماد مغنیه در پایگاه‌های جنبش فتح نشان داد که او یک انسان متعهد و متدین و بی‌نظیر، که با دیگران تفاوت بسیار دارد. از دو فرهنگ دینی و اعتقادی و دیگری فرهنگ سیاسی و انقلابی با گرایش جنگ مسلحانه در چارچوب مقاومت فلسطین برخوردار بود، و این تعهد دینی او را از دیگران متمایز ساخت.

می‌کرد. برخی از گروه‌های لبنانی تقاضای اسلحه و امکانات می‌کردند، و جنبش فتح هم به آن‌ها اسلحه و امکانات می‌داد. تا با اسرائیل بجنگند. از طریق جنبش فتح با انقلابیون ایرانی مانند شهید محمد منتظری، جلال‌الدین فارسی، شهید محمد صالح حسینی، شهید دکتر چمران که در لبنان مستقر بودند، ارتباط برقرار کردم. برخی از انقلابیون ایرانی به فلسطین اشغالی می‌رفتند، و برای جنبش فتح اطلاعات جمع‌آوری می‌کردند. در آن زمان مسافرت ایرانیان به فلسطین اشغالی آزاد بود.

آیا انقلابیون ایرانی در لبنان آموزش نظامی هم می‌دیدند؟
مبارزانی ایرانی در اردوگاه آموزشی منطقه الدامور در ۱۵ کیلومتری جنوب بیروت دوره می‌دیدند. البته عماد مغنیه هم در دوره‌های آموزشی اردوگاه‌های الدامور و الجیه در شمال شهر صیدا شرکت می‌کرد. اردوگاه دیگری هم در نزدیکی شهر صور وجود داشت که تعداد زیادی از ایرانیان وابسته به تشکیلات جلال‌الدین فارسی و محمد منتظری در آنجا دوره می‌دیدند.

در این دوره‌ها چه نوع آموزش‌های می‌آموختند؟
به کارگیری انواع اسلحه و استفاده از مواد منفجره و شیوه جنگ پارتیزانی می‌آموختند. اصولاً جنبش فتح به هر متقاضی کمک می‌کرد. روزی حاج عماد مغنیه از من اسلحه و امکانات تقاضا کرد. به او گفتم که تقاضای شما را به ابو جهاد منتقل می‌کنم. این تقاضا را با شهید ابو جهاد در میان گذاشتم، و به او گفتم که یک گروه لبنانی متقاضی امکانات نظامی شده است. ابو جهاد گفت اگر این گروه می‌خواهد با صهیونیست‌ها بجنگند؟ نیازهای او را تأمین کنید. روزی خواهد رسید که لبنانی‌ها با اسرائیل جنگ خواهند کرد. به همین دلیل حاج عماد میان ملت فلسطین شهرت یافته است. امروزه فلسطینی‌ها اعتراف می‌کنند که حاج عماد بیش از فلسطینی‌ها برای آزادی فلسطین مبارزه کرده است.

موقعیت جنبش امل در آن مرحله چگونه بود؟
در آن مرحله حدود هفتاد درصد اعضا و هواداران احزاب سیاسی سکولار لبنان شیعه بودند، شیعیانی با گرایشات



به رغم تفاوت گرایشات سیاسی و مذهبی نیروهای آموزشی، ولی میان‌شان الفت و محبت وجود داشت. میزان بسیار بالای آمادگی و استعداد عماد مغنیه و هم‌رسته‌های او برای فراگیری انواع تاکتیک‌های جنگ مسلحانه از دیگر ویژگی‌های آنان بوده است. آنان می‌کوشیدند تاکتیک‌های جنگ مسلحانه و چریکی را خوب بیاموزند.

حاج رضوان دیدگاه‌ها و سخنرانی‌های مربیان آموزش نظامی را یادداشت می‌کرد. با اساتید و مربیان به بحث و مناظره می‌پرداخت. برنامه‌هایی که در یادگان آموزش داده می‌شد، راهبردی نبوده و بیشتر جنبه تاکتیکی داشت. اما حاج عماد علاقه داشت شیوه‌های کمین، هجوم، جنگ و گریز، شناسایی و شیوه پاتک زدن به دشمن را فرا گیرد.

عماد با کدام یک از رهبران سازمان آزادی بخش فلسطین ارتباط داشت؟

در پی پیشرفت‌هایی که در عملکرد و کیفیت فعالیت‌های عماد مغنیه حاصل شد، بی‌درنگ میان ایشان و خلیل‌الوزیر (ابو جهاد) مرد شماره دو سازمان آزادی بخش فلسطین و سپس با یاسر عرفات (ابو عمار) رئیس سازمان آزادی بخش فلسطین ارتباط برقرار شد. من به علت این که از سال ۱۹۸۰ تا سال ۱۹۹۰ در فرانسه زندانی بودم از رویدادهای لبنان بی‌خبر بودم. اما پس از آزادی و بازگشت به لبنان و تماس مجدد با حاج عماد بسیار غافلگیر شدم. به رغم بحران‌های فزاینده‌ای که در آن ۱۰ سال گریبانگیر لبنان بوده، و در نتیجه آن سازمان آزادی بخش فلسطین از این کشور خارج شده بود، اطلاع یافتم که میان شهید عماد مغنیه و یاسر عرفات روابط دوستانه وجود دارد. در همان حال یاسر عرفات به رغم مشکلات فراوان که با آن مواجه بود عقیده داشت که عماد مغنیه یک انسان بسیار جدی است، و می‌توان به او اعتماد کرد. گفتار و کردار ایشان یکنواخت بود. هرگاه قول می‌داد به آن عمل می‌کرد.

آیا با رهبران امنیتی و عملیاتی جنبش مقاومت فلسطین همچون ابو ایاد، ابو داوود و ابو حسن سلامه هم همکاری داشت؟

خیر، با افراد یاد شده ارتباط مستقیم نداشت.

در جنبش فتح چه مسئولیتی داشتید؟

در آن زمان مسئولیت روابط عمومی جنبش فتح را بر عهده داشتم، و پرونده ارتباط مبارزان ایرانی با جنبش فتح به من واگذار شده بود. جنبش فتح به جنبش‌های انقلابی و مبارز در جهان کمک





دشمن صهیونیستی ایستاده‌اند و از طرف دیگر به جنگ‌های فرقه‌ای و ستیز با گروه‌های فلسطینی می‌پرداختند. عماد مغنیه به شدت با این دیدگاه مخالف بود. گرایش‌ات دینی و مذهبی او فرقه‌گرایانه نبود. به عقاید و راهکارهای خود ایمان قوی داشت. از هرگونه ماجراجویی و دامن زدن به مشکلات پرهیز می‌کرد. جنگ‌های داخلی لبنان به او آموخت که انسان نباید گرفتار اشتباهات مرگبار شود.

در چه زمانی عماد مغنیه به حزب الله پیوست؟

پس از تأسیس حزب الله عملیات مقاومت اسلامی به صورت مرحله‌ای آغاز شد. شهید حاج عماد مغنیه در آن مرحله به عنوان یک رزمنده فعالیت می‌کرد، ولی مسئولیتی در کادر فرماندهی نداشت. به تدریج موقعیت پیشتازی یافت، و در صف فرماندهان مقاومت قرار گرفت. پیوستن او به حزب الله نکته مهمی نیست. مهمترین مسئله در حیات عماد مغنیه این است که از لحظه‌ای که اسرائیل سرزمین لبنان را اشغال کرد، او به صف مقاومت پیوست. حاج عماد پیش از اینکه حزب الله تشکیل شود یک رزمنده مقاوم بود.

رهبران جنبش‌های فلسطینی چه دیدگاهی به عماد مغنیه داشتند؟

بیشتر رهبران انقلاب فلسطین از حاج رضوان شناخت کافی نداشتند. تعداد اندکی او را می‌شناختند. او نیز علاقه‌ای برای

از طریق جنبش فتح با انقلابیون ایرانی همچون شهید محمد منتظری، جلال الدین فارسی، شهید محمد صالح حسینی، شهید دکتر چمران که در لبنان مستقر بودند، ارتباط برقرار کردم. انقلابیون ایرانی به فلسطین اشغالی می‌رفتند، و برای جنبش فتح اطلاعات جمع آوری می‌کردند.

ارتباط با رهبران جنبش مقاومت فلسطین نشان نمی‌داد. اگر هم روزی با برخی از آنها دیدار و گفت و گو می‌کرد، با عنوان و اسمی مستعار خود را معرفی می‌کرد.

دیدگاه عرفات نسبت به حاج عماد چگونه بود؟

یاسر عرفات بر این باور بود که عماد مغنیه یکی از مهمترین شخصیت‌های خاورمیانه است. پس از آزادی از زندان در سال ۱۹۹۰ با یاسر عرفات رئیس سازمان آزادی بخش فلسطین در تونس دیدار کردم. در این دیدار هنگامی که اطلاع یافتم عرفات تا چه میزان برای حاج عماد احترام قائل است غافلگیر شدم. زمانی که عرفات دیدگاه خود را در مورد مغنیه بیان می‌کرد، حزب الله به طور کامل بر اسرائیل پیروز نشده بود. هنوز دور نمای آزادی جنوب لبنان در سال ۲۰۰۰

گذشته متفاوت است.

پس از آزادی از زندان، با حاج عماد در جلسه‌ای ملاقات کردم. او خودش را به نام دیگری معرفی کرد. گمان کرده بود او را نمی‌شناسم یا فراموش کرده‌ام. به او گفتم که او عماد مغنیه است. بعد متوجه شدم که هویت خود را از دوستان نزدیک هم پنهان می‌کند. من برای رعایت مسائل امنیتی احترام قائل هستم.

شما یکی از همزمانان شهید مغنیه بودید، آیا برای آزادی تان از زندان فرانسه تلاش هم کرد؟

آری تلاش‌های فراوانی به عمل آورد. پرونده زندانی بودن من و همراهانم را پیگیری می‌کرد. اصولاً عملیاتی که در صدد انجام آن در فرانسه بودیم بسیاری از جوانان متعهد و دلسوز و مدافع آزادی لبنان و فلسطین را تحت تأثیر قرار داد. بسیاری از این افراد به جنبش‌های مقاومت پیوستند. پس از آزادی از زندان میزان گرایش جوانان انقلابی را به روشنی درک کردم. اگر چه عملیات پاریس ناکام ماند، اما این حرکت انقلابی برای بسیاری از انقلابیون به نماد تبدیل شد. این حرکت نشان داد که افرادی برای جانفشانی و زندانی شدن در راه دفاع از اعتقادات و باورهای ملت‌های منطقه آمادگی و استعداد کامل دارند. تیمی که سرپرستی آن را بر عهده داشتم از افراد ایرانی لبنانی فلسطینی تشکیل شده بود. ترکیب این گروه نمادین بودن این حرکت را می‌رساند.

گفته شده که ربودن دو فرانسوی در لبنان در سال ۱۳۶۵ توسط سازمان جهاد اسلامی، تلاشی برای نجات شما بوده است؟

گروگان‌گیری فرانسوی‌ها در لبنان فقط به خاطر من نبود. مسائل دیگری نیز در بر داشته است. در آن سال دولت فرانسه در یک اقدام بیسابقه دو تن از مخالفان صدام را تحویل رژیم عراق داد. یکی دیگر از خواسته ربابندگان فرانسوی‌ها بازگرداندن آن دو عراقی از عراق بود. خواسته چهارم آدم ربایان اخراج گروهک منافقین از خاک فرانسه بود.

با توجه به موقعیتی که شهید مغنیه داشت، برای حل درگیری‌ها و رقابت میان گروه‌های فلسطینی و لبنانی چه تلاشی به عمل آورد؟

حاج رضوان عقیده داشت که جنگ داخلی و برادر کشی به رویکرد انقلابی ملت‌های منطقه آسیب جدی می‌رساند. بر این باور بود که به ملت فلسطین باید کمک کرد. همراهی و همفکری مقاومت لبنان با مقاومت فلسطین را جدایی ناپذیر می‌دانست. زیرا هر دو با دشمن مشترک مواجه هستند. بنابراین راهکارها و سیاست‌های عماد مغنیه در این خصوص روشن بود. در آن مرحله برخی گروه‌های لبنانی «گرای» مبارزه را گم کرده بودند. از یکطرف وانمود می‌کردند در برابر



روشن نشده بود. عماد مغنیه در چه سالی عامل خطر برای منافع غرب در لبنان و خاورمیانه تبدیل شد و هویت خود را پنهان ساخت؟

گمان کنم در اوایل دهه هشتم قرن گذشته باشد. زمانی که نیروهای چند ملیتی در بیروت استقرار یافتند، و مورد حمله انقلابیون لبنانی قرار گرفتند، و پس از گذشت مدت کوتاهی بناچار از این کشور فرار کردند، عماد مغنیه در آن برهه تحت تعقیب سرویس‌های جاسوس و امنیتی آمریکا، اسرائیل و برخی کشورهای غربی و عربی قرار گرفت. سخن اغراق آمیز نیست که سرویس‌های امنیتی و اطلاعاتی حدود ۴۲ کشور دنیا ۲۵ سال شهید عماد را تحت تعقیب قرار داده بودند. همزمان با اشغال لبنان توسط رژیم صهیونیستی، نیروهای پیمان اتلانتیک شمالی «ناتو» متشکل از نیروهای آمریکا، فرانسه، ایتالیا و انگلیس در بیروت استقرار یافتند، تا نقشه‌ها و طرح‌های اسرائیل را تکمیل نمایند.

با وجودی که لبنان در اشغال اسرائیل بود هدف از استقرار نیروهای «ناتو» در لبنان چه بوده است؟

دولت‌های غربی گمان کرده بودند که اسرائیل پس از عقب نشینی از لبنان، این کشور را به آنان واگذار می‌کند، تا با ایجاد یک دولت دست نشانده کمک کنند. پیمان ناتو در آن مرحله در صدد بود زمام امور لبنان را به جریانات طرفدار غرب و اسرائیل بسپارد، تا دولتمردان لبنانی با دشمن صهیونیستی پیمان صلح امضاء کنند. این طرح‌ها و توطئه‌ها در عرض ۱۸ ماه تحقق یافت، و میان امین جمیل رئیس جمهوری پیشین و دشمن صهیونیستی قرارداد صلح و ترک محاصره به امضاء رسید که به «توافقنامه ۱۷ مه سال ۱۹۸۳ شهرت دارد. عملیات کوبنده مقاومت که از سال ۱۹۸۲ آغاز شده بود، ارتش اسرائیل را وادار کرد از بخش‌های وسیعی از خاک لبنان تا جنوب بیروت عقب نشینی کند. همچنین این

به سادگی به غزه حمله کند. اسرائیل که در جنگ ژوئن سال ۱۹۶۷ به سه کشور عربی حمله کرد و سرزمین‌های آن‌ها به تصرف درآورد. امروزه نمی‌داند که با حزب الله باید بجنگد یا با مردم غزه؟

روح ایثار و شهادت وفاداری حاج عماد در فضای منطقه سایه افکنده، و به همه فهمانده است که برای آزادی فلسطین باید به طور جدی تلاش کنند. جمهوری اسلامی ایران نیز در ایجاد این روحیه تأثیر بسزایی داشته است.

تحقیقات به عمل آمده برای شناسایی عاملان ترور شهید مغنیه تاکنون چه نتایجی داشته است؟

روشن است که این عملیات توسط سازمان ماساد انجام گرفت. اما متأسفانه سرویس‌های اطلاعاتی برخی دولت‌های مرتجع عرب با ماساد همکاری کردند. برخی دولت‌های عربی به منظور تضعیف و سرکوب مقاومت به این اقدام جنایتکارانه دست زدند.

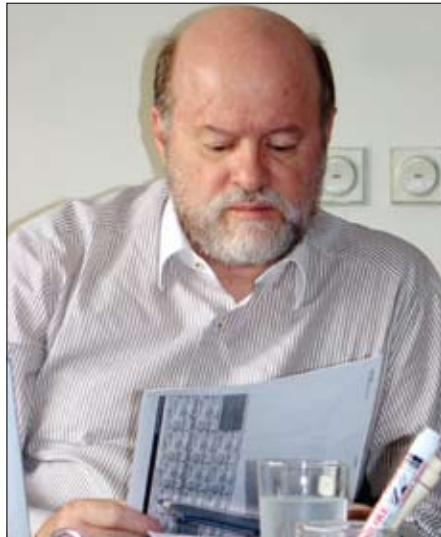
دولت‌های عربی چه کمکی به ماساد ارائه دادند؟

برنامه ترور حاج رضوان با همکاری مشترک ماساد و سازمان‌های امنیتی آمریکا و برخی دولت‌های عربی طراحی شد. طرح اصلی این توطئه توسط اسرائیل تدارک دیده شد ولی برخی دولت‌های غربی و عربی به ماساد کمک کردند. برخی دولت‌های عرب از چند سال پیش در زمینه دامن زدن به جنگ روانی بین ملت‌های منطقه و سرمایه‌گذاری برای نابودی سازمان‌های مقاوم، با رژیم صهیونیستی همکاری می‌کنند، دولت مصر به صورت علنی و رژیم‌های پادشاهی اردن و عربستان سعودی پشت پرده هم‌پیمان اسرائیل هستند. این دولت‌ها برای تحقق اهداف خود بودجه چند صد میلیون دلاری اختصاص داده‌اند.

حزب الله متعهد شد انتقام خون عماد مغنیه را از اسرائیل بگیرد و آقای سید حسن نصر الله نیز ترور مغنیه را سر آغاز نابودی اسرائیل دانست. تحلیل‌تان چیست؟

مقاومت اسلامی پس از آزادی جنوب لبنان در سال ۲۰۰۰ تاکتیک جنگی گذشته خود را کنار گذاشت و استراتژی جدیدی به کار گرفت که در جریان جنگ ۳۳ روزه سال ۲۰۰۶ به روشنی نمودار شد. این استراتژی که توسط شهید عماد مغنیه برنامه‌ریزی شده بود، هنوز سازمان‌های امنیتی جهان آن را نشناخته‌اند. اکنون دشمن صهیونیستی به این نتیجه رسیده که در رویارویی با نیروهای مقاومت امکان پیروزی نخواهد داشت و شکست خواهد خورد. چنانکه در جنگ ۳۳ روزه ژوئیه سال ۲۰۰۶ در جنوب لبنان و در جریان جنگ ۲۲ روزه سال ۲۰۰۸ در غزه شکست خورد.

استراتژی عماد مغنیه اولین بار در لبنان و بار دوم در غزه پیاده شد و نتیجه خود را به روشنی ثابت کرد. جنگ سال ۲۰۰۸ غزه پس از جنگ سال ۲۰۰۶ لبنان جنگ میانی بود. اسرائیل آنگونه که دیوید بن گوریون بنیانگذار این رژیم پیش‌بینی کرده در سه جنگ نابود می‌شود. اکنون اسرائیل دو جنگ را پشت سر گذاشته و در آن شکست خورده است در جنگ آینده که آقای سید حسن نصر الله نابودی اسرائیل را در آن پیش‌بینی کرده همان جنگ سوم و نهایی خواهد بود که نابودی کامل اسرائیل در آن نهفته است. اسرائیل هم اکنون به حدی تضعیف شده که حتی نمی‌تواند جلوی موشک‌های حماس را بگیرد چه برسد به هزاران موشکی که احتمال دارد از لبنان به سرتاسر اراضی اشغالی فلسطین پرتاب شود. دولت‌های مرتجع عرب به این دلیل از اسرائیل پشتیبانی می‌کنند که سرنوشت‌شان به سرنوشت اسرائیل گره خورده است. دولت‌های مصر، اردن و پادشاهی سعودی و برخی دیگر از رژیم‌های عرب در چنین شرایطی درک کرده‌اند که ادامه موجودیت اسرائیل برای تداوم موجودیت آنها ضروری است. بنابراین اگر ملاحظه می‌کنید که مصر با اسرائیل در حمله نظامی و محاصره غزه همدست شده تعجب نخواهید کرد. ■



دارد و تا حدودی می‌تواند به رفت و آمدهای او کمک کند. لذا سرویس‌های جاسوسی از این نقطه ضعف بهره‌برداری کرده و در فرصت مناسب او را ترور کردند. وقتی به ایران هم می‌آمد، به او هشدار می‌دادم که مواظب خودش باشد. درست است که به جمهوری اسلامی آمده است، ولی امکان دارد عناصر گروهک‌های منافق که برای آمریکا کار می‌کنند، او را ترور کنند.

تفاوت جنگ‌های آزادی بخش پیشین حزب الله با اسرائیل با جنگ سال ۲۰۰۶ چیست؟

شیوه جنگ‌های پارتیزانی که رزمندگان مقاومت برای آزادسازی جنوب لبنان به کار بردند با جنگ سال ۲۰۰۶ بسیار تفاوت داشت. حزب الله در جنگ ۳۳ روزه شیوه‌ها و تاکتیک‌های جدیدی به کار گرفت. اکنون این شیوه از مدرن‌ترین و پیشرفته‌ترین جنگ‌های جهان به ثبت رسیده است. شهید عماد مغنیه در این جنگ‌ها ابتکارات بی‌نظیر و منحصر به فردی آفرید. نام عماد در تاریخ به عنوان یکی از مبتکران جنگ دفاعی سال ۲۰۰۶ به ثبت خواهد رسید.

حاج عماد سخنانی‌های مریبان آموزش نظامی را یادداشت می‌کرد. با اساتید به بحث و مناظره می‌پرداخت. برنامه‌هایی که در پادگان آموزش داده می‌شد، راهبردی نبوده و جنبه تاکتیکی داشت. اما او علاقه داشت شیوه‌های کمین، جنگ و گریز، شناسایی و شیوه پاتک زدن به دشمن را فرا گیرد.

موقعیت حزب الله را پس از شهادت عماد مغنیه چه گونه ارزیابی می‌کنید؟

ابتدا فکر می‌کردم که خسارت جبران ناپذیری به حزب الله وارد آمده است. اما موقعیتی که اکنون حزب الله دارد فوق العاده است. هزاران رزمنده می‌خواهند جانشین حاج عماد باشند. شما لبنان را فراموش کنید، حزب الله را فراموش کنید! به مردم فلسطین نگاه کنید. آنان روحیه شگفت‌آوری دارند. مسلمانان فلسطینی وقتی شنیدند یک لبنانی از سن ۱۵ سالگی در جنبش فتح آموزش دیده و در حزب الله بزرگ شده و در راه آرمان فلسطین به شهادت رسیده، می‌گویند چرا ما هم به طور جدی مبارزه نکنیم. این روحیه‌ای که اکنون در نوار غزه شاهد آن هستیم چه مفهومی دارد؟ امکان ندارد اسرائیل

عملیات باعث شد نیروهای پیمان اتلانتیک شمالی پس از تلفات سنگین به صورت ذلت بار از لبنان فرار کنند.

مهمترین دستاوردهای حاج رضوان کدامند؟

در حقیقت عملیاتی که شهید عماد مغنیه و همزمان او بر ضد نیروهای چند ملیتی و اسرائیلی انجام دادند معادلات بین المللی را به هم ریختند. سیاست‌های راهبردی غرب و اسرائیل را در منطقه سرنگون کردند. عماد مغنیه یک حزب سیاسی محلی و یا یک گروه شبه نظامی لبنانی را سرنگون نکرد. بلکه معادلات سیاسی غرب و طرح‌های رژیم صهیونیستی را در منطقه سرنگون کرد. در جنگ با برترین قدرت‌های بین المللی یعنی پیمان اتلانتیک شمالی و اسرائیل و برخی دولت‌های غربی به پیروزی دست یافت و آن‌ها را از لبنان بیرون راند.

فراموش نشود که نیروهای آمریکا، فرانسه، ایتالیا و انگلیس در آن شرایط در پی استقرار در لبنان انواع سلاح‌های پیشرفته از قبیل هواپیماهای جنگی و ناوشکن‌های مدرن از جمله ناو موشک انداز نیوجرسی را همراه خود به لبنان آورده بودند. افزون بر نیروهای «ناتو ارتش اسرائیل هم نیمی از خاک لبنان را در اشغال داشت. به رغم همه این نیروهای تادندان مسلح، این جوانان پر شور و انقلابی اراده کردند و با نیروهای غربی و اسرائیلی به مقابله برخاستند و آن‌ها را از کشورشان بیرون راندند. بنابراین مهمترین و اولین پیروزی عماد مغنیه، پیروزی بر نیروهای پیمان ناتو بود. دومین پیروزی هم در سال ۲۰۰۰ با آزادسازی جنوب لبنان تحقق یافت. این پیروزی نشان داد که اسرائیل توانایی دفاع از یک کمربند امنیتی یا دفاعی را هم ندارد. با آزادسازی نوار اشغالی جنوب برای اسرائیل ثابت شد که مزدوران لبنانی هرگز توانایی حمایت از شهرک‌های صهیونیست نشین شمال اسرائیل را از ضربات کوبنده رزمندگان مقاومت ندارند. زیرا در جنگ آزادی بخش سال ۲۰۰۰ هم اسرائیل متحمل شکست سنگین شد و هم مزدوران لبنانی شکست خوردند، و ارتش مزدور انتوان لحد فرو پاشید.

سومین پیروزی عماد مغنیه در جنگ ۳۳ روزه ژوئیه سال ۲۰۰۶ بود. حزب الله در این جنگ نشان داد که توانایی جلوگیری از پیروزی نظامی و سیاسی اسرائیل در هرگونه جنگ احتمالی بر ضد لبنان را دارد. اسرائیل در جنگ گذشته با لبنان نمی‌خواست دوباره سرزمین این کشور را اشغال کند. چرا که از جنگ‌های گذشته عبرت گرفته بود، اما شیوه بمباران مراکز حیاتی و مناطق مسکونی را بکار برد تا شاید با این شیوه بتواند لبنانی‌ها را به تسلیم وادار نماید. اما در این شیوه هم شکست خورد.

در پی شنیدن خبر شهادت عماد مغنیه چه واکنشی نشان دادید؟

پس از شهادت حاج عماد روزهای سختی را پشت سر گذاشتم. ایشان در میدان جنگ با دشمنان به شهادت نرسید، بلکه جنایتکاران سنگدل در یک اقدام تروریستی و ناجوانمردانه او را به شهادت رساندند. شهادت او را به این طرز فجیع به ویژه پس از پیروزی‌های بزرگ حزب الله بر اسرائیل هرگز پیش‌بینی نمی‌کردم. این اقدام تروریستی، به گونه‌ای که مهمترین سرویس‌های اطلاعاتی و جاسوسی غرب و اسرائیل و برخی دولت‌های عربی در آن دست داشتند نشان داد که شهید عماد مغنیه یک فرد عادی نبوده بلکه یک فرمانده بی‌نظیر به شمار می‌رفته است.

آیا از جزئیات ترور مغنیه اطلاع دارید؟

شنیده بودم که حاج عماد در شش ماه آخر حیاتش، اغلب فعالیت‌های خود را در خارج از لبنان متمرکز کرده بود. برای تقویت ساختار سازمان‌ها و جنبش‌های غیر لبنانی مانند جنبش‌های مقاومت در عراق و فلسطین و... عمل می‌کرد. از سوی دیگر عماد مغنیه هنگام سفر به سوریه مسایل امنیتی را مانند لبنان رعایت نمی‌کرد. در سوریه امنیت نسبی وجود

داشتند. به یاد دارم داوطلبانی از اتباع کشورهای اروپایی نیز در این جنبش حضور داشتند و در راه دفاع از آرمان فلسطین مبارزه می کردند.

آیا اعضای سازمان های شناخته شده همچون بریگادهای سرخ ایتالیا و ارتش سرخ آلمان «باید» مانهوف و ارتش سرخ ژاپن هم حضور داشتند؟ تعدادشان اندک بود. اصولاً این افراد برای آموزش نظامی به لبنان می آمدند و برخی شان در این کشور ماندگار می شدند.

آیا اتباع ایرانی هم می آمدند؟

در آن مرحله با تعدادی از جوانان مبارز ایرانی آشنا شدم. اتباع ایرانی نیز برای آموزش نظامی به لبنان می آمدند.

اسامی آنها را به یاد دارید؟

خیر... حدود چهار دهه گذشته است، و اسامی آنها را فراموش کرده ام. در آن زمان خاندان پهلوی در ایران حکومت می کردند و مخالفان شاه برای آموزش نظامی به لبنان می آمدند و سپس به ایران باز می گشتند.

برنامه ریزی برای اجرای عملیات شهرک نهاریا در چه مکانی انجام شد؟

این عملیات در جنوب لبنان برنامه ریزی شد و سپس من و سه تن از داوطلبان اجرای عملیات از طریق دریا به عملیات شناسایی موقعیت شهرک صهیونیست نشین نهاریا رفتیم. راه های پنهان شدن از رادارها و شناورهای گشت نیروی دریایی رژیم صهیونیستی را بررسی کردیم. قایق های گشتی اسرائیلی ها سواحل فلسطین اشغالی را به شدت کنترل می کردند. رادارهای ارتش هم به منظور جلوگیری از نفوذ مبارزان فلسطینی از مرز لبنان به شدت مراقبت به عمل می آوردند. برای اجرای این عملیات آموزش های بسیار سخت و پیچیده ای را پشت

شکی نیست که سازمان جاسوسی رژیم صهیونیستی «موساد» در جنایت ترور حاج عماد مغنیه دست داشته است. ولی اطلاعات به دست آمده حاکی است که سرویس های جاسوسی و امنیتی برخی دولت های عربی نیز در این جنایت به موساد کمک کرده اند. من این همکاری را منتفی نمی دانم.

مأموریت این واحد اجرای عملیات مسلحانه در داخل سرزمین های اشغالی فلسطین بود.

چرا شما را برای پیوستن به این واحد انتخاب کردند؟

مسئولان فلسطینی نقشی در این گزینش نداشتند. من شخصاً تقاضا کردم به این واحد بپیوندم. اصولاً فرماندهان نظامی این جنبش اجازه ندارند افراد واحد شماره ۹ را گزینش کنند، زیرا افراد علاقمند به شرکت در عملیات استشهادهای به طور داوطلبانه به این واحد می پیوندند. عملیاتی که این واحد انجام می دهد جنبه شهادت طلبانه دارد. و مشخص نیست که رزمندگان این واحد سالم به پایگاه های خود بازگردند. ناگفته نماند که داوطلبان با اصرار زیاد به این واحد می پیوندند.

آیا جنگجویان غیر لبنانی و فلسطینی نیز در جنبش آزادی بخش فلسطین حضور داشتند؟

طبیعی است که تعداد زیادی از اتباع کشورهای سوریه عراق، تونس، اردن، و مصر و برخی کشورهای اسلامی همچون پاکستان و بنگلادش در این جنبش حضور

در دوران جوانی با چه انگیزه ای به جنبش مقاومت فلسطین پیوستید و دلایل انتخاب شما به عنوان فرمانده اجرای عملیات مسلحانه در شهرک صهیونیست نشین نهاریا چه بوده است؟

بسم الرحمن الرحیم: در سال های دهه هفتم از قرن بیستم گرایشات انقلابی و آزادی خواهانه در سرتاسر خاورمیانه به ویژه در لبنان فراگیر شده بود. حمله های پی در پی هوایی رژیم صهیونیستی به اردوگاه های آوارگان فلسطینی و روستاهای جنوب لبنان، و نیز تشدید مبارزات ملت فلسطین گرایشات آزادی خواهانه و عدالت جوینانه ملت های منطقه را گسترش داده بود. هوایماهای جنگی رژیم صهیونیستی روزانه لبنان را بمباران و مردم بیگناه را قتل عام می کردند. این صحنه های دلخراش به جوانان لبنانی انگیزه داد تا به انقلاب فلسطین بپیوندند و از سرزمین خود در برابر جنایات مستمر رژیم صهیونیستی دفاع کنند. من نیز از زمانی که جنبش مقاومت فلسطین در لبنان استقرار یافت به انقلاب فلسطین پیوستم. و مانند هزاران جوان لبنانی و عرب بر اساس احساس مسئولیت ملی و اخلاقی از مبارزات ملت فلسطین دفاع کردم.

بر اساس آگاهی و شناختی که داشتم به جبهه آزادی بخش فلسطین که مبارزه مسلحانه را راهکار خود قرار داده بود و در لبنان پایگاه های نظامی متعددی در اختیار داشت پیوستم. سپس به واحدهای ویژه عملیاتی این جنبش معرفی شدم و برای شرکت در عملیات مسلحانه در چند دوره آموزش نظامی شرکت کردم. در پایان دوره آموزش نظامی، به منظور شرکت در عملیات مسلحانه در سرزمین های اشغالی فلسطین داوطلب شدم. آنگاه از مسئولان خود تقاضا کردم با این پیشنهاد موافقت کنند. در پی این تقاضا به واحد شماره ۹ عملیاتی معرفی شدم.

حاج رضوان قربانی همدستی برخی اعراب باموساد است...

بررسی توطئه همدستی سرویس های امنیتی برخی دولت های عربی با سازمان موساد برای ترور

حاج عماد مغنیه در گفت و گوی اختصاصی شاهد یاران با آزاد لبنانی سمیر قنطار

• درآمد

کسانی که سمیر قنطار را پس از ۳۰ سال اسارت در زندان های رژیم صهیونیستی، برای اولین بار می بینند و یا پای سخنان او می نشینند گمان می کنند که زندان و سلول های انفرادی و شکنجه های جسمی و روحی او را از پای آورده، و توان سخن گفتن و یا ادامه راه مقاومت را ندارد، و باقی مانده عمر خود را به بازگویی خاطره های تلخ و شیرین دوران زندان و اسارت سپری خواهد کرد. ولی هنگامی که برای انجام مصاحبه با شاهد یاران پای سخن او نشستیم، این پنداشت بر طرف شد. خود را در برابر مرد توانمندی یافتیم که گویی هرگز اسیر نبوده بلکه با مقاومت و امید به آزادی، روحیه سلحشوری خود را حفظ کرده است.

درست است که سمیر قنطار پس از آزادی و بازگشت به سرزمین مقاومت با بسیاری از رسانه های اطلاع رسانی دبداری و شنیداری لبنان و منطقه گفت و گوی مطبوعاتی انجام داده است. ولی او در این مصاحبه به بسیاری از پرسش های شاهد یاران درباره نظریه های نظامی منحصر به فرد فرمانده مقاومت اسلامی لبنان شهید حاج عماد مغنیه و نظریه های نظامی ارتش رژیم صهیونیستی و سرنوشت این رژیم و اوضاع فلسطین تحلیل گونه پاسخ گفته که با هم می خوانیم:



سایر افراد تیم عملیاتی چه هویتی داشتند؟
یک لبنانی که من بودم، و یک فلسطینی و دو تن از اتباع سوریه.

سرنوشت سه هم‌رزم دیگر تان چه شد؟
دو تن از آنان در جریان عملیات شهید شدند. یک نفرمان زخمی شد و به اسارت نظامیان صهیونیست در آمد که در سال ۱۹۸۵ در جریان مبادله اسیران میان جبهه خلق برای آزادی فلسطین (فرماندهی کل) و دشمن صهیونیستی آزاد شد.

چرا شما را در عملیات پیشین مبادله اسیران آزاد نکردند؟

اسرائیلی‌ها با آزادی من در چند عملیات مبادله اسیران مخالفت کردند. به این بهانه که من فرماندهی عملیات نهاریا را بر عهده داشتم و مسئولیت همه اتفاقاتی که در جریان عملیات روی داد پذیرفته بودم.

در عملیات مبادله اسیران میان حزب‌الله و رژیم صهیونیستی در سال ۲۰۰۴ قرار بود آزاد شوید. چه شد که رژیم صهیونیستی با آزادی تان مخالفت کرد؟

در چارچوب توافق‌هایی که میان حزب‌الله و رژیم صهیونیستی با میانجیگری دولت آلمان صورت گرفت، شماری از اسیران لبنانی به استثنای من و یک هموطن دیگر در ماه ژانویه سال ۲۰۰۴ آزاد شدند. دشمن به این بهانه که همه اتفاقاتی که در جریان عملیات نهاریا به وقوع پیوسته به دستور مستقیم من بوده است، با آزادی‌ام به شدت مخالفت کرد.

آیا به یاد دارید حدود ۳۱ سال پیش و در پی عملیات نهاریا مأموران رژیم صهیونیستی چه رفتاری با شما داشتند؟

رفتارشان با من و سایر اسیران و مجاهدان فلسطینی و عرب متفاوت نبود همه مبارزان را به یک چشم نگاه می‌کردند.

با شما هم که فرمانده یک تیم عملیاتی بودید، تفاوت قابل نبودند؟

طبیعی است که در ماه‌های اول بازداشت به شدت شکنجه بدنی شدم. پس از گذشت چند ماه نوبت شکنجه روحی رسید. مهمتر از همه در این مدت ۳۰ ساله خانواده‌ام موفق نشدند با من ملاقات کنند. سازمان صلیب سرخ بین‌المللی نیز چند بار کوشید ترتیبی دهد تا زمینه ملاقات را فراهم نماید ولی دشمن با این تلاش‌ها به شدت مخالفت کرد.

دقیقاً چند سال در اسارت بسر بردید؟

حدود ۳۰ سال که پنج سال اول آن را در سلول انفرادی بسر بردم.

پس از صدور حکم زندان ابد، آیا به شما پیشنهاد



حمله سال ۱۹۸۲ رژیم صهیونیستی به لبنان زمینه سر آغاز فروپاشی این رژیم را فراهم کرد. زیرا اسرئیل وارد کشوری شد که مردم آن با فنون نظامی آشنا هستند، و انواع اسلحه در اختیار دارند. از اراده قوی و مستقل بر خوردارند. چنانچه ارتشی وارد چنین کشوری با این ویژگی‌ها شود وارد با تلافی شده که امکان خروج از آن را نخواهد داشت.

صهیونیستی واکنش نشان دهیم. موافقتنامه کمب دیوید روز ۱۹۷۹/۳/۲۶ به امضا رسید، و عملیات نهاریا روز ۱۹۷۹/۴/۲۲ به اجرا گذاشته شد. البته زمانی که عملیات را برنامه‌ریزی می‌کردیم هدف اصلی‌مان این بود که به طرح سازش رژیم حاکم بر مصر با رژیم صهیونیستی واکنش نشان دهیم. ولی هنگامی که عملیات به مورد اجرا گذاشته شد در مطبوعات اعلام کردیم که این عملیات واکنشی است به امضای موافقتنامه کمب دیوید. زیرا انور سادات در سال ۱۹۷۷ طی سخنانی در پارلمان رژیم صهیونیستی اعلام کرد که از این پس میان اعراب و اسرئیل جنگی روی نخواهد داد. او با این سخنان می‌خواست پرونده کشمکش اعراب و اسرئیل را بدون دستیابی فلسطینی‌ها به حقوق‌شان بایگانی کند. بر این اساس جنبش‌های ملی فلسطین تصمیم گرفتند

به رویکرد انور سادات و نیز به امضای موافقتنامه کمب دیوید واکنش نشان دهند.

هدف دوم این عملیات ابعاد نظامی داشت قصد داشتیم با اجرای عملیات کیفی در شهرک صهیونیست نشین نهاریا، تعدادی از صهیونیست‌ها را به گروگان بگیریم و آنان را با اسیران فلسطینی در زندان‌های اسرئیل مبادله کنیم.

سر گذاشتیم. دوره آموزش زمینی و دریایی مخصوص این عملیات حدود چهار ماه طول کشید. هرچند مدت یکبار طرح عملیات را باز بینی و تعدیلاتی در آن انجام می‌دادیم. پس از تکمیل مراحل آموزش و شناسایی سوار قایق پلاستیکی شدیم و بسوی هدف به حرکت در آمدیم.

عملیات برنامه ریزی و شناسایی دقیقاً چند ماه طول کشید؟

حدود چهار ماه طول کشید. کار برنامه ریزی را از اولین روز ماه ژانویه آغاز کردیم، و عملیات روز ۲۲ آوریل با حمله به شهرک صهیونیست نشین نهاریا پایان یافت.

شما و افراد گروه تان شهادت را پیشبینی کرده بودید؟
نکته اول این است که در آن مرحله، این صنف از عملیات مسلحانه، عملیات شهادت طلبانه نامیده می‌شد. هیچ کسی امیدی به بازگشت سالم به لبنان را نداشت. افراد تیم ما مطمئن بودند که زنده باز نمی‌گردند. چرا که نیروی پشتیبانی در کار نبود.

نکته دوم این است که میدان این عملیات با مرز لبنان حدود ۱۵ کیلومتر فاصله داشت و امکان بازگشت در کار نبود.

نکته سوم این است که شهرک نهاریا به یک دژ نظامی شباهت داشت و پایگاه‌های نظامی زمینی و دریایی از چهار طرف آن را محاصره کرده‌اند. واحدهای گشتی به طور شبانه روزی از این شهرک مراقبت می‌کردند. بنابراین هیچ گونه امیدی به بازگشت نداشتیم.

شرکت در این عملیات را با رضایت کامل پذیرفته بودید؟

طبیعی است... هیچ کسی به چنین عملیاتی دست نمی‌زند مگر اینکه پیامدهای آن را از قبل پذیرفته باشد. مسئولان جبهه آزادی بخش فلسطین در آخرین لحظه و قبل از آغاز عملیات به ما گفتند چنانچه کسی مایل است منصرف شود، آزاد است به پایگاهش بازگردد... آزاد است در تصمیم خود تجدید نظر کند... هرگز او مجازات نخواهد شد.

اهداف عملیات چه بود و آیا به اهداف خود رسیدید؟

برای این عملیات دو هدف در نظر گرفته بودیم. هدف اول سیاسی بود، و قصد داشتیم به امضای موافقتنامه کمب دیوید میان انور سادات رئیس جمهوری پیشین مصر و مناخیم بگین نخست وزیر پیشین دشمن



استقبال نصرالله از مسیر قنطار ۲۰۰۸

روژه ژوئیه سال ۲۰۰۶ یکسری واقعیت‌های ناشی از پیامدهای این جنگ را از جامعه پنهان کردند؟ جامعه اسرائیل به رغم پیدایش تحولات و دگرگونی‌های بنیادین در منطقه و جهان، همچنان می‌کوشد در فضای پیروزی در جنگ‌های گذشته با اعراب به ویژه جنگ

واقعیت‌های خارج از چارچوب مقاومت را واقعیت‌های ساده و سطحی می‌بینم. این واقعیت‌های سطحی ملاک‌ها و معیارهای خاص خود را دارد. شاید انسان در چارچوب این واقعیت‌ها و به علت فراگیر شدن ریاکاری و نفاق، سخنان مخاطبین خود را باور نمی‌کند.

ژوئن سال ۱۹۶۷ زندگی کند. اسرائیلی‌ها نمی‌خواهند بپذیرند که در کیانی زندگی می‌کنند که به آسانی شکست پذیر است. می‌کوشند اسطوره ارتش برتر و ارتش شکست ناپذیر را همچنان در اذهان خود زنده نگه دارند. به رغم شکست‌های سنگینی که در عقب نشینی سال ۲۰۰۰ از جنوب لبنان و در جنگ سال ۲۰۰۶ متحمل شدند، نمی‌خواهند باور کنند که شکست پذیرند. در پی جنگ ۳۳ روزه سال ۲۰۰۶ کتاب‌های زیادی در اسرائیل منتشر شد و نویسندگان سرشناسی دلایل شکست ارتش در جنگ مزبور را بررسی کردند. این نویسندگان نوشته‌اند که شکست ارتش اسرائیل تنها به علت قدرت حزب‌الله و مقاومت اسلامی لبنان نبوده است، بلکه از عملکرد ضعیف رهبران سیاسی و فرماندهان نظامی اسرائیل ناشی شده است. اسرائیلی‌ها برای شکست حزب‌الله در جنگ ۳۳ روزه حدود ۱۳ طرح نظامی تدارک دیده بودند. در هر طرحی که ناکام می‌شدند سراغ طرح‌های بعدی می‌رفتند. مهمات و جنگ افزارهایی که در جنگ مزبور در لبنان بکار بردند در مقایسه با جنگ‌های پیشین با اعراب بیسابقه بوده است. به طور مثال ارتش اسرائیل در جنگ اکتبر سال ۱۹۷۳ در جبهه‌های سوریه و مصر حدود یکهزار گلوله توپخانه و تانک بکار برد. در حالی که در جنگ سال ۲۰۰۶ با لبنان حدود ۱۷۰ هزار گلوله‌های توپ و تانک و موشک‌های هوا به زمین و موشک‌های دریا به زمین بکار برد. شما محدوده‌های جغرافیایی و میزان مهمات بکار رفته در دو جنگ سال‌های ۱۹۷۳ و ۲۰۰۶ را مورد مقایسه قرار

لبنان و دشمن صهیونیستی به امضا رسید. ولی حمله نظامی اسرائیل به لبنان یکی از الطاف الهی بود. در پی این حمله بر پیکر ارتش رژیم صهیونیستی ضربات کوبنده و شکننده، و شکست سختی بر این ارتش در لبنان وارد آمد.

یکسال از آزادی‌تان گذشت، تفاوت اسارت و آزادی را چگونه می‌بینید؟

راستش من در دنیای مخصوص خودم زندگی می‌کنم. در دنیایی که به آن اعتقاد دارم. این دنیا با دنیایی که در آن زندگی می‌کنید تفاوت چندانی ندارد. حوزه‌ای که

در آن زندگی می‌کنم با آنچه که در زندان به آن فکر می‌کردم تفاوت چندانی ندارد. از گذراندن ۳۰ سال اسارت هرگز شوکه نشده‌ام. در این مدت هیچ آسیبی به آگاهی و جهانبینی‌ام وارد نیامده است. هرگز به خودم اجازه ندادم نا امید شوم. زیرا اسارت توانست حوزه فکر و اندیشه‌ام را دگرگون کند. با صراحت می‌گویم چنانچه از شیوه و طرز فکر خود دست بردارم، آنگاه آسیب روحی و معنوی بر من وارد می‌آید و نا امید می‌شوم. زیرا واقعیت‌های خارج از چارچوب مقاومت را واقعیت‌های ساده و سطحی می‌بینم. این واقعیت‌های سطحی ملاک‌ها و معیارهای خاص خود را دارد. شاید انسان در چارچوب این واقعیت‌ها و به علت فراگیر شدن ریاکاری و نفاق، سخنان مخاطبین خود را باور نکند. **حال که اینگونه می‌اندیشید، آیا سلاح و یونیفورم نظامی‌تان را همچنان حفظ کرده‌اید؟**

طبیعی است... من به سلاح خود و راه مقاومت عشق می‌ورزم... گاهی با لباس نظامی در محافل ظاهر می‌شوم.

واقعاً تصمیم گرفته‌اید راه گذشته‌تان را ادامه دهید؟ طبیعی است... تصمیم قطعی گرفته‌ام مبارزه با رژیم صهیونیستی را ادامه دهم. در دوران اسارت نیز به وظیفه جهاد و مبارزه از طریق رسیدگی به اوضاع اسیران جدیدی که به زندان می‌آمدند عمل می‌کردم. اکنون راه جهاد و مبارزه را از سر گرفته‌ام.

در مدت اسارت ۳۰ ساله مطالعات و تحقیقات زیادی داشته‌اید بفرمایید اندیشه نظامی اسرائیل بر چه مبنایی استوار است؟

مبنای عقیده نظامی اسرائیل در درجه اول بر حفظ قدرت بازدارندگی استوار است. اسرائیلی‌ها این کیان را در سال ۱۹۴۸ بر مبنای نظریه کیان امن برای قوم یهود تاسیس کردند. تا از نسل کشی مجدد یهودیان جلوگیری کنند. سردمداران صهیونیسم می‌گویند برای اینکه یهود در منطقه امن زندگی کنند، باید ارتش قوی داشته باشند. برای اینکه ارتش‌شان قوی باشد باید از قدرت بازدارندگی قوی برخوردار باشند. صهیونیست‌ها می‌خواهند ارتش اسرائیل قوی‌ترین ارتش منطقه باشد، تا دشمنان اسرائیل همواره از آن احساس ترس و وحشت کنند، و جرأت رویارویی با آن را نداشته باشند.

چرا سران اسرائیل پس از جنگ ۳۳



همکاری هم ارائه دادند؟

در این چارچوب به من پیشنهاد شد که تقاضای بخشش کنم. از من خواستند اظهار پشیمانی کنم و برای بازماندگان مقتولین عملیات نهاریا نامه بفرستم و از آن‌ها پوزش بخواهم. چند بار این پیشنهاد را تکرار کردند تا شاید در زمینه آزادی من تجدید نظر شود. ولی من پیشنهاد اسرائیلی‌ها را به شدت رد کردم.

آیا با اسیران سرشناس لبنانی همچون شیخ عبدالکریم عبید و مصطفی دیرانی هم سلول می‌شده‌اید؟

خیر... آن‌دو در زندان‌های مخصوص بازداشت شدگان بسر می‌بردند و من در زندان‌های مخصوص افرادی که حکم قطعی قضایی‌شان صادر شده بود بسر می‌بردم.

به خاطر تلاش حزب‌الله برای آزادی شما، رژیم صهیونیستی در سال ۲۰۰۶ به لبنان حمله کرد و جنگ ۳۳ روزه روی داد. اخبار و رویدادهای این جنگ چه احساسی درون شما برانگیخت؟

اخبار جنگ را لحظه به لحظه و به وسیله تلویزیون زندان پیگیری می‌کردم. من بر این باورم که جنگ ژوئیه سال ۲۰۰۶ آخرین جنگ نخواهد بود. تا زمانی که رژیم صهیونیستی به فزون خواهی و غصب حقوق دیگران ادامه می‌دهد بحران و جنگ در خاورمیانه همچنان ادامه خواهد داشت.

در مسائل خاورمیانه یک صاحب‌نظر هستید، بفرمایید علت حمله‌های پی در پی اسرائیل به لبنان چیست؟

همانگونه که اشاره کردم این حمله‌ها و جنگ‌ها در پرتو فزون خواهی دشمن انجام می‌شود. من بر این باورم که حمله سال ۱۹۸۲ رژیم صهیونیستی به لبنان زمینه سر آغاز فروپاشی این رژیم را فراهم کرد. زیرا اسرائیل وارد کشوری شد که مردم آن با فنون نظامی آشنا هستند، و انواع اسلحه در اختیار دارند. مهمتر از همه از اراده قوی و مستقل بر خوردارند. چنانچه ارتشی وارد چنین کشوری با این ویژگی‌ها شود شکی نیست که وارد باتلاقی شده که امکان خروج از آن را نخواهد داشت. حمله سال ۱۹۸۲ اسرائیل به لبنان را تحول بسیار مهم و از الطاف الهی می‌دانم. در پی این حمله گسترده نظامی جنبش مقاومت در لبنان به وجود آمد و شکست سنگینی بر ارتش دشمن وارد آورد. اگر حمله مزبور انجام نمی‌شد ارتش صهیونیستی همچنان خود را ارتش شکست ناپذیر و اسطوره‌ای به ملت‌های خاورمیانه معرفی می‌کرد.

البته نباید فراموش کرد که در پی حمله سال ۱۹۸۲ اسرائیل به لبنان بسیاری افراد دچار یأس و ناامیدی شدند. گمان کردند آرمان فلسطین به بايگانی تاریخ سپرده شده و دشمن حرف اول را در منطقه می‌زند. موافقتنامه ۱۷ مه سال ۱۹۸۳ نیز در سایه همین شرایط نومیذکننده بین



تشریفات نهایی آزادی سمیر قطار

**اسرائیلی‌ها نمی‌خواهند بپذیرند در
کیانی زندگی می‌کنند که به آسانی
شکست پذیر است. می‌کوشند اسطوره
ارتش برتر و ارتش شکست ناپذیر را
همچنان در اذهان خود زنده نگه دارند.
به رغم شکست‌های سنگینی که در
جنوب لبنان متحمل شدند، نمی‌خواهند
باور کنند که شکست پذیرند.**

اسرائیل منعکس می‌شد. همچنین وکلای مدافع که با
من ملاقات می‌کردند اخبار برخی رویدادها را بازگو
می‌کردند.

با شنیدن این اخبار چه احساسی داشتید؟

به طور تاکید هر گلوله‌ای که به سمت دشمن شلیک
می‌شد مرا به آینده امیدوارتر می‌کرد. این احساس را در
دروم به وجود می‌آورد که راه درستی را پیموهم. به من
اطمینان می‌داد که دردها و رنج‌های تنهایی در زندان به
هدر نخواهد رفت. مرا امیدوار می‌کرد که هروانی وجود
دارند و راه جهاد را ادامه می‌دهند.

**هنگام اسارت نام عماد مغنیه به سمع شما رسیده
بود؟**

در سال‌های دهه نهم از قرن بیستم اولین بار نام او را
شنیدم. رسانه‌های اطلاع رسانی دشمن اخبار عماد مغنیه
را به طور مستمر منتشر می‌کردند، ولی شخصاً با او آشنا
نبودم.

پیش از انجام عملیات نهاریا نیز او را ندیده بودید؟

خیر، ایشان در آن زمان در جنبش فتح عضویت داشت
و من در جبهه آزادی بخش فلسطین فعالیت داشتم. هر
دوی ما نوجوان بودیم و مسئولیت‌های سنگینی هنوز بر
عهده نداشتیم.

**پس از اینکه اطلاع یافتید که همچون مبارزی بروز
کرده حس کنجکاو شما را وادار نکرد بیشتر درباره
او تحقیق کنید؟**

مطالب زیادی درباره حاج عماد مغنیه شنیده بودم و علاقه
داشتم درباره او بیشتر شناخت پیدا کنم. ولی من در زندان
بسر می‌بردم و مطالبی که به دستم می‌رسید جهت دار و
از سوی منابع غربی و اسرائیلی تهیه می‌شد. تا کنون
هیچ کس نتوانسته هویت و ماهیت واقعی حاج عماد
را شناسایی کند. هویت او همچنان سری باقی خواهد
ماند. حزب‌الله نیز تا کنون هیچ اطلاعاتی درباره عماد
منشر نکرده و در آینده هم منتشر نخواهد کرد. ولی پس
از شهادتش، گوشه‌ای از ابعاد شخصیت او را شناختم.
تنها کسی که قبل از شهادت حاج رضوان اطلاعات ضد

چه صنف کارشناسانی بوده است؟

بی تردید همه این شیوه‌ها از ابتکارات شهید
حاج عماد مغنیه بوده است. این واقعیت
را پنهان نمی‌کنم که جنبش‌های مقاومت
فلسطین این شیوه‌ها را نیز به غزه منتقل
کردند. در حقیقت مکتب نظامی که مقاومت
اسلامی لبنان به وجود آورد، مکتب جدیدی
است که با سایر مکاتب نظامی دنیا متفاوت
است. با شیوه جنگ پارتیزانی روس‌ها در
جنگ با ارتش آلمان نازی فرق می‌کند. با
شیوه جنگ پارتیزانی جبهه آزادی بخش
الجزایر بر ضد استعمار فرانسه متفاوت
است. با شیوه رزمی همه جنبش‌های رهایی
بخش نیز متفاوت است.

**تفاوت میدان نبرد و پیکار در جنوب لبنان
با سایر کشورهای منطقه چیست؟ چرا در
جبهه‌های دیگری عملیات مقاومت انجام
نمی‌شود؟**

این یک نعمت الهی است که لبنانی‌ها مردمی
جنگجو و مسلح و آموزش دیده هستند.
رژیم صهیونیستی نیز در حمله به لبنان خود
را در باتلاقی گرفتار کرده که رهایی از آن
امکان پذیر نیست. از سوی دیگر جامعه
لبنان جامعه‌ای چند طایفه‌ای است، و دشمن
در دهه‌های گذشته کوشید از این دریچه
وارد لبنان شود. در آن مرحله سران برخی
طوایف لبنان با دشمن همکاری کردند و بر
ضد فلسطینی‌ها وارد جنگ شدند. جنگ‌های

داخلی لبنان و حمله‌های پی در پی رژیم صهیونیستی
سبب شد برخی طوایف لبنان که همواره مورد حمله‌های
این رژیم واقع می‌شدند آموزش نظامی ببینند و مسلح
شوند و خود را برای رویارویی آماده کنند.

پیدایش جنبش مقاومت در لبنان در واکنش به اشغال
این کشور توسط ارتش اسرائیل، یک امر طبیعی بود.
مردم جنوب فقط به عقیده ستیزه جویی و اراده قوی
نیاز داشتند تا مقاومت را بر ضد اشغالگران آغاز کنند،
و دیری نپایید که این عوامل فراهم شد. پیش از شکل
گیری مقاومت اسلامی در لبنان جنبش‌های مقاومت
دیگری نیز وجود داشتند، اما نتوانستند این راه را تا
نهایت ادامه دهند. این تحول که در لبنان به وجود آمد در
سایر کشورهای عربی سابقه نداشته است. این مقاومت
توانست با دقت و قدرت به اهدافش نایل شود.

**آیا در دوران اسارت، اوضاع و تحولات لبنان را هم
پیگیری می‌کردید؟**

در حقیقت امکان دسترسی به اخبار و اطلاعات بسیار
ناچیز بود، اسرائیلی‌ها اخبار تحولات
منطقه را کانالیزه می‌کرده و در اختیارمان
قرار می‌دادند. به طور مثال پس از گذشت
حدود پنج سال از تأسیس حزب‌الله با
خبر شدم که چنین تشکیلاتی در لبنان به
وجود آمده است.

**از عملیات کیفی سال ۱۹۸۳ که به
خروج اسرائیلی‌ها و نیروهای چند
ملیتی از لبنان انجامید باخبر نشدید؟**

اخبار عملیات شهادت طلبانه بر ضد مقر
فرماندهی ارتش اسرائیل در شهر صور
و عملیات بر ضد پایگاه‌های نیروهای
آمریکایی در بیروت را به موقع شنیدم.
زیرا اخبار این عملیات در مطبوعات



دهید.

حجم متراکم آتشی که اسرائیلی‌ها در لبنان به کار بردند
بسیار وحشتناک بود. در مقابل سه هزار رزمنده مقاومت
اسلامی حدود ۳۰ هزار سرباز تا دندان مسلح و مجهز به
انواع سلاح‌های پیشرفته وارد میدان کردند. در میان این
تعداد سربازان، تیپ‌های نخبه گولانی و گلعاتی و ناحال و
نیروهای هوا برد و تعدادی واحدهای کوماندویی شرکت
داشتند. این همه نیرو هیچ دستاوردی برای اسرائیل
نداشته است. مسئولان سیاسی اسرائیل از فرماندهان
نظامی‌شان تقاضا می‌کردند، دست کم یک دستاورد
کوچکی در جبهه جنگ به آن‌ها بدهند تا توجیهی برای
مردم داشته باشند. زیرا اسرائیلی‌ها به مدت چهار هفته
در پناهگاه بسر می‌بردند، یا بیشترشان به مناطق جنوب
فرار کرده بودند.

**بفرمایید عقیده نظامی مقاومت اسلامی بر چه مبنایی
استوار است؟**

شکی نیست که رزمندگان مقاومت اسلامی برای رویارویی
با طرح‌های ۱۳ گانه ارتش اسرائیل، میان شیوه‌های جنگ
پارتیزانی و جنگ کلاسیک آمیختگی به وجود آوردند.
رزمندگان مقاومت بر خلاف روش جنگ کلاسیک در
یک منطقه متمرکز نبودند. موقعیت‌های متحرک دفاعی
و تهاجمی به خود گرفته بودند. در جبهه مقاومت
خطوط دفاعی ثابتی وجود نداشت. رزمندگان مقاومت
در حال استتار در خطوط جنگی متحرک می‌جنگیدند.
با این شیوه فرماندهان نظامی اسرائیل را سردرگم کرده
بودند. این شیوه‌ها و ابتکارات جدید زنده یاد شهید حاج
عماد مغنیه است که در هیچ جنگی معمول نبوده است.
مقاومت اسلامی در این جنگ نظریه‌های نظامی جدیدی
آفرید که اکنون ارتش آمریکا این نظریه‌ها را مورد بررسی
و ارزیابی قرار داده است. این نظریه‌ها فرماندهان ارتش
آمریکا را شگفت زده کرده است.

نظریه‌ها و شیوه‌های رزمی مقاومت اسلامی دستاورد

سیر قنطار رسته از اسیران مقاومت در آستانه آزادی



سیر قنطار در اید اسارت

■ مراسم استقبال از آزادگان با حضور سید حسن نصرالله



بگیرد؟

اگر حزب الله می‌خواست با واقعیت‌های سیاسی لبنان مدارا کند، تاکنون هیچ دستاوردی نداشت. شاید در طول سال‌های گذشته با ملاحظه کاری هیچ کاری نمی‌توانست انجام دهد. در فرهنگ و محاسبات سیاسی حزب الله واقعیت‌های سیاسی، مفهومی ندارد.

چه جریاناتی در ترور حاج عماد مغنیه دست داشتند؟

شکی نیست که سازمان جاسوسی رژیم صهیونیستی «موساد» در این جنایت دست داشته است.

ولی اطلاعات به دست آمده حاکی است که سرویس‌های جاسوسی و امنیتی برخی دولت‌های عربی نیز در این جنایت به موساد کمک کرده اند. من این همکاری را منتفی نمی‌دانم.

آقای نصرالله گفته است که مقاومت اسلامی انتقام خون حاج عماد مغنیه را از اسرائیلی‌ها خواهد گرفت...

پاسخ مقاومت اسلامی به این جنایت تروریستی و گرفتن انتقام خون حاج عماد مغنیه قطعی است. ولی من با صراحت به شما می‌گویم که ما دنبال پاسخ ساده و کم اهمیت نیستیم. قصد نداریم با اجرای عملیات ساده وجدان خود را آسوده کنیم. دنبال عملیات بزرگی هستیم تا به اسرائیل اجازه ندهیم در آینده چنین جنایاتی را تکرار کند. می‌خواهیم با چنین عملیاتی از جان سایر فرماندهان مقاومت حفاظت کنیم. می‌خواهیم به دشمن بفهمانیم که ترور فرماندهان مقاومت تاوان سنگینی در پی دارد. اسرائیل باید بنشیند و سود و زیان ترور فرماندهان مقاومت را محاسبه کند. می‌خواهیم قدرت بازدارندگی خود را به اسرائیل نشان دهیم. اگر اسرائیل مطمئن شود که در ازای ترور فرماندهان مقاومت بهای ناچیز می‌پردازد شکی نیست که عملیات تروریستی را ادامه خواهد داد. بر این اساس مقاومت اسلامی اصرار دارد پاسخ دندان شکن، کوبنده و استثنایی به اسرائیل بدهد تا در آینده به چنین اقدام جنایت کارانه‌ای دست نزنند.

در مدت طولانی اسارت‌تان، صحنه فلسطین شاهد تحولات بنیادین بوده است، برخی جنبش‌ها و سازمان‌ها از بین رفتند و جنبش‌های جدیدی ظهور کردند، آینده مبارزات ملت فلسطین را چگونه ارزیابی



و نقیض درباره او منتشر می‌کرد محافل و سازمان‌های اطلاعاتی رژیم صهیونیستی و آمریکا بودند.

اکنون که آزادی‌تان را باز یافته‌اید. احساس نمی‌کنید جای عماد خالی است؟

من با صراحت به شما اعلام می‌کنم هنگامی که خبر شهادت حاج عماد مغنیه را شنیدم بسیار غافلگیر شدم. زیرا در دوران زندان به این نتیجه رسیده بودم که شخصی به نام عماد مغنیه وجود واقعی ندارد، بر این باور بودم که اسرائیلی‌ها چنین شخصیتی را تخیلی ساخته‌اند تا او را مسئول همه عملیات ضد صهیونیستی جلوه دهند. با مرور زمان و انتشار مطالب و گزارش‌های ضد و نقیض باورم نمی‌شد که چنین شخصی وجود واقعی داشته باشد. آنچه بیش از همه چیز مرا غافلگیر کرد دستاوردها و فداکاری‌های او بوده است. او به گردن همه ملت‌های آزاده به ویژه اسیران و به گردن مقاومت لبنان و آرمان فلسطین حق دارد. او نقش بسزایی در برنامه ریزی عملیات اسارت دو نظامی اسرائیل داشت. در سال ۲۰۰۰ نیز عملیات اسارت سه نظامی اسرائیلی در مرز فلسطین اشغالی را برنامه ریزی کرده بود. هرگز فراموش نمی‌کنم که آزادی‌ام را در نتیجه اسارت دو نظامی اسرائیلی در شمال فلسطین اشغالی باز یافته‌ام که این عملیات توسط حاج عماد مغنیه برنامه ریزی شده بود.

آیا کسی در موقعیت حاج عماد وجود دارد تا جنبش مقاومت را فرماندهی کند؟

هزاران جوان فداکار و مقاوم جای عماد مغنیه را پر کرده‌اند. دهها هزار جوان لبنانی راه حاج عماد مغنیه را ادامه می‌دهند. در جنگ آینده با اسرائیل حاج عماد

ارتش اسرائیل در جنگ اکتبر ۱۹۷۳ در جبهه‌های سوریه و مصر حدود یکهزار گلوله توپخانه و تانک بکار برد. در حالی که در جنگ ۲۰۰۶ با لبنان حدود ۱۷۰ هزار گلوله‌های توپ و تانک و موشک بکار برد. در ضمن منطقه جغرافیایی و میزان مهمات بکار رفته در دو جنگ مزبور را مورد مقایسه قرار دهید.

مغنیه را رو سفید خواهند کرد. آنچه که از عماد مغنیه آموخته‌اند به روشنی مجسم خواهند کرد.

مگر قرار است جنگ دیگری در آینده روی دهد؟ تردیدی در آن نیست. طبیعی است که جنگ با اسرائیل ادامه خواهد یافت.

وقوع این جنگ را در چه سالی پیشبینی می‌کنید؟ وقوع جنگ قطعی است ولی زمان آن مشخص نمی‌باشد.

وقوع جنگ به عملیات انتقام‌جویانه مقاومت اسلامی در واکنش به شهادت حاج عماد مغنیه بستگی دارد.

اگر در آینده جنگی روی دهد این جنگ به لبنان و اسرائیل محدود خواهد بود یا برخی از کشورهای عرب منطقه نیز در آن درگیر خواهند شد؟

پیشبینی می‌کنم که به لبنان محدود نخواهد بود، و آتش جنگ به جبهه‌های دیگری نیز سرایت خواهد کرد.

کدام جبهه‌ای را پیشبینی می‌کنید؟

پیشبینی می‌کنم که آتش جنگ به جبهه‌های سوریه و نوار غزه نیز سرایت کند.

به نظر شما واقعیت‌های سیاسی لبنان اجازه می‌دهد حزب الله انتقام خون حاج عماد مغنیه را از اسرائیل

می‌کنید؟

متأسفانه اوضاع کنونی صحنه فلسطین به علت توطئه‌های رژیم صهیونیستی بسیار پیچیده شده است. ملت فلسطین مبارزات طولانی و خستگی ناپذیری داشته و شایسته است زندگی بهتری داشته باشد. ولی برخی محافل سازشکار فلسطینی دنبال سراب می‌روند. این محافل دست اسرائیل را برای گسترش شهرک‌سازی و نادیده گرفتن حقوق ملت فلسطین باز گذاشته اند. ولی در همین حال خوشبختانه نیروهای مقاومتی وجود دارند که معتقدند گفت و گو با دشمن سودمند نیست. تجربه نشان داده که دشمن جز زبان زور زبان دیگری نمی‌فهمد. تنها راه آزادی فلسطین ادامه مبارزه مسلحانه است. اکنون ملت فلسطین در پراکندگی و سردرگمی بسر می‌برد. ولی شکی نیست که این وضعیت ادامه نخواهد داشت. زیرا گرایش مردم به مقاومت در منطقه فراگیر شده است. سر انجام، گرایش مردم به مقاومت پیروز خواهد شد. مطمئن هستم جنگ آینده میان مقاومت اسلامی لبنان با اسرائیل اوضاع در صحنه فلسطین را دگرگون خواهد کرد.

موضع مصر را در قبال جنگ آینده چگونه ارزیابی می‌کنید؟

مردم مصر در سال‌های طولانی گذشته بار سنگین دفاع از آرمان فلسطین را بر دوش داشته و در این راه هزاران شهید داده‌اند. مصر که در تحولات گذشته منطقه نقش پیشتاز داشته است اکنون نقش بسیار منفی در رویارویی با جنبش مقاومت مردم منطقه ایفا می‌کند. دولت مصر درهای کشور را به سوی دشمن گشوده است. مردم مصر برای دگرگونی وضع موجود مسئولیت سنگین ملی و دینی و اخلاقی بر دوش دارند. نباید اجازه دهند وضع موجود به این شکل ادامه پیدا کند. اکنون مردم مصر به علت سیاست‌های دولت آن کشور در محرومیت و فقر و عقب ماندگی بسر می‌برند. در حال حاضر هزاران شهروند مصری در قبرستان‌های شهرهای بزرگ زندگی می‌کنند.

آخرین پیام شما در این گفت‌وگو چیست؟

من مطمئن هستم که دولت‌های ایران و سوریه به مسئولیت‌های اخلاقی‌شان در برابر مردم لبنان و مقاومت این کشور عمل کرده‌اند. این دولت‌ها به پشتیبانی از مقاومت مردم لبنان ادامه خواهند داد. اجازه نمی‌دهند لبنان همچنان در محاصره قدرت‌های غربی قرار داشته باشد. این گفت و گو را مغتنم می‌شمارم تا به روح امام خمینی (ره) و به روحیه پویای مردم ایران درود بفرستم. ■

• درآمد



رونمایی ویژگی‌ها و ابعاد کم نظیر شخصیت فرزانه حاج عماد مغنیه
در گفت و گو با افسر فلسطینی، سرهنگ یوسف الشرفاوی

حاج رضوان را یک انسان نمونه و با شخصیت و رستگار یافتیم...

برابر اسرائیلی‌ها خطوط تماس ایجاد نمایند. می‌خواستند جاده‌های جنوب از روستای عبرا در ارتفاعات اقلیم التفاح گرفته تا روستاهای کفر ملکی، کفر متی، جرجوع، جباع، حبوش و عربصالحیم در استان نبطیه را در کنترل خود در آورند. این محور، یک جاده عادی برای تردد عمومی نبود. بلکه یک جاده کوهستانی و عملیاتی و رزمی برای رویارویی با اشغالگران صهیونیست به شمار می‌رفت. هنگامی که باهم دیدار داشتید درباره چه مسائلی بحث می‌کردید؟

در این دیدارها درباره اوضاع عمومی و تحولات امنیتی جنوب لبنان بحث و رایزنی می‌کردیم. ولی او هیچگاه به طور مستقیم و آشکار اهداف خود را بیان نمی‌کرد.

نام عماد مغنیه با دو عملیات کیفی پیوند خورد. یکی عملیات شهادت طلبانه شهید احمد قصیر بود که به انهدام ستاد فرماندهی ارتش اسرائیل در شهر صور در جنوب لبنان منجر شد. این عملیات از این نظر حایز اهمیت است که مقاومت فلسطین پس از یورش گسترده ارتش اسرائیل به لبنان در سال ۱۹۸۲ متحمل شکست سنگینی شده بود.

شیوه‌ها و رفتارهای عملیاتی او در میدان جنگ اهداف و برنامه‌های او را روشن می‌کرد.

ویژگی‌های شخصی او را چگونه توصیف می‌کنید؟

عماد مغنیه، در جامعه، مردی پر جنب و جوش و پر شور بود. ولی در میدان جنگ مردی آرام و خونسرد بود. زیرا از ابتکارات و طرح‌های نظامی خود اطمینان کامل داشت.

بر اساس چه دیدگاهی طرح‌های نظامی او را محکم

حاج عماد در آن مرحله با جنبش فتح هم ارتباط و همکاری داشت؟

ارتباط سازمانی با جنبش فتح نداشت. ولی می‌توان گفت که ارتباط نزدیکی با برخی رهبران این جنبش داشت. جنبش فتح در آن مرحله از امکانات تسلیحاتی فراوانی برخوردار بود. عماد مغنیه هم جوانی پر شور و اندیشه‌های راهبردی در سر می‌پروراند. ایشان با همکاری و همفکری برخی هم‌زمان خود مانند شهید شیخ راغب حرب در صدد بود استان نبطیه که مرکز جنوب لبنان را تشکیل می‌دهد به کنترل خود درآورد. زیرا این منطقه و روستای‌های اطراف آن از نظر حزب الله یکی از مناطق حیاتی به شمار می‌رفت. نبطیه یکی از مناطق رزم‌نده‌ساز و شهید پرور جنوب لبنان می‌باشد. اولین جرقه مقاومت و نافرمانی عمومی در جنوب لبنان توسط شهید شیخ راغب حرب از این منطقه آغاز شد.

عماد مغنیه چه نقشی در تحرکات ضد صهیونیستی این منطقه داشت؟

عماد مغنیه یکی از شاگردان سید محمد حسین فضل الله روحانی برجسته لبنان بود که روزگاری پدر معنوی حزب الله شهرت داشت. مغنیه با همکاری شهید راغب حرب و شیخ عبد الکرم عبید، برای کنترل منطقه نبطیه برنامه ریزی می‌کرد. همانگونه که به آن اشاره کردم استان نبطیه محور ارتباطی بخش‌های شرقی و مرکزی جنوب لبنان را تشکیل می‌دهد. در مراحل بعدی به ویژه در سال ۱۹۸۹ به روشنی پی‌بردم که دیدگاه‌های عماد مغنیه تا چه اندازه راهبردی بوده است. مدتی بعد شنیدم که او تصمیم داشته از نظر عملیاتی بخش جنوبی بیروت «ضاحیه» را به شهر صیدا متصل کند. چرا که سلاح‌های حزب الله در ارتفاعات الدامور در جاده بیروت - صیدا انباشته شده است. به همین دلیل عماد سعی داشت برای خود پایگاهی در شهر صیدا دست و پا کند.

هدف عماد از طرح این ابتکارات چه بوده است؟

عماد مغنیه و هم‌زمان او در صدد بودند فعالیت‌های خود را در جنوب لبنان متمرکز کنند. قصد داشتند در

سرهنگ یوسف الشرفاوی یکی از فرماندهان نظامی پیشین جنبش آزادی بخش فلسطین «فتح می‌باشد که در زمان حضور مقاومت فلسطین در لبنان از نزدیک عماد مغنیه را می‌شناخته است. الشرفاوی همچنین از سال ۱۹۸۱ تا ۱۹۹۲ با این فرمانده مقاومت اسلامی لبنان ارتباط و همکاری داشته است. در پی شهادت حاج رضوان، خبرنگار پایگاه خبری ایلاف در قدس با این سرهنگ فلسطینی گفت و گوی مشروحی انجام داده و ناگفته‌های زندگی سراسر جهاد و مبارزه عماد مغنیه و چگونگی ترور نخست وزیر پیشین رژیم صهیونیستی، در سال ۲۰۰۲ مئیر داگان را به ریاست سازمان مוסاد منصوب کرد، و اجرای برخی مأموریت‌های پیچیده تروربستی از جمله تلاش برای ترور عماد مغنیه را به او موکول کرد. مأموریت‌های داگان هرگز سری نبوده به طوری که روزنامه بدیعوت احرنون چاپ تل آویو در سال ۲۰۰۴ طی گزارشی از ناتوانی داگان برای ترور عماد مغنیه خبر داد.

داگان در سال ۱۹۸۰ فرماندهی ارتش اسرائیل در جنوب لبنان را بر عهده داشته، و در جریان حمله سراسری سال ۱۹۸۲ به لبنان و اشغال این کشور، یک تیپ زرهی را فرماندهی می‌کرده است. پس از استقرار ارتش رژیم صهیونیستی در لبنان، داگان به ریاست اداره هماهنگی ارتش در لبنان منصوب شد. در پی تصدی این سمت امنیتی و اطلاعاتی، روابط گسترده‌ای با برخی محافل لبنان از جمله با احزاب دست راستی و شبه نظامیان مسیحی برقرار کرده و دهها تن از شهروندان لبنانی و فلسطینی را به استخدام اداره هماهنگی ارتش درآورد. یوسف الشرفاوی در این گفت و گو، مئیر داگان را بازوی ضربتی آرئیل شارون در لبنان توصیف کرده که بر اساس پیشینه عملیاتی او در جنگ در لبنان و در نوار غزه به ریاست مוסاد منصوب شده است. پس از ترور شهید عماد مغنیه در محله کفر سوسه در جنوب دمشق بسیاری از نمایندگان پارلمان رژیم صهیونیستی، این اقدام ناجوانمردانه را به داگان تبریک گفتند، و ایهود المرت نخست وزیر پیشین نیز درجه او را ارتقا داد. ماهنامه شاهد باران نظر به اهمیت اطلاعات و دیدگاه‌هایی که در این گفت و گو بیان شده آن را به طور کامل ترجمه و در اختیار خوانندگان قرار داده است. متن گفت و گو را با هم می‌خوانیم:

در چه سالی با عماد مغنیه آشنا شدید؟

من در سال ۱۹۸۱ میلادی با عماد مغنیه آشنا شدم. او را جوانی پر شور و متدین یافتیم که در جنبش فتح فعالیت می‌کرد.

چگونه این پایگاه مردمی برجسته را میان انقلابیون لبنان و فلسطین کسب کرد؟

در حقیقت از اوایل دهه هشتم از قرن بیستم میلادی نام عماد مغنیه با دو عملیات کیفی پیوند خورد. یکی عملیات شهادت طلبانه شهید احمد قصیر بود که به انهدام ستاد فرماندهی ارتش اسرائیل در شهر صور در جنوب لبنان منجر شد. این عملیات از این نظر حایز اهمیت است که مقاومت فلسطین پس از یورش گسترده ارتش اسرائیل به لبنان در سال ۱۹۸۲ متحمل شکست سنگینی شده بود. دومین عملیاتی که نام عماد مغنیه با آن پیوند خورد، انهدام دو تانک اسرائیلی در منطقه خلد در ۱۰ کیلومتری جنوب بیروت می‌باشد. بی‌تردید این دو عملیات، شیوه پییکار و مبارزه مردم لبنان با اشغالگران را متحول کرد، و در شکوفایی مقاومت بی‌نظیر ضد صهیونیستی نقش تعیین کننده داشت.

مداخله مقدمه چینی برای آغاز گفت و گوهای سازش بود.

نام احزاب لبنانی را که از عرفات تقاضای کمک کردند به یاد دارید؟

جرج حاوی رهبر حزب کمونیست لبنان، و محسن ابراهیم رهبر حزب پیکار کمونیست روابط ویژه با یاسر عرفات داشتند، و از او تقاضای کمک کردند. جرج حاوی در سال ۲۰۰۷ در جریان انفجار خودروی بمب گذاری شده در بخش غربی بیروت به قتل رسید.

شما هم به درخواست عرفات برای رویارویی با حزب الله ترتیب اثر دادید؟

در پی این درگیری‌ها با عماد مغنیه که فرماندهی گروه‌های مقاومت حزب الله را بر عهده داشت دیدار کردم. در آن شرایط رزمندگان فلسطینی عملیات مسلحانه ضد صهیونیستی در بیت المقدس انجام دادند. عماد در این دیدار به من گفت: امیدوارم تلاش‌های خود را روی مبارزه با اسرائیل متمرکز کنید و ما را به حال خودمان بگذارید. چونکه هدف ما و شما آزادی قدس است.

پاسخ‌تان چه بود؟

اظهارات عماد مغنیه را با رعایت امانت داری به یاسر عرفات رهبر سازمان آزادی بخش فلسطین منتقل کردم، و او را از پیامدهای رویارویی با حزب الله بر حذر داشتم. اما عرفات هرگز متقاعد نشد. افزون بر نیروهای وابسته به سازمان آزادی بخش فلسطین، نیروهای جنبش امل نیز که با جناح عبد الحلیم خدام در حاکمیت سوریه متحد بودند در برابر حزب الله ایستادند. هنگامی که عماد مغنیه احساس کرد تلاش‌های او به منظور جلوگیری از بروز درگیری ناکام شده با تلخکامی به من گفت: «حال شانس خودتان را امتحان کنید».

آنگاه جنگ آغاز شد؟

جنگ میان نیروهای «ساف» و رزمندگان حزب الله در محور روستای کفر ملکی آغاز شد. در جریان سه ساعت درگیری تعداد ۱۳۷ تن از نیروهای فلسطینی کشته شدند. مردان عماد مغنیه شجاعانه و حرفه‌ای جنگیدند و اجازه ندادند هیچ کدام از پایگاه‌های آنان در محورهای وادی الیمون تا کفر ملکی که کلید ارتفاعات اقلیم التفاح می‌باشد سقوط کند. این درگیری‌های تلخ و خونین پس از گذشت سه روز پایان یافت.

پس از این درگیری‌ها هم با عماد مغنیه دیدار داشتید؟
پس از گذشت مدتی با او دیدار کردم. زیرا تعدادی از جوانان فلسطینی در اسارت رزمندگان حزب الله بودند.



دولت جمهوری اسلامی ایران به منظور شکستن محاصره اردوگاه آوارگان الرشیدیه در شهر صور را فراهم کردند. مغنیه همچنین با محاصره اردوگاه‌های آوارگان فلسطینی صبرا و شاتیلو و برج البراجنه در جنوب بیروت توسط جنبش امل به شدت مخالفت کرد.

علت بروز اختلاف میان عماد مغنیه و نیروهای وابسته به سازمان آزادی بخش فلسطین چه بوده است؟

این درگیری‌های تأسف بار در سال ۱۹۹۱ رخ داد. متأسفانه رهبری سازمان آزادی بخش فلسطین مستقر در تونس به نیروهای خود در لبنان مأموریت داده بود از استقرار رزمندگان حزب الله در ارتفاعات اقلیم التفاح در بخش مرکزی جنوب لبنان جلوگیری کنند. رهبری «ساف» این دستور را بنا به تقاضای احزاب و نیروهای سکولار لبنانی صادر کرده بود. احزاب سکولار عضو جبهه ملی لبنان در تماس با رهبری سازمان آزادی بخش فلسطین، حزب الله را یک حزب فرقه گرا و عامل خطر برای جبهه ملی لبنان عنوان کرده بودند.

در حقیقت اختلاف جبهه ملی لبنان با حزب الله زمانی آغاز شد که ارتش آنتوان لحد وابسته به رژیم صهیونیستی

از محور روستاهای بصلیم و جرجوع و عربصالم عقب نشینی کرد. این روستاها دروازه ارتفاعات اقلیم التفاح را تشکیل می‌دادند. هدف نیروهای سازمان آزادی بخش فلسطین از مداخله به نفع جبهه ملی لبنان و بر ضد حزب الله برقراری موازنه میان شبه نظامیان وابسته به طوایف لبنان بود. از سوی دیگر در آستانه برگزاری کنفرانس صلح مادرید، سازمان آزادی بخش فلسطین می‌کوشید در گفت و گوهای آینده با رژیم صهیونیستی برگ‌های برنده در اختیار داشته باشند، و این

توصیف می‌کنید؟

بر اساس این معیارها... هنگامی که اسرائیلی‌ها جنوب لبنان را اشغال کردند، با عملیات مسلحانه کیفی مواجه شدند. در آن مرحله مقاومت هنوز همگانی و فراگیر نشده بود. ولی عملیاتی که تحقق یافت، از نظر نظامی قابل قبول بود و اسرائیلی‌ها را به وحشت انداخت. مانند درگیری‌های منطقه خلده در جنوب بیروت و عملیات شهادت طلبانه احمد قصیر در شهر صور. دیری نپایید که عملیات جاده خلده به عملیات جاده هوشی مین رهبر جنگجویان ویتنام شهرت یافت. در نتیجه عملیات مقاومت، ضربات سخت و شکننده‌ای بر نظامیان اسرائیلی وارد آمد. می‌دانید که هدف اعلام شده اسرائیلی‌ها از حمله گسترده نظامی برای اشغال لبنان، جلوگیری از شلیک موشک‌های کاتیوشا از مرز لبنان به سمت شهرهای صهیونیست نشین شمال فلسطین اشغالی بوده است. در حالی که عماد مغنیه نیز این موشک‌ها را برای حمله به شهرهای یاد شده تدارک دیده بود.

این عملیات با همکاری فلسطینی‌ها تحقق می‌یافت؟

مبارزان فلسطینی بازمانده در لبنان با عماد مغنیه و همزمان او همکاری می‌کردند. در این بحث لازم می‌دانم به این نکته اشاره کنم که او با محاصره اردوگاه‌های آوارگان فلسطینی در لبنان توسط برخی جریان‌های لبنانی به شدت مخالفت می‌کرد.

درباره این موضوع چه خاطره‌ای در حافظه‌تان مانده است؟

در این باره به جنگ‌های مغدوشه اشاره می‌کنم. مغدوشه نام ارتفاعات مشرف بر اردوگاه آوارگان فلسطینی عین الحلو و بخشی از شهر صیدا در جنوب لبنان است. نیروهای سازمان آزادی بخش فلسطین در سال ۱۹۸۶ با

عماد مغنیه یکی از شاگردان سید محمد حسین فضل الله بود که روزگاری پدر معنوی حزب الله شهرت داشت. او با همکاری شهید راغب حرب و شیخ عبد الکریم عبید، برای کنترل محورهای ارتباطی جنوب لبنان برنامه ریزی می‌کرد. در مراحل بعدی به روشنی پی‌برد که دیدگاه‌های حاج عماد تا چه اندازه راهبردی بوده است.

حمله به پایگاه‌های جنبش امل، این ارتفاعات را به تصرف خود درآوردند. این حرکت فلسطینی‌ها برای جنبش امل غافلگیر کننده بود. مغنیه در اوج این درگیری‌ها در ارتفاعات مغدوشه حضور یافت، و با استقرار رزمندگان حزب الله کوشید از ادامه درگیری میان نیروهای فلسطینی و جنبش امل جلوگیری کند. رزمندگان حزب الله به عنوان نیروهای حل اختلاف میان نیروهای طرفین درگیر استقرار یافتند. عماد مغنیه به منظور پایان دادن به این درگیری‌ها موضع گیری بسیار مثبتی اتخاذ کرد. همچنین لازم می‌دانم از موضع آقای عبد الهادی حمادی یکی از همزمان مغنیه و سایر رهبران حزب الله ستایش کنم. در آن مرحله حاج عماد مغنیه و سایر همزمان او را خوب شناختم. آنان بر مبنای عقیده و ایمان تلاش می‌کردند.

چه اقدام مثبتی برای شکستن محاصره اردوگاه‌ها به عمل آورد؟

اقدامات مثبت و ارزنده عماد مغنیه و همزمان او قابل شمارش نیستند. به طور مثال آنان زمینه ورود فرستادگان



اقدامات فریبدهی اسرائیل در محور

■ انفجار مقر نیروهای آمریکا در بیروت



زمانی که من و عماد در جنبش فتح حضور داشتیم، اصرار داشت به یک اقدام ویژه و خارق العاده در درون جنبش فتح دست بزنند. ولی نظر به این که جنبش فتح به یک ارتش نظامی تبدیل شده بود از این حرکت صرف نظر کرد. زمانی که جنبش فتح توپخانه و تانک خریداری کرد، عماد آن را نشانه آغاز شکست یک جنبش دانست. مقاومت اسلامی از تجربیات سایر جنبش های مقاومت در منطقه به نحو مطلوب بهره برداری کرد، او بجای تانک و توپ، موشک انداز و سلاح های مدرن خریداری کرد. سلاح هایی تدارک دید که امکان نابودی آن توسط هواپیمای نظامی وجود ندارد. سلاح های حزب الله در جنگ ژوئیه سال ۲۰۰۶ کاملاً تاکتیکی بود که دشمن را غافلگیر کرد. جراحی تریم چهره عماد مغنیه تا چه اندازه واقعیت

به نحو مطلوب بهره برداری کرد. همچنین در پی عقب نشینی اسرائیل از جنوب لبنان بسیاری از مزدوران به فلسطین اشغالی فرار کردند. در ارتباط با ترور عماد مغنیه گمان می کنم که موساد توانسته است تعدادی از عناصر فلسطینی را که به عماد مغنیه نزدیک بودند استخدام کند. اما بسیار بعید می دانم که موساد توانسته باشد به طور مستقیم در ساختار امنیتی حزب الله رخنه کرده باشد. **شهادت مغنیه چه تأثیری در راهکار حزب الله خواهد داشت؟**

از نظر روحی و معنوی تأثیر بزرگی در پی خواهد داشت. اما از نظر کارایی و عملیاتی هیچ تأثیری نخواهد داشت. چرا که ساختار حزب الله نهادینه شده و مقاومت مانند ماشین خودکار به کارش ادامه می دهد. اگر هم حزب الله رئیس ستاد مشترک ارتش خود را از دست داده باشد؟

عماد مغنیه نماد پیروزی چشمگیر حزب الله در سال ۲۰۰۰ بود. اما اوضاع در جنگ ۳۳ روزه ژوئیه سال ۲۰۰۶ بکلی فرق کرده بود. سازمان مقاومت اسلامی در این جنگ مانند یک ماشین خودکار می چرخید. دستاوردهای حزب الله به برکت نظامیان و سیاستمداران وابسته به حزب الله و به برکت مردم مقاوم جنوب لبنان بوده است. در روستاهای عینا الشعب، علما، مارون الراس، بنس جبیل و عیترون زنان لبنانی در خانه های خود ماندند و برای رزمندگان غذا تهیه کردند.

ویژگی برتری نظامی عماد مغنیه و همزمان او که در سال ۲۰۰۰ اسرائیل را وادار به عقب نشینی از جنوب لبنان کردند و در جنگ سال ۲۰۰۶ در برابر ماشین جنگی اسرائیل به پیروزی رسیدند چیست؟

حاج عماد مغنیه و همزمان او از مردم عادی جنوب لبنان هستند. هیچ مدال و نشانی و یا درجه نظامی بر دوش ندارند. از دانشگاه های نظامی نیز فارغ التحصیل نشده اند. آنان مانند هوشی مین رهبر چریک های ویتنام هستند، که هنگامی از او پرسیدند هنر رزم را کجا آموختی گفت: «هنر جنگ را در میدان جنگ آموختم». **دلایل و نشانه های نظریات راهبردی منحصر به فرد حاج عماد مغنیه کدامند؟**

به دیدار او رفتیم و تقاضا کردم آن ها را آزاد کند. بیدرنگ آن ها را آزاد کرده و به من گفت: با وجودی که هدف ما جنگ با اسرائیل است و نه با شما، اما شما هم نیروهای تجاوزگر هستید.

نتیجه این درگیری سه روزه چه بود؟
حزب الله توانست محور کفر ملکی را به تصرف درآورد، و غرور نیروهای فلسطینی را بشکند.

ویژگی های عماد مغنیه به عنوان یک فرمانده نظامی کدامند؟

او به دیدگاه های اعضای تیم خود به شدت احترام قایل بود... دیکتاتور منش نبود... با وجودی که در رأس فرماندهی مقاومت اسلامی قرار داشت، اما با همفکری جمعی عمل می کرد. فرماندهان یگان های مقاومت مستقر در جبهه های جنگ جنوب به او اطمینان داشتند. دستورات او را بیدرنگ اجرا می کردند.

پس از درگیری های «ساف» با رزمندگان حزب الله در محور کفر ملکی چند بار با عماد مغنیه ملاقات کردید؟

در سال های ۱۹۹۲ — ۱۹۹۳ سه بار با ایشان دیدار و گفت و گو کردم. دوبار در روستای عبرا و یک بار در شهر صور او را دیدم. عماد در آن مرحله سعی داشت در انتظار عمومی ظاهر نشود.

علت پنهان شدن او چیست؟

عماد مغنیه و همزمان او برای استقرار پایگاه های مقاومت در مرز فلسطین اشغالی خود را آماده می کردند. به همین دلیل شرایط پیکار و مبارزه اقتضا می کرد مسائل امنیتی و ایمنی را رعایت نمایند.

در آخرین دیدار درباره چه مسائلی بحث کردید؟

در زمانی که اسرائیلی ها می کوشیدند در شرایط بارش برف و باران به سمت روستای کفرا پیشروی کنند. با عماد مغنیه در روستای کفرا در منطقه صور دیدار کردم. او به رزمندگان حزب الله دستور مقاومت داد و اسرائیلی ها نتوانستند به سمت کفرا پیشروی کنند.

به نظر شما ترور عماد مغنیه نشانگر رخنه عوامل نفوذی در سیستم امنیتی حزب الله نبوده است؟

با وجودی که در مسائل امنیتی هیچ چیز مطلق نیست، اما بعید می دانم که عوامل نفوذی در حزب الله رخنه کرده باشند. مردم جنوب لبنان حزب الله را در آغوش دارند، و همه همکاران و جاسوسان اسرائیل را خوب می شناسند. هنگامی که جنوب لبنان در سال ۲۰۰۰ آزاد شد، حزب الله از اطلاعاتی که در اختیار اهالی جنوب وجود داشت



عماد در دیدار با من گفت: امیدوارم تلاش های خود را روی مبارزه با اسرائیل متمرکز کنید، و ما را به حال خودمان بگذارید. چونکه هدف ما و شما آزادی قدس است. اظهارات او را به یاسر عرفات رهبر سازمان آزادی بخش فلسطین منتقل کردم، و او را از پیامدهای رویاری با حزب الله بر حذر داشتم. اما عرفات هرگز متقاعد نشد.

دارد؟

عماد مغنیه به هیچ وجه چهره خود را تغییر نداده بود. ولی در سال های اخیر چاق تر شده بود. به دلیل اعتقادات و باورهای دینی که داشت گمان نمی کنم که چهره اش را تغییر داده باشد. هر چند که سال ها در انتظار عمومی ظاهر نمی شد و مسائل امنیتی را به شدت رعایت می کرد، اما تازه ترین عکس های او را که به تازگی دیده ام نشان می دهد که هرگز چهره اش را با عمل جراحی ترمیمی تغییر نداده است.

هنگامی که با یکدیگر دیدار می کردید افتخارات خود را بازگو می کرد؟

خیر... هیچ گاه دستاوردهای افتخار آفرین خود را فاش

سوی محافل امنیتی دولتی لبنان و نیروهای امنیتی مقاومت اسلامی نشان داد که احمد الحلاق یکی از جاسوسان رژیم صهیونیستی در لبنان در این اقدام تروریستی دست داشته است. بر این اساس نیروهای امنیتی لبنان و نیروهای مقاومت روز ۲۰ فوریه سال ۱۹۹۶ موفق شدند احمد الحلاق را که در نوار اشغالی جنوب سکونت داشت با فریب و نیرنگ بیهوش و به بیروت احضار و مورد بازجویی قرار دهند. او سرانجام به این اقدام اعتراف کرد. و در زندان رومیه در شرق بیروت محاکمه و مجازات شد.

از هویت و مشخصات احمد الحلاق اطلاعی دارید؟
وقتی که سازمان موساد فردی را برای تجسس به همکاری دعوت می‌کند، از او می‌خواهد به سازمانی و یا تشکیلاتی بپیوندد تا هرگونه شک و شبهه را از خود دور کند. از سوی دیگر موساد می‌کوشد افرادی را از درون سازمان‌های فلسطینی گزینش کند که توان دسترسی آسان به اطلاعات ارزشمند را داشته باشند. احمد الحلاق ابتدا در سازمان فلسطینی الصاعقه وابسته به سوریه فعالیت داشت. پس از گذشت چند سال به جنبش فتح پیوست. به یاد دارم که او یک فرد متشنج و دردرس آفرین بود. از یک طرف میان سازمان‌های فلسطینی، و از طرف دیگر بین آن‌ها با شهروندان لبنانی دردرس ایجاد می‌کرد. رفتار بیشتر جاسوسانی که شناسایی و بازداشت شدند اینگونه بوده است.

از تشنج آفرینی های احمد الحلاق حادثه‌ای به یاد دارید؟

احمد الحلاق در سال ۱۹۷۴ بین گروهی از افراد مسلح فلسطینی و برخی شهروندان لبنانی در نزدیکی اردوگاه صبرا و شاتیل در بیروت آشوب و دعوا راه انداخت. او در پی این آشوب به سوی شهروندان لبنانی تیراندازی کرد و یک شهروند شیعه لبنانی به نام احمد شعیتو را به شهادت رساند. در پی این حادثه میان فلسطینی‌ها و لبنانی‌ها درگیری‌های خونین و اسفباری روی داد.

اگر آدم شروری بوده چرا او را بازداشت و محاکمه نکردند؟

او ضمن شرارت و پست صفتی، تا حدودی هم هوشیار بود. سعی می‌کرد ارتباطات خود را با برخی شخصیات‌های فلسطینی و سوری حفظ کند. به طور مثال با غازی کنعان مسئول پیشین اداره اطلاعات ارتش سوریه در لبنان که دو سال پیش خودکشی کرد، روابط دوستانه داشت. او با استفاده از این روابط مردم را آزار واذیت داد. ■



افراد را استخدام کرد. آخرین بازماندگان این گروه دو برادر به نام‌های زاهر و محمود المجذوب بودند که در سال ۲۰۰۱ توسط یکی از دوستان‌شان به نام (Z) که جاسوس اسرائیل از آب درآمد، ترور شدند. به احتمال زیاد جاسوس مزبور پس از این اقدام به کاندا گریخته باشد. همچنین احتمال می‌دهم که جاسوس (Z) پنج سال پیش در ترور خضر سلامه معروف به (ابو حسن) در شهر صیدا دست داشته است. او خضر سلامه را که گفته می‌شود دست راست عماد مغنیه بوده خوب می‌شناخته است. خضر سلامه یکی از فرماندهان شجاع مقاومت اسلامی لبنان بوده است. بعید نیست که جاسوس مزبور با هویت جعلی به منطقه بازگشته و در ترور شهید عماد مغنیه نقش اساسی ایفا کرده است.

از عملیات تروریستی موساد در لبنان چه اطلاعاتی دارید؟

عملیات تروریستی موساد در لبنان فراوانند. به طور مثال روز ۲۱ دسامبر سال ۱۹۹۴ یک دستگاه خودروی بمب گذاری شده در بخش جنوبی بیروت منفجر شد. در نتیجه این انفجار سه تن از اعضای ارشد حزب الله به نام‌های محمد مسلمانی و محمود حسون و فؤاد مغنیه برادر عماد مغنیه شهید و ۱۵ تن دیگر زخمی شدند. در پی این انفجار منابع امنیتی لبنان نسبت به احتمال رخنه جاسوسان موساد به منطقه

شیعه نشین جنوب بیروت ابراز نگرانی کردند. در آن مرحله نوار امنیتی اشغالی در جنوب لبنان هنوز آزاد نشده بود، و امکان تردد آسان جاسوسان اسرائیل در لبنان وجود داشت. یکی از دلایل انفجار مزبور تلاش موساد برای دسترسی به عماد مغنیه و ترور او تشخیص داده شد. حزب الله در پی این انفجار از مشارکت عماد در مراسم خاکسپاری برادرش فؤاد جلوگیری به عمل آورد. تحقیقات به عمل آمده از

نمی‌کرد. یک انسان بسیار جدی بود. هرگز او را در حال خنده و لبخند ندیدم. مدت ملاقات‌های او با همزمانش بسیار کوتاه بود. او را آدم پرهیزکار، ساده زیست، مهربان، محترم و با شخصیت یافتم. از شوخی و مزاح به شدت پرهیز می‌کرد. رفتار او بسیار معصومانه بود. تربیت شده خانواده است.

از رفتار متیر داگان رئیس موساد با جاسوس‌های خود چه شناختی دارید؟

رفتارها و فعالیت‌های داگان به ویژه در لبنان بیسابقه بوده است. تعدادی از جاسوسان دستگیر شده موساد در اعترافات‌شان گفته اند که داگان در انتخاب جاسوس‌های لبنانی بسیار هوشیارانه و با احتیاط برخورد می‌کرده است. هرگاه جاسوسی را از لبنان و از طریق دریا به فلسطین اشغالی احضار می‌کرد، کارگزاران موساد به جاسوس لبنانی توصیه می‌کردند هنگام بازگشت به لبنان و پیش از پیاده شدن از کشتی، بیدرنگ دوش بگیرد تا کسی به او مشکوک نشود که از دریا آمده است. او به جاسوس‌ها اجازه نمی‌داد به کسی بهانه بدهند. به آنان توصیه می‌کرد که فرض کنند کسی همیشه مراقب آنان است. داگان به منظور ایجاد اعتماد به نقش در دل جاسوسان خود از شیوه‌های خاصی استفاده می‌کرد. به طور مثال اگر یکی

عماد مغنیه نماد پیروزی حزب الله در سال ۲۰۰۰ بود. اما اوضاع در جنگ ۳۳ روزه ژوئیه ۲۰۰۶ یکلی فرق کرده بود. سازمان مقاومت اسلامی در این جنگ مانند یک ماشین خودکار می‌چرخید. دستاوردهای حزب الله به برکت نظامیان و سیاستمداران وابسته به این حزب و به برکت مردم مقاوم جنوب لبنان بوده است.

از آنان برای مدت کوتاهی غیبت می‌کرد و مسئول او می‌پرسید در آن مدت کجا بوده است؟ بیدرنگ می‌گفت در تل آویو بودم، تا با این شیوه کسی به او مشکوک نشود. عدنان یاسین یکی از جاسوس‌های سرشناس موساد در دفتر محمود عباس (ابو مازن) در تونس اشتغال داشت، هرگاه اعضای سازمان آزادی بخش فلسطین برای ملاقات با یاسر عرفات و سایر رهبران ساف به تونس می‌رفتند، عدنان یاسین به بهانه‌های واهی، همچون صدور کارت اقامت و یا تشکیل پرونده از هر کدام‌شان چند قطعه عکس مطالبه می‌کرد. هنگامی که از یاسین پرسیدند چند قطعه عکس چه لزومی دارد؟ او با اطمینان کامل چنین پاسخ داد: «یک عکس برای کارت اقامت و یک عکس برای تشکیل پرونده و یک عکس هم برای موساد!». پس از شناسایی و دستگیری عدنان یاسین مشخص شد که او راست می‌گفته است.

داگان با چه شیوه‌ای جاسوسان موساد را استخدام می‌کرده است؟

سازمان موساد افرادی را جستجو می‌کرد که در درجه سرپوش سازمانی و تشکیلاتی داشته باشند، و یا مورد حمایت و اعتماد شاخه‌های امنیتی جنبش‌های فلسطینی بوده باشند. یا اینکه از افراد سابقه دار و چاقو کش و قاتل بوده باشند. تاکید می‌کنم که داگان به منظور قتل بازماندگان گروه ودیع حداد، مسئول یکی از جنبش‌های مبارز فلسطینی که در اردوگاه آوارگان فلسطینی عین الحلوه در نزدیکی شهر صیدا سکونت داشتند، این گونه



• درآمد

سید علی حسینی یکی از اعضای پیشین کادر رهبری جنبش امل، در سال ۱۹۶۲ میلادی زمانی امام موسی صدر برای دیدار با شیعیان بقیع و ایراد سخنرانی در مسجد امام علی (ع) شهر هرمل در شمال شرقی لبنان به این منطقه آمد، با امام صدر آشنا شد. پدر حسینی بنیانگذار و متولی مسجد امام علی (ع) یکی از روحانیون سرشناس منطقه بوده و با امام موسی صدر روابط نزدیک داشته است. امام صدر در آن برهه هر چند مدت یکبار از مناطق محروم لبنان به ویژه مناطق شیعه نشین بازدید می کرد. منطقه هرمل نیز یکی از مناطق محروم و دور افتاده لبنان می باشد که اکثریت جمعیت آن را شیعیان تشکیل می دهند.

آقای حسینی در سال ۱۹۶۸ عازم شهر صور در جنوب لبنان شد تا تحصیلات خود را در دبیرستان جعفریه این شهر ادامه دهد. او فعالیت های فرهنگی و سیاسی خود را در سن جوانی در مجموعه امام صدر آغاز کرد، و در پی تأسیس مجلس اعلای شیعیان لبنان، و نیز تأسیس جنبش امل در سال ۱۹۷۴ روابط او با امام موسی صدر بیش از پیش گسترش یافت. آنگاه سید علی حسینی به جنبش امل پیوست، و به یکی از عناصر پیشستاز آن درآمد. پس از ناپدید شدن امام موسی صدر در سال ۱۹۷۸ میلادی و گسترش دامنه و پایگاه مردمی جنبش امل، آقای حسینی مسئولیت شاخه دانشجویی جنبش امل در مناطق بقیع و بیروت را بر عهده گرفت، سپس در همان سال مسئولیت امور دانشجویان دانشگاه آمریکایی بیروت بر عهده او واگذار گردید. در پی برگزاری کنگره عمومی سراسری جنبش امل در سال ۱۹۸۴، حسینی به عضویت کمیته مرکزی دانشجویان شاخه جنبش امل برگزیده شد، و دیری نپایید که در سال ۱۹۸۶ مسئولیت سازماندهی تشکیلات مرکزی جنبش امل را بر عهده گرفت، و این مسئولیت را تا سال ۱۹۸۸ ادامه داد. در اواخر سال ۱۹۸۷ اختلافات فکری و سیاسی درباره شیوه مبارزه با رژیم صهیونیستی و محرومیت زدایی از جامعه شیعیان لبنان، جنبش امل را فرا گرفت و حسینی به همراه تعدادی از کادرهای ارشد جنبش امل از این تشکیلات منشعب شد، و راه مستقلى در پیش گرفت. نظر به شناختی که سید علی حسینی از اوضاع و تحولات نیم قرن گذشته لبنان به ویژه مبارزات خستگی ناپذیر شهید حاج عماد مغنیه دارد، شاهد یاران با ایشان گفت و گوی اختصاصی جامعی انجام داده که با هم می خوانیم:



بررسی نقش های سازنده و مؤثر حاج عماد مغنیه در تحولات سه دهه گذشته
لبنان در گفت و گوی اختصاصی شاهد یاران با سید علی حسینی

شهادت حاج رضوان خسارت جبران ناپذیر برای مردم لبنان بود...

وجود ندارد، ولی بر این باورم که شهید حاج عماد مغنیه از دوران جوانی و قبل از تأسیس جنبش امل و حزب الله یک انسان مقاوم و ظلم ستیز بود. همیشه از آرمان محرومان و مستضعفان لبنان و منطقه دفاع می کرد. با جنبش مقاومت فلسطین همکاری داشت. هنگامی که لبنان به اشغال اسرائیلی ها درآمد، حاج عماد مغنیه با همکاری سایر برادران انقلابی به مقاومت بر ضد اشغالگران برخاست. او به طور مستقل و نه سازمان یافته عمل می کرد. در آن مرحله هنوز حزب الله تأسیس نشده بود. ولی به طور تأکید حاج عماد با روش های گوناگون در عملیات مقاومت نقش فعال داشت. در برابر تجاوزگری اسرائیل و پیامدهای آن از جمله استقرار نیروهای بیگانه در لبنان مقاومت کرد.

حاج عماد مغنیه در چه سالی به عنوان یک شخصیت مقاوم و هماهنگ کننده عملیات ضد صهیونیستی مطرح شد؟

نام حاج عماد مغنیه پس از روده شدن هواپیماى مسافربری آمریکایی (TWA) در سال ۱۹۸۵ مطرح شد. تا آن موقع تعداد اندکی او را می شناختند. آمریکایی ها مدعی شده بودند، در پی تحقیقاتی که برای شناسایی ربایندگان هواپیما انجام داده اند، حاج عماد مغنیه را یکی از عاملان هواپیما ربایی معرفی کردند.

اصولاً شیوه کار و فعالیت های حاج عماد مغنیه در آن مرحله نامرئی بود. جز تعداد اندکی از جوانان انقلابی هیچ کس از روش کار او اطلاع نداشت. نباید فراموش کرد که نام عماد مغنیه به عنوان یکی از همکاران گروه هایی که در آن مرحله خود را عضو «سازمان جهانی جهاد اسلامی» معرفی می کردند مطرح گردید. این یک سازمان مستقل بود و هیچ ارتباطی به حزب الله

سیاست گذاری های دولت لبنان داشت؟
عملیات شهادت طلبانه و انهدام پایگاه های نیروهای دریایی آمریکا و فرانسه در لبنان، و نیز سفارت آمریکا در بیروت، نیروهای چند ملیتی را وادار کرد از لبنان فرار کنند. نیروهای آمریکا، فرانسه، انگلیس و ایتالیا با استقرار در لبنان تصمیم داشتند جایگزین نیروهای اسرائیلی شوند. چرا که اسرائیلی ها در پی ضربات کوبنده مقاومت به ناچار از بیروت عقب نشینی کرده بودند. شکی نیست

شیوه فعالیت های حاج عماد مغنیه در آن مرحله نامرئی بود. جز تعداد اندکی از جوانان انقلابی هیچ کسی از روش کار او اطلاع نداشت. نام او به عنوان یکی از همکاران گروه هایی که در آن مرحله خود را عضو «سازمان جهانی جهاد اسلامی» معرفی می کردند مطرح گردید. این سازمان هیچ ارتباطی به حزب الله و جنبش امل نداشت.

که این عملیات نه فقط سیاست گذاری ها و برنامه های دولت لبنان را نقش بر آب کرد، بلکه معادلات بین المللی و منطقه ای را نیز به هم ریخت. رسانه ها و محافل غربی مدعی بودند که این عملیات شهادت طلبانه توسط شهید عماد مغنیه برنامه ریزی و به اجرا گذاشته شد. این ادعاها تا چه اندازه واقعیت دارد؟

بی تردید درباره این موضوع اطلاعات موثق و مستندی

رژیم صهیونیستی برای تحقق اهداف خاصی از جمله تحمیل سازش بر لبنان و جلوگیری از عملیات مقاومت در سال ۱۹۸۲ به این کشور حمله کرد. تداوم عملیات مقاومت چه تأثیری بر عملکرد دولت و تداوم نظام سیاسی لبنان داشت؟

زمانی که اسرائیل به لبنان حمله کرد، کشورمان گرفتار جنگ های داخلی بود. مناطق شرقی و غربی بیروت از هم جدا شده بودند. در آن برهه اختیارات دولت و نظام سیاسی فقط در انحصار رئیس جمهوری قرار داشت. اسرائیلی ها به منظور تحمیل خواسته های خود بر لبنان یک رئیس جمهوری دست نشانده به نام بشیر جمیل بر مسند قدرت نشاندند. ولی چند هفته نگذشته بود که این رئیس جمهوری توسط یک انقلابی لبنانی به نام حبیب الشرتونی عضو «حزب سوری قومی اجتماعی لبنان» به قتل رسید، و آنگاه برادرش امین جمیل به ریاست جمهوری انتخاب شد.

اسرائیل پس از گذشت یکسال از اشغال لبنان، روز هفدهم ماه مه سال ۱۹۸۳ موافقتنامه سازش بر کشورمان تحمیل کرد. دولت لبنان به موجب این موافقتنامه قرار شد رژیم صهیونیستی را برسمیت بشناسد، و میان طرفین روابط دیپلماتیک برقرار شود. این موافقتنامه به تصویب پارلمان و ریاست جمهوری لبنان نیز رسید، ولی در پی قیام همگانی مردم در روز ششم فبریه سال ۱۹۸۳ رئیس جمهوری ناگزیر شد بندهای سیاسی این موافقتنامه را لغو کند. اما اسرائیل همچنان به اشغال لبنان ادامه داد تا اینکه رزمندگان مقاومت اسلامی، آن رژیم را به عقب نشینی از لبنان وادار کردند.

عملیات شهادت طلبانه برضد مراکز و پایگاه های نیروهای چند ملیتی و سفارت آمریکا چه تأثیری بر



طور مستقل عمل کرد. تا اینکه حزب الله شکل گرفت و به آن پیوست.

در حل و فصل درگیری‌ها و کشمکش‌ها میان جنبش امل و جنبش مقاومت فلسطین چه نقشی ایفا کرد؟

نظر به اینکه حاج رضوان یک شخصیت مسلمان و متعهد بود و جنبش امل را یک جنبش اسلامی می‌دانست، می‌کوشید نقش میانجی برای حل اختلافات داشته باشد. بی‌تردید او همگام با برخی از مبارزان نقش مثبت و ارزنده‌ای در حل اختلافات و درگیری‌ها در صحنه جنوب لبنان ایفا کرد.

حضرت آیت الله خامنه‌ای رهبر انقلاب اسلامی در پی شهادت حاج عماد مغنیه پیام تسلیت مهمی فرستادند، و یک هیئت بلند پایه ایرانی در مراسم تشییع این فرمانده شرکت کرد. این پیام و این حضور چه بازتابی در لبنان داشت؟

مقام رهبری و مسئولان جمهوری اسلامی از دستاوردهای حاج عماد مغنیه به ویژه آزادسازی

جنوب لبنان آگاهی کامل دارند. آقای سید حسن نصرالله دبیر کل حزب الله نیز به دستاوردهای حاج عماد مغنیه اشاره کرده و او را قهرمان دو پیروزی بزرگ معرفی کرد. یکی پیروزی سال ۲۰۰۰ و خروج آخرین نظامی اسرائیل از جنوب لبنان، و پیروزی دوم، پیروزی در جنگ ۳۳ روزه ژوئیه سال ۲۰۰۶ بود. رهبری جمهوری اسلامی ایران ارزش این دستاوردها و ابعاد شخصیت حاج عماد مغنیه و نقش او در مقاومت اسلامی را خوب می‌شناسد. نقش حاج عماد در مقاومت ضد صهیونیستی بسیار بزرگ و بی‌نظیر بود.

با شناختی که از روند مبارزه با دشمن صهیونیستی دارید، و لبنان همچنان با تهدیدهای اسرائیل مواجه است، خسارت از دست رفتن حاج عماد را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

به عقیده من فرماندهی و رهبری، به نوعی «ملکه» است. برخی از انسان‌ها از دوران کودکی، استعداد و توانمندی‌های خارق‌العاده دارند، از امتیازات و ویژگی خاصی برخوردارند. این مهارت و توانمندی اکتسابی نیست. حاج عماد از دوران کودکی «ملکه» فرماندهی را داشته است. برخی از همکلاسی‌های او در دوره متوسطه گفته‌اند که حاج عماد دانش آموزی فعال، پر جنب و جوش، مبتکر و ماهر بوده است. این شایستگی‌ها را از سن کودکی داشته است. شکی نیست که هرگاه رهبران یا فرماندهانی همچون عماد مغنیه به شهادت می‌رسند و از دست می‌روند، شکاف بزرگی در جامعه از خود بر جای می‌گذارند. شهادت عماد مغنیه خسارت جبران ناپذیری برای جامعه لبنان و جنبش مقاومت اسلامی بود. این خسارت جبران نمی‌شود، مگر اینکه افرادی در حجم و سطح او ظهور کنند و جایگزین او شوند.

و جنبش امل نداشت.

عماد مغنیه در چه سالی به حزب الله پیوست و به عنوان یکی از فرماندهان مقاومت به وظیفه ملی‌اش برای آزادسازی جنوب عمل کرد؟

همه لبنانی‌ها آگاهند که حاج عماد مغنیه در مبارزه با رژیم صهیونیستی سابقه دیرینه داشته، و پیش از تأسیس حزب الله و جنبش امل، با جنبش فتح و سازمان آزادی بخش فلسطین همکاری می‌کرده است. او آدم صاحب‌نظر و اندیشمند و بر مبنای اعتقادات دینی با دشمنان پیکار می‌کرده است. زمانی که با مقاومت فلسطین همکاری داشت، اصول و موازین شرعی را به شدت رعایت می‌کرد. هنگامی که جنبش امل تأسیس شد، هیچ مسئولیتی در این جنبش نپذیرفت. ولی با تأسیس حزب الله به این حزب پیوست و احساس کرد گمشده خود را در این حزب یافته است.

به هیچ نام و عنوانی در جنبش امل عضویت نداشت؟

گروهی که با حاج عماد مغنیه همکاری می‌کرده‌اند در جنبش امل عضویت داشتند. ولی حاج عماد هیچ مسئولیت سازمانی در جنبش امل نداشت. زیرا مسئولان جنبش امل نسبت به افرادی که سابقه همکاری با مقاومت فلسطین داشتند، حساسیت نشان می‌دادند. حاج عماد مغنیه یکی از مبارزان فعال آن مرحله بود و با برخی از کادرهای نظامی جنبش امل همکاری و همفکری داشت. زمانی که بین جنبش امل و جنبش مقاومت فلسطین در نتیجه اشتباهات فلسطینی‌ها درگیری‌های خونین روی داد، حاج عماد مغنیه به جنبش امل نزدیک شد، و به



ما مرگ را حق می‌دانیم. انسان‌هایی که زندگی و جان خود را وقف مبارزه کرده‌اند روزی از این دنیا می‌روند. ولی حاج عماد مغنیه در زمان حیات خود فرماندهان شجاع، شایسته و توانمندی را به وجود آورد که اکنون راه او را ادامه می‌دهند، تجربه و راهکار او را در پیش گرفته‌اند. شاید در آینده تجربه او را گسترش دهند. اما به هر حال شهادت حاج عماد مغنیه خلأ بزرگی در روند مبارزه به وجود آورد.

علت بروز اختلافات در جنبش امل و انشعاب شما چه بوده است؟

بروز اختلافات دو علت داشت. جنبش امل با هدف تحقق دو آرمان استراتژیک تأسیس شده است. آرمان نخست محرومیت زدایی و توسعه مناطق محروم لبنان بدون در نظر داشتن گرایش‌ها و وابستگی‌های طایفه‌ای مناطق محروم می‌باشد. ولی نظر به اینکه شیعیان بیش از سایر طوایف در محرومیت بسر می‌برند، و مناطق سکونت آن‌ها بیش از سایر مناطق در محرومیت قرار داشت. جنبش امل در درجه اول محرومیت زدایی را روی مناطق شیعه نشین بقاع و جنوب لبنان متمرکز کرد.

آرمان دوم تأسیس جنبش امل، مقابله با تجاوزگری‌های پی در پی رژیم صهیونیستی به لبنان بود. جنبش امل برای رویارویی با این تجاوزگری‌ها لازم بود به مسئولیت اصلی خود عمل نماید. زیرا برای تحقق این خواسته شاخه نظامی «گردان‌های مقاومت لبنان» را به وجود آورده بود. ولی من به همراه مرحوم حاج زکریا حمزه و آقایان مصطفی دیرانی و شیخ ادیب حیدر و احمد حرب و سید نجیب خلف و برخی دیگر از کادرهای رهبری جنبش امل در پی بازنگری عملکرد جنبش امل به این نتیجه رسیدیم که این جنبش، مقابله با تجاوزگری‌های

حاج رضوان از دوران کودکی از «ملکه» فرماندهی برخوردار بود. برخی از همکلاسی‌های او گفته‌اند که حاج عماد دانش آموزی فعال، پر جنب و جوش، مبتکر و ماهر بوده است. این شایستگی‌ها را از سن کودکی داشته است.



آوردن سازمان موازی نیست. ولی رهبران جنبش با این پیشنهاد به شدت مخالفت کرده و آن را نشانه دوگانگی در وابستگی فکری و سازمانی مان عنوان کردند.

در این میان برخی از رهبران جنبش امل اعلام کردند که افراد پیشنهاد دهنده و اصلاح طلب، هم می‌خواهند بخشی از جنبش امل باشند و در عین حال می‌خواهند از جمهوری اسلامی ایران و حزب‌الله طرفداری کنند. ما این ادعاها را به شدت رد کردیم، و گفتیم که هدفمان اجرای دقیق اساسنامه جنبش امل می‌باشد. می‌خواهیم اهداف و برنامه‌های ملی مان را اجرا کنیم، اگر با حزب‌الله درباره ضرورت رویارویی با اسرائیل هم‌عقیده هستیم، نشانگر طرفداری از حزب‌الله نیست. هم‌فکری با حزب‌الله در زمینه رویارویی با اسرائیل برای ما افتخار آفرین است.

رویارویی با اسرائیل بخشی از اساسنامه جنبش امل را تشکیل می‌دهد. ولی رهبری جنبش دیدگاه‌های ما را قبول نداشت و تصمیم گرفت ما را از جنبش اخراج کند. در پی این اقدام، فعالیت‌های خویش را به طور مستقل و در چارچوب مقاومت مؤمنه روی مقابله با اسرائیل متمرکز کردیم. زیرا من یکی از بنیانگذاران و یکی از اعضای شورای فرماندهی مقاومت مؤمنه بودم. مسئولیت بخش‌های سیاسی و اطلاع رسانی جنبش مقاومت مؤمنه را بر عهده داشتیم. ولی مسئولیت فرماندهی عملیات نظامی را برادران دیگری بر عهده داشتند.

در آن مرحله که در جنبش امل مسئولیت داشتید، لبنان شاهد تحولات سرنوشت سازی بود و با رژیم صهیونیستی موافقتنامه سازش امضا کرد. موضع تان با این رویکرد سیاسی دولت مارونی لبنان چگونه بود؟ موافقتنامه سازش با رژیم صهیونیستی روز ۱۷ مه سال ۱۹۸۳ به امضا رسید. کادر رهبری جنبش امل در آن برهه با این موافقتنامه مخالفت کرد، و تلاش‌های دامنه داری را برای لغو آن به عمل آورد. جنبش امل با انتشار جزوهای پیامدهای زیان بخش این موافقتنامه را

هرگاه رهبرانی یا فرماندهانی همچون عماد مغنیه به شهادت برسند و از دست بروند، شکاف بزرگی در جامعه بر جای می‌گذارند. شهادت عماد مغنیه خسارت جبران ناپذیری برای جامعه لبنان و جنبش مقاومت اسلامی بود، و این خسارت جبران نمی‌شود، مگر اینکه افرادی در حجم و سطح او ظهور کنند و جایگزین او شوند.

برای افکار عمومی تشریح کرد. موافقتنامه مزبور عملاً در سال ۱۹۸۴ در نتیجه قیام همگانی مردم لبنان که به «انتفاضه ششم فبریه شهرت داشت لغو گردید. میان رهبری جنبش امل در زمینه ضرورت مقابله با موافقتنامه ننگین ۱۷ مه اتفاق نظر وجود داشت. حزب‌الله و بیشتر احزاب ملی لبنان نیز مخالف امضای موافقتنامه سازش با اسرائیل بودند.

در حقیقت نشانه‌های اختلافات درونی در جنبش امل در سال ۱۹۸۷ بروز کرده بود. اگرچه مشکلاتی از قبل وجود داشت، ولی این مشکلات از طریق گفت‌وگو داخلی حل و فصل می‌شد. در پی سخنان مشهور آقای



غیر قابل توجه دانستیم.

هدفشان در درجه اول اصلاح عملکرد جنبش امل بود؟

در حقیقت راهکارمان در درون جنبش امل اصلاح گرایانه بود. آرزو داشتیم شاخه نظامی جنبش و گردان‌های مقاومت مؤمنه توانمند باشند. برای عملیات مقاومت اولویت قابل باشیم. ولی جنبش امل در آن مرحله به سیاسی کاری روی آورده بود. تعدادی از شخصیت‌های جنبش امل که وارد کابینه لبنان شده بودند، ترجیح می‌دادند. همه‌گونه کارها و تلاش‌ها از کانال دولت و کابینه انجام شود، در حالی که پیکار انقلابی و جنبشی، با کارهای رسمی و دولتی منافات دارد. کار دولتی اقتضا می‌کند که یک جنبش همه اسرار و امکان استقرار و پایگاه‌های خود را به آگاهی دولت برساند. به تعبیری همه امکانات و اسرار خود را فاش کند. این رویکرد با اهداف و برنامه‌های یک جنبش انقلابی مطابقت ندارد. یک جنبش انقلابی باید پنهان‌کاری و اسرار خود را حفظ کند، تا آسیبی به آن وارد نشود.

البته پیش از انشعاب یک راه حل میانه ارائه دادیم. به رهبری جنبش امل اعلام کردیم که مانعی برای اجرای برنامه‌های سیاسی جنبش در چارچوب اساسنامه و در زمینه محرومیت زدایی و برقراری عدالت اجتماعی وجود ندارد. همچنین

پیشنهاد کردیم که شاخه نظامی جنبش در حوزه مقاومت و رویارویی با تجاوزگری اسرائیل مستقل بماند. ولی برخی از کادرهای رهبری این پیشنهاد را نوعی تجزیه طلبی و ایجاد شکاف در درون جنبش عنوان کردند. ما به آنان گفتیم که با این پیشنهاد می‌خواهیم شاخه نظامی و گردان‌های مقاومت را مصون بداریم. هدفمان انشعاب و به وجود

اسرائیل را از اولویت برنامه‌های سیاسی و نظامی خود خارج کرده است. به همین دلیل در سال ۱۹۸۷ همکاری با جنبش امل را متوقف کردیم.

سید حسین موسوی (ابو هشام) نیز همراه شما از جنبش امل منشعب شد؟

خیر، ابو هشام در سال ۱۹۸۲ و پس از یورش اسرائیل به لبنان از جنبش امل جدا شد، و جنبش امل اسلامی را تأسیس کرد که در پی تأسیس جنبش امل اسلامی، هسته‌های حزب‌الله نیز از درون این جنبش شکل گرفتند. این اولین انشعابی بود که در جنبش امل روی داد، و در نتیجه آن برخی از کادرهای رهبری از آن جدا شدند، و حزب‌الله را به وجود آوردند. من در آن برهه در جنبش امل حضور فعال داشتم، و با همکاری برادران یاد شده در صدد بودیم در درون جنبش امل به اصلاحاتی دست بزنیم، و در برنامه‌ها و راهکارهای آن تجدید نظر کنیم، ولی به علت اصرار رهبری جنبش مبنی ادامه خط مشی خود، موفق نشدیم، و سرانجام تصمیم گرفتیم از جنبش کناره‌گیری کنیم. رهبری جنبش امل نیز در سال ۱۹۸۸ در واکنش به کناره‌گیری مان، با انتشار بخشنامه داخلی اعلام کرد که من و افراد یاد شده را از جنبش طرد کرده است. در پی این تصمیم افراد بسیاری از اعضا و رزمندگان و هواداران جنبش امل به ما پیوستند.

آیا در پی این انشعاب بود که جنبش مقاومت مؤمنه را به وجود آوردید؟

خیر مقاومت مؤمنه بخشی از شاخه نظامی جنبش امل بود و اطاق عملیاتی و فرماندهی «گردان‌های مقاومت لبنان را بر عهده داشت.

پس از انشعاب از جنبش امل هیچ تشکیلاتی را به وجود نیاوردید؟

خیر... به این دلیل که ما خود را کادرهای اساسی جنبش امل اصلی می‌دانستیم، و با هرگونه انشعاب مخالف بودیم. بر مبنای دیدگاه‌ها و مواضع سیاسی خود به پیشبرد اهداف و برنامه‌های شاخه نظامی جنبش امل گام برداشتیم. در پی این انشعاب برخی فرماندهان و رزمندگان شاخه نظامی مقاومت مؤمنه به ما پیوستند و کار رویارویی با تجاوزگری‌های مستمر اسرائیل به جنوب لبنان و تلاش برای آزادسازی سرزمین‌های اشغالی جنوب را از سر گرفتیم.

این انشعاب چه تأثیری بر روند حرکت و موجودیت جنبش امل داشت؟

این کناره‌گیری را انشعاب نمی‌نامیم. مسئولان جنبش امل به علت دیدگاه‌ها و باورهای مترقیانه‌مان، ما را از جنبش اخراج کردند. این اقدام را در آن مرحله غیر قانونی و



فرنجیه کرامی بری جنبلاط

اجرای اصلاحات در قانون اساسی بود. زیرا سه طرف اصلی امضا کننده این موافقتنامه نقش اساسی در ادامه جنگ و بحران لبنان داشتند.

به هر حال در زمانی که در تهران بسر می بردیم بار دیگر درباره تایید و یا عدم تایید موافقتنامه سه جانبه دمشق، میان نمایندگان جنبش امل و حزب الله اختلاف نظر بروز کرد. در تهران از نمایندگان جنبش امل خواسته شد بیانیه ای منتشر کند و موافقتنامه سه جانبه دمشق را رد نماید. به برادران ایرانی گفتیم که این غیر ممکن است. ولی در نتیجه امضای موافقتنامه سه جانبه دمشق، موافقتنامه دو جانبه حزب الله و جنبش امل در تهران به حال تعلیق در آمد، و پس از بازگشت به بیروت جلسات بحث و گفت و گو را ادامه دادیم و به توافق رسیدیم چنانچه اختلافی درباره شیوه عمل مقاومت در جنوب بروز کند، آن را به مراجع دینی لبنان ارجاع دهیم تا آنان در این باره قضاوت کنند.

اساسنامه های جنبش امل و حزب الله تا حدودی با یکدیگر شباهت دارند، پس علت اختلافات میان دو جنبش بر سر چه مسائلی بوده است؟

در حقیقت زمانی که در شورای رهبری جنبش امل و مقاومت مؤمنه حضور داشتیم، همواره این دیدگاه را مطرح می ساختیم. همواره گوشزد می کردم که اصل تأسیس جنبش امل توسط امام موسی صدر و اصل تأسیس حزب الله باهم متفاوت نیستند. شاید شرایط زمانی و مکانی اقتضا کرده که این دو جنبش تاکتیک شان و نه استراتژی شان را تغییر دهند. ولی برخی رهبران جنبش امل در آن مرحله بر خلاف این دیدگاه رفتار می کردند. ما جناح اصلاح طلب در شورای رهبری جنبش امل در موضوع لزوم تداوم مقاومت با برادران حزب الله هم فکر و هم عقیده بودیم. در حالی که به برخی کادرهای جنبش امل در خصوص این موضوع اختلاف نظر داشتیم.

درباره مشارکت سیاسی در دولت لبنان چه موضعی داشتید؟

در خصوص ورود به کابینه و مشارکت در تصمیم گیری های سیاسی، همواره بر لزوم مشارکت سیاسی شیعیان در حکومت لبنان تاکید می کردیم. در حالی که حزب الله در آن مرحله با هر گونه مشارکت سیاسی در کابینه و پارلمان مخالف بود. زیرا این نظام را مارونی و غیر قابل قبول می دانست. در برخی مسائل هم با رهبری جنبش امل اختلاف نظر داشتیم ولی با اصل ضرورت محرومیت زدایی و برقراری عدالت اجتماعی و تداوم مقاومت در برابر اسرائیل و لزوم آزادسازی سرزمین های اشغالی جنوب با حزب الله هم عقیده بودیم.

اوضاع عمومی لبنان را در آن مرحله، چگونه ارزیابی می کنید؟

شکی نیست که لبنان همواره در معرض تجاوزگری های دشمن صهیونیستی قرار دارد. اسرائیل پیش از حمله گسترده سال ۱۹۸۲ به لبنان، چند بار به کشورمان حمله کرده و بخش های وسیعی از این سرزمین را اشغال کرده است. اولین بار در سال ۱۹۸۷ بخشی از جنوب لبنان را تا رودخانه لیتانی اشغال کرد و در پی این حمله قطعنامه ۴۲۵ شورای امنیت سازمان ملل متحد صادر شد، و به موجب آن از اسرائیل خواسته شد از جنوب لبنان عقب نشینی کند. اسرائیل از اجرای این قطعنامه خودداری کرد و سرزمین هایی به عمق ۱۰ تا ۳۰ کیلومتری جنوب را به بهانه حفظ امنیت شهرک های یهودی نشین

مقابل ما در رهبری جنبش امل این موضع گیری را به نفع حزب الله تعبیر کرد. از ما خواستند در همه امور خیر و شر با کادر رهبری جنبش هم گام و هم فکر باشیم. مطیع بی قید و شرط رئیس جنبش امل باشیم. به آنان گفتیم که ما از حق طرفداری می کنیم. اگر حق با حزب الله است از آن دفاع خواهیم کرد و اگر حق با جنبش امل است. از این جنبش دفاع می کنیم. ولی با هر گونه درگیری مخالف هستیم.

در آن مرحله برای رسیدگی

به اختلاف نظرها میان حزب الله و جنبش امل و حل و فصل منطقی آن ها، با میانجیگری مسئولان جمهوری اسلامی ایران یک کمیته مشترک تشکیل دادیم. بنده و آقایان مصطفی دیرانی و شیخ ادیب حیدر و عاطف عون از جنبش امل در این کمیته عضویت داشتیم.

از حزب الله چه کسی در این کمیته عضویت داشت؟
از حزب الله آقایان سید ابراهیم امین السید، رئیس کنونی شورای سیاسی حزب الله و حسین الخلیل معاون سیاسی دبیر کل حزب الله و محمد فنیس وزیر کنونی نفت لبنان در این کمیته عضویت داشتند. اعضای این کمیته در وزارت امور خارجه ایران در تهران چند دور جلسه تشکیل داده و در زمینه ضرورت تداوم عملیات مقاومت ضد صهیونیستی موافقتنامه ای امضا کردند. همزمان با



حسین حسینی رئیس وقت جنبش امل در مراسم نهمین سالگرد ناپدید شدن امام موسی صدر که روز ۳۱ اوت سال ۱۹۸۷ در شهر صور در جنوب لبنان برگزار گردید، اختلاف ریشه ای جنبش امل را فسر گرفت. من در آن مقطع تاریخی کنفرانس مطبوعاتی تشکیل دادم و اعلام کردم که اظهارات حسین حسینی بیانگر دیدگاه های جنبش امل نیست، و دیدگاه های شخصی اوست. ولی در آوریل ۱۹۸۸ و در پی بروز مشکلات و درگیری های خونین بین جنبش امل و حزب الله در جنوب لبنان با این درگیری ها به شدت مخالفت کردم. بر این باور بودم که هر گونه تنش و درگیری بین دو جناح شیعه لبنان باید از طریق گفت و گو حل شود. با اخراج حزب الله و مقاومت اسلامی از جنوب لبنان به شدت معترض بودم. هنگامی که این درگیری ها آغاز شد و کادرهای سیاسی حزب الله از جنوب لبنان اخراج شدند، با این برخورد به شدت اعتراض کردم. رهبری جنبش امل این اعتراض را نشانگر طرفداری و تایید حزب الله و به زیان جنبش امل تلقی کرد. به آنان گفتیم اینطور نیست. من با هر گونه درگیری مخالف هستم، زیرا مسئله حفظ و تداوم جنبش امل برای همه مردم حایز اهمیت است. مقاومت بخشی از اهداف و آرمان های ملی و دینی جنبش امل را تشکیل می دهد.

علت درگیری های جنبش امل و حزب الله بر اثر دخالت پیگانگان بوده است؟

گمان نمی کنم که بر اثر دخالت محافل خارجی بوده است. جنبش امل و حزب الله به طور مشترک در صحنه لبنان فعالیت دارند. مناطق شیعه نشین جنوب و بقاع و بیروت حوزه فعالیت های آن دو جنبش را تشکیل می دهد. جنبش امل از نظر روحی گمان می کرده که پیشستاز مبارزات شیعیان لبنان بوده و اکنون حزب الله به عنوان یک رقیب قوی و فعال در صحنه ظاهر شده است.

ما به عنوان جناح اصلاح طلب در شورای رهبری جنبش امل، در آن مرحله سعی کردیم دیدگاه های طرفین را به یکدیگر نزدیک کنیم. به سایر رهبران جنبش امل گفتیم که حزب الله اکنون به یک واقعیت تبدیل شده و باید آن را بپذیریم. بیایید با همکاری یکدیگر تلاش مان را روی تحقق دو هدف محرومیت زدایی و مقابله با تجاوزگری اسرائیل و آزادی جنوب لبنان متمرکز کنیم. در این زمینه میدان پیکار و رقابت باز است و هر کسی که مایل است در حوزه های یاد شده رقابت کند بفرماید. ولی جناح

ما به عنوان جناح اصلاح طلب در شورای رهبری جنبش امل، سعی کردیم دیدگاه های طرفین را به یکدیگر نزدیک کنیم. به رهبران جنبش امل گفتیم که حزب الله به یک واقعیت تبدیل شده و باید آن را بپذیریم. بیایید با همکاری یکدیگر تلاش مان را روی محرومیت زدایی و مقابله با تجاوزگری اسرائیل و آزادی جنوب لبنان متمرکز کنیم.

امضای این موافقتنامه در تهران، موافقتنامه دیگری در دمشق به عنوان «موافقتنامه سه جانبه میان نمایندگان احزاب عضو جنبش ملی لبنان به امضا رسید.

چه افراد و جریاناتی موافقتنامه دمشق را امضا کردند؟

آقایان نبیه بری رئیس جنبش امل، ولید جنبلاط رئیس حزب سوسیالیست ترقی خواه دروزی و ایلی حبیقه فرمانده گروه شبه نظامیان «القوات اللبنانیة» شاخه نظامی حزب فالانژ این موافقتنامه را امضا کردند. برخی از نمایندگان احزاب و سازمان های سیاسی مسلمان و مسیحی و تعدادی از سیاستمداران لبنانی هنگام امضای موافقتنامه سه جانبه حضور داشتند.

هدف از امضای این موافقتنامه چه بود؟
هدف اصلی آن توقف جنگ های داخلی در لبنان و

مقاومت برنامه‌ریزی و به اجرا گذاشته شد. گروه‌های جنگ پارتیزانی سازماندهی شدند. پس از گذشت شش ماه هسته‌های حزب‌الله به وجود آمد و عملیات مقاومت ابعاد تازه و نوین به خود گرفت، و با اجرای یک رشته عملیات شهادت طلبانه و کیفی راهش را ادامه داد.

چند ماه طول کشید تا مقاومت اسلامی توانست به صورت منظم عملیات ضد صهیونیستی را آغاز کند؟
از اولین لحظه‌ای که نظامیان دشمن به منطقه الدامور در ۱۵ کیلومتری جنوب بیروت رسیدند، عملیات مقاومت آغاز شد. تعدادی از سربازان اسرائیلی در مقابل مرکز آموزشی الزهراء (س) وابسته به امام موسی صدر واقع در منطقه خلده در ۱۰ کیلومتری جنوب بیروت کشته و یا اسیر شدند. در پی این عملیات پیشروی نظامیان اسرائیل به سمت بیروت از این محور بکلی متوقف شد. اسرائیلی‌ها ناچار شدند از طریق مناطق دروزی نشین و مسیحی نشین استان جبل لبنان به سمت بیروت پیشروی کنند، و در ماه سپتامبر وارد بیروت شوند. این نشان می‌دهد که اسرائیلی‌ها پس از گذشت چهار ماه از آغاز حمله به لبنان نتوانستند وارد بیروت شوند. بی‌تردید ورود اسرائیلی‌ها به بیروت کار آسان و ساده‌ای نبوده، و نتوانستند بیش از سه ماه در این شهر ماندگار شوند.

چه جریان‌اتی در عملیات مقاومت در منطقه الدامور شرکت داشتند؟

نیروهای اصلی که در محور الدامور در برابر پیشروی سربازان اسرائیلی مقاومت کردند یکی از پایگاه‌های «گردان‌های مقاومت لبنان وابسته به جنبش امل» در منطقه بودند. تعدادی از شبه نظامیان وابسته به برخی احزاب لبنانی و مقاومت فلسطین و سربازان سوریه نیز در رویارویی با اسرائیلی‌ها در این محور حضور داشتند. تعدادی از سربازان سوریه در این رویارویی‌ها به شهادت رسیدند. ولی برجسته‌ترین نیروهای اصلی که در این درگیری‌ها مردانه جنگیدند، به جنبش امل وابسته بودند. در این درگیری‌ها برای اولین بار تعدادی از تانک‌ها و جنگ افزارهای قابل استفاده اسرائیلی‌ها به غنیمت گرفته شد که در تاریخ جنگ‌های پیشین اعراب با اسرائیل سابقه نداشته است.

اسیران اسرائیلی چه سرنوشتی داشتند؟

نیروهای مقاومت به اجساد ۷ تن از سربازان اسرائیلی دسترسی پیدا کردند. ولی از سرنوشت آن‌ها خبری ندارم.

عملیات استشهادهای در چه تاریخی آغاز شد؟

اولین عملیات شهادت طلبانه توسط شهید احمد قصیر در سال ۱۹۸۲ در شهر صور انجام شد. در این حمله مرکز فرماندهی نظامیان صهیونیست منفجر شد و حدود ۱۲۰ تن از افسران و درجه داران و کومانده‌های ارتش اسرائیل کشته شدند.

شهید احمد قصیر با چه گروهی همکاری می‌کرده است؟

در آن مرحله سرنوشت‌ساز بخش وسیعی از کادرهای مؤمن و متعهد درون جنبش امل، پس از تشکیل «هیئت نجات ملی و بروز انشعاب در جنبش امل، هسته‌های مقاومت را به وجود آوردند. شهید احمد قصیر یکی از انقلابیونی بود که به هیئت نجات ملی پیوست، و این عملیات شهادت طلبانه را انجام داد. نام احمد قصیر تا زمان عقب نشینی اسرائیل از بخش وسیعی از جنوب لبنان و به علت سکونت همه افراد خانواده و بستگان او در جنوب چند سال پنهان مانده بود. ■



شد که توده مردم جنوب از احزاب چپ‌گرای لبنانی و برخی جناح‌های جنبش مقاومت فلسطین متغیر شوند. اسرائیل نیز از این درگیری‌ها و از جو متشنج جنوب بهره برداری کرد و به لبنان یورش آورد. اعضا و هواداران احزاب یاد شده و نیروهای فلسطینی که انواع اسلحه در اختیار داشتند و در محورهای جنوب مستقر بودند، در برابر پیشروی نظامیان اسرائیل، اسلحه‌شان را زمین گذاشتند و از جنوب فرار کردند.

از سوی دیگر اهالی روستاهای جنوب اسلحه در اختیار نداشتند. زیرا احزاب لبنانی و گروه‌های فلسطینی به مردم اجازه حمل اسلحه نمی‌دادند، مگر در برخی روستاهای بخصوصی که نزدیک مرز فلسطین اشغالی قرار دارند. بنابراین مردم نتوانستند در برابر یورش اسرائیلی‌ها مقاومت کنند. مردم شوکه شده بودند. ولی پس از گذشت حدود یکماه از حالت شوک و سردرگمی به هوش آمده، و دیری نپایید که عملیات مقاومت با رهنمودهای روحانیون و شخصیت‌های بزرگ شیعی بر ضد اشغالگران صهیونیست آغاز شد. مردم در اولین روزهای تجاوز اسرائیلی‌ها به لبنان با سنگ و چوب و روغن جوشیده به آنان حمله می‌کردند. ولی پس از گذشت چند ماه شیوه جدیدی در عملیات

اولین عملیات شهادت طلبانه توسط شهید احمد قصیر در سال ۱۹۸۲ در شهر صور انجام شد. در این حمله مرکز فرماندهی نظامیان صهیونیست منفجر شد و حدود ۱۲۰ تن از افسران و درجه داران و کومانده‌های ارتش اسرائیل کشته شدند.

شمال فلسطین اشغالی در اشغال خود نگه داشت. مردم جنوب لبنان وظیفه خود می‌دانستند برای آزادسازی سرزمین‌های اشغال شده‌شان با اسرائیل بجنگند، که در پی این تصمیم گروه‌های مقاومت شکل گرفتند. ولی حمله سال ۱۹۸۲ بسیار گسترده بود و نظامیان اسرائیل تا بیروت پیشروی کردند.

چرا پیشروی اسرائیل تا بیروت با هیچ مقاومتی روبرو نشد؟

چند هفته قبل از یورش اسرائیل، در جنوب لبنان میان نیروهای جنبش امل و برخی گروه‌ها و سازمان‌های فلسطینی درگیری‌های خونین روی داد. فلسطینی‌ها با همکاری شبه نظامیان برخی احزاب چپ‌گرای لبنانی به روستاهای جنوب لبنان یورش بردند و ساکنان برخی این روستاها را قتل عام کردند.

گفته شده که عوامل اسرائیل به این درگیری‌ها دامن زدند تا زمینه یورش به لبنان را هموار کنند. این گفته تا چه اندازه واقعیت دارد؟

این تحلیل درستی است! پس از یورش اسرائیل به لبنان، به روشنی مشخص شد که عوامل دامن زدن به درگیری‌ها و حمله‌های فلسطینی‌ها به روستاهای امن و بی‌دفاع جنوب، به صف مزدوران و گروه‌های شبه نظامی اسرائیل مستقر در کمربند امنیتی پیوستند. نشان داد که این عوامل ضمن فعالیت در پوشش نیروهای مقاومت فلسطین و احزاب جنبش ملی و احزاب چپ‌گرا، برای اسرائیل هم جاسوسی می‌کرده‌اند. این درگیری‌ها سبب



• درآمد

در بازنگری ادبیات حزب الله لبنان و جنبش جهاد اسلامی فلسطین ملاحظه خواهیم آن دو جنبش انقلابی در کنار انقلاب اسلامی ایران مثلث «اسلام - مقاومت - پیروزی» را تشکیل می دهند. اکنون تجربه این مثلث بر برکت از سه دهه پیش تاکنون برای سایر ملت های مسلمان و مستضعفان جهان الگو و سرمشق شده است. در عصر حاضر که قدس عزیز، نخستین قبیله مسلمانان زیر یوغ صهیونیست های اشغالگر قرار گرفته، و شبانه روز به آن هتک حرمت می شود، یا در خطر انهدام جدی قرار گرفته است، تحکیم و پیوستگی پایه های این مثلث بیش از پیش ضروری به نظر می رسد. ابو عماد الرفاعی نماینده جنبش جهاد اسلامی فلسطین در لبنان در گفت و گوی اختصاصی با شاهد یاران نقش ارزنده حاج عماد مغنیه در همیاری ملت مقاوم فلسطین را تشریح کرده است:



■ **نگاهی به نقش حاج رضوان در همیاری مقاومت ملت فلسطین در گفت و گوی اختصاصی شاهد یاران با ابو عماد الرفاعی نماینده جنبش جهاد اسلامی فلسطین در لبنان**

اسطوره های که به بلندای تاریخ جاودان خواهد ماند...

خورده و لازم است روش ها و ابتکارات جدیدی را به کار گرفت، تا به رغم امکانات متواضعانه، ضربات دردناک و کمر شکنی بر پیکر دشمن وارد آورد. جنبش های فلسطینی خداوند بزرگ را سپاس می گویند که در این زمینه موفق بوده اند. روابط حاج عماد مغنیه با جنبش مقاومت فلسطین که از ابتدای دهه هفتم قرن بیستم در لبنان حضور یافت چگونه ارزیابی می کنید؟

بررسی این مرحله از حیات شهید حاج عماد مغنیه بسیار حایز اهمیت است. زیرا در این مرحله سرنوشت ساز بود که حاج عماد خود را شناخت و به آرمان فلسطین روابط صمیمانه برقرار کرد. در این مرحله بود که حاج رضوان به انقلاب فلسطین پیوست و زندگی تازه ای بر مبنای جهاد و مقاومت آغاز کرد. نظر به اینکه او در روستای طیر دبا در نزدیکی مرز فلسطین اشغالی تولد یافته و آوارگی دستجمعی دهها هزار شهروند فلسطینی را شاهد بوده است. زود هنگام و از زمانی که آگاهی و شناخت او شکل گرفت با مقاومت فلسطین ابراز همدردی و نوع دوستی کرد. به صفوف رزمندگان مقاومت فلسطین پیوست، تا در دفاع از ملتی که سرزمین او غصب شده و حقوق او از بین رفته با عوامل استکبار جهانی و صهیونیسم بین المللی به مقابله برخیزد.

اما چند سالی نگذشته بود که دشمن صهیونیستی هزاران تن از هموطنان حاج عماد مغنیه و ساکنان روستاهای جنوب لبنان را آواره کرد و روستاهای آنان را ویران و یا به آتش کشید. تنها گناه مردم جنوب لبنان این بود که با آغوش باز پذیرای رزمندگان مقاومت فلسطین شده بودند و از آرمان های مقدس اسلامی پشتیبانی می کردند. جنایات پی در پی رژیم صهیونیستی در جنوب لبنان باعث شد که حاج عماد مغنیه به جنبش مقاومت فلسطین (فتح) بپیوندد، و بیدرنگ با درجه افسری به نیروی ویژه ۱۷ معرفی شود.

حاج رضوان در سال ۱۹۸۲ شاهد پورش نظامی گسترده ارتش رژیم صهیونیستی به لبنان بوده که در نتیجه آن رزمندگان مقاومت فلسطین به ناچار از این کشور اخراج شدند. ولی حاج عماد تصمیم گرفت در میهن خود بماند و به طور مستقل ابتکارات و روش های دیگری از عملیات مقاومت را جایگزین نمایند. زیرا در چنین شرایطی لبنان از یکطرف به اشغال صهیونیستها درآمده بود و از طرف دیگر نیروهای چند ملیتی برای تحمیل سلاش میان دولت لبنان و رژیم صهیونیستی به این کشور لشکرکشی کرده بودند. بنابراین حاج عماد مغنیه دست به کار شد و کارش را از صفر آغاز کرد. برای رویارویی با اشغالگران

خود را از دوران جوانی وقف آرمان فلسطین کرد. بفرمایید که جنبش جهاد اسلامی چه دیدگاهی به ایشان دارد؟ هنگامی که درباره شهید حاج رضوان سخن می گوئیم، درباره همه نمادها و نشانه ها و افتخارات ارزشمند پایداری، فداکاری و مقاومت سخن می گوئیم. شکی نیست که حاج عماد مغنیه نقش بسزائی در سازماندهی جنبش مقاومت فلسطین ایفا نموده است. اکنون مبارزان فلسطین در ادامه راه مبارزه و جهاد و مقاومت پرچم عماد مغنیه را به دست گرفته، و این راه پر فراز و نشیب را تا پیروزی نهایی ادامه می دهند. من مطمئن هستم که نقش و فداکاری او در پیشبرد مبارزه با دشمن صهیونیستی در آینده نزدیک آشکار خواهد شد. زیرا او چگونه آزاد زیستن و چگونه مستقل بودن و چگونه مردن را به ما آموخت.

در این گفت و گو لازم می دانم به این نکته نیز اشاره کنم که حاج عماد مغنیه نه فقط با جنبش جهاد اسلامی فلسطین روابط قوی داشت، بلکه با همه جنبش ها و سازمان های مقاومت فلسطین همکاری می کرد. از ارائه هرگونه کمک فکری و لجستیکی و کارشناسی دریغ نداشت. تجربیات جهادگرانه ۳۰

هنگامی که درباره شهید حاج رضوان سخن می گوئیم، درباره همه نمادها و نشانه ها و افتخارات ارزشمند پایداری، فداکاری و مقاومت سخن می گوئیم. او نقش بسزائی در سازماندهی جنبش مقاومت فلسطین ایفا نمود. مبارزان فلسطین در ادامه راه جهاد و مقاومت پرچم عماد مغنیه را به دست گرفته، و این راه را تا پیروزی نهایی ادامه می دهند.

ساله اش را در اختیار ملت فلسطین قرار داد. به کسانی که از این مبارزه خستگی ناپذیر شناخت ندارند می گویم که مقاومت اسلامی لبنان الهام بخش مقاومت فلسطین بوده و هست. تجربه عملیات شهادت طلبانه و سایر روش های مبارزاتی توسط حاج عماد مغنیه و سایر برادران مجاهد و ایثارگر او به صحنه فلسطین منتقل شد. شهید مغنیه و سایر انقلابیون فلسطینی در مراحل گذشته مبارزه به خوبی درک کرده بودند که موازنه قدرت به نفع دشمن صهیونیستی و مدافعان غربی او رقم

عماد مغنیه چه جایگاهی در قضیه فلسطین داشت و فلسطینی ها چه دیدگاهی به او دارند؟

شکی نیست که ارتباط عماد مغنیه با فلسطین بر مبنای عشق به این آرمان مقدس و فداکاری پیوند خورده بود. به میزانی که او به آرمان فلسطین عشق می ورزید، مردم فلسطین نیز به همان میزان به او عشق ورزیدند... زیرا او از نزدیک دردها و رنج های ملت فلسطین را بر اثر فاجعه سال ۱۹۴۸ (سال اعلام موجودیت رژیم صهیونیستی) و شکست اعراب در جنگ ژوئن سال ۱۹۶۷ در برابر اسرائیل را شاهد بوده است. حاج عماد مغنیه جنایات دشمن صهیونیستی در دهه های هفتم و هشتم قرن بیستم بر ضد ملت های لبنان و فلسطین را با چشم دیده است. مظلومیت ملت فلسطین و قتل عام هایی که رژیم صهیونیستی بر علیه ملت های خاورمیانه مرتکب شده به حاج عماد مغنیه انگیزه داد تا به جنبش های مقاومت بپیوندد و با اشغالگری و بی عدالتی مبارزه کند. در رویارویی با کیان غاصب به خط جهاد ایمان آورد، و بر ایمان خود استوار ماند. بی تردید حضور او در صفوف رزمندگان مقاومت اسلامی لبنان هیچ تأثیری بر نقش او در زمینه پشتیبانی از مقاومت فلسطین نداشت. چه بسا تجربیات سال های طولانی مبارزه و توانمندی های خود را در اختیار مجاهدان فلسطین قرار داد.

فلسطینی های مبارز و متعهد فراموش نمی کنند که حاج عماد مغنیه زندگی خود را وقف آرمان فلسطین کرده بود و این نشان می دهد که تا چه اندازه بر اهمیت آرمان مقدس و جایگاه و ویژگی فلسطین از نظر ملت های عرب و مسلمان شناخت داشته است. توجه او به قضیه فلسطین و تلاش برای آزادی قدس شریف و سایر سرزمین های اشغالی از میزان آگاهی و شناخت و روشن بینی او نسبت به ابعاد این رویارویی فکری، عقیدتی، تاریخی و سیاسی ناشی بوده است. جنبش جهاد اسلامی فلسطین اطمینان کامل دارد که این مرد بزرگ جان و اندیشه و همه تلاش خستگی ناپذیر خود را وقف دفاع از ملت مظلوم فلسطین کرده بود. این ملت هرگز یاد و نقش حاج عماد مغنیه را فراموش نخواهد کرد. ملت مان بر این باور است که شهید مغنیه همچنان در روح و جان رزمندگان مقاومت فلسطین زنده است. نام او بر گلوله ها و موشک های مجاهدان فلسطینی حک شده است. اثر انگشت او در همه عملیات شهادت طلبانه در سرزمین های اشغالی نقش بسته است. من معتقدم که حاج عماد مغنیه نماد برجسته و چراغ راه ملت فلسطین و بهترین پشتیبان جنبش های مقاومت در این سرزمین است.

شما به این نکته اشاره کردید که حاج عماد مغنیه زندگی



غزه در سال ۲۰۰۵ داشت.
ابعاد شخصیت عماد مغنیه را چگونه ارزیابی می‌کنید؟
ماهیت تلاش و پیکار و شرایط دقیق زندگی حاج عماد مغنیه از او یک شخصیت استثنایی به وجود آورده بود. از سوی دیگر به علت وضعیت استثنایی و پنهان کاری سبب شده بود که افراد اندکی از او شناخت داشته باشند. به همین دلیل محافل امنیتی آمریکا و رژیم صهیونیستی همواره او را «شیخ» می‌نامیدند که خواب راحت را از چشمان صهیونیست‌ها و

مستکبران ربوده است. فراموش نکنیم که در سال‌های اخیر گفته شده که سرویس‌های امنیتی و جاسوسی ۴۲ کشور دنیا در جستجو و تعقیب او شرکت داشتند، تا فعالیت‌های جهادگرانه او را متوقف کنند. او نیز برای اینکه همه تلاش‌های محافل غربی و اسرائیلی را خنثی کند در انتظار عموم ظاهر نمی‌شد و مبارزات خود را در دفاع از آرمان‌ها و اهداف عادلانه امت مخفیانه ادامه می‌داد.

با این وجود افراد معدودی که از حاج عماد مغنیه شناخت دارند، او را انسانی خوش قلب، شاد، آرام و مطمئن توصیف کرده‌اند. این افراد گفته‌اند که شهید مغنیه به رغم قاطعیت و سرسختی که نسبت به دشمنان نشان می‌داد، ولی با مردم مهربان بود و سنجیده و حساب شده عمل می‌کرد. با اصرار و قاطعیت همه مشکلات و دشواری‌ها را پشت سر می‌گذاشت. مهمتر از همه این ویژگی‌ها که به آنان اشاره کردم، او انسانی مؤمن و متعهد بود. در همه کارها به خداوند توکل می‌کرد برای تقویت روح و فکر استثنایی خود از خدای بزرگ کمک می‌گرفت.

ویژگی دیگر شهید عماد مغنیه که هرگز نمی‌توان آن را نادیده گرفت، شناخت و آگاهی او از ماهیت و ابعاد رویارویی ملت‌های مسلمان با رژیم صهیونیستی بود. او به منظور گسترش

ویژگی شهید عماد مغنیه که هرگز نمی‌توان آن را نادیده گرفت، شناخت و آگاهی او از ماهیت و ابعاد رویارویی ملت‌های مسلمان با رژیم صهیونیستی است. او به منظور تحکیم پایه جهاد با دشمنان اسلام، مرزهای جغرافیایی و مذهبی را در نوردید، و با جهان‌بینی روشن به مسائل جهان اسلام نگاه کرد. برای تحقق وحدت امت اسلامی گام برداشت.

و تحکیم پایه جهاد و مبارزه با دشمنان امت اسلامی، مرزهای جغرافیایی و مذهبی را در نوردید، و با جهان‌بینی باز و روشن به مسائل جهان اسلام نگاه کرد. از زاویه تنگ و محدود به مسائل نگاه نمی‌کرد. برای تحقق وحدت اسلامی در چارچوب امت یکپارچه و برخورداری از یک سرنوشت مشترک گام برداشت. آرمان فلسطین همیشه در ذهن و طرز فکر او زنده و حاضر بود و با همه گروه‌ها و جناح‌ها و سازمان‌های مبارز فلسطینی همکاری می‌کرد.

چرا رژیم صهیونیستی تاکنون مسئولیت ترور عماد مغنیه را به عهده نگرفته است؟

برای پاسخ به این پرسش باید تاکید کرد که طرح ترور حاج عماد مغنیه توسط دشمن صهیونیستی برنامه ریزی و به مورد

بین‌المللی هسته‌های عملیاتی تشکیل داد که نیروهای وابسته به این هسته‌ها چند سال بعد سازمان شبه نظامی مقاومت اسلامی را به وجود آوردند.

آیا اطلاع دارید که عماد مغنیه از چه سالی مورد پیگیری سرویس‌های امنیتی و جاسوسی بین‌المللی قرار گرفت؟
شاید در سال ۱۹۸۳ و در پی دو عملیات بزرگ شهادت طلبانه که در جریان آن پایگاه‌های نیروهای آمریکایی (مارنیز) و نیروهای فرانسوی در بیروت منفجر شدند. سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا) در پی آن عملیات، نام عماد مغنیه را در فهرست عاملان برنامه‌ریزی و اجرای این دو عملیات قرار داد. در نتیجه این پیشداوری دولت آمریکا، اتهامات گوناگون از سوی محافل امنیتی و سرویس‌های جاسوسی غربی و اسرائیلی به سوی حاج عماد مغنیه سرازیر شد، و این سرویس‌ها تلاش‌های مذبوحانه و گسترده‌ای را به منظور شناسایی ردپای او آغاز کردند، ولی حاج عماد مغنیه به مدت ۲۵ سال از انظار پنهان شد و سرویس‌های جاسوسی آمریکا و موساد اسرائیل را سردرگم کرد.

به نظر شما عماد مغنیه چه تحولی در زمینه رویارویی با اسرائیل در لبنان و فلسطین ایجاد کرد؟

من معتقدم که حاج عماد مغنیه، این مجاهد شجاع بر این باور بود که عزت و سربلندی امت اسلامی تنها با از بین رفتن این غده سرطانی، از سرزمین عروج پیامبر در بیت المقدس تحقق می‌یابد. بر اساس این باورها، ضمن شناخت زود هنگام خطر طرح‌های صهیونیستی در لبنان و فلسطین و بر سایر ملت‌های اسلامی جهان، راه مقاومت را در پیش گرفت و مقاومت را تنها گزینه راهبردی برای پایان دادن به موجودیت کیان غاصب صهیونیستی در فلسطین دانست. عماد مغنیه بر اساس این دیدگاه، قضیه فلسطین را آرمان مرکزی امت اسلامی می‌دانست و همه امکانات و توان فکری خویش را برای تحقق این آرمان به کار گرفت. او نه فقط مرزبندی جغرافیایی میان لبنان و فلسطین را برسمیت نمی‌شناخت، بلکه کوشید میان مقاومت لبنان و مقاومت فلسطین پیوند فیزیکی برقرار کند. زیرا هر دو کشور لبنان و فلسطین در دایره خطر صهیونیسم قرار دارند. این دیدگاه به حاج عماد مغنیه انگیزه داد تا همه امکانات و نبوغ فکری خود را روی ایجاد هسته‌های مقاومت و پایگاه‌های مقاومت در لبنان و فلسطین متمرکز نماید. در نتیجه این طرز فکر سپاهیان سلحشوری از رزمندگان مقاومت به وجود آورد که در عصر حاضر بی‌نظیر است و این ارتش در سال ۲۰۰۰ توانست ارتش تا دندان مسلح اسرائیل را از جنوب لبنان فراری دهد، و در جنگ سال ۲۰۰۶ نیز توانست با پیروزی الهی، این ارتش را شکست دهد. حاج عماد مغنیه در طول سالیان مبارزه از ارائه هر گونه کمک به منظور پشتیبانی از مقاومت فلسطین با استفاده از روش‌ها و شیوه‌های کیفی و ایجاد تحول در کارایی نیروهای مقاومت دریغ نکرد. این کمک‌ها و ابتکارات نقش تعیین‌کننده‌ای در عقب نشینی اشغالگران صهیونیست از نوار



اجرا گذاشته شده است. زیرا او در طول ۲۵ سال گذشته همه دستگاه‌های امنیتی و نظامی رژیم صهیونیستی را خسته و بستوه آورده بود. دستگاه‌های یاد شده و ۴۲ دستگاه جاسوسی دنیا در این مدت از پیگرد شهید عماد مغنیه ناکام ماندند. بر این اساس ترور حاج رضوان دستاوردی مهم برای دشمن محسوب می‌شود، دشمن به دلایل گوناگونی تاکنون مسئولیت این جنایت تروریستی را به عهده نگرفته است. یکی از دلایل ترس از واکنش مقاومت اسلامی لبنان است. زیرا مقاومت تاکید کرده که از این جنایت نمی‌گذرد، و هر طور که شده انتقام خون مغنیه را خواهد گرفت، تا دشمن در آینده اجازه چنین اقدامی را به خود ندهد. دلیل دوم این است که دشمن به منظور حفظ امنیت جانی عوامل تروریست که در این جنایت دست داشتند، این مسئولیت را به عهده نمی‌گیرد. طبیعی است که اسرائیلی‌ها از قدرت و توانایی مقاومت اسلامی به خوبی آگاهند. این نکته را نباید از ذهن دور داشت که ترور حاج عماد مغنیه بخاطر انتقام از شخص او نبوده است. دشمن می‌داند که عماد مغنیه نقش مهمی در سازماندهی مقاومت و برنامه ریزی عملیات مقاومت اسلامی داشته و برای اینکه قدرت و کارایی مقاومت را تضعیف کند به این اقدام تروریستی دست زده است.

در پی تهدیدهای دبیر کل حزب الله مبنی بر انتقام‌گیری خون عماد مغنیه اوضاع در سرزمین‌های اشغالی فلسطین چگونه است؟

تردیدی نیست که دشمن صهیونیستی از حجم وحشتناک جنایتی که مرتکب شده و نیز میزان اهمیت حاج عماد مغنیه و موقعیت او در مقاومت لبنان و فلسطین آگاه است. دشمن به خوبی درک کرده که پاسخ مقاومت اسلامی لبنان در حجم این جنایت خواهد بود، و هیچ گریزی در آن وجود ندارد. بر این اساس جامعه رژیم صهیونیستی از بیم عملیات انتقامجویانه مقاومت اسلامی لبنان به این جنایت وحشتناک، در شرایط رعب و وحشت و نگرانی و انتظار بسر می‌برد. از لحظه‌ای که آقای سید حسن نصرالله دبیر کل حزب الله اعلام کرد که پاسخ مقاومت به ترور حاج عماد مغنیه طبق اصول جدید و بر مبنای جنگ بی‌پایان خواهد بود. مسئولان رژیم صهیونیستی مطمئن شدند که انتقام خون حاج عماد مغنیه در راه است و امکان ندارد مقاومت اسلامی از این جنایت صرف‌نظر کند.

امروزه دشمن صهیونیستی قدرت بازدارندگی مقاومت لبنان را شناخته و به منظور خنثی سازی هرگونه تلاشی برای پاسخگویی به جنایت ترور شهید عماد مغنیه همه امکانات و توانمندی‌های نظامی و امنیتی و جاسوسی پیشرفته خود را بسیج کرده است. ایجاد ترس و نگرانی در جامعه صهیونیستی، موفقیتی بزرگ برای مقاومت اسلامی لبنان به شمار می‌رود زیرا این مقاومت که زمام امور و ابتکار عمل را به دست گرفته، نشان داده که زمان و مکان مناسب برای گرفتن انتقام خون عماد مغنیه را خود تشخیص می‌دهد. ■

همینطور است. بیشتر مأموران امنیتی با لباس شخصی و سلاح‌های خود کار مجهز بودند و منطقه انفجار را در محاصره داشتند.

شما می‌دانستید که منطقه کفر سوسه یک منطقه حساس است و تعدادی از مقام‌های سوریه در آنجا سکونت دارند؟

من از جزئیات منطقه کفر سوسه خبر ندارم، ولی می‌دانم که مدرسه دانش آموزان ایرانی در نزدیکی آن قرار دارد. و شب حادثه متوجه شدم که هیچ آسیبی به مدرسه وارد نیامده است.

پس از بازگشت به دفتر با منابع ایرانی و یا منابع مستقل تماس گرفتید تا علت انفجار را جویا شوید؟

طبیعی است... با برخی مقام‌های ایرانی و سوریه تماس گرفتم ولی در آن وقت که حدود نیمه شب بود هیچ کس اطلاع دقیقی از جزئیات حادثه نداشت و تصویر صحنه حادثه را هم به تهران مخابره نکردم چون از جزئیات آن خبر نداشتم.

پس از بازگشت به خانه تماس‌های تلفنی از تهران و بیروت آغاز شد و از من می‌پرسیدند که چه شده و حادثه انفجار چه بوده است. در پی این تماس‌ها من نسبت به حادثه انفجار حساس شدم ولی چون خسته بودم پیگیری را به روز آینده موکول کردم.

بامداد روز بعد خبردار شدم یکی از رهبران حزب الله در دمشق ترور شده و حادثه‌ای که از آن تصویربرداری کردیم متعلق به همین ترور بوده است. آنگاه تلویزیون المنار را روشن کردم و دیدم که این شبکه برنامه‌های عادی خود را قطع کرده و قرآن پخش می‌کند.

شما با تصویربرداری از صحنه حادثه پیشقدم بوده‌اید و هیچ رسانه‌ای موفق نشده بود از این حادثه فیلمبرداری کند؟

همینطور است. پس از اینکه آگاهی یافتیم یکی از مقام‌های حزب الله در این حادثه ترور شده، فیلم صحنه حادثه را بازبینی کردم و آن را برای پخش مناسب تشخیص دادم،

تروریست‌ها از چند ماه پیش در مقابل آپارتمان عماد مغنیه آپارتمانی کرایه کرده بودند و رفت و آمد او را زیر نظر داشتند. در آن شب سیاه‌هنگامی که او به خوردی خود نزدیک شد خودروی بمب‌گذاری شده را با کنترل از راه دور منفجر کردند و او را به شهادت رساندند.

آمولانس و خودروی آتش‌نشانی در محل حادثه وجود داشتند، و مأموران سرگرم خاموش کردن آتش بودند. ما هم خیلی عادی خود را میان جمعیت رساندیم و تصویربرداری را از فاصله ۲۰ متری آغاز کردیم. با وجودی که دوربین روشن در دست فیلمبردار قرار داشت و از صحنه تصویر برداری می‌کرد من به طرف یکی از مقام‌های امنیتی رفتم و از او اجازه فیلمبرداری خواستم. او به هیچ وجه اجازه نداد و هنگامی که دوربین را دید به سرعت وارد عمل شد و از ثبت صحنه حادثه جلوگیری به عمل آورد. من به مقام امنیتی گفتم مشکلی نیست تصویر برداری نمی‌کنیم ولی فیلمبردار کارش را انجام داد و حدود ۱ دقیقه از صحنه تصویر برداری کرد، آنگاه با سرعت از صحنه حادثه دور شدیم. از زمانی که مقام‌های امنیتی سوریه اجازه ندادند تصویر برداری کنیم ما هم دوربین را خاموش کرده و به دفتر بازگشتیم. به هر حال فیلمبردار زرنگی کرد و این صحنه را به ثبت رساند.

در لحظه‌ای که در محل حادثه حضور داشتیم متوجه شدیم که علت انفجار چه بوده و چرا این همه مأموران امنیتی در محل حادثه حضور دارند؟

خیر... از هر کس می‌پرسیدیم علت انفجار و هدف انفجار چیست هیچ کس حاضر نبود به ما بگوید چه شده است. ولی مشخص بود که یک انفجار غیر عادی روی داده است. مأموران امنیتی با لباس شخصی بودند؟

شما به عنوان نماینده شبکه العالم در دمشق تنها رسانه‌ای بودید که صحنه ترور حاج عماد مغنیه را فیلمبرداری کردید. چگونه از وقوع این حادثه با خبر شدید و به رغم تدابیر شدید امنیتی چگونه توانستید خود را به محل حادثه برسانید و از صحنه انفجار فیلم تهیه کنید؟

بسم الله الرحمن الرحيم : شبکه العالم همچون برخی شبکه‌های اطلاع‌رسانی و خبرگزاری‌های بین‌المللی، در برخی مناطق سوریه منابع خبری دارد، و هر اتفاقی که روی می‌دهد بیدرنگ به دفتر شبکه خبر می‌دهند، و من تیم فیلمبردار و گزارشگر شبکه را به محل حادثه اعزام می‌کنم. حدود ساعت ۲۳ شب بود که به من ما اطلاع دادند صدای انفجاری در نزدیکی مدرسه دانش آموزان ایرانی در منطقه کفر سوسه دمشق شنیده شده است. نظر به اینکه نام مدرسه ایرانی در گزارش آمده بود، خبر از نظر من خیلی اهمیت داشت، و لازم دانستم تیم خبرنگاران دفتر را به آنجا برسانیم. پس از گذشت پنج دقیقه منابع دیگری به من خبر دادند که حادثه مزبور ناشی از انفجار کپسول گاز بوده و انعکاس خبر آن اهمیت چندانی ندارد. ولی به گزارش دوم اهمیت ندادم و با سرعت، شاید ظرف ده دقیقه تیم تصویر برداری و دستیار و گزارشگر را بسیج کردم و همراه آنها روانه محل حادثه شدم.

مسافت دفتر شبکه تا محل حادثه چند کیلومتر است؟

محل حادثه تا دفتر حدود ۴ کیلومتر فاصله دارد که از زمان آماده شدن تا رسیدن به آنجا حدود ۱۰ دقیقه طول کشید. هنگامی که به محل انفجار رسیدیم، مشاهده کردیم که تدابیر شدید امنیتی برقرار شده و نیروهای امنیتی و انتظامی مسلح سوریه آنجا را محاصره کرده‌اند. تدابیر شدید امنیتی نشان می‌داد که حادثه مزبور ناشی از انفجار کپسول گاز نبوده و همان لحظه پیشبینی کردم که یک شخصیت بزرگی ترور شده است.

به محض اینکه از خودروی شبکه العالم پیاده شدیم با سرعت خود را به محل انفجار رساندیم و ملاحظه کردیم که آتش همچنان از خودرو عماد مغنیه زبانه می‌کشد. چند دستگاه

حادثه‌ای که رسانه‌های بین‌المللی را سردرگم کرد...

داستان انتشار اولین خبر شهادت حاج رضوان در گفت و گوی

اختصاصی شاهد یاران با سید مجتبی شهیدی

مدیر دفتر شبکه العالم در دمشق

• درآمد

شبکه خبری ماهواره ای العالم تنها رسانه ای جهانی بود که از صحنه فاجعه ترور شهید عماد مغنیه در دمشق فیلمبرداری کرد. ولی تلویزیون المنار ارگان حزب الله لبنان نخستین رسانه ای بود که این خبر را به جهان مخابره کرد. ساعت های نیمه شب بود که تیم فیلمبرداری العالم پس از آگاهی از وقوع انفجاری در دمشق، بیدرنگ به محل حادثه شتافت و در سایه تدابیر شدید امنیتی موفق شد صحنه حادثه را ثبت کند. خبرنگار شاهد یاران به منظور آگاه نمودن خوانندگان به چگونگی وقوع حادثه ترور حاج رضوان با سید مجتبی شهیدی مسئول دفتر شبکه العالم در دمشق گفت و گوی مفصلی انجام داده که با هم می‌خوانیم:





سپس آن را به تهران مخابره کردم.
تلویزیون المنار وابسته به حزب الله هم این تصویر را نداشت؟

هیچ شبکه‌ای چنین تصویری را نداشت. قبل از اینکه شبکه العالم این تصویر را پخش کند، شبکه الجزیره از دوحه با خبرنگار خود در دمشق گفت و گوی زنده پخش کرد و این خبرنگار اعلام کرده بود که هیچ تصویری از این حادثه وجود ندارد، زیرا مقام‌های امنیتی سوریه به هیچ شبکه‌ای اجازه فیلمبرداری نداده‌اند. اینجا لازم می‌دانم به این نکته اشاره کنم که مقام‌های امنیتی سوریه متوجه نشدند که شبکه العالم صحنه حادثه را تصویر برداری کرده و اگر می‌دانستم که تصویر برداری از صحنه این حادثه ممنوع است من هم از تصویر برداری خودداری می‌کردم. ولی بعد از ما خواستند که دوربین را خاموش کنیم ما هم دوربین را خاموش کردیم و به دفتر بازگشتیم.

لطفاً منطقه اقامت حاج عماد مغنیه و چگونگی انفجار را شرح دهید؟

آپارتمان محل سکونت عماد در یک مجموعه ساختمانی در شهرک کفر سوسه واقع شده است. این شهرک به شهرک اکباتان در تهران شباهت دارد. ساختمان‌های زیادی، ساختمان او را احاطه کرده، و در محوطه باز آن یک پارکینگ بزرگ عمومی وجود دارد. عماد هنگام خروج از آپارتمان تا رسیدن به پارکینگ ناچار بود کمی پیاده روی کند در مسیر راه آپارتمان تا پارکینگ خودروی بمب گذاری شده پارک شده بود. تروریست‌ها از چند ماه پیش در مقابل آپارتمان عماد مغنیه آپارتمانی کرایه کرده بودند و رفت و آمد او را زیر نظر داشتند. در آن شب سیاه هنگامی که او به خوردی خود نزدیک شد خودروی بمب گذاری شده را با کنترل از راه دور منفجر کردند و او را به شهادت رساندند.

پس از پخش تصویر حادثه دولت سوریه چه واکنشی به شما نشان داد؟

به شما بگویم که پس از پخش تصاویر حادثه از شبکه العالم بسیاری از نمایندگان خبرگزاری‌ها و شبکه‌های تلویزیونی خارجی در دمشق از سوی مسئولان اصلی خود توبیخ شدند، که چرا خبرنگار شبکه العالم موفق شد از صحنه حادثه تصویر برداری کند و شما نتوانستید این کار را انجام دهید. من اطلاع دارم که مدیر دفتر الجزیره و برخی مدیران دفاتر شبکه‌ها در دمشق توبیخ شدند. از سوی دیگر بسیاری از شبکه‌های بین المللی گزارش‌ها و تحلیل‌های خود را با استناد به تصاویر شبکه العالم پخش می‌کردند. شبکه‌های دیگری با دفتر العالم تماس گرفتند، و آمادگی خود را برای خرید تصاویر صحنه حادثه با مبلغ کلان اعلام کردند.

شما به آن‌ها چه جواب می‌دادید؟

من به آنها گفتم که تصاویر صحنه حادثه را به تهران مخابره کرده‌ام و برای خرید آن می‌توانید به دفتر مرکزی شبکه در تهران مراجعه کنید. شبکه الجزیره بیش از سایر شبکه‌ها اصرار داشت این تصاویر را بدون لگو تهیه کند و گمان کنم براساس توافق همکاری که میان الجزیره و العالم وجود دارد یک نسخه از فیلم حادثه به الجزیره داده شده است.

به این پرسش پاسخ ندادید که دولت سوریه چه واکنشی به شما نشان داد؟

پس از گذشت یک هفته، آقای طالب قاضی امین معاون پیشین وزیر اطلاع رسانی سوریه مرا احضار کرد، و با خشم و پرخاش به من گفت که در این مدت از دست من به شدت کلافه شده، و از همه سو به او فشار وارد آورده اند. به طور مثال نمایندگان برخی شبکه‌های اطلاع رسانی خارجی به آقای قاضی امین گفته‌اند که مقام‌های امنیتی سوریه که در صحنه حضور داشتند به خبرنگار شبکه العالم اجازه دادند از این صحنه فیلمبرداری کند، و به ما اجازه چنین کاری را

نداده‌اند. معاون وزیر اطلاع رسانی سوریه فاش کرد که به نمایندگان این شبکه‌ها گفته است که فیلمبردار شبکه العالم آدم زیرک و زرنگ بوده ولی شما عرضه نداشتید از صحنه حادثه تصویر برداری کنید. من به معاون وزیر اطلاع رسانی گفتم که این توجیه واقعی است. زیرا زمانی که در صحنه حاضر شدیم دوربین روشن بود و هنگامی که مقام‌های امنیتی اجازه تصویر برداری را ندادند، دوربین را خاموش کردیم و به دفتر بازگشتیم.

آنگاه آقای طالب قاضی امین یکسری نشریات و مطبوعات غربی از جمله هفته نامه دیر اسپیکر را به ما نشان داد و گفت که این مطبوعات ادعا کرده‌اند که رژیم‌های ایران و سوریه برای آفریدن این حادثه با یکدیگر تباخی کرده‌اند و خبرنگار شبکه العالم بر مبنای این تباخی از صحنه حادثه

روز بعد از حادثه مسئولان حدود ۵۰ تا ۶۰ نمایندگی شبکه‌های مختلف در دمشق با دفتر شبکه العالم تماس گرفتند، و تقاضا کردند یک نسخه از فیلم حادثه را در اختیارشان قرار دهیم. نماینده یک شبکه بین المللی نیز تماس گرفت و اعلام آمادگی کرد این فیلم را به مبلغ ۱۲۰ هزار دلار خریداری کند

تصویر برداری کرده است.

آیا تا آن لحظه نام عماد مغنیه را شنیده بودید؟

هرگز نشنیده بودم. نه او را می‌شناختم و نه نام او را شنیده بودم بعد متوجه شدم که او چه شخصیت مهمی بوده است. **مسئولان شبکه العالم در تهران شما را هم تشویق کردند؟**

تشویق کتبی نبود، مبلغ یکهزار دلار پاداش فرستادند تا میان کارکنان دفتر توزیع شود. پیچه‌های دفتر گفتند یکهزار دلار زیاد است و مبلغ ۵۰۰ دلار قبول کردند، و بقیه را به تهران برگرداندند.

از سوی دیگر از تهران و مناطق دیگری با دفتر تماس گرفتند

و گفتند که کارشناسان امنیتی و پژوهش‌های شیمیایی می‌توانند از رنگ شعله‌های آتش انفجار نوعیت مواد منفجره به کار رفته در انفجار را تشخیص دهند. چون از همان لحظه که خودروی حاج عماد مغنیه می‌سوخت ما تصویر برداری کردیم. به همین دلیل اصل نوار را حفظ کردم تا چنانچه مقام‌های امنیتی سوریه برای انجام تحقیقات آن را مطالبه کنند نوار را در اختیارشان قرار دهم.

آیا تا کنون چنین تقاضایی شده‌است؟

خیر... ولی اطلاع یافتیم که در تحقیقات‌شان به نتایج قطعی دست یافته‌اند.

رسانه‌های اطلاع رسانی بین المللی مستقر در دمشق هم برای تهیه فیلم با شما تماس گرفتند؟

روز بعد از حادثه مسئولان حدود ۵۰ تا ۶۰ نمایندگی شبکه‌های مختلف در دمشق و خارج از سوریه به دفتر شبکه العالم تماس گرفتند، و تقاضا کردند یک نسخه از فیلم حادثه را در اختیارشان قرار دهیم و من هم این تقاضا را به شدت رد کردم. همچنین نماینده یک شبکه بین المللی با دفتر تماس گرفت و اعلام آمادگی کرد این فیلم را به مبلغ ۱۲۰ هزار دلار خریداری کند. این فیلم این اندازه ارزش داشت.

شما اولین رسانه‌ای بودید که به این ماده مطبوعاتی دسترسی پیدا کردید از نظر حرفه‌ای چه احساسی دارید؟

از نظر حرفه‌ای خوشحال هستم که از همه شبکه‌ها و خبرگزاری‌ها پیشی گرفتم و توانستم صحنه این حادثه دلخراش را تصویر برداری کنم. البته با امکاناتی که در اختیار داریم اولین شبکه اطلاع رسانی بین المللی در سوریه هستیم چون از دستگاه اس. ان. جی برخورداریم. اولین تصویری که از سوریه به جهان مخابره می‌شود توسط شبکه بین المللی العالم انجام می‌گردد. این یک تصویر تاریخی و ماندگار است ولی از طرف دیگر بسیار ناراحت بودم که چنین شخصیت بزرگی در این حادثه به شهادت رسیده است.

علت مخالفت دولت سوریه با تصویر برداری حادثه چیست؟

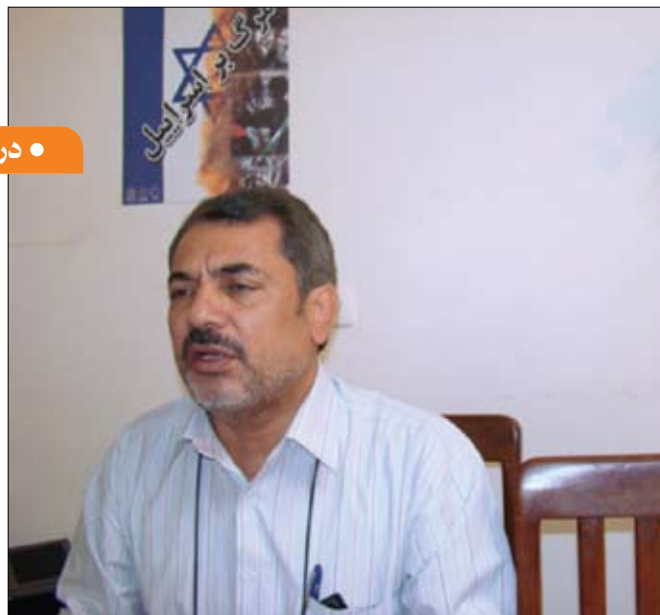
نمی‌دانم شاید مصلحتی در کار بوده است.

آیا دولت سوریه عاملان ترور را شناسایی کرد؟

من شنیده‌ام که به سرنخی دست یافته‌اند ولی از جزئیات آن اطلاع دقیقی ندارم. ■

• درآمد

رژیم صهیونیستی با ترور شهید حاج عماد مغنیه فرمانده مقاومت اسلامی لبنان گمان کرد با این اقدام تروریستی و جنایتکارانه می تواند اعتبار از دست رفته اش را در پی شکست سنگین و بیسابقه در جنگ ۳۳ روزه سال ۲۰۰۶ با حزب الله لبنان بازسازی کند. و از سوی دیگر موقعیت حزب الله را میان ملت های منطقه تضعیف نماید، یا این حزب مقاوم را با مشکلات جدیدی مواجه سازد. بلکه بالعکس شهادت این رزمنده سلحشور، با اعتراف بسیاری از کارشناسان نظامی و محافل امنیتی رژیم صهیونیستی، موقعیت این رژیم پیش از گذشته تضعیف گشته است. حسین رویوران رئیس کمیته سیاسی جمعیت دفاع از ملت فلسطین در گفت و گوی اختصاصی با شاهد یاران پیامدهای ترور حاج رضوان را تشریح کرده است.



■ **ناگفته هایی از چگونگی ترور حاج عماد مغنیه در گفت و گوی اختصاصی شاهد یاران**
■ **با حسین رویوران رئیس کمیسیون سیاسی جمعیت دفاع از ملت فلسطین**

حاج رضوان قربانی همدستی عوامل داخلی و خارجی...

حزب الله یک سازمان قوی و نفوذ ناپذیر باشد تا از رخنه گسترده عوامل اسرائیل در مجموعه ساختارهای رسمی و نهادهای غیر رسمی لبنان جلوگیری کند. بحث دوم به این عبارت است که اساساً نوع مبارزه ای که سازمان آزادی بخش فلسطین در لبنان داشت، یک مبارزه نمایشی مبتنی بر داشتن پایگاه های آموزشی علنی بود. عملیات مسلحانه این سازمان به صورت آشکار انجام می گرفت و عمدتاً پرتاب موشک از راه دور بود. در حالی که مقاومت اسلامی که عماد مغنیه یکی از بنیانگذاران آن بود هیچ پایگاه علنی در سرتاسر لبنان ندارد و کاملاً زیر زمینی کار می کند، تا تجربه حمله اسرائیل به لبنان در سال ۱۹۸۲ و از بین بردن این پایگاه ها را تکرار نکند. همه عملیات مسلحانه مقاومت اسلامی شبانه و به نوعی پنهان کاری عجیب صورت می گرفت که اسرائیلی ها هرگز توانایی شناسایی آن ها را نداشتند. کارشناسان و تحلیل گران اسرائیل در مقالات خود درباره شیوه عملیات مقاومت اسلامی، بحث «حمله جن» را مطرح می کردند. این نشان می دهد که اصل غافلگیری از مهم ترین اصولی است که در برنامه ریزی مقاومت اسلامی معمول بوده است.

تصور می کنم که شهید عماد مغنیه در برنامه ریزی عملیات هیچ چیزی را از قلم نمی انداخت. نه بحث رخنه، نه بحث حضور سرویس های اطلاعاتی غربی در لبنان که عمدتاً با اسرائیل اطلاعات مبادله می کنند، و نه تجربه ساف را در لبنان تکرار می کرد. به همین دلیل الگوی جدیدی به وجود آورد که همه ویژگی های آن جدید و ابتکاری و بر اساس شناخت دشمن صورت گرفت. راهکارهای او به این منجر شد که معادلات رژیم صهیونیستی در لبنان دگرگون گردد، و زبان های این رژیم بیش از سود و منفعت باشد. اسرائیل در نتیجه

می کرد مبارزان چپگرا و سکولار را به گرایش به اسلام تشویق کند. الگویی که او برای رویارویی با اسرائیل و همپیمانان این رژیم گزینش کرد یک نوع ابتکار شخصی بوده است. به همین دلیل می بینیم که بسیاری از معادلات و محاسبات بر اساس ابتکارات او بوده است.

بحث اول این است که اسرائیل از طریق برخی عوامل خود مانند حزب فالانژ و شبه نظامیان لبنانی «القوات

شهید عماد مغنیه در برنامه ریزی عملیات هیچ چیزی را از قلم نمی انداخت. نه بحث رخنه، نه بحث حضور سرویس های اطلاعاتی غربی در لبنان که عمدتاً با اسرائیل اطلاعات مبادله می کنند، و نه تجربه ساف را در لبنان تکرار می کرد. به همین دلیل الگوی جدیدی به وجود آورد که همه ویژگی های آن جدید و ابتکاری و بر اساس شناخت دشمن صورت گرفت.

اللبنانیة» در صحنه لبنان حضور مستقیم پیدا کرده بود. این باعث شده بود که دخالت اسرائیل در لبنان پیامدهای نامطلوبی بر ساختار حزب الله داشته باشد. به همین دلیل حاج عماد یک ساختار کاملاً آهین و نفوذ ناپذیر به وجود آورد. با وجودی که حزب الله یک جریان کاملاً مردمی، باز و بدون قید و شرط در اختیار دارد. اما با تشکیلات نفوذ ناپذیر و مبتنی بر گزینش بسیار سخت و سنگین اعضا و هواداران می باشد. به همین دلیل شرایط داخلی لبنان موجب شده است تا

سال های متمادی در منطقه زندگی کرده اید، بفرمایید چه شناختی از شهید حاج عماد مغنیه دارید؟

بسم الله الرحمن الرحيم: در مدتی که در بیروت فعالیت می کردم، از طریق دیدارهایی که با مسئولان حزب الله داشتم، اخبار و اطلاعاتی از ابعاد شخصیت این مرد بزرگ، حاج عماد مغنیه کسب کردم. گفته شده که ایشان یکی از مهم ترین شخصیت های مقاومت اسلامی بوده که کارهای جهادی حزب الله را سازماندهی می کرده است. بدون شک او یک فرد باهوش و با استعداد و شناخت بسیار خوبی از دشمن داشت. توانمندی های رزمندگان مقاومت اسلامی را می شناخت، و توان برنامه ریزی دقیق امکانات داخلی برای مدیریت معادله رویارویی با رژیم صهیونیستی را داشت. شاید بخش وسیعی از پیروزی های حزب الله مدیون هوشمندی و مدیریت شهید عماد مغنیه بوده باشد.

روشن است که فقط اسرائیل با لبنان دشمنی ندارد. بسیاری از کشورهای غربی هم در لبنان دخالت می کنند. دشمن شناسی حاج عماد مغنیه چگونه بوده و چه شناختی از این دشمنان داشته و ملاک حرکت او بر چه مبنا بوده است؟

شهید عماد مغنیه، با سابقه همکاری که با سازمان آزادی بخش فلسطین و سایر جنبش های رهایی بخش اسلامی داشته، بسیاری از تجربیات این سازمان ها را آموخته است. در مدیریت بخش های گوناگون حزب الله از این تجربیات استفاده کرده است. سازمان آزادی بخش فلسطین یک سازمان چپگرا و مبتنی بر جنگ مسلحانه بوده است. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و شکل گیری حزب الله در لبنان، ایشان به خدمت حزب الله در آمد. حاج عماد قبل از پیوستن به حزب الله سعی

می‌تواند به عملیات شهادت طلبانه دست بزند؟ امام فرمودند: اگر یقین دارید آسیبی به مسلمان نمی‌رسد، و فقط متعرض دشمن می‌شود جایز است. امام در بحث این فتوا مجموعه‌ای از مسائل را مطرح کردند و گفتند که حرکت امام حسین (ع) یک حرکت شهادت طلبانه بوده است. امام حسین (ع) با یقین به شهادت به سمت کربلا حرکت کردند. در نهایت دیدیم که مجموعه‌ای از عملیات آغاز شد، که شاید عملیات شهید قصیر در

زمانی که حاج رضوان به شهادت رسید، جامعه لبنان دچار دو دستگی شده بود. جریان‌های لبنانی در مقابل یکدیگر جبهه‌گیری کرده بودند. مجموعه زیادی از عوامل داخلی به منظور به زانو درآوردن حزب الله با دشمن همکاری می‌کردند. عوامل فراوانی دست به دست هم داد تا شخصیت حاج عماد لو برود، و سرویس‌های امنیتی موساد سرانجام توانستند او را به شهادت برسانند.

حمله به مرکز فرماندهی ارتش رژیم صهیونیستی در شهر صور سرآغاز این عملیات بود، که به عقب نشینی اسرائیل از بخش‌های وسیعی از لبنان منجر شد. در پی فتوای امام خمینی (ره) بسیاری از علمای اهل تسنن نیز فتوایی درباره تجویز عملیات شهادت طلبانه صادر کردند. ولی جریان‌تانی دارند از این نوع فتواها سوء استفاده می‌کنند و شهروندان عادی و بی‌گناه را به خاک و خون می‌کشند... امام خمینی (ره) بحث عملیات شهادت طلبانه را بر اساس یک‌سری اصول مطرح کردند. متأسفانه الگوبرداری‌هایی صورت گرفت یک‌سری در همین جهت بود و یک‌سری در جهت مخالف بود. این الگو در لبنان بر علیه رژیم صهیونیستی و اشغالگران بود. از برخی دوستان در حزب الله لبنان شنیده‌ام که گاهی برای عملیات شهادت طلبانه برنامه‌ریزی کرده‌اند، ولی در آستانه این عملیات و به دلیل احتمال آسیب دیدگی افراد بی‌گناه، عملیات را متوقف کرده‌اند. زیرا امام (ره)



تجربیات این جنگ هم بهره‌مند شده است. با توجه به اینکه با فرماندهان سپاه هم ارتباط و همکاری داشته است؟

مجموعه زیادی از لبنانی‌ها، به صورت انفرادی و گروهی با شهید دکتر مصطفی چمران در جبهه‌های جنگ تحمیلی همکاری می‌کردند. زیرا شهید چمران مدت‌ها در لبنان زندگی می‌کرده و زمانی هم که به ایران بازگشت تعدادی از مبارزان لبنانی را همراه خود به ایران آورد. رزمندگان لبنانی که به ایران آمدند تعدادی‌شان با شهید چمران و تعداد دیگر در چارچوب بسیج و سپاه پاسداران فعالیت کردند. تصور می‌کنم مهم‌ترین تجربه‌ای که عماد مغنیه از جنگ ایران و عراق استفاده کرد، از روحیه شهادت طلبی جوانان سپاه و بسیج بود. شاید این مهم‌ترین ابزاری است که شهید عماد مغنیه بالاترین استفاده را از آن کرد. به این دلیل که در ابتدای جنگ تحمیلی، تفاوت تسلیحاتی به حدی زیاد بود که واقعاً رزمندگان ایرانی فقط با ایمان و با امکانات بسیار ساده می‌جنگیدند. ولی با همین امکانات ساده، موفق شدند یک معادله‌ای را با رژیم بعثی ایجاد کنند که این رژیم در نهایت ناگزیر به عقب نشینی شد. از نظر دوستان لبنانی مهم‌ترین اتفاقی که در مدت سه ساله اول جنگ روی داد، این است که نقش ایمان در برقراری معادله در جنگ را فرا گرفتند. به طور مثال اگر عراق منطقه‌ای را مین‌گذاری کرده بود، چند داوطلب شهادت با گذشتن از میدان مین، معبری به عمق نیروهای دشمن باز می‌کردند. این روش ثابت کرد که تکنولوژی و امکانات نظامی در مقابل ایمان و اراده شهادت شکست پذیر است.

نکته دوم ابتکارات نظامی است، در سه سال اول جنگ ابتکارات نظامی به حدی بالا رفت که دشمن یعنی در برابر این ابتکارات جدید و غیر قابل پیش‌بینی مستأصل شده بود. این هم ایده‌های زیادی به شهید عماد مغنیه داد تا در جنگ با رژیم صهیونیستی این ابتکارات را استخدام کند. او از همه ابتکارات برای غافلگیری دشمن استفاده می‌کرد، و در نهایت دشمن را مستأصل کرد. عملیات شهادت طلبانه که مهم‌ترین نقش را در زمینه برقراری معادله داشت، باعث شد اسرائیل از جنوب لبنان عقب نشینی کند. گروه‌هایی که قبل از پیدایش حزب الله با رژیم صهیونیستی در جنوب لبنان می‌جنگیدند، هرگز چنین ابتکاراتی به عقل‌شان نرسیده بود. اینکه یک شهادت طلب سوار کامیون حاوی مواد منفجره شود، و خود را میان نیروهای دشمن منفجر کند، این یک تحول بی‌سابقه‌ای است که قبل از پیروزی انقلاب اسلامی و تجربه مقاومت اسلامی لبنان شاهد آن نبوده‌ایم. جالب‌تر این است که همه این ابتکارات به سرزمین‌های اشغالی فلسطین کشیده شد، و چهار سال پیش اسرائیلی‌ها را وادار کرد از نوار غزه عقب نشینی کنند.

گفته شده اولین عملیات شهادت طلبانه در لبنان توسط شهید احمد قصیر با فتوای حضرت امام خمینی (ره) بوده است؟

همین طور است. زمانی که از امام پرسیدند آیا یک داوطلب شهادت



چنین معادله‌ای، در سال ۲۰۰۰ ناگزیر به عقب نشینی از لبنان شد. این اولین شکست اسرائیل بود که بدون قید و شرط از یک کشور عربی عقب نشینی می‌کند. این یکی از بزرگ‌ترین دستاوردها و پیروزی‌های مقاومت اسلامی به شمار می‌رود.

این دستاوردها و موفقیت‌ها نتیجه فکر و ابتکارات فردی حاج عماد مغنیه بوده یا در نتیجه کار جمعی و گروهی بوده است؟

قطعاً شهید عماد مغنیه یکی از مهم‌ترین شخصیت‌های این فرایند است. اما همه دستاوردها کار جمعی است. اصولاً کار و برنامه‌های مقاومت اسلامی بر اساس کار جمعی است. به طور مثال زمانی که سید عباس موسوی دبیر کل پیشین حزب الله به شهادت می‌رسد هیچ اتفاقی در حزب الله روی نمی‌دهد. زمانی که شیخ راغب حرب یکی از بنیانگذاران حزب الله شهید می‌شود، اتفاق خاصی نمی‌افتد. زمانی که شیخ عبد‌الکریم عبید توسط رژیم صهیونیستی به اسارت گرفته می‌شود، هیچ اتفاقی در حزب الله و مناطق جنوب لبنان روی نمی‌دهد.

این نشان می‌دهد که حزب الله بر مبنای ساختار جمعی بنیانگذاری شده و از ابتدای شکل‌گیری آن بر اساس رهبری شورایی اداره می‌شده است. سیستم دبیر کلی که در ابتدای دهه نهم از قرن بیستم جایگزین شد تغییری در این ساختار ایجاد نکرد. بلکه برخی از تمرکزها و نهادهای اجرایی را بیشتر کرد. ولی رفتار جمعی در مراکز تصمیم‌گیری اصلی همچنان به قوت خود باقی ماند. مانند شورای مرکزی، شورای اجرایی، شورای نظامی، اصل تصمیم‌گیری در اختیار این شوراهاست. اما تصمیم‌گیری جمعی مانع کار و ابتکار فردی در حزب الله نیست. ابتکار فردی در چارچوب تصمیم‌گیری‌های جمعی می‌تواند ضریب موفقیت‌ها را بالا ببرد. و حضور شخصیتی مثل شهید عماد مغنیه در درون ساختار حزب الله با نبوغ فردی و تفکر جمعی منجر به این دستاوردها شده است.

دستاوردهای حاج رضوان فقط در نتیجه استفاده از تجربیات پیشین جنبش‌های فلسطینی در لبنان بوده یا هنگام حضور در جبهه‌های جنگ تحمیلی از



جبهه مقاومت متشکل از ایران، سوریه، حزب الله و حماس و جهاد اسلامی قرار دارد، و در طرف دیگر بیشتر دولت‌های عربی در برابر جبهه مقاومت و پایداری ایستاده‌اند. در این میان آمریکا و اسرائیل و همه دولت‌های غربی از جبهه سازشکاران عرب پشتیبانی به عمل می‌آورند. لذا تصور بر این است حادثه‌ای که در منطقه کفرسوسه سوریه اتفاق افتاد و در جریان آن حاج عماد مغنیه ترور شد، مجموعه این عوامل با هم دست داشتند و به همدیگر کمک کردند.

در پی تحقیقات به عمل آمده گفته شد که سرنخی از عاملان ترور عماد مغنیه پیدا شده و قرار است نتایج تحقیقات به آگاهی افکار عمومی قرار گیرد. چرا تاکنون از اعلام نتایج تحقیقات خودداری می‌شود؟ همانگونه که اطلاع دارید، سوریه زمانی را برای اعلام نتیجه تحقیقات در نظر گرفت، و تصمیم خود را در رسانه‌ها اعلام کرد. تحقیقات هم به صورت گسترده آغاز گردید و در نتیجه آن مشخص شد که برخی از دولت‌های منطقه در این ترور دست داشته‌اند. سوری‌ها به نوعی مسئله نقش داشتن سرویس‌های امنیتی برخی دولت‌های عرب را فاش کردند. اما سوریه در زمان مقرر به وعده‌های خود عمل نکرد. من تصور می‌کنم خودداری سوریه از افشای هویت عاملان ترور حاج رضوان در چارچوب معامله‌ای صورت گرفته است. برخی از سرویس‌های امنیتی دولت‌های عربی قطعاً در ترور شهید عماد مغنیه دخالت داشتند. دولت سوریه احساس می‌کرد اگر اطلاعات مربوط به نتایج تحقیقات را فاش کند، امکان دارد روابطش با کشورهای عربی تیره شود. امکان دارد نقش دولت‌های عربی در همکاری با موساد آشکار و ضربه‌ای به این دولت‌ها تلقی شود. به همین دلیل دولت‌های مزبور پشت پرده با سوریه معامله کردند تا این قضیه پنهان بماند. در نهایت سوریه از اعلام نتایج تحقیقات خودداری کرده، و این مسئله قابلیت تحلیل گسترده دارد. چون اگر تنها دست موساد به خون حاج عماد مغنیه آغشته بوده، قطعاً سوریه نتایج تحقیقات را فاش می‌کرد، و بسیار بعید به نظر می‌رسد که سوریه با موساد معامله کرده باشد. اما چرا سوریه اعلام نکرد؟ این نشان می‌دهد که برخی دولت‌های عربی در این توطئه شریک هستند و سوریه در برابر دولت‌های عربی ملاحظاتی پیدا کرده و نتوانسته نتایج تحقیقات را اعلام کند. ■

برخی از سرویس‌های امنیتی دولت‌های عربی قطعاً ترور شهید عماد مغنیه دخالت داشتند. دولت سوریه احساس می‌کرد اگر اطلاعات مربوط به نتایج تحقیقات را فاش کند، امکان دارد روابطش با کشورهای عربی تیره شود. امکان دارد نقش دولت‌های عربی در همکاری با موساد آشکار و ضربه‌ای به این دولت‌ها تلقی شود.

بدون عوامل داخلی لبنان، موساد قطعاً نمی‌توانست به حاج عماد مغنیه دسترسی پیدا کند.

گفته شده که برخی دولت‌های عربی هم در این شناسایی نقش داشتند؟

اصولاً جریان ۱۴ مارس با برخی دولت‌های سازشکار عرب ارتباط دارد. با محافل منطقه‌ای مانند عربستان سعودی، اردن و مصر همکاری می‌کند. همه این محافل برای شناسایی عماد مغنیه بسیج شده بودند. مخصوصاً که منطقه پس از جنگ ۳۳ روزه دچار دو دستگی شدید شده بود. این دو دستگی بر محور پذیرش منطق مقاومت یا رد منطق مقاومت دور می‌زد. در یک طرف



برای حزب الله شرط گذاشته بودند که این عملیات نباید به یک مسلمان بیگناه آسیب برساند. باید هدف دشمن باشد. مبارزان فلسطینی نیز در جریان انتفاضه دوم از این فتوا الگوبرداری کردند و عملیات شهادت طلبانه بسیاری بر ضد صهیونیست‌های غاصب انجام دادند. اکنون گروه‌های سلفی و تکفیری القاعده و دیگران از این روش استفاده می‌کنند. این گروه‌ها متأسفانه با عملیات انتحاری، مردم عادی و بی‌دفاع را به قتل رساندند. چرا...؟ برای اینکه بستر فکری این گروه‌ها با فکر و اندیشه اصیل امام (ره) متفاوت است. در حالی که گروه‌های تکفیری «احتکار حق» مبنای فکری آن‌ها را تشکیل می‌دهد. آن‌ها فقط خودشان را بر حق می‌دانند، و دیگران اعم از مسلمان و غیر مسلمان را کافر می‌پندارند.

حاج عماد حدود ۲۵ سال سرویس‌های جاسوسی آمریکا و اسرائیل و برخی دولت‌های منطقه را بازی داد. چه شد که ایشان بعد از جنگ ژوئیه سال ۲۰۰۶ به شهادت رسید؟ و چه عواملی در شهادت ایشان نقش داشتند؟

نکته اول، کسی که به عنوان چریک و فدایی در تشکیلات جهادی حضور دارد همیشه در معرض شهادت است. این راهی است که او انتخاب کرده است. قبل از پیروزی انقلاب اسلامی برخی دوستان حد اکثر عمر افراد مبارز را که در عملیات مسلحانه بر ضد شاه فعال بودند، دو تا سه سال پیشینی می‌کردند. بنا بر این باید در نظر داشته باشیم که شهادت افرادی همچون حاج رضوان یک احتمال قطعی است.

نکته دوم، شهید حاج عماد مغنیه می‌دانست که مهم‌ترین ابزارهای شناسایی او توسط دشمن دو چیز است. یکی عکس شخصی و دیگری گسترش ارتباطات فردی است. به همین دلیل به مدت ۲۵ سال اجازه عکس گرفتن از چهره‌اش را به کسی نمی‌داد. در مسئله ارتباطات فردی، ارتباطات را از حالت فردی به ارتباطات سازمانی تبدیل کرده بود. فقط با بدنه و تشکیلات حزب الله در ارتباط بود. خارج از چارچوب حزب الله با هیچ کسی ارتباط نداشت. حزب الله در همه مسائل و زمینه‌های مختلف، از جمله با دولت لبنان، گروه‌ها و سازمان‌های سیاسی، کمیته‌ها و بخش‌های مخصوص ارتباط دارد. حاج عماد در هیچ کدام از این ارتباطات حضور نداشت. دلیل عدم حضور او همین بحث است. چون می‌دانست که صحنه لبنان انباشته از عوامل نفوذی و جاسوسان است. به همین دلیل به خود اجازه نمی‌داد در همه کارها حضور داشته باشد.

نکته سوم، زمانی که حاج رضوان به شهادت رسید، متأسفانه جامعه لبنان دچار جبهه‌گیری‌ها و قطب‌بندی‌های گسترده شده بود. جریان ۱۴ مارس و ۸ مارس در مقابل هم جبهه‌گیری کرده بودند. مجموعه زیادی از عوامل داخلی لبنان به منظور به زانو درآوردن حزب الله با دشمن همکاری می‌کردند. در چنین شرایطی عوامل داخلی به منظور شناسایی و کشف شخصیت شهید عماد مغنیه بسیج شده بودند. این عوامل برای شناسایی حاج رضوان از ابزارهای تکنیکی همچون سیستم‌های بیسیم، موبایل، شنود تلفن‌های ثابت و همراه استفاده می‌کردند. همه این‌ها دست به دست هم داد تا شخصیت عماد مغنیه به نوعی لو برود، و سرویس‌های امنیتی موساد سر انجام توانستند در نقطه‌ای او را به شهادت برسانند. من تصور می‌کنم که



• درآمد

افزایش قدرت تسلیحاتی و نظامی جنبش مقاومت اسلامی لبنان، مسئولان سیاسی و فرماندهان نظامی رژیم صهیونیستی را سرگردان، یا سردرگم کرده است. اکنون که سه سال و چند ماه از پیروزی چشمگیر و بی نظیر حزب الله در جنگ ۳۳ روزه ژوئیه سال ۲۰۰۶ گذشته است. در این مدت بسیاری از فرماندهان و کارشناسان مسائل راهبردی اسرائیل با ارائه تحلیل های گوناگون و واقع بینانه دلایل شکست پذیری جامعه صهیونیستی در برابر قدرت فزاینده حزب الله را تشریح کرده اند. در این گزارش های مستند دیدگاه های دو تن از فرماندهان پیشین ارتش رژیم صهیونیستی به نام های سرلشگر گیورا ایلاند رئیس پیشین شورای امنیت ملی اسرائیل و سرلشگر یوسی کوبر فاسر مسئول پیشین بخش پژوهش های اداره اطلاعات نظامی ارتش آن رژیم را که در «نشریه ارزیابی های راهبردی» شماره دوم، جلد یازدهم ارگان مرکز مطالعات امنیت ملی وابسته به دانشگاه تل آویو منتشر شده است با هم می خوانیم:

دیدگاه های دو تن از فرماندهان پیشین ارتش رژیم صهیونیستی

پیرامون جنگ ۳۳ روزه

فرماندهان ارتش اسرائیل: چرا نمی توانیم بر حزب الله پیروز شویم؟ ...

افزایش توانایی نظامی ارتش این رژیم می افزاید که ارتش از جنگ دوم با لبنان به طور جدی عبرت گرفته و می کوشد نقاط ضعف را برطرف کند، و آموزه هایی را به مورد اجرا بگذارد. بر این اساس میزان کارایی ارتش به چهار بخش تقسیم می شود. اگر چه وضعیت ارتش در دو بخش بهبود کیفی یافته ولی در دو بخش دیگری هیچ نشانه امیدواری وجود ندارد، و گمان نمی رود که ارتش توانسته باشد مشکلات درونی خود را به طور جدی و اساسی ریشه یابی و حل کند.

آمادگی نیروی زمینی
میزان آمادگی نیروی زمینی نیز در چهار محور بهبود یافته است:

الف: سطح آموزشی.
ب: شایستگی تکنیکی برای استفاده از تجهیزات جنگی.
ج: تأمین و تدارک مهمات و قطعات یدکی.
د: افزایش میزان سطح آموزش و مهارت برای اجرای مأموریت های محوله.

همه این محورها به میزان آموزش و شناخت ابعاد طرح های عملیاتی بستگی داشته، و باید گفت که وضعیت نیروی زمینی در دو سال گذشته در مقایسه با سال های پیشین به کلی بهبود یافته است.

میزان کارآمدی فرماندهان

این بحث از نظریه اجرایی و شیوه فرماندهی ترکیب یافته است. فرماندهان وظیفه دارند برای حفظ انسجام نیروهای خودی و استفاده از بالاترین میزان قدرت، و حفظ آرایش نیروها در مناطق گوناگون عملیاتی کوشا باشند. شیوه و کارآیی آنها باید با شیوه رئیس پیشین ستاد مشترک ارتش متفاوت باشد. لازم است فرماندهان در تئوری های گذشته تجدید نظر نمایند، و طرح های عملیاتی را فعال کنند. شایسته است همه فرضیه ها در جنگ آینده بر این اساس استوار باشند که دستورات ستاد

برابر هجوم احتمالی اسرائیل نتواند مقاومت کنند. گیورا ایلاند در ادامه این مقاله به سیاستمداران اسرائیلی توصیه می کند چنانچه در آینده جنگی با حزب الله روی دهد، ارتش اسرائیل باید بر ضد دولت لبنان نیز وارد عمل شود.

نویسنده در فصل اول مقاله اش، افزایش قدرت ارتش اسرائیل و حزب الله را نشانه آمادگی قطعی طرفین برای جنگ در آینده مورد ارزیابی قرار داده است.

در فصل دوم، واقعیت های سیاسی داخلی لبنان و جایگاه

بسیاری از پژوهشگران و صاحب نظران اسرائیلی مدعی هستند که پیروزی بر حزب الله به هیچ وجه امکان پذیر نیست، و این ادعاها بسیار منطقی می باشند. زیرا این سازمان از گروه های فعال چریکی تشکیل یافته و به انواع سلاح های پیشرفته مجهز می باشد.

حزب الله و حمایت دولت لبنان از حزب الله را مورد بررسی قرار داده است.

گیورا ایلاند در فصل سوم می پرسد چرا اسرائیل بدون مشارکت دولت لبنان در جنگ نمی تواند بر حزب الله به پیروزی قطعی برسد؟

این نویسنده در فصل چهارم به انگیزه اسرائیل از حمله مجدد به حزب الله و پیامدهای جنگ احتمالی و عبرت آموزی از جنگ های پیشین اشاره کرده است.

رئیس پیشین شورای امنیت ملی اسرائیل با اشاره به

سرلشگر گیورا ایلاند در مقاله ای تحت عنوان «چرا نمی توانیم بر حزب الله پیروز شویم» دورنمای جنگ احتمالی آینده با حزب الله را تشریح کرده است. در این مقاله که نوع بحث های جاری در رژیم صهیونیستی در زمینه پیامدهای جنگ آینده با حزب الله را بیان می کند، آمده است که پس از دومین جنگ با حزب الله (جنگ ژوئیه سال ۲۰۰۶) این احساس در جامعه اسرائیل به وجود آمده که از جنگ های پیشین با حزب الله درس های فراوانی آموخته ایم. اکنون این دیدگاه وجود دارد که اگر جنگ دیگری بین اسرائیل و حزب الله روی دهد به طور منطقی باید گفت که نتایج این جنگ به چند علت از نتایج جنگ های پیشین بهتر نخواهد بود:

علت اول: معادله قدرت بین اسرائیل و حزب الله تاکنون تغییر نکرده است. درست است که وضعیت ارتش اسرائیل نسبت به گذشته بسیار بهبود یافته، اما در همین حال قدرت حزب الله نیز به طرز بیسابقه فزونی یافته است. در ارزیابی نهایی می توان تاکید کرد که در برابر بهبودی وضعیت ارتش اسرائیل، قدرت طرف مقابل (حزب الله) نیز متحول گردیده است.

علت دوم: بسیاری از پژوهشگران و صاحب نظران اسرائیلی مدعی هستند که پیروزی بر حزب الله به هیچ وجه امکان پذیر نیست، و این ادعاها بسیار منطقی می باشند. زیرا این سازمان از گروه های فعال چریکی تشکیل یافته و به انواع سلاح های پیشرفته مجهز می باشد. پیروزی بر حزب الله در صورت فراهم شدن سه شرط امکان پذیر خواهد بود که عبارتند از:

- ۱- سازمان حزب الله در چارچوب دولت لبنان با اسرائیل وارد جنگ شود، و نه به عنوان یک سازمان مستقل.
- ۲- این سازمان از حمایت کامل دولت لبنان برخوردار شود.
- ۳- دولت، ارتش و تأسیسات اقتصادی و ساختار لبنان در



رئیس جمهوری و دولت لبنان نه فقط حق حزب الله را به ادامه تملک اسلحه مخصوص خود مشروع می‌دانند، بلکه سلاح حزب الله را ابزار حیاتی و مشروع برای تحقق منافع ملی این کشور می‌دانند. اوضاع و شرایط سیاسی کنونی لبنان برای حزب الله بسیار استثنایی و بی‌نظیر است.

مشترک قاطعانه و قابل اجرا باشد. باید انتظار داشته باشیم که این ماشین بزرگ جنگی که ارتش دفاع نامیده می‌شود، سست و سهل انگار نباشد، و در مقایسه با جنگهای گذشته فعالانه عمل کند.

ارزش‌ها و روحیه رزمی این موضوع بسیار نگران کننده است که برخی فرماندهان در جنگ گذشته در بسیاری موارد ترجیح دادند بجای حضور در میدان جنگ، در پشت جبهه بمانند. در موارد دیگری هم مأموریت‌های اصلی خود را فراموش کردند. برخی فرماندهان نیز ناکارآمدی خود را به خوبی توجیه کردند. به هر حال آن‌ها باید پاسخگو باشند که چرا مأموریت‌های خود را به نحو مطلوب اجرا نکردند؟ بسیاری از فرماندهان به رفاه و راحتی سربازان‌شان گرایش داشتند. در روزهای اول جنگ گردان‌های کاملی را در کیبوتس‌ها (مزرعه‌ها) نگه داشتند. به حفظ امنیت شهروندان توجه نکردند. این در حالی است که صدها هزار شهروند که ارتش مسئول حمایت از جان و مال آن‌هاست در شرایط دشوار قرار داشتند، یا مورد اصابت قرار گرفتند.

بی‌تردید ارزیابی کارآمدی اندیشه نظامی ارتش کار بسیار دشواری است. زیرا موفقیت در یک عملیات موضعی، هر چند حائز اهمیت راهبردی بوده باشد، اما به طور قطع نمی‌توان گفت که فرماندهی ارتش واقعیت‌های میدان عملیات را خوب ارزیابی می‌کند، و در صورت بروز جنگ دراز مدت و پیچیده می‌تواند تصمیمات سالم و سرنوشت ساز اتخاذ نماید. در نتیجه گیری می‌توان محتاطانه تاکید کرد که تنها در دو بخش ارتش بهبود واقعی و کیفی تحقق یافته است. فزونی قدرت حزب الله

حزب الله در سه، یا چهار محور قدرت خود را گسترش داده است:

۱- تعداد موشک‌های حزب الله پس از جنگ گذشته دهها برابر افزایش یافته است. در مقایسه با قدرت موشکی حزب الله در آستانه جنگ ۳۳ روزه سال ۲۰۰۶، سلاح موشکی مهمترین سلاح اصلی حزب الله را تشکیل می‌دهد. بنابراین هراندازه تعداد موشک‌ها افزایش یابند، متقابلا توان حزب الله هم برای ادامه جنگ افزایش می‌یابد.

۲- افزایش بُرد موشک‌ها: میزان موشک‌های دوربرد، یا برد کوتاه به مراتب افزایش یافته، و این امکان را به حزب الله می‌دهد تا موشک‌باران اسرائیل را هنگام وقوع جنگ ادامه دهد. حتی اگر ارتش اسرائیل جنوب لبنان را تا رودخانه لیتانی اشغال کند، ولی اشغال این منطقه فقط توانایی حزب الله را برای حمله به شمال اسرائیل با موشک‌های برد کوتاه کاتیوشا کاهش می‌دهد. اما ارتش هرگز نمی‌توان حمله‌های موشکی حزب الله با موشک‌های برد متوسط یا موشک‌های دور برد را متوقف کند. به تعبیری دیگر می‌توان گفت آنچه که در جنگ گذشته گام فعال نامیده می‌شد، در جنگ آینده کفایت نمی‌کند.

۳- پیشروی ارتش اسرائیل به سوی مناطق مسکونی: یکی از مشکلات دشوار ارتش اسرائیل در جنگ دوم لبنان رویارویی با مناطق طبیعی و حفاظت شده حزب الله بود. زیرا حزب الله در جنگ گذشته پایگاه‌ها و اماکن استقرار نیروهای خود را در این مناطق قرار داده، و با موفقیت تمام از آن بهره‌برداری کرد. اتخاذ این شیوه از نظر حزب الله تصمیم درستی بود، و در دو سال گذشته نیز پایگاه‌های زیر زمینی خود را زیر روستاهای شیعه نشین جنوب لبنان احداث کرده است.

بخش اطلاعات و عملیات ارتش اسرائیل در جنگ گذشته بسیار ضعیف عمل کرده، و نتوانست پایگاه‌های زیر زمینی فراوان حزب الله را در مناطق مسکونی جنوب لبنان شناسایی کند. بی‌تردید محدودیت کارایی بخش اطلاعاتی به دشواری‌های ارتش اسرائیل در جنگ آینده می‌افزاید.

افزون بر مشکلات سه گانه یاد شده، برخی اطلاعات آشکار حاکی است که حزب الله به موشک‌های ضد هوایی انفرادی مجهز شده و خطرناکترین این نوع موشک‌ها، موشک (اس، ای، ۱۸) می‌باشد. گرچه این موشک توانایی تعرض به جنگنده‌ها را در ارتفاع بسیار بالا ندارد ولی کار هلی‌کوپترها را دشوار می‌کند.

اوضاع سیاسی لبنان

خروج ارتش سوریه از لبنان، جریان‌ات سیاسی زیادی را در این کشور و جهان امیدوار ساخت، که این رویداد به تقویت موقعیت طرفداران غرب در لبنان کمک کند، ولی دیری نپایید که این امیدواری بر باد رفت. زیرا سازمان حزب الله که از پشتوانه سیاسی قابل ملاحظه‌ای برخوردار بود، به راحتی توانست این خلا را پر کند، و به تدریج موقعیت سیاسی خود را استحکام بخشید. درست است که جنگ دوم اسرائیل با لبنان، پرستیژ سیاسی حزب الله را برای مدت کوتاهی کم رنگ کرد، ولی این مدت کوتاه زود سپری گشت، و وقوع دو حادثه مهم در لبنان موقعیت قدرتمند حزب الله را در صحنه سیاسی این کشور به روشنی آشکار ساخت:

حادثه اول، به بحران اصرار حزب الله به راه‌اندازی شبکه مخابراتی مستقل حزب ارتباط داشت. حزب الله در جریان این بحران ثابت کرد که تنها جریان قدرتمند لبنان است که برای تحمیل اراده و خواست خویش می‌تواند از قدرت نظامی استفاده کند، و مخالفان خود را به تسلیم شدن در برابر این قدرت وادار نماید. در این بحران نه فقط دولت لبنان سر تسلیم در برابر حزب الله فرود آورد بلکه جهان عرب نیز در برابر قدرت حزب الله کمر خم کرد، و دولت لبنان را ملزم ساخت تا موافقتنامه دوحه را بپذیرد. این موافقتنامه به حزب الله امکان می‌دهد مصوبات دولت لبنان را و تو کند.

حادثه دوم در انتخاب میشل سلیمان به عنوان رئیس جمهوری جدید لبنان تجلی یافت. در پی پایان یافتن مدت ریاست جمهوری امیل لحود طرفدار سوریه در لبنان، این امیدواری به وجود آمد تا در این مرحله یک رئیس جمهوری مستقل و بی طرف انتخاب گردد. سوریه و حزب الله موضع شان را در این باره اعلام کرده و خاطرنشان ساختند که با انتخاب رئیس جمهوری دیگری غیر از میشل سلیمان موافقت نخواهند کرد. در نتیجه این موضع گیری، میشل سلیمان به برکت پشتیبانی حزب الله بر مسند ریاست جمهوری لبنان نشست. سلیمان از نخستین روز تصدی این مسئولیت این احساس را بیان کرد که مدیون حزب الله است. استقبال گرم رئیس جمهوری لبنان از سمیر قطار قاتل (اسرائیلی‌ها) پس از عملیات مبادله اسرا با حزب الله نشانگر این گفتار است. در نتیجه، می‌توان گفت که حزب الله یک اصل معمول و متعارف را در جهان عرب تکمیل کرد. این اصل حاکی است که قدرت اسلحه می‌تواند یک قدرت سیاسی را



گسترش فزاینده قدرت نظامی حزب الله پس از توقف جنگ دوم اسرائیل با لبنان با بهره برداری از نقاط ضعف قطعنامه شماره ۱۷۰۱ مؤرخ اوت سال ۲۰۰۶ شورای امنیت سازمان ملل متحد و نیز احتمال روبا رویی نظامی اسرائیل با ایران، مهمترین دلایل از سرگیری جنگ بین اسرائیل و حزب الله در آینده می باشند.

در کرانه باختری رود اردن، در آوریل سال ۲۰۰۲ در واکنش به عملیات خرابکارانه حماس در هتل پارک شهر ناتانیا که به کشته شدن ۳۰ اسرائیلی انجامید، آمریکا برای اسرائیل پیام فرستاد و ضمن مخالفت با عملیات مسلحانه حماس، حمله گسترده ارتش اسرائیل به تشکیلات خودگردان فلسطین را پذیرفتنی ندانست.

آمریکا در ارتباط با لبنان نیز چنین موضعی دارد. دولت آمریکا با سرکوب نیروهای حزب الله مخالفتی ندارد، ولی با هرگونه آسیب رسانی به عزیز کرده های غرب و سازمان ملل متحد در لبنان موافقت نخواهد کرد. هرچند که بسیاری از محافل بین المللی چنین وضعیتی را نمی پذیرند، ولی برای اسرائیل فاجعه آمیز خواهد بود. اسرائیل جز بمباران تأسیسات اقتصادی لبنان راه دیگری ندارد، و این واقعیت را باید بپذیرد. بنابر این چنانچه ضرورت اقتضا کند، اسرائیل باید با همکاری دوستان بین المللی از بروز جنگ سوم و چهارم با لبنان جلوگیری کند. باید راه های دیگری را برای پیروزی بر حزب الله

امکان ندارد به راحتی این اهداف را مورد حمله دقیق قرار داد.

شرط دوم تاکتیکی: مهمترین شرط موفقیت در چنین عملیاتی این است که میدان جنگ از مناطق مسکونی خودی و دشمن دور بوده باشد. حزب الله یک تشکیلات نظامی و از قدرت فوق العاده برخوردار است، و نزدیک مناطق مسکونی و پر جمعیت موضع گرفته است. چنانچه آتش جنگ سوم با لبنان برافروخته شود، شکی نیست که نتایج آن مشابه نتایج جنگ پیشین (جنگ سال ۲۰۰۶) خواهد بود. و اگر ارتش اسرائیل در پیکار بر ضد جنگجویان حزب الله به موفقیت هایی نایل شود، واکنش شدید حزب الله را در پی خواهد داشت، و این حزب به سه دلیل به شهروندان اسرائیل لطمه جبران ناپذیر وارد خواهد آورد، و متقابلاً موفقیت های فوق العاده ای کسب خواهد کرد.

دلیل اول: تعداد فراوان موشک های حزب الله.

دلیل دوم: میزان برد موشک ها.

دلیل سوم: شلیک موشک ها از درون مناطق مسکونی. با این وصف امکان ندارد، اسرائیل بتواند سکویای موشکی حزب الله را از میان بردارد. در بهترین شرایط و در پی تلاش های فزاینده می توان میزان شلیک این موشک ها را دستکم به روزانه چند ده موشک کاهش داد. از سوی دیگر هرگونه تلاش برای دور نگه داشتن شهروندان اسرائیلی از خطر حمله های موشکی حزب الله در جنگ آینده بی فایده است. و این شهروندان همواره در معرض خطر جدی قرار خواهند داشت. اشغال مساحت بزرگی از جنوب لبنان، به طور مثال تا جنوب رودخانه لیتانی، امکان دارد به حزب الله آسیب جزئی برساند و از میزان حمله های موشکی این حزب بکاهد، ولی اشغال بخشی از جنوب لبنان هرگز

حمله های موشکی حزب الله را متوقف نخواهد کرد.

از سوی دیگر حزب الله به طور شتابزده با توقف جنگ و برقراری آتش بس موافقت نخواهد کرد. زیرا حزب الله با یک ارتش کلاسیک دولتی متفاوت است و نسبت به از دست دادن تعدادی جنگجو و مقادیری اسلحه، یا از دست دادن بخشی از اراضی جنوب لبنان توجه نخواهد کرد. افزون بر آن حزب الله یک دولت نیست و در برابر فشار افکار عمومی و یا فشارهای سیاسی جوامع بین المللی حساسیت نشان نخواهد داد.

پیامدهای احتمالی جنگ آینده تغییر روش ها و راهکارهای جنگی ارتش اسرائیل، امکان دارد به مشروعیت اسرائیل آسیب برساند، و فشارهای بین المللی را در پی داشته باشد. همچنین این احتمال وجود دارد که آمریکا به اسرائیل هشدار جدی بدهد تا تخریب لبنان را متوقف کند. نباید فراموش کرد که با آغاز عملیات نظامی سراسری «سپر بازدارنده



زنده و پویا نگه دارد. امروزه رئیس جمهوری و دولت لبنان نه فقط حق حزب الله را به ادامه تملک اسلحه مخصوص خود مشروع می دانند، بلکه سلاح حزب الله را ابزار حیاتی و مشروع برای تحقق منافع ملی این کشور می دانند. اوضاع و شرایط سیاسی کنونی لبنان برای حزب الله بسیار استثنایی و بی نظیر است.

در لبنان از طرفی یک دولت قانونی و طرفدار غرب و مورد حمایت آمریکا و فرانسه و سازمان ملل متحد و جامعه جهانی وجود دارد، و از طرف دیگر این دولت بکلی تسلیم اراده حزب الله شده است. مهمتر از همه رئیس جمهوری و نخست وزیر لبنان در اظهارات اخیرشان، خواسته های حزب الله مبنی بر ضرورت آزادسازی منطقه کشتزارهای شبع را مشروع دانسته اند. مقام های ارشد لبنان، سازمان حزب الله را سپر مدافع لبنان در برابر هر حمله نظامی اسرائیل توصیف کرده اند. در پرتو این واقعیت ها می توان گفت که حزب الله نماینده ایران و به طور محدود نماینده سوریه در لبنان است، و دولت لبنان هم نماینده حزب الله می باشد.

چرا نمی توانیم در لبنان پیروز شویم؟

ارتش دفاع اسرائیل در راستای معادله نظامی با حزب الله در صورتی می تواند به برتری نظامی دست یابد که یک شرط راهبردی و دو شرط تاکتیکی (عملیاتی) فراهم کند:

شرط راهبردی عبارت از این است که دشمن در یک دولت مشخص نماد پیدا کند، و مسئولیت دفاع از مردم و تأسیسات اقتصادی و ساختار زیر بنایی کشور خود را عهده دار باشد، و در برابر جامعه جهانی پاسخگو باشد، و تلفات انسانی و خسارت های مادی در جنگ را بپذیرد. در چنین شرایطی به این دولت می توان فشار وارد آورد، و به او گوشزد کرد که تلفات و خسارت های ناشی از جنگ بیش از منافع جنگ است.

شرط اول تاکتیکی: چنانچه اهداف و جنگ افزارهای دشمن فیزیکی، سخت و آشکار، مانند نیروی زرهی، نیروی هوایی، پایگاه های کنترل و نظارت باشند، می توان گفت که جمع آوری اطلاعات درباره این اهداف و بمباران دقیق آنها کار بسیار ساده است. ولی حمله به اشخاص و اهداف متحرک کار بسیار دشواری است، و





میدان جنگ را به مناطق دورتری در اسرائیل منتقل نماید.

اکنون که پذیرفتیم حزب الله بخشی از دولت و نظام سیاسی لبنان شده است، اسرائیل باید این سیاست راهبردی را ملاک عمل خود را قرار دهد که حزب الله واقعا بخشی از نظام سیاسی دولت لبنان می باشد. با وجودی که تعداد مخالفان سیاست راهبردی ضربه زدن به تأسیسات اقتصادی لبنان در جنگ آینده با حزب الله در مقابل تعداد موافقان این سیاست بسیار است، ولی باید به آن ها تذکر داد که شرایط و روند جنگ برای ضربه زدن به حزب الله به ویژه با استفاده از نیروی هوایی و شلیک آتش از راه دور کاملا مناسب نبوده و برای جنگ آینده با حزب الله باید سیاست راهبردی جدیدی متکی بر حمله های زمینی و به موازات آن بمباران تأسیسات زیربنایی غیر نظامی دولت لبنان را در پیش گرفت. زیرا ساختارهای غیر نظامی به طور غیر مستقیم به فعالیت های رزمی حزب الله کمک می کنند. البته بررسی راهکار واکنش محدود به حمله های حزب الله به منظور جلوگیری از گسترش دامنه جنگ و مهار رویدادهای دوران جنگ قابل تامل می باشد.

سناریوهای آغاز جنگ و اهداف پیش بینی شده در حقیقت تشخیص اهداف راهبردی در رویارویی آینده با حزب الله به روند جنگ بستگی دارد. ارتش اسرائیل ضمن در نظر گرفتن همه اهداف مورد نظر، باید میزان آسیب پذیری جبهه داخلی اسرائیل را در حد امکان بکاهد. چنانچه جنگی ناخود آگاه آغاز شود، یا در نتیجه مزاحمت های حزب الله آغاز گردد، یا اسرائیل در پی عملیات انتقامجویانه حزب الله در واکنش به ترور عماد مغنیه آغازگر جنگ باشد، در این صورت باید هدف اصلی اسرائیل تضعیف حزب الله و تقویت جریانات میانه رو در لبنان باشد. اسرائیل در جنگ آینده نباید به حزب الله اجازه دهد قدرت خود را بازسازی کند، و کنترل جنوب لبنان را همچنان در دست داشته باشد، و وانمود کند که مدافع لبنان می باشد.

اگر رویارویی آینده با حزب الله بهانه ای باشد برای آغاز جنگ با ایران در چارچوب تلاش برای جلوگیری از مجهز شدن ایران به سلاح هسته ای. در این صورت باید هدف راهبردی اسرائیل تلاش روی کاهش تلفات و خسارت های ناشی از جنگ در جبهه داخلی متمرکز باشد، و لازم است سایر اهداف راهبردی در درجه دوم

و در این صورت شاید دولت لبنان برای توقف شلیک موشک های حزب الله به قدرت نظامی متوسل شود، و در نتیجه حزب الله به فراخوانی آتش بس ترتیب دهد. از سوی دیگر نظر به اینکه هویت سازمان حزب الله لبنانی است و ادعا میکند که از مردم لبنان در برابر اسرائیل دفاع می کند، و قصد ندارد به درد و رنج مردم لبنان بیفزاید، و دوست ندارد کسی او را به تلاش برای تأمین منافع بیگانگان متهم کند، در این صورت این احتمال وجود دارد که زود هنگام ناچار شود آتش بس را بپذیرد.

تحولات سیاسی جاری لبنان دیدگاه های فوق الذکر را قوی کرده است. پیوستن حزب الله به دولت، پشتیبانی دولت از حزب الله در معامله آزادی سمیر قنطار در مقابل بازپسگیری اجساد سربازان اسرائیلی از حزب الله، پذیرش حق حزب الله برای آزادسازی سرزمین های جنوب از سوی محافل دولتی لبنان، همه این مسائل امکان بروز هرگونه جدایی میان دولت لبنان و حزب الله را منتفی

استفاده از قدرت اسلحه از راه دور بر ضد دولت مستقل لبنان یا حزب الله هیچ مشکلی را حل نمی کند. حمله وسیع زمینی و اشغال دراز مدت جنوب لبنان نیز بهای سنگینی در پی دارد. خودداری اسرائیل از هرگونه اقدامی، این امکان را به حزب الله می دهد تا قدرت نظامی خود را گسترش دهد.

کرده، و به این ایده قوت بخشیده که دولت لبنان مسئول رفتارهای گذشته حزب الله می باشد.

حزب الله همچنین این ادعا را میان مردم پایه گذاری کرده که او تنها مدافع غیر رسمی از کشور و مردم لبنان می باشد، و باید همه لبنانی ها بپذیرند که مسئولیت رویارویی با اسرائیل بر عهده اوست. در همین حال دولت لبنان پیامدهای خطرناک رویارویی مستقیم با اسرائیل را شناخته و ضمن شانه خالی کردن از این مسئولیت، آن را به حزب الله که از برتری نظامی قابل ملاحظه ای برخوردار می باشد واگذار کرده است. با این وصف حزب الله با برخورداری از توان موشکی می تواند

جستجو کند. اسرائیل باید توسط دوستان خود به دولت و مردم لبنان هشدار دهد چنانچه در آینده جنگی روی دهد، این جنگ به اسرائیل و حزب الله محدود نخواهد بود. این جنگ به نابودی ارتش و تأسیسات اقتصادی و ساختار زیربنایی لبنان منجر می شود و به مردم لبنان آسیب جدی وارد می کند.

سرلشگر یوسی کوبرفاسر مسئول پیشین بخش پژوهش های اداره اطلاعات نظامی ارتش رژیم صهیونیستی نیز در پرتو بحث های جاری در محافل نظامی و سیاسی اسرائیل درباره «دورنمای رویارویی با حزب الله لبنان» مقاله ای در نشریه مزبور منتشر کرده و در آن گفته است که گسترش فزاینده قدرت نظامی حزب الله پس از توقف جنگ دوم اسرائیل با لبنان با بهره برداری از نقاط ضعف قطعنامه شماره ۱۷۰۱ مؤرخ اوت سال ۲۰۰۶ شورای امنیت سازمان ملل متحد و نیز احتمال قوی رویارویی نظامی اسرائیل با ایران، مهمترین دلایل از سرگیری جنگ بین اسرائیل و حزب الله می باشند. زیرا حزب الله اکنون به موشک های بُرد کوتاه و بُرد متوسط و دور بُرد مجهز شده که تعداد آنها از تعداد موشک هایی که در جریان جنگ سال ۲۰۰۶ بسوی اسرائیل شلیک کرد به مراتب بیشتر شده است.

نظر به اینکه اسرائیل در کوتاه مدت توانایی مجهز شدن به تجهیزات ضد موشکی را ندارد. احتمال می رود در صورت بروز جنگ در آینده نزدیک، اسرائیل توانایی مقابله با سکوهای موشکی حزب الله، یا جلوگیری از شلیک انبوه موشک از خاک لبنان را نداشته باشد. بنابراین ارتش اسرائیل به برنامه ریزی راهبردی نیاز دارد تا از شلیک انبوه موشک های حزب الله جلوگیری کند، یا از میزان شلیک آن ها بکاهد.

در روزهای اول جنگ ۳۳ روزه ژوئیه سال ۲۰۰۶ برخی مقام های اسرائیل به ستاد مشترک ارتش پیشنهاد کردند بجای تلاش برای سرکوب مستقیم حزب الله، بیشتر حمله های هوایی خود را روی بمباران مراکز دولتی و تأسیسات زیر بنایی لبنان متمرکز کند. زیرا ارتش اسرائیل امکان هرگونه دسترسی به رزمندگان حزب الله را در جبهه های جنگ جنوب نداشت.

بنابراین برخی پژوهشگران و فرماندهان نظامی ارتش بر این باورند که گسترش بمباران مراکز دولتی لبنان، امکان دارد فشارهای سیاسی بر حزب الله را افزایش دهد،



را مطرح می‌کند. بنابراین هرگونه حمله اسرائیل به تأسیسات و ساختارهای اقتصادی لبنان، درست بودن ادعاهای حزب‌الله را در افکار عمومی ثابت می‌کند، و اصرار حزب‌الله به حفظ سلاح خود را موجه جلوه می‌دهد. جامعه اسرائیل نمی‌تواند ادعاهای حزب‌الله را باور کند ولی حزب‌الله تاکنون موفق شده ایده‌های خود را به توده مردم لبنان به ویژه شیعیان این کشور بقبولاند. این احتمال وجود دارد که حزب‌الله روزی موفق شود ایده‌های خود را به آسانی به جامعه اسرائیل نیز منتقل کند. همچنین این احتمال را نباید سبک شمرد که امکان دارد حزب‌الله به خشم عمومی سایر اقشار لبنان نسبت به اقدامات وحشیانه اسرائیل دامن بزند، و مخالفان اسرائیل را پیرامون اهداف خود بسیج کند.

چنانچه اسرائیل تأسیسات و ساختار زیربنایی لبنان را بمباران کند، امکان دارد به اثبات ادعاهای حزب‌الله کمک کند. مهمتر از همه بسیاری از مفاهیم و ارزش‌های انسانی همچون ایثار و فداکاری در حزب‌الله نمود پیدا کرده است. لذا بعید نیست که این مفاهیم در دراز مدت در فرهنگ حزب‌الله ادامه پیدا کند. همچنین این امکان وجود دارد که حزب‌الله با استفاده از این مفاهیم افکار عمومی جهان عرب و جهان را برای اعمال فشار بر اسرائیل بسیج نماید.

مشکل اصلی که اسرائیل را گرفتار حزب‌الله کرده، یک پدیده منحصر به فرد است. کشور لبنان پدیده‌ای بی‌نظیر است. حزب‌الله از نقاط ضعف دولت لبنان به نحو مطلوب بهره برداری کرده است. مهمترین نقطه ضعف دولت لبنان این است که این کشور از یک نظام سیاسی چند طایفه‌ای تشکیل شده و این نظام به حزب‌الله آزادی عمل بخشیده است. مانند آزادی عمل طالبان در افغانستان و آزادی عمل گروه‌های فلسطینی در سایه حکومت ضعیف تشکیلات خودگردان. هویت نظام طایفه‌ای لبنان این امکان را برای طایفه شیعه فراهم کرده تا برای اثبات موجودیت خود به عنوان یکی از طوایف بزرگ این کشور از یک سازمان تروریستی به نام حزب‌الله پشتیبانی کند. حزب‌الله ضمن برخورداری از پشتیبانی طایفه شیعه لبنان مورد تأیید و حمایت کشورهای سوریه و ایران نیز می‌باشد. اکنون حزب‌الله در لبنان حرف اول را می‌زند. پدیده بی‌نظیر و منحصر به فرد لبنان، دولت‌های غربی و اسرائیل را سرگردان کرده است.

بنابر این استفاده از قدرت اسلحه از راه دور بر ضد دولت مستقل لبنان هیچ مشکلی را حل نمی‌کند. حمله وسیع زمینی و اشغال دراز مدت جنوب لبنان نیز بهای سنگینی در پی دارد. از سوی دیگر خودداری اسرائیل از هرگونه اقدامی، این امکان را به حزب‌الله می‌دهد تا قدرت نظامی خود را گسترش دهد. بنابراین راه حل منطقی چیست؟ بهترین راه حل این است که دولت‌های غربی به تحکیم حاکمیت جریان‌های براگماتیک و میانه رو در لبنان کمک نمایند. بدون دخالت مستقیم دولت‌های غربی تحقق این ایده امکان‌پذیر نخواهد بود.

تاکنون مشخص شده که دولت‌های غربی راه‌حل‌های آسان را در لبنان و غزه تجویز می‌کنند. یعنی اجازه می‌دهند جریان‌های افراطی حاکمیت دولت این کشورها را به دست بگیرند تا میان این دولت‌ها و کشورهای همسایه مشکلات بروز کند. دولت‌های غربی بر مبنای این ایده توان نظامی خود را می‌سازند. این ایده‌ها در خاورمیانه کارآمد نبوده و به زیان اسرائیل تمام می‌شود. ■

طرفداران بمباران ساختار زیر بنایی و مراکز اقتصادی لبنان، مدعی هستند که زندگی روزمره شهروندان اسرائیلی در هر صورت باید تداوم یابد، و حق حیات آنان که در معرض حملات موشکی حزب‌الله قرار می‌گیرند محفوظ بماند. با این وجود هرگونه تلاش برای توقف حمله‌های موشکی حزب‌الله، بمباران ساختار حیاتی لبنان اجتناب ناپذیر است.

دارد؟

آیا بمباران تأسیسات و مراکز اقتصادی لبنان می‌تواند اهداف اسرائیل را تأمین می‌کند، و حزب‌الله را به پذیرش آتش بس متقاعد نماید؟ برای پاسخ به این پرسش باید گفت با وجودی که آسیب رسانی به ساختار زیربنایی لبنان، حزب‌الله را دردمند و نگران می‌کند، و ادعاهای او را که برای حفظ منافع لبنان با اسرائیل می‌جنگد بر باد می‌دهد. ولی بمباران ساختار اقتصادی لبنان هرگونه احتمال را برای موافقت حزب‌الله با پذیرش آتش بس منتفی می‌کند. در این مناسبت لازم می‌دانم به این نکته نیز اشاره کنم که در جریان جنگ دوم اسرائیل با لبنان و در پی انهدام پل‌ها و بسیاری از تأسیسات حیاتی و کشته شدن تعداد زیادی از غیرنظامیان لبنانی فضای بحث انگیزی در جوامع لبنان و جهان عرب درباره انگیزه حزب‌الله به وجود آمد و حزب‌الله سعی کرد از برعهده گرفتن مسئولیت تلفات و خسارت‌های ناشی از جنگ ژوئیه سال ۲۰۰۶ شانه خالی کند. ولی حزب‌الله هرگز سیاست‌ها و راهکارهای خود را تغییر نداد.

نظریه کلی حزب‌الله بر این فرضیه استوار است که اسرائیل نماد شرارت است، و وجود این کیان در منطقه همواره عامل تهدید برای لبنان می‌باشد. همه مشکلات اقتصادی و نارسایی‌ها و درد و رنج‌های مردم لبنان از وجود اسرائیل ناشی می‌شود. حزب‌الله به منظور ادامه حیات خود به عنوان یک سازمان مسلح، این ایده‌ها

قرار گیرند. اگر فرض کنیم اسرائیل در نوار غزه با حماس وارد جنگ وسیع شد و حزب‌الله کوشید از طریق درگیر شدن با اسرائیل به فلسطینی‌ها کمک کند. در این صورت مأموریت ارتش اسرائیل مضاعف می‌شود. به موجب سناریوی نخست، ارتش هم وظیفه دارد جبهه داخلی را در برابر حمله‌های موشکی حزب‌الله و حماس مصون بدارد، و هم وظیفه دارد به صورت تدریجی و گام به گام ضربات کوبنده‌ای بر حزب‌الله وارد نماید.

روشن است که بمباران تأسیسات نظامی و غیرنظامی، و ساختار اقتصادی لبنان بر اساس سناریوهای یاد شده هرگز نمی‌تواند به پیشبرد اهداف اسرائیل کمک کند، شاید هم به تحقق اهداف اسرائیل آسیب جدی وارد نماید. بر اساس همین فرضیه شاید محافل طرفدار غرب در لبنان از رفتار حزب‌الله انتقاد هم بکنند. اما حزب‌الله سناریوهایی را ارائه خواهد داد که مورد تأیید دولت لبنان خواهد بود. مانند ارائه اهداف ملی همچون تلاش برای آزادسازی منطقه کشتزارهای شیعه، یا جلوگیری از پرواز هواپیماهای جنگی اسرائیل بر فراز آسمان لبنان. این منطق می‌تواند موضع حزب‌الله را موجه جلوه دهد. به هر حال شاید بتوان گفت که اجرای سناریوی بمباران تأسیسات اقتصادی و ساختار حیاتی لبنان از سوی اسرائیل ثمر بخش نباشد، و شاید هم ناممکن بوده باشد.

طرفداران بمباران ساختار زیر بنایی و مراکز اقتصادی لبنان، مدعی هستند که زندگی روزمره شهروندان اسرائیلی در هر صورت باید تداوم یابد، و حق حیات آنان که در معرض حملات موشکی حزب‌الله قرار می‌گیرند محفوظ بماند. با این وجود هرگونه تلاش برای توقف حمله‌های موشکی حزب‌الله، بمباران ساختار حیاتی لبنان اجتناب ناپذیر است. زیرا ارتش اسرائیل امکان رویارویی مستقیم با پایگاه‌ها و نیروهای حزب‌الله را در جبهه‌های جنگ ندارد. لذا گرایش به این شیوه عیب نیست و چاره دیگری وجود ندارد. من به طرفداران بمباران مراکز دولتی و تأسیسات اقتصادی لبنان توصیه می‌کنم که اجرای این سناریو باید نتیجه بخش باشد و قبل از هر چیز اهداف اسرائیل را تأمین کند. ولی به طور قطع مطمئن هستم که این شیوه ثمربخش نخواهد بود.

البته این دلیل نمی‌شود که راه حل‌های دیگری

وجود نداشته باشد. امکان دارد راه حل‌های دیگر، تلفات سنگینی بر سربازان ارتش اسرائیل در پی داشته باشد. با وجودی که آماده نیستیم جان سربازان خود را به خطر بیندازیم، ولی در سال‌های اخیر شاهد بودیم که ارزش حق حیات سربازان ما به شدت مخدوش شده است. به رغم اینکه وظیفه سربازان دفاع از حق حیات شهروندان و حاکمیت و امنیت اسرائیل است. و نباید در برابر پاسداری از ارزش‌های کیان و مردم اسرائیل مسامحه کرد، ولی این عقیده یکی از مهمترین دلایل خودداری ارتش اسرائیل از بسیج همه جانبه نیروهای ذخیره در مراحل نخست جنگ دوم لبنان بوده است.

همین روش را در جنگ سال گذشته با حماس در نوار غزه دنبال کردیم، ارتش اسرائیل بجای دست زدن به حمله گسترده نظامی، شایسته دانست با حماس آتش بس برقرار کند. بر اساس دلایل یاد شده به نظر می‌رسد موفقیت بمباران تأسیسات و ساختارهای نظامی و غیرنظامی لبنان مشکوک باشد. امیدوارم راه حل‌هایی را جستجو کنیم که تلفات سنگینی بر سربازان ارتش و شهروندان اسرائیلی در پی نداشته باشد.

بمباران تأسیسات و ساختار لبنان چه سودی



چرا تلاش‌های اسرائیل برای مهار حزب الله ناکام ماند؟

دیدگاه‌ها و ارزیابی تحلیلگران و آگاهان سیاسی عرب در فلسطین
اشغالی از نتایج آخرین جنگ حزب الله با رژیم صهیونیستی



• درآمد

رویدادهای شش دهه گذشته خاورمیانه نشان داده که رژیم صهیونیستی به منظور تحقق اهداف سیاسی خود و تامین امنیت برای شهروندان صهیونیست، همواره از قدرت نظامی و خشونت استفاده کرده است. سردمداران این رژیم بر این باورند که استفاده از خشونت و قدرت کوبنده نظامی بر ضد جنبش‌های مبارز فلسطینی و کشورهای عرب همسایه، مهمترین محورهای عقیده نظامی اسرائیل را تشکیل می‌دهد. اما جنگ ۳۳ روزه ژوئیه سال ۲۰۰۶ در برابر حزب الله لبنان، و پیامدهای ویرانگر آن بر ساختار جامعه اسرائیل ثابت کرد که جامعه صهیونیستی پس از گذشت شش دهه، اکنون با چالش‌های گوناگونی مواجه شده است. سران ابله و احمق اسرائیل (آنکونه که دبیر کل حزب الله توصیف کرده) با همدستی دولت پیشین آمریکا و برخی دولت‌های مرتجع عرب، روز دوازدهم ژوئیه سال ۲۰۰۶ با آغاز جنگ غافلگیرانه امیدوار بودند قدرت و موقعیت حزب الله را در لبنان و جهان عرب محدود، یا از بین ببرند، و «خاورمیانه جدیدی» را به وجود بیاورند. ولی پایداری و رشادت رزمندگان مقاومت اسلامی لبنان، این طرح بکلی شکست خورد. اکنون قدرت نمایی حزب الله و هشدارهای مستمر سید حسن نصرالله، سران رژیم صهیونیستی را بر سر دو راهی قرار داده، به گونه‌ای که محافل صهیونیست برای عبرت آموزی از نتایج جنگ ژوئیه سال ۲۰۰۶ کار بازنگری رویدادهای گذشته را آغاز کرده‌اند، و به نظر می‌رسد تلاش‌های آنان برای توقف گردش عقربه‌های ساعت در آنسوی مرز شمالی فلسطین اشغالی کاری بیهوده می‌نماید. اکنون محافل نظامی و سیاسی این رژیم بناچار اعتراف می‌کنند که توانایی توقف نمودار تصاعدی قدرت فزاینده حزب الله را ندارند. و شکی نیست که توانمندی قدرت حزب الله به برکت خون شهید حاج عماد مغنیه و برنامه‌ریزی ماهرانه فرماندهان نظامی مقاومت اسلامی لبنان بوده است. این مقاله، خلاصه دیدگاه‌ها و ارزیابی‌های تعدادی از تحلیلگران و آگاهان سیاسی عرب در فلسطین اشغالی از نتایج آخرین جنگ حزب الله با رژیم صهیونیستی است که توسط گروه مترجمین شاهد یاران تهیه و در اختیار خوانندگان قرار گرفته است:

را به خطر انداخته است. بنابر این، تقاضا برای ریشه‌کنی تهدید حزب الله با توجه به فزونی قدرت نظامی این حزب یک تقاضای منطقی است. تجربه شکست ارتش اسرائیل در جنگ سال ۲۰۰۶ با حزب الله نشان داد که استفاده از قدرت نظامی محدود یا گسترده برای تحمیل اراده سیاسی بر دشمنی همچون حزب الله، تلاشی سودمند نبوده است. جنگ مزبور به مقام‌های اسرائیل آموخت که به موازات اقدام نظامی و به کارگیری ابزارهای جنگی لازم است از اهرم‌های فشار دیگری غیر از ابزار جنگی استفاده نمایند. ارتش اسرائیل برای تحقق اهداف اسرائیل در جنگ دوم با لبنان بسیار متواضعانه برخورد کرد، زیرا قدرت حزب الله را نشناخته بود.

آرامش عجیبی که در حال حاضر در جبهه رویارویی فرضی با حزب الله در مرز لبنان وجود دارد گویای این واقعیت است که قدرت ارتش اسرائیل برای نابودی یا تضعیف حزب الله بسیار محدود شده است، و برای برطرف نمودن

اکنون سران رژیم صهیونیستی خوب فهمیده‌اند که حزب الله یک تشکیلات منسجم سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و نظامی است که در جامعه لبنان ریشه دوانده، و حمایت اقشار وسیع مردم و طرفداران حزب الله در جهان عرب، ضامن تداوم نقش سازنده و فعال و اساسی این حزب در صحنه لبنان و برخی کشورهای منطقه شده است.

اسرائیلی‌ها به این نتیجه رسیده‌اند که حزب الله به طور مطلق از قویترین احزاب و سازمان‌های فعال لبنان بوده و در جهان عرب نظیر آن وجود ندارد. قدرت نظامی حزب الله بسیار شگفت‌آور است، و چنین قدرتی هرگز در تشکیلات سیاسی غیر دولتی، یا جامعه مدنی جهان عرب مشابه آن وجود ندارد. اگر بگوئیم برخی از کشورهای عربی هم به اندازه قدرت حزب الله از ابزار قدرت نظامی و جایگاه مردمی برخوردار نیستند اغراق نگفته ایم. و این قدرت فقط به منظور حفظ آمادگی برای رویارویی با هرگونه حمله احتمالی اسرائیل به لبنان، یا برخی کشورهای منطقه سازماندهی شده است.

قدرت نظامی حزب الله همه معادلات و اهداف پیشین و کنونی اسرائیل را در منطقه برهم زده و قدرت مانور این رژیم را به شدت کاهش داده و مانع ادامه استفاده این رژیم از قدرت نظامی و خشونت برای تحقق اهداف سیاسی خود در لبنان و برخی مناطق خاورمیانه شده است. مهمتر از همه اسرائیلی‌ها در پی جنگ ۳۳ روزه سال ۲۰۰۶ به این نتیجه رسیده‌اند که حزب الله با هرگونه سازش با اسرائیل مخالف است. زیرا عقاید و باورهای دینی حزب به او اجازه سازش و آتش بس با اسرائیل را نمی‌دهد، و به نظر می‌رسد رویارویی و کشمکش میان حزب الله و اسرائیل تا نهایت تداوم خواهد یافت.

لذا با توجه به منتفی بودن امکان سازش با حزب الله و عامل تهدید بودن قدرت حزب الله بر امنیت ملی اسرائیل، این شرایط اقتضا کرده تا مقام‌های اسرائیل برای برطرف کردن تهدید حزب الله چاره‌اندیشی کنند. در سه سال گذشته و در پی شکست ارتش اسرائیل در برابر حزب الله، پژوهش‌ها و مطالعات فراوانی از سوی پژوهشگران اسرائیلی منتشر گردید و میزان تهدیدهای حزب الله بر امنیت عمومی رژیم صهیونیستی در آن مورد بحث و بررسی قرار گرفت.

در یکی از این پژوهش‌ها آمده است که تهدیدهای حزب الله به قدری گسترش یافته که «موجودیت» کيان اسرائیل

**رویدادهای پس از انتخابات ریاست
جمهوری ایران، اسرائیلی‌ها را تا
حدودی به انتخاب گزینۀ قطع
ارتباط حزب الله با ایران را امیدوار
کرد. ولی آرام شدن اوضاع در ایران
امیدهای آنان را برای سرنگونی
نظام اسلامی دوباره بر باد داد و به
سردرگمی آنها افزود.**

تهدیدهای حزب الله باید راه‌ها و روش‌های دیگری غیر از روش‌های نظامی را جستجو و جایگزین کرد. گزینه استفاده از ماشین جنگی برای ریشه‌کنی حزب الله در جریان جنگ ژوئیه سال ۲۰۰۶ ناکارآمدی خود را به اثبات رساند. و اکنون نیز به نظر می‌رسد که اسرائیل از ابزار و مکانیزم دیگری برای رویارویی با خطر حزب الله برخوردار نمی‌باشد.

اسرائیل در سه سال گذشته به امید بروز برخی تحولات و تغییرات سیاسی در لبنان و منطقه چشم دوخته بود که در



در حال حاضر آرامش عجیبی که در جبهه روابری با حزب الله در مرز لبنان وجود دارد گویای این واقعیت است که توان اسرائیل برای نابودی یا تضعیف حزب الله بسیار محدود شده و برای برطرف نمودن تهدیدهای حزب الله باید راه ها و روش های دیگری غیر از روش های نظامی را جایگزین کرد.

صورت تحقق آن امکان داشت قدرت حزب الله تضعیف گردد، یا بتوان به وسیله این تحولات این حزب را مهار کرد. اسرائیل به طور مستقیم یا به کمک آمریکا به برخی از این تحولات دامن زد. ولی هیچ دستاوردی برای اسرائیل نداشت و حزب الله همچنان به گسترش قدرت نظامی خویش ادامه می دهد.

برخی از این تحولات که اسرائیل به آن چشم دوخته بود عبارتند از:

۱ - قطع ارتباط ایران با حزب الله :

اسرائیلی ها معتقدند که یکی از مهمترین شروط مهار تهدیدهای حزب الله و فلج نمودن فعالیت های نظامی آن، قطع ارتباط این حزب با ایران است. زیرا قطع روابط طرفین ضربه بسیار شکننده ای بر قدرت حزب الله وارد می آورد، و منابع مالی و فکری حزب را خشک می کند. صهیونیست ها بر این باورند که سرنگونی نظام جمهوری اسلامی ایران تنها راه قطع ارتباط ایران با حزب الله لبنان می باشد. و برای تحقق این هدف راه دیگری وجود ندارد. چنانچه نظام اسلامی ایران سرنگون شود، تلاش برای تشدید تحریم های اقتصادی و فشارهای گوناگون بین المللی بر تهران متغی می گردد. زیرا اسرائیل از طریق فعالیت های دیپلماتیک و تماس با دولت های با نفوذ غربی می کوشد تحریم اقتصادی بین المللی بر ضد ایران را تشدید کند.

بیشتر پژوهشگران و تحلیلگران اسرائیلی که درباره نتایج تحریم های اقتصادی بر ایران بحث کرده اند، معتقدند که عامل فشارهای اقتصادی بر جمهوری اسلامی ایران تاثیر محدود و مقطعی بر سیاست های تهران در قبال حزب الله دارد. ولی مطمئن نیستند که تحریم های اقتصادی، پشتیبانی ایران از حزب الله را متوقف کند. بسیاری از تئوریسین های اسرائیل تحقق این گزینه را نیز بعید می دانند. ولی در عین حال بسیاری از پژوهشگران و کارشناسان مراکز پژوهشی و امنیتی اسرائیل در بحث ها و پژوهش سه سال گذشته شان تاکید کرده اند که سرنگونی نظام جمهوری اسلامی ایران یک گزینه نظری است و پایه و اساس عملی ندارد.

۲ - قطع ارتباط سوریه با حزب الله :

اسرائیلی ها قطع ارتباط سوریه با حزب الله را از نظر تئوریک امکان پذیر می دانند، و بر این باورند که روابط سوریه با حزب الله مانند روابط ایران با حزب الله نیست. بر اساس این دیدگاه در سوریه یک نظام سکولار حکومت می کند، در حالی که نظام حاکم در ایران اسلامی است، و روابط ایران با حزب الله بر اساس مبانی دینی عقیدتی پیوند خورده است. پژوهش هایی که در اسرائیل منتشر شده حاکی است که تغییر سیاست سوریه در قبال حزب الله فقط در صورت امضای موافقتنامه سازش بین تل آویو و دمشق امکان پذیر است. اسرائیلی ها امیدوارند چنانچه با سوریه به تفاهم برسند، و برای امضای موافقتنامه صلح به این کشور امتیازات سیاسی و اقتصادی تقدیم کنند، امکان دارد سوریه روابطش را با ایران و حزب الله و سازمان های مقاومت در فلسطین قطع کند. محافل پژوهشی در اسرائیل با ارائه نظریاتی ابراز امیدواری می کنند در صورت تشدید مجازات های سیاسی و اقتصادی بین المللی بر سوریه امکان دارد به نتایج مطلوب دسترسی پیدا کنند.

ایهود المرت نخست وزیر پیشین اسرائیل سال گذشته در چارچوب چند دور گفت و گوهای غیر مستقیم با سوریه در آنکارا تلاش های دامنه داری را برای تست کردن موضع سوریه از طریق ارائه سبد امتیازات سیاسی و اقتصادی به عمل آورد. ولی سوریه هیچ تعهدی برای قطع روابط و همکاری های خود با ایران و حزب الله ارائه نداد، و اسرائیلی ها را نا امید کرد. ولی اسرائیلی ها از طریق گفت و گوهای جاری میان دولت جدید آمریکا و دمشق امیدوارند بتوانند روابط سوریه با ایران و حزب الله را قطع کنند.

۳ - تحولات داخلی لبنان :

اسرائیل با دقت کامل اوضاع و تحولات داخلی و بحران های پی در پی لبنان را پیگیری می کرده است. این رژیم شاهد بوده که لبنان در سه سال گذشته بحران های ویرانگری را پشت سر گذاشت، و امکان داشت موقعیت حزب الله را در این کشور بکلی تضعیف کند. در پی خروج ارتش اسرائیل از لبنان در سال ۲۰۰۵ میزان امیدواری اسرائیل برای خلع سلاح و مهار حزب الله افزایش یافت به ویژه پس از اینکه برخی از جریانات لبنانی در زمینه لزوم خلع

سلاح حزب الله، با خواسته های اسرائیل همراه شدند. ولی حزب الله با شایستگی و مهارت تمام همه توطئه های داخلی و خارجی به ویژه طرح ها و اهداف اسرائیل را خنثی کرد. در پرتو فشارهای همه جانبه داخلی و خارجی بر حزب الله، اسرائیل هم در ژوئیه سال ۲۰۰۶ این فرصت را غنیمت شمرد و با راه اندازی یک جنگ گسترده نظامی ۳۳ روزه با همکاری آمریکا و برخی دولت های میانه رو عرب کوشید قدرت نظامی حزب الله را از بین ببرد، ولی در این طرح نیز ناکام ماند.

در پی توقف جنگ نیز اسرائیل بیکار ننشست و کوشید برخی جریانات سیاسی داخلی لبنان را بر ضد حزب الله بشوراند تا شاید حزب الله را در مسائل داخلی لبنان سرگرم کند و از میزان آسیب رسانی این حزب به اسرائیل بکاهد. در همان حال رویدادها و تحولات منطقه ای و بین المللی بر اوضاع داخلی لبنان اثر منفی گذاشت و صحنه سیاسی لبنان در آستانه فتنه وحشتناک و جنگ داخلی قرار گرفت. اسرائیل همچنان امیدوار بود که بحران های داخلی لبنان حزب الله را به خود سرگرم کند، یا حزب الله گرفتار بحران های داخلی لبنان شود، و از تمرکز تلاش هایش بر ضد اسرائیل باز بماند. اما رویدادهای روز هفتم ماه مه سال ۲۰۰۸ بار دیگر امیدهای اسرائیل را در زمینه گرفتار شدن حزب الله در بحران های داخلی این کشور بکلی بر باد داد. اسرائیل اکنون فقط به نتایج دادگاه بین المللی رسیدگی به پرونده ترور رفیق حریری نخست وزیر پیشین لبنان دل خوش کرده و امیدوار است این دادگاه حزب الله را متهم اصلی ترور حریری معرفی کند، تا لبنان دوباره دستخوش آشوب و هرج و مرج گردد.

استحکام موقعیت حزب الله و تاثیر آن بر جامعه اسرائیل:

ناکامی اسرائیل در جنگ سال ۲۰۰۶ با حزب الله پیامدهای وحشتناکی در زمینه دگرگونی جامعه اسرائیل بر جای گذاشت. این جنگ دورنمای موجودیت اسرائیل را در خاورمیانه زیر سؤال برد. و مهمترین تعبیری که می توان از این دگرگونی کرد این است که جامعه اسرائیل را برای اولین بار با چالش «نابودی» و تهدیدهای سرنوشت ساز مواجه ساخت. اسرائیل جنگ مزبور را تلاشی برای محدود نمودن موقعیت حزب الله در لبنان و در خاورمیانه برنامه ریزی کرده بود، ولی شکست سنگین اسرائیل در این جنگ، همه طرح ها و نقشه های این رژیم را ناکام ساخت. اکنون با گذشت سه سال از این جنگ موقعیت حزب الله



اشغالی جلوگیری کند، و نه می‌تواند با اقدامات سرکوبگرانه شرایط خود را بر فلسطینی‌ها تحمیل کند. در همین حال حمله‌های موشکی فلسطینی‌های نوار غزه به شهرها و روستاهای فلسطین اشغالی، اسرائیلی‌ها را سردرگم و با چالش‌های جدیدی مواجه ساخته است.

احتمال مجهز شدن حزب الله به موشک‌های ضد هوایی

مسئولان اسرائیل امروزه به این نتیجه رسیده‌اند که توانایی مهار قدرت فزاینده حزب الله را ندارند، ولی از بیان آشکار این ناتوانی شرم دارند. اسرائیلی‌ها از یک دهه پیش پذیرفته‌اند که در تلاش برای جلوگیری از گسترش قدرت نظامی

حزب الله شکست خورده‌اند. نه می‌توانند مانع قدرت نمایی حزب الله شوند، و نه توان جلوگیری از استفاده حزب الله از قدرت نظامی خویش در لحظه مناسب را دارند. رویدادهای جنگ ۳۳ روزه ژوئیه سال ۲۰۰۶ و حمله‌های هوایی مستمر اسرائیل به تأسیسات اقتصادی و ساختار لبنان این انگیزه را به حزب الله داده تا برای توقف اینگونه حمله‌های هوایی چاره اندیشی کند. حزب الله از لحظه توقف جنگ مزبور، گام‌های استواری برای گسترش قدرت دفاعی خود در برابر هرگونه تجاوز احتمالی اسرائیل برداشت. تعداد رزمندگان مقاومت اسلامی از چند هزار تن به دهها هزار تن افزایش یافت، تسلیحات معمولی قبل از جنگ حزب الله به تسلیحات مدرن و متنوع تبدیل شد که با تخصص ارتش‌های مدرن برابری می‌کند. زرادخانه موشکی حزب الله چند برابر افزایش یافته و اکنون سرتاسر سرزمین‌های اشغالی فلسطین در تیرس این موشک‌ها قرار گرفته است. اسرائیل ضمن اینکه روند مسلح شدن حزب الله به انواع سلاح‌های پیشرفته را از دور زیر نظر دارد، اما قدرت بازدارندگی حزب الله، دست اسرائیلی‌ها را برای هرگونه اقدامی بسته است.

در حال حاضر، اسرائیلی‌ها از شدت خشم و کینه نسبت به حزب الله لبه‌های خود را گاز می‌گیرند، همچنین از شدت شگفتی و سردرگمی نمی‌دانند با حزب الله چه برخوردی داشته باشند. اطلاعات ضد و نقیض درباره امکان مجهز شدن حزب الله به موشک‌های ضد هوایی ساخت روسیه، خواب راحت را از چشم اسرائیلی‌ها ربوده است. آنها می‌گویند که حزب الله به سلاحی مجهز شده است که موازنه قدرت را در خاورمیانه مختل کرده است. موشک‌هایی که حزب الله به آن مجهز شده قدرت مانور جنگنده‌ها و بمبافکن‌های اسرائیل را در آسمان لبنان با چالش جدی مواجه کرده است. اسرائیلی‌ها بر این باورند که با برتری نیروی هوایی‌شان توانسته‌اند موازنه قدرت با حزب الله به وجود بیاورند، ولی مسلح شدن حزب الله به منظومه‌های پیشرفته ضد هوایی که موازنه قدرت را برهم می‌ریزد، پیامدهای خطرناکی برای اسرائیل در پی دارد، و سبب می‌شود این رژیم توانمندی‌های تهاجمی و دفاعی و در نهایت قدرت بازدارندگی خود را از دست بدهد.

به استثنای قدرت نظامی و سلاح‌های پیشرفته، مهمترین عناصر قدرتی که حزب الله از آن برخوردار است، و اسرائیل را به وحشت انداخته است، اراده آهنین و عزم راسخ و شجاعت بی‌نظیر رزمندگان مقاومت می‌باشد. همه این عوامل قدرت، که حزب الله از آن برخوردار شده اسرائیل را با بن بست جدی مواجه ساخته است.

بنقل از روزنامه لبنانی الاخبار — شماره ۱۴ اوت ۲۰۰۹ ■



جایگاه خاصی در معادلات منطقه دارد و همواره متحد جنبش‌های مقاومت در خاورمیانه باقی مانده است. از سوی دیگر با وجودی که سوریه به روند سازش با اسرائیل بر مبنای تلاش برای آزادسازی بلندی‌های اشغالی جولان پایبند است، ولی گفت و گوهای نافرجام و غیرمستقیم سال گذشته میان دمشق و تل‌آویو در انکارا نشان داد که سوریه به اصول ثابت و خلل‌ناپذیر خود نیز پایبند می‌باشد، و گفت و گوهای سال گذشته یک اقدام تاکتیکی به منظور جلوگیری از اقدام نظامی احمقانه جرج بوش بر ضد سوریه در آخرین ماه‌های ریاست جمهوری او بوده است.

شکست اسرائیل در جنگ سال ۲۰۰۶ با حزب الله، ناکامی سیاست‌های تهدید آمیز جرج بوش در خاورمیانه، پافشاری سوریه روی سقف خواسته‌های خود در گفت و گوهای سازش، ادامه همکاری دمشق با تهران و پشتیبانی از جنبش‌های مقاومت این ایده را بر اسرائیل و آمریکا تحمیل کرد تا با دید مثبت به سوریه بنگرند. در همین حال ادامه روند غنی‌سازی اورانیوم، نتایج انتخابات ریاست جمهوری ایران، کنار رفتن جرج بوش از حاکمیت

■ ■ ■

ناکامی اسرائیل در جنگ سال ۲۰۰۶
با حزب الله پیامدهای وحشتناکی
بر جامعه اسرائیل داشت و دورنمای
موجودیت اسرائیل را زیر سؤال برد.
مهمترین تعبیری که می‌توان از این
تحلیل کرد این است که جامعه اسرائیل
برای اولین بار با چالش «نابودی» مواجه
شده است.

آمریکا بار دیگر به ناامیدواری‌های اسرائیل درباره امکان مهار حزب الله افزود. زیرا محافظه کاران جدید آمریکا به رهبری جرج بوش، ایران را تهدید کرده بودند چنانچه برنامه‌های غنی‌سازی اورانیوم را متوقف نکنند با جنگ نظامی مواجه می‌شود. اسرائیل برنامه‌های هسته‌ای ایران را خطری بالقوه و بی‌سابقه برای موجودیت خود می‌داند، و به همین دلیل می‌کوشد این خطر را برطرف کند. اسرائیل افزون بر اینکه در برخورد با حزب الله، سوریه و ایران ناکام بوده و در برخورد با جنبش‌های مقاومت فلسطین در سرزمین‌های اشغالی نیز مستاصل شده است. اکنون نه می‌تواند از ضربات کوبنده فلسطینی‌ها در عمق اراضی

در لبنان و خاورمیانه استحکام یافته و قدرت نظامی مقاومت اسلامی در مقایسه با سال‌های قبل از جنگ به مراتب فزونی یافته است. از نظر آگاهان و صاحب‌نظران اسرائیلی، حزب الله از یک جنبش مقاومت که برای اسرائیل دردسر آفرین بوده و طرح‌های این رژیم را در لبنان و منطقه ناکام ساخته، به یک خطر استراتژیک و در حال گسترش تبدیل شده است. مهمتر از همه حزب الله به معادله‌ای اساسی و انکار ناپذیر در روند تحولات منطقه درآمده است. پس از گذشت سه سال از جنگ ژوئیه سال ۲۰۰۶ سرانجام اسرائیل به این نتیجه رسیده که حزب الله قادر است مانع تحقق اهداف اسرائیل در لبنان از طریق حمله نظامی به این کشور شود. حزب الله ضمن ناکام ساختن اهداف اسرائیل در لبنان،

از جنبش مقاومت فلسطین نیز پشتیبانی به عمل می‌آورد، و در چارچوب کشورهای مخالف سلطه آمریکا و اسرائیل بر منطقه همچون ایران و سوریه نقش محوری و حیاتی ایفا می‌کند.

از نظر اسرائیلی‌ها، خطرناکترین عامل تهدیدهای حزب الله این است که قدرت نظامی این حزب از نظر نوعیت و کیفیت به مرور زمان گسترش می‌یابد. از سوی دیگر اسرائیل برای اولین بار در تاریخ پیدایش خود احساس می‌کند که عمق استراتژیک او با خطر جدی مواجه شده، و از تأمین سپر دفاعی برای شهروندانش عاجز مانده است. اکنون مقام‌های اسرائیل با صراحت به یهودیان می‌گویند که باید حزب الله را به عنوان یک خطر واقعی بپذیرند و با این خطر همزیستی نمایند. مانورهای متعددی که در سه سال گذشته به منظور رویارویی با خطر موشک‌های حزب الله در همه شهرهای اسرائیل برگزار گردید بیانگر این واقعیت است.

بر اساس این واقعیت‌ها، سروکله افرادی در اسرائیل پیدا شده است که معتقدند امکان از بین بردن حزب الله از طریق حمله گسترده زمینی وجود ندارد، و به جای حمله زمینی لازم تأسیسات اقتصادی و ساختار زیر بنایی لبنان را از طریق حمله‌های فشرده هوایی بمباران کرد. تا افکار عمومی لبنان را بر ضد حزب الله برانگیزند. روزگاری که اسرائیل احساس می‌کرد با گروه موسیقی ارتش می‌تواند با لبنان برخورد کند سپری گشته، و اکنون با ماشین جنگی و عربده کشی نظامی کاری از دست او ساخته نیست.

به رغم ناکامی اسرائیل در بهره برداری از برتری نظامی در برابر سوریه و تلاش برای به سازش کشاندن این کشور، و نیز بازداشتن دمشق از ادامه پشتیبانی از جنبش‌های مقاومت در لبنان و فلسطین، ولی اسرائیلی‌ها همچنین امیدوارند بتوانند ارتباط سوریه را با مقاومت لبنان و فلسطین قطع کنند. در پی حضور اشغالگران آمریکایی در عراق و استقرار دهها هزار سرباز آمریکا در مرزهای سوریه، امیدواری اسرائیل برای به زانو درآوردن دمشق به اوج رسید. اسرائیل همچنین خروج ارتش سوریه از لبنان را نشانگر مرحله قبل از شلیک تیر خلاص به نظام سوریه تعبیر کرد ولی این آرزو را نیز به گور برد.

گفته شده که شکست اسرائیل در جنگ سال ۲۰۰۶ با حزب الله، میان سوریه و لبنان با اسرائیل موازنه قدرت برقرار شده است. با وجودی که سوریه در چند دهه گذشته در هیچ اقدام مستقیم نظامی بر ضد اسرائیل شرکت نداشته است ولی از تقدیم هرگونه کمک به جنبش‌های مقاومت در لبنان و فلسطین به ویژه در جریان جنگ ۳۳ روزه دریغ نکرده است. این کمک‌ها نشان داد که سوریه

• درآمد

کارنامه مقاومت اسلامی، شاخه نظامی حزب الله لبنان در جریان جنگ ۳۳ روزه ژوئیه سال ۲۰۰۶، دیدگاهها و ارزیابیهای محافل نظامی دنیا را نسبت به سیاستهای راهبردی حزب الله دگرگون ساخت. راهکارها و سیاستهای راهبردی حزب الله پیش از جنگ مزبور آمیخته از شیوههای جنگ پارتیزانی و نامنظم و تاحدودی جنگهای نامتعارف بود. ولی روند و شیوه جنگ سال ۲۰۰۶ باعث شد مقاومت اسلامی عقیده نظامی خود را تغییر دهد، و راهکارهای راهبردی خود را به نوعی با شیوههای جنگهای کلاسیک و نامتعارف آمیخته کند، یا شیوههای تهاجمی بخود بگیرد. چنانچه در آینده جنگی میان حزب الله و رژیم صهیونیستی روی دهد، بی تردید شیوههای تهاجمی رزمندگان مقاومت اسلامی لبنان همه کارشناسان و تحلیلگران نظامی دنیا را غافلگیر خواهد کرد. یکی از فرماندهان مقاومت اسلامی که درخواست نامش فاش شود، در گفت و گو با شماره مؤرخ ۲۳ سپتامبر ۲۰۰۹ روزنامه لبنانی السفير چاپ بیروت، دورنمای جنگ احتمالی آینده با رژیم صهیونیستی را ترسیم کرده که با هم میخوانیم:



■ دورنمای جنگ احتمالی آینده با رژیم صهیونیستی در گفت و گوی یکی از فرماندهان مقاومت با السفير چاپ بیروت

فرمانده مقاومت:

تصمیم برای قصاص قاتلان حاج رضوان قطعی است...

شکست اعراب از عامل غافلگیری استفاده می کرد، و از طرف دیگر ارتشهای عرب آمادگی ضروری را برای دفع تجاوز نداشتند. به همین علت ظرف چند روز به راحتی شکست می خوردند. بنابراین عامل غافلگیری صهیونیست ها، و عامل عدم آمادگی و ناکارآمدی اعراب نقش تعیین کننده در سرنوشت جنگهای گذشته اعراب با رژیم صهیونیستی داشته است. سومین عامل هم که نقش بسزایی در پیروزی ارتش رژیم صهیونیستی داشت، این است که صهیونیست ها همیشه عملیات جنگی را به درون جبهه اعراب و به عمق سرزمینهای اعراب منتقل می کردند، و با این شیوه شهروندان اسرائیلی را از آسیب پذیری در جنگ دور نگه می داشتند، در حالی که ارتشهای عرب اراده آسیب رسانی به جامعه اسرائیل را نداشتند.

فرمانده مقاومت اسلامی اضافه کرد: «شکستهای پی در پی ارتشهای عرب در جنگهای سالهای ۱۹۴۸ و ۱۹۶۷ در برابر رژیم صهیونیستی در نتیجه استفاده صهیونیست ها از عامل غافلگیری بوده، و اگر چه اعراب در جنگ سال ۱۹۷۳ آغازگر جنگ بوده اند ولی نتوانستند از عامل غافلگیری به نحو مطلوب استفاده کنند، و بازنده جنگ شدند. به هر حال در پی شکستهای اعراب، عربده کشی اسرائیل در خاورمیانه به اوج رسید به گونه ای که

نظامی اسرائیل بر علیه جمهوری اسلامی ایران، یا سوریه و یا حزب الله را بعید می داند، ولی مقاومت لازم می داند آمادگی خود را همچنان حفظ کند تا غافلگیر نشود، و در برابر هرگونه اقدام ناگهانی واکنش نشان دهد.

حزب الله در شرایط کنونی هرگونه تجاوز گسترده نظامی اسرائیل بر علیه جمهوری اسلامی ایران، یا سوریه و یا حزب الله را بعید می داند، ولی مقاومت لازم می داند آمادگی خود را همچنان حفظ کند تا غافلگیر نشود، و در برابر هرگونه اقدام ناگهانی واکنش نشان دهد.

واکنش نشان دهد.

فرمانده مقاومت در پاسخ به این پرسش که به چه دلیل وقوع جنگ در آینده نزدیک در منطقه را بعید می داند؟ و منطقه تا چه زمان دستخوش آرامش خواهد بود؟ گفت: «چنانچه تاریخچه رویدادهای گذشته و چگونگی جنگهای پیشین رژیم صهیونیستی با اعراب را بازنگری کنیم، به این نتیجه می رسیم که دشمن، از یکطرف برای

فرمانده مقاومت در پاسخ به این پرسش که چرا تاکنون حزب الله قاتلان حاج عماد مغنیه را مجازات نکرده است می گوید: «مقاومت هرگز در تصمیم خود برای قصاص قاتلان حاج رضوان تجدید نظر نکرده است. انتقام خون فرمانده شهید مقاومت به اقدامات لجستیکی و شناسایی بهتر هدف مورد نظر نیاز دارد. شاید این واکنش به وقت بیشتری نیاز داشته باشد. ولی بی تردید این امر روزی اتفاق خواهد افتاد. از نیمه هشتم قرن بیستم هرگاه رژیم صهیونیستی رهبران حزب الله را ترور می کرد، رزمندگان مقاومت بیدرنگ انتقام خون شهیدان خود را می گرفتند. انتخاب هدف و زمان اجرای قصاص فقط به حزب الله مربوط می شود. افکار عمومی گمان نکنند که منتظر نگه داشتن آنان برای شنیدن خبر پاسخ مقاومت اسلامی به ترور حاج عماد در شرایط کنونی، یک نوع امتیازی برای اسرائیلی هاست. بلکه دشمن صهیونیستی از لحظه این اقدام جنایتکارانه همچنان در شرایط رعب و وحشت و ناپایداری بسر می برد، و این وضعیت تا زمان اجرای قصاص همچنان ادامه خواهد داشت».

این فرمانده مقاومت ضمن تأکید بر اینکه رزمندگان مقاومت اسلامی از لحظه ترور شهید حاج رضوان، همچنان در حال آماده باش کامل بسر می برند افزود: «حزب الله در شرایط کنونی هرگونه تجاوز گسترده



مقاومت اسلامی تاکتیک‌های جدیدی را تدارک که در جنگ‌های پیشین معمول نبوده است. امروزه مقاومت ابتکار عمل را در دست دارد، و چنانچه جنگ دیگری در آینده روی دهد، رزمندگان مقاومت میدان جنگ را به زمین دشمن منتقل خواهند، و اسرائیل با آزمونی مواجه می‌شود که از سال ۱۹۴۸ تاکنون بیسابقه بوده است.

مغنیه نخستین حلقه‌ی این زنجیره است که بدون شک بی پاسخ نخواهد ماند. این فرمانده مقاومت با اشاره به کشف چند شبکه جاسوسی رژیم صهیونیستی در لبنان و دستگیری اعضای این شبکه‌ها اظهار عقیده می‌کند: «پاسداری از کادر رهبری مقاومت مهمترین چالشی است که حزب‌الله امروزه با آن مواجه است. زیرا حفظ جان کادر رهبری مقاومت و حزب‌الله مهمترین عامل پیروزی در جنگ امنیتی و جاسوسی با رژیم صهیونیستی است. تلاش مقاومت برای خنثی‌سازی طرح‌های امنیتی و جاسوسی اسرائیلی‌ها شبانه روزی است. به ویژه اینکه اسرائیلی‌ها در طول چند دهه گذشته توانسته بودند در درون جنبش‌های مقاومت فلسطین در لبنان رخنه کنند. بنابراین مصون داشتن ساختار مقاومت از عوامل نفوذی دشمن در اولویت برنامه‌ها و تلاش‌های مقاومت قرار دارد. با وجودی که دشمن تاکنون درس‌ها و آموزه‌های جنگ ژوئیه را فراموش نکرده، و از سوی دیگر با کشف شبکه‌های جاسوسی او در لبنان از دسترسی به اطلاعات کافی درباره قدرت نظامی حزب‌الله ناکام مانده است. احتمال هرگونه حمله نظامی اسرائیل به لبنان در شرایط کنونی بعید به نظر می‌رسد، و اسرائیل با نیزه شکسته نمی‌تواند با حزب‌الله بجنگد.»

کند. این سیاست کیفی به روشنی در جریان جنگ ۳۳ روزه سال ۲۰۰۶ به مرحله اجرا گذاشته شد و خسارت جبران ناپذیر و شکست بیسابقه‌ای بر رژیم متجاوز وارد آورد. این سیاست راهبردی بر مبنای تاکتیک‌های جدید، و شیوه‌های جنگ نامتعوف و ضربات کوبنده و حرکت بازدارندگی استوار گشته تا از هرگونه ماجراجویی احمقانه اسرائیل در لبنان در سال‌های آینده جلوگیری کند.

این فرمانده مقاومت، رژیم صهیونیستی را از هرگونه ماجراجویی مجدد نظامی در لبنان بر حذر می‌دارد و تأکید می‌کند: «مقاومت اسلامی تاکتیک‌های جدیدی را در نظر گرفته که در جنگ‌های پیشین معمول نبوده است. امروزه مقاومت ابتکار عمل را در دست دارد، و چنانچه جنگ دیگری در آینده روی دهد، رزمندگان مقاومت میدان جنگ را به زمین دشمن منتقل خواهند کرد و اسرائیل با آزمونی مواجه می‌شود که از سال ۱۹۴۸ تاکنون بیسابقه بوده است.»

فرمانده مقاومت اسلامی لبنان با اشاره به نبود اراده تصمیم‌گیری در محافل سیاسی و نظامی رژیم صهیونیستی برای جنگ مجدد با حزب‌الله لبنان خاطر نشان می‌سازد: «اسرائیل تاکنون نتوانسته از جنگ سال ۲۰۰۶ درس بگیرد، و نتایج آن جنگ را تجزیه و تحلیل کند. دشمن برای بازسازی لشکرهای شکست خورده خود در

لبنان به چند سال وقت نیاز دارد، علاوه بر اینکه از افزایش بیسابقه قدرت نظامی و رزمی مقاومت وحشت دارد. قدرت بازدارندگی مقاومت، باعث شده اسرائیل به جنگ تروریستی و ترور رهبران حزب‌الله و فرماندهان مقاومت اسلامی روی بیاورد، که ترور شهید حاج عماد

در سایه سکوت و بی‌تفاوتی دولت‌های عرب، در سال ۱۹۸۲ به لبنان یورش آورد، و نیمی از سرزمین کشورمان را اشغال کرد.»

خبرنگار روزنامه السفير از فرمانده مقاومت می‌پرسد که سرگذشت اسرائیل در لبنان چگونه بود، و ارتش رژیم صهیونیستی با چه سرنوشت شومی در لبنان مواجه شد؟ که می‌شنود: «مهمترین تحولی که در تاریخ رویارویی اعراب و رژیم صهیونیستی روی داد این است که ارتش این رژیم با شیوه‌های جنگی جدیدی در لبنان مواجه شد که از قبل به چنین شیوه‌هایی عادت نداشته بود. جنگ پارتیزانی و عملیات شهادت طلبانه مجاهدان با ایمان و جان بر کف، و با انگیزه میهن دوستی اقشار گوناگون جامعه لبنان سبب شد تا رژیم صهیونیستی بار شکست را ببندد و به تدریج از این کشور عقب نشینی کند.»

این فرمانده مقاومت اضافه می‌کند: «گروه‌های مقاومت در آغاز شکل‌گیری مبارزه رهایی بخش در نیمه هشتم قرن بیستم، شیوه عملیات شهادت طلبانه و فرود آوردن ضربات سریع و کوبنده بر ضد اشغالگران اسرائیلی و نیروهای پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) را راهکار خود قرار داده بود. نیروهای ناتو به منظور پشتیبانی از اشغالگران و تحکیم پایه‌های حکومت دست نشانده لبنان در آن مرحله در بیروت مستقر شده بودند. رزمندگان مقاومت در آن مرحله حساس و پیچیده شرایط سختی را پشت سر گذاشتند، ولی با یاری و عنایت‌های الهی در سال ۱۹۸۵ به اولین پیروزی دست یافتند که در عقب نشینی اشغالگران اسرائیلی از بخش وسیعی از سرزمین لبنان و خروج نیروهای چند ملیتی منجر شد. فرماندهی مقاومت اسلامی این سیاست راهبردی را برضد اشغالگران صهیونیست و شبه نظامیان ارتش انتوان لحد در نوار مرزی جنوب لبنان ادامه داد، به گونه‌ای که عرصه را بر آنان تنگ کرده که ناچار شدند روز ۲۵ ماه مه سال ۲۰۰۰ از سرتاسر نوار مرزی جنوب به داخل فلسطین اشغالی فرار کنند.»

فرمانده مقاومت اسلامی با اشاره به اینکه کیان صهیونیستی بر مبنای جنگ و تجاوز و غصب سرزمین دیگران برپا شده است تأکید کرد: «با خروج اشغالگران از جنوب لبنان به استثنای منطقه اشغالی کشتزارهای شبع و کفر شوبا، فرماندهی مقاومت سیاست‌های نظامی راهبردی به شکل تصاعدی در پیش گرفت تا بتواند خود را با شرایط جدید هماهنگ





عماد مغنیه در غزه...

نقش محوری شهید حاج عماد مغنیه در مقابله با رژیم صهیونیستی در غزه

نظامی نیروهای مقاومت به ویژه جنبش حماس به شکل هر می و خوشه ای دسته بندی شد. تجهیزات و ابزارهای دفاعی و رزمی در اماکن امن و دور از چشم عوامل خبرچین انباشته شدند. راههای امداد و ارتباطات میان ستادهای فرماندهی و نیروهای رزمی مشخص گشتند.

برخی آگاهان از شهید حاج رضوان نقل کرده اند که او بر این باور بود که فلسطینی ها مردمی شکست ناپذیر و توانایی تحمل همه گونه مشکلات و سختی ها را دارند. شیوه احداث شهرک های زیر زمینی در نوار غزه نشان داد چنانچه از اراده مستقل و رهبری خردمندانه و دلسوز برخوردار باشند، دستاوردهایی به ارمغان می آورند که جنبش های پیشین از تحقق چنین دستاوردهایی ناتوان بوده اند.

ناکامی رژیم صهیونیستی در حمله به نوار غزه در اوایل سال ۲۰۰۹ نشان داد که اسرائیلی ها با تجربه جنوب لبنان دیگری در نوار غزه مواجه بوده اند. اطلاعات منتشر شده حاکی است که اسرائیلی ها در صدد بودند با انجام عملیاتی سریع و غافلگیرکننده جنبش حماس را از صحنه سیاسی فلسطین حذف کنند، و محمود عباس رئیس تشکیلات خودگردان و دار و دسته او را دوباره به نوار غزه بازگردانند، ولی طرح هایی که حاج عماد برای تقویت ساختار مقاومت مردم غزه تدارک دیده بود همه نقشه های صهیونیست ها و محافل سازشکار عرب را خنثی کرد.

تسبی لیونی وزیر خارجه پیشین اسرائیل پیش از حمله گسترده نظامی به غزه با حسنی مبارک رئیس جمهور مصر دیدار کرد، و طرح جنگ را به آگاهی او رساند. لیونی به مبارک گفت که حمله نظامی به نوار غزه کوبنده و دردناک خواهد بود، و همه رهبران سیاسی و نظامی و ساختار نظامی جنبش حماس با حمله های سریع و کوبنده نیروی هوایی از بین خواهند رفت. وزیر خارجه رژیم صهیونیستی پیش بینی کرده بود که

چند ماهی از شکست اسرائیل در لبنان در جریان جنگ ۳۳ روزه سال ۲۰۰۶ نگذشته بود که شهید حاج عماد مغنیه در صدد انتقال تجربیات مقاومت اسلامی لبنان به صحنه فلسطین برآمد. او برای تحقق این هدف با دوستان و همزمان فلسطینی خود تماس گرفت، و دیری نپایید که کار برنامه ریزی همه جانبه ای را برای آموزش نیرو و تدارکات اسلحه و همه گونه امکانات را آغاز کرد. حاج عماد به فرماندهان مبارزان فلسطینی گفت که شبکه های ارتباطی زیر زمینی و انباشتن اسلحه در اماکن مخصوص، بخشی از مهمترین ابزارها و راهکارهای راهبردی رزمندگان مقاومت را در برابر ماشین جنگی رژیم صهیونیستی تشکیل می دهد. براساس طرح هایی که میان حاج عماد و فرماندهان مقاومت فلسطین برنامه ریزی شد، کار آموزش صدها تن از مبارزان فلسطینی در اردوگاه های لبنان و سوریه آغاز گردید و تجربیات و تخصص های بی نظیر مقاومت لبنان به آنان آموخته شد.

طولی نکشید که خطوط تماس جبهه های نوار غزه طبق برنامه ریزی دقیق و حساب شده، به شکل دژ تسخیر ناپذیر در برابر هرگونه تجاوز جنون آمیز احتمالی ارتش رژیم صهیونیستی درآمد. ساختار



دست کم پس از گذشت سه روز از آغاز حمله های هوایی، پیشروی نیروی زمینی ارتش اسرائیل به عمق نوار غزه آغاز می شود، تا کار حماس را یکسره کند، و کاروان اسیران فلسطینی را به اسرائیل انتقال دهد، در همان حال قرار بود هزاران تن از عناصر پلیس و مأموران امنیتی تشکیلات خودگردان وابسته به محمود عباس در نوار غزه مستقر شوند، تا دوباره مسئولیت اداره این منطقه را بر عهده گیرند.

زمانی که محافل سیاسی و نظامی رژیم صهیونیستی و برخی دولت های غربی و میانه رو عربی برای جنگ با جنبش حماس در نوار غزه آماده می شدند، حاج عماد مغنیه به شهادت رسیده بود. این بار سید حسن نصرالله دبیر کل حزب الله در آستانه آغاز جنگ، زمام امور را به دست گرفت

آگاهان بر این باورند که تسبی لیونی در گفت و گو با حسنی مبارک خطرات حمله اسرائیل به صحرای سینا در جریان جنگ ژوئن سال ۱۹۶۷ و تصرف چند ساعته این منطقه وسیع را بازگو کرد، که این سخن تأثیر عمیقی بر ذهن رئیس جمهور مصر برجای گذاشت، تا جایی که مبارک کارشناسان و مشاوران خویش را برای مشورت و تصمیم گیری نهایی فراخواند. مشاوران امنیتی به مبارک گفتند که پس از نابودی حماس، نباید نوار غزه را بطور کامل به محمود عباس سست عنصر

به رغم پشتیبانی سیاسی و معنوی توده حزب الله از مردم مقاوم نوار غزه، رزمندگان مقاومت لبنان هم برای هرگونه رویارویی غیر مترقبه در حال آماده باش صد در صد به سر می بردند، و از نظر روانی بر صهیونیست ها فشار جدی وارد آوردند تا کشتار غیر نظامیان غزه را متوقف کند.

اللحنی توطئه و همدستی برخی دولت های عربی با اسرائیل در زمینه راه اندازی جنگ در غزه و محاصره مردم این سرزمین را نکوهش کرد، و خواستار شکستن محاصره این سرزمین مقاوم از سوی دولت های عربی شد.

حزب الله و جنبش مقاومت اسلامی لبنان در طول جنگ ۲۲ روزه غزه بار سنگین پشتیبانی سیاسی و بسیج افکار عمومی و برقراری تماس با محافل مردمی و جنبش های انقلابی منطقه را به منظور حفظ و تداوم پایداری مردم فلسطین و جلوگیری از سقوط غزه را در این جنگ بر عهده داشتند. دبیر کل حزب الله با توجه به فشارهای سیاسی دولت های میانه رو عرب و جریانات ۱۴ مارس لبنان که چرا حزب الله از طریق فعال نمودن جبهه جنوب لبنان به نشانه کمک به حماس با اسرائیل وارد جنگ نمی شود، تاکید کرد که ما اجازه نمی دهیم حماس در این جنگ شکست بخورد، ولی رهبری مقاومت فلسطین اراده و قدرت تصمیم گیری لازم را دارد، و می تواند چند ماه در برابر ماشین جنگی رژیم صهیونیستی مقاومت کند.

به رغم پشتیبانی سیاسی و معنوی توده حزب الله از مردم مقاوم نوار غزه، رزمندگان مقاومت لبنان هم برای هرگونه رویارویی غیر مترقبه در حال آماده باش صد در صد به سر می بردند، و از نظر روانی بر صهیونیست ها فشار جدی وارد آوردند تا کشتار غیر نظامیان غزه را متوقف کند. پرتاب چند موشک کاتیوشا از جنوب لبنان به شهرک صهیونیست نشین نهاریا در شمال فلسطین اشغالی در آخرین روزهای جنگ غزه، پیامی بود به صهیونیست ها که شیعیان جنوب لبنان آمادگی دفاع از مردم مظلوم نوار غزه را دارند. ■



حمله زمینی را آغاز کنند، و با این حمله شهرهای غزه و مناطق شلیک موشک را به تصرف خود در آورند. اسرائیلی ها گمان کرده بودند با اجرای مرحله دوم حمله زمینی می توانند سرنوشت جنگ را به نفع خودشان رقم زنند. ولی غافل از این بودند که رزمندگان مقاومت فلسطین در کمین آنها نشسته اند، و همچون شاگردان حاج عماد مغنیه در جنوب لبنان، تانک ها و نفرات آنان را هدف سلاح های آتشین خود قرار می دادند. زیرا واحدهای رزمی و انبارهای تجهیزات نظامی و آذوقه رزمندگان مقاومت و محل استقرار آنها به خوبی سازماندهی شده بود که هرگونه ابتکار عمل را از دست نیروهای مهاجم گرفته بودند.

هنگامی که اسرائیلی ها احساس کردند کاری از دستشان ساخته نیست و توان ادامه رویارویی با حماس را در نوار غزه ندارند. بیدرنگ تقاضای گفت و گو با مقام های مصری را مطرح کردند. در

پی این تقاضا میان فرماندهان نظامی و مسئولان امنیتی رژیم صهیونیستی و مصر اجلاس فوق العاده ای در شهر طابا تشکیل شد. مقام های نظامی اسرائیلی در آن جلسه با صراحت اعتراف کردند که حمله های گسترده هوایی نتوانسته رهبران سیاسی و نظامی حماس را از بین ببرد، و آنچه در نوار غزه می گذرد نشان می دهد که رزمندگان حماس همچون رزمندگان حزب الله لبنان مقاومت سرسختانه از خود نشان می دهند. مسئولان امنیتی اسرائیل تاکید کردند اطلاعاتی که درباره قدرت موشکی حماس از سوی جاسوسان موساد و نیز افسران حکومت خودگردان فلسطین به آنان داده شده غلط از آب درآمده، کما اینکه مصری ها هم در زمینه نابودی صدها تونل در نوار مرزی رفح سهل انگاری کرده و حماس از طریق این تونل ها توانسته است صدها موشک از طریق مصر به نوار غزه منتقل کند.

زمانی که محافل سیاسی و نظامی رژیم صهیونیستی و برخی دولت های غربی و میانه رو عربی برای جنگ با جنبش حماس در نوار غزه آماده می شدند، حاج عماد مغنیه به شهادت رسیده بود. این بار سید حسن نصرالله دبیر کل حزب الله در آستانه آغاز جنگ، زمام امور را به دست گرفت و ملت های عرب و مسلمان به ویژه مردم لبنان را به همبستگی و همیاری مردم غزه فرا خواند. هنگامی که جنگ تجاوزگرانه اسرائیل بر ضد مردم بی دفاع و دست تنهای غزه آغاز شد آقای نصرالله در یکی از شب های دهه محرم سال گذشته، طی سخنان شدید



واگذار کرد، و هر طور که شده باید قدرت در نوار غزه را به محمد دحلان سرکوبگر و بی رحم واگذار کرد تا اثری از حماس باقی نگذارد. ولی یک هفته از حمله وحشیانه و همه جانبه اسرائیل به نوار غزه گذشت و هیچ اتفاق مهمی روی نداد. رهبران مقاومت فلسطین چند روز پیش از آغاز حمله هوایی، امکان استقرار و محل کار خود را تخلیه کرده بودند. به استثنای کشتار مرکز آموزش نیروی انتظامی، حدود ۱۵۰ مرکز بمباران شده تخلیه شده بود. و تنها تعدادی غیر نظامی که در اطراف این مراکز سکونت داشتند به شهادت رسیدند. حمله های پی در پی هوایی جز شوکه کردن رهبران سیاسی و فرماندهان نظامی جنبش های مقاومت هیچ دستاوردی برای اسرائیل و مصر نداشت. چند روزی نگذشته بود که مقاومت زمام امور را دوباره به دست گرفت و رویارویی با متجاوزان اسرائیلی را به شیوه ای تحسین برانگیز و شگفت آور ادامه داد. در این میان اسرائیلی ها جز ادامه عملیات نیروی زمینی چاره ای دیگری نداشتند. زمانی که جنبش های مقاومت فلسطین شهرها و شهرک های صهیونیست نشین شمال و شرق نوار غزه را هدف حمله های موشکی قرار می دادند، اسرائیلی ها احساس کردند که از نظر اطلاعاتی فریب خورده اند، و همچون نخستین روزهای جنگ ۳۳ روزه با حزب الله لبنان قدرت موشکی حماس را نشناخته اند، و باید شکست در غزه را بپذیرند. پس از گذشت یک هفته از آغاز تجاوز به نوار غزه، اسرائیلی ها اعلام کردند که در صدند مرحله دوم

نور درخشان

اشعاری از انور علی نجم

شعر...

ای عماد...
ای شهروند برجسته عرب
ای بزرگترین زاهد جهان
چه شده که محراب عبادت و زهد و فداکاری بر تو
می‌گرید؟

و دانه‌های اشک از چشمان مادرت جاری می‌شود؟
در شهادت تو بستر زمین و گستره آسمان
اندوهگین شده است؟

شهادت تو جهانیان را به عزا نشانده است
اکنون محراب نماز تو با خدا نجوا می‌کند.
و با نام تو آیات حزن و اندوه می‌سراید.

ای عماد...
محراب عزادار بر تابوت تو آرامش نشانده است
پیکر کفن پوش تو را می‌بوسد
محراب عزادار به دیدار تو نخواهد آمد
با قطره‌های اشک خود را سیراب خواهد کرد
بادبان کشتی حسین (ع)

و مناره‌های عشق و ایثار عزادار شده‌اند
هستی در سوگ تو جامه سیاه به تن کرد
و بر نور درخشنده تو گریست

قطره‌های اشک و صبر از ارتحال تو غمگینند
ای عماد...

جز اسطوره چیز دیگری نبود
جز نشانه راه نسل حاضر چیز دیگری نبود
نسلی که با فتح المبین تو شکوه و عظمت یافت
به رغم خواست سازشکاران عرب
سال‌های غم و اندوه امت
سال‌های سکوت و بی‌تفاوتی رفاه طلبان
سپری گشت

ای عماد...
جز اسطوره چیز دیگری نبود
از نور عشق و محراب عبادت آمدی
مردم را به صعود به قله‌های عظمت
و بازگشت به دوران عزت و کرامت فراخواندی
مردم به ندای تو به حق لبیک گفتند
به هشدارهای تو پاسخ مثبت دادند
به میدان جنگ آمدند

ای عماد...
اکنون عصر مقاومت و شهادت فرا رسیده
شب آمد و برخی تا حد مرگ به خواب رفتند
به زندگی ذلت بار تن دادند
ولی با شعار کوبنده الله اکبر
از خواب بیدارشان کردی
بر سرشان فریاد کشیدی
الله اکبر... الله اکبر... سر دادی
ای عماد...

چگونه صبح را بیدار کردی؟
چگونه چاشنی سلاح را آماده کردی؟
در میدان جهاد چگونه عشق شهادت به وجود آوردی؟
چگونه خفتگان را به میدان جنگ و جهاد آوردی؟
ای عماد...

تو چه سری بودی؟
که فجر صادق آفریدی؟
در حال وضو و یا در حال نماز هستی؟
آیا هنوز در حال خون خواهی مظلومان فلسطینی هستی؟
بشارت بده... مژده بده... به دوستان
که در جشن باشکوه ارتحال خونین تو گردهم آمدند
زیر باران، ترانه‌های عشق و ایثار تو را سرودند
داستان عروج ملکوتی تو را بازگو کردند
داستان پاکسازی بخشی از خاک فلسطین را یادآوری
کردند

توصیه‌های زیبای تو را بازخوانی کردند
بادبان‌های سفر برافراشتند
در پایان شب تاریک

در سپیده دم فجر صادق
با خود سوگند یاد کردند
از این پس شکست را نمی‌پذیرند
ای آزادگان جهان به شما وصیت می‌کنم
ای تاریخ سازان
بدانید که رود از آبشار سرچشمه می‌گیرد
از چهره خورشید تابان
نور می‌درخشد
ای آزادگان جهان

این سید... این والی... این حامی...
چراغ روشنایی راهتان در دست اوست
این رهبر... این فرمانده... راهنمای شماس
اسرار همه اشیاء را می‌داند
این سید... این چراغ روشن...
راز پیروزی‌تان نزد اوست

این رهبر... اسرار همه چیز را می‌داند
او نوه پیامبر (ص) است
او سروده علی (ع) است
او بشارت عیسی (ع) است
او نصرالله است
ای آزادگان جهان

پشت سر این رهبر حرکت کنید
زیر سایه او برخیزید... برخیزید...

پسر حیدر

ای عماد...
ای پسر حیدر
ای شیر میدان
ای که همیشه آماده بودی
ای که همیشه شاهد بودی
راهنمای خورشید بودی
هنوز هم در تعقیب دشمنان هستی؟
با پیروزی‌های پی در پی شکست‌تان را ثبت می‌کنی
ای عماد...

آنان را شکست دادی
در نبرد تن به تن آنان را شکست دادی
ولی ناجوانمردانه تو را کشتند
همانگونه که پیامبران را کشتند
ای حاج رضوان!

تو آنان را شکست دادی
خون تو کینه آنان را فرو نمی‌نشان
راه مردانگی را تو به ما آموختی
افسانه‌های یهود را متلاشی کردی
پرده شکوه‌شان را دریدی
آنان را رسوا کردی

در پیشگاه افکار عمومی رسواشان کردی
ای حاج عماد...

بر دستاوردهای تو گواهی می‌دهم
در میدان رزم در کنار تو بودم
عصر حاضر فریاد برآورد
شکوه و جاودانگی از آن توست
هرگز برای تو گریه نخواهم کرد
مقاومت را ادامه خواهم داد
آتش خشم را با قطره‌های اشک خاموش نخواهم کرد
آتش را فروزان نگه خواهم داشت
آتش را سرود نظامی میدان جنگ قرار خواهم داد
ای حاج عماد...
نگران مباش

هنوز با دشمن تسویه حساب نکرده‌ایم
به تازگی با دشمن حساب باز کرده‌ایم
حساب ما با دشمن بسته نخواهد شد

ای رزمندگان به خود ببالید
برای عماد ادای احترام کنید
در پیشگاه او سوگند یاد کنید
برای عماد آزاده و سرافرازمان
برای فرمانده شجاع و سربلندمان
برای فجر صادق احترام بگذارید
برای مردان فداکار ادای احترام کنید
برای فرمانده شهیدمان که به قله‌های عظمت صعود کرد
به وعده‌های دبیر کل صادقانه گوش دهید
به وصیت‌های فرمانده گردان‌های مقاومت عمل کنید
به وعده‌های راستین دبیر کل گوش کنید
ای عماد...

این وصیت‌های امیدوار کننده
در سایه گردان‌های پیشتاز
با نام تو غرش می‌آفرینند
با قدرت کوبنده‌ات، رزمندگان کمر همت می‌بندند
ای فرمانده شهید

سوگند به خدای بزرگ
سوگند به خاک میهن
با خون تو پیمان می‌بندیم
تا در میدان مقاومت راحت را ادامه دهیم
ای رزمندگان بال بکشایید
پیروزی در سایه جهاد به دست می‌آید
حاج رضوان در پرتو به دوش گرفتن اسلحه
رهایی ملت‌های جهان را نوید داد
ای عماد...

به ما بگو چگونه از دریا گذشتی؟
و از میان ما رفتی؟
به ما بگو چگونه به شمشیر عشق ورزیدی؟
و به عهد خود وفا کردی؟

ای حاج رضوان
سلام ما را بپذیر
با خون تو پیمان می‌بندیم
ای حاج رضوان
بدان که در راه تو گام بر می‌داریم
ای حاج رضوان
آی قهرمان

در حال حیات بر وجودشان وحشت آفریدی
پس از شهادت زندگی شان را تلخ‌کام کردی
بدان که انتقام خونت را از آنان می‌گیریم
آسوده باش که به یاری خداوند
آنان را به خاک ذلت می‌نشانیم



...شهيد المقاومة الكبير

وعلى مدى نحو ٢٥ عاما وصفت قوى الاستكبار العالمي والاطراف الصهيونية الحاج عماد مغنية بالرجل الظل أو الرجل الشبح. ولكن منذ استشهاد هذا الرجل البطل على يد الموساد الازهابي قبل نحو عام وثمانية أشهر، ظل شبحه يطارد هم في أوكارهم، حيث خطف منهم أمنهم واستقرارهم. ثمة إقرار ضمنى لدى قادة الصهاينة بأن لحزب الله الحق في القيام بعمل ما انتقاما لا اغتيال قائده العسكري الشهيد الحاج رضوان. والإقرار تجاوز فكرة الثأر إلى حدود الإقرار الضمني بأن حزب الله سيختار هدفاً ربيعاً في إسرائيل يكون موازياً من حيث قيمته التنفذية للموقع الذي كان يشغله الشهيد مغنية. وكان آخر الكلام الذي تم تسريبه حديثاً في إسرائيل هو عن سعي حزب الله إلى النيل من رئيس أركان جيش الاحتلال غابي أشكينازي.

إن قرار الحزب الرد على عملية اغتيال مغنية لا عودة عنه، وهو قرار تجاوز الإطار النظري على مستوى اتخاذه، بل له طابعه العملائي، لكن الجانب الإجرائي له أصوله وله حساباته التي تخص حسابات المقاومة قبل أي شيء آخر. وقد وصف الأمين العام لحزب الله السيد حسن نصر الله، في معرض تعليقه على حالة التأهب القائمة في إسرائيل منذ اغتيال الحاج رضوان بأن هذه الحادثة تمثل بداية النهاية لزوالم الكيان الغاصب من الوجود، بإذن الله تعالى. وعلى ضوء الآيات القرآنية والأحاديث النبوية الشريفة وروايات أهل البيت والسنن التاريخية وأيضاً تنبؤات أحبار اليهود، فقد بات من المؤكد أن اليهود لن يبقوا في الأرض المقدسة، وزوالهم مسألة وقت وأن وعد الله حق وأن ذلك لقريب...

● رئيس التحرير

يحدثنا الله جل جلاله في الآية (١٣) من سورة المائدة عن تصرفات اليهود وممارساتهم غير الإخلاقية مع الانبياء وسائر شعوب العالم، حيث يقول: «فِيمَا نَقُضُهُمْ مِيثَاقَهُمْ لَعَنَّاهُمْ وَجَعَلْنَا قُلُوبَهُمْ قَاسِيَةً يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ وَنَسُوا حَظًّا مِمَّا ذُكِّرُوا بِهِ وَلَا تَزَالُ تَطَّلِعُ عَلَى خَائِنَةٍ مِنْهُمْ». ويقول تعالى في الآية (٧٨) من نفس السورة: «لُعِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَى لِسَانِ دَاوُدَ وَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ. ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ. كَانُوا لَا يَتَنَاهَوْنَ عَنْ مُنْكَرٍ فَعَلُوهُ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ».

إن الجريمة الارهابية النكراء التي ارتكبتها الصهاينة الغاصبين ليل الثالث عشر من فبراير من العام الماضي في دمشق، وراح ضحيتها قائد المقاومة الإسلامية في لبنان، الشهيد الحاج عماد مغنية، رضوان الله عليه، الذي قضى جل سنين حياته من أجل انقاذ المستضعفين في لبنان وشعوب المنطقة، هذه الجريمة المروعة تعبر بصدق عن مضامين الآيتين الكریمتين، وعشرات الآيات الأخرى التي وردت في القرآن الكريم، عن سيرة اليهود، وتبين بوضوح تام بأنه ليس بإمكان شعوب المنطقة والمسلمين في العالم التعايش مع أولئك اليهود، مغتصبين أرض فلسطين وعقد اتفاقيات سلام معهم.

ومن خلال القاء نظرة سريعة على الأحداث الدامية التي عصفت بالشعب الفلسطيني في القرن الماضي، لوجدنا أن المهاجرين اليهود الذين جاؤا من اصقاع المعمورة لهذه الأرض المقدسة، قد ارتكبوا أفضع المجازر، ومارسوا حروب الإبادة بمختلف اشكالها بحق الشعب الفلسطيني، من أجل إجباره على ترك أرضه ووطنه لليهود المحتلين.

وغني عن القول أن تلك المجازر الصهيونية لم تقتصر على الشعب الفلسطيني الاعزل فحسب، بل تعدى ذلك، ليشمل جميع شعوب البلدان المجاورة لأرض فلسطين. حيث شن الكيان الغاصب عدة حروب مدمرة على دول الشرق الأوسط، وكان لأهالي الجنوب اللبناني الصامد النصيب الأكبر من تلك الحروب والمجازر البشعة. وأعتبر الصهاينة أن الحاج عماد مغنية هو السبب الأساس لهزائمهم المتكررة في لبنان ولذلك قرروا اغتياله.



The Great Martyr of Resistance

In 13th verse of Maedah Surah, God remarks: "Lo Messenger!....when Bani Israel(the children of Israel) broke their promise, we cursed them and hardened their hearts, they changed God's word and lost the great benefits hidden in his advices. You will be always informed of their treachery and dishonesty."

Also, in 87th verse of mentioned Surah, we read: "When the infidels of Bani Israel disobeyed his God, they were cursed by Davood and Christ (peace upon them), but never quit their indecent creeds."

The great Mrartyr of Islamic Resistance of Lebanon, Shahid Haj Emad Moghniyyeh, entitled (Haj Rezvan) who dedicated his blessed life to the salvation of defendless people of Lebanon and other Moslem Nations, was martyred by well-known criminals of history - tyrant Zionists – who are evident proof of mentioned verses and many other verses of Qoran.

Upon these obvious verses, the Moslem of the world will never compromise with the Jews who occupied Palestine and will never live peacefully besides them.

By reviewing the events of Middle – East in the past century, we considered that Jewish immigrants have migrated from all over the world to Palestine to found a government called "Israel".

They committed horrible massacres and aggravated the horror and terror to render homeless millions of native citizens.

Undoubtedly, tremendous crimes of Zionists are not only bounded to Palestinians, but they have imposed many destructive and ruinous wars on Middle – East countries.

A great share of these crimes were imposed on Shiites of south of Lebanon. In recent years, Emad Moghniyyeh, the commander of Islamic Resistance of Lebanon, was known as the main factor of successive defeats of Zionists by them and they revenged him in 13th February 2008 in Damascus.

Imperialism and Zionism defined Emad Moghniyyeh as "A man in shadow" or "ghost". Now the ghost of this martyr has rubbed the calmness of their lives.

After more than a year of his martyrdom, many of Israelites believe that Hezbollah has right to revenge of Zionist authorities. Hezbollah is searching among them to select the most important ones to kill, to compensate the loss of Moghniyyeh.

The last news which was broadcasted in occupied Palestine shows that anonymous soldiers of Hezbollah have followed movements of " Gobby Ashknazi" , the commader – in – chief of Israel Army.

The news shows that decision of Hezbollah for killing them is serious, but accurate calculations are necessary.

Sayyed Hasan Nasrollah, the secretary - general of Hezbollah has considered the martyrdom of Haj Rezvan as the start point of reverse counting of overthrowing of Zionist Regime.

Upon Qoran verses and narrations of the Messenger's family and historical traditions and statements of Jewish diviners, overthrowing of Israel in Palestine is a certain affair and depends on Promised Time and now the ways for it are prepared.

○ Editor in chief



www.shahed.isaar.ir

پایگاه اطلاع رسانی فرهنگ شاه

شاهد خوب

www.navideshahed.com

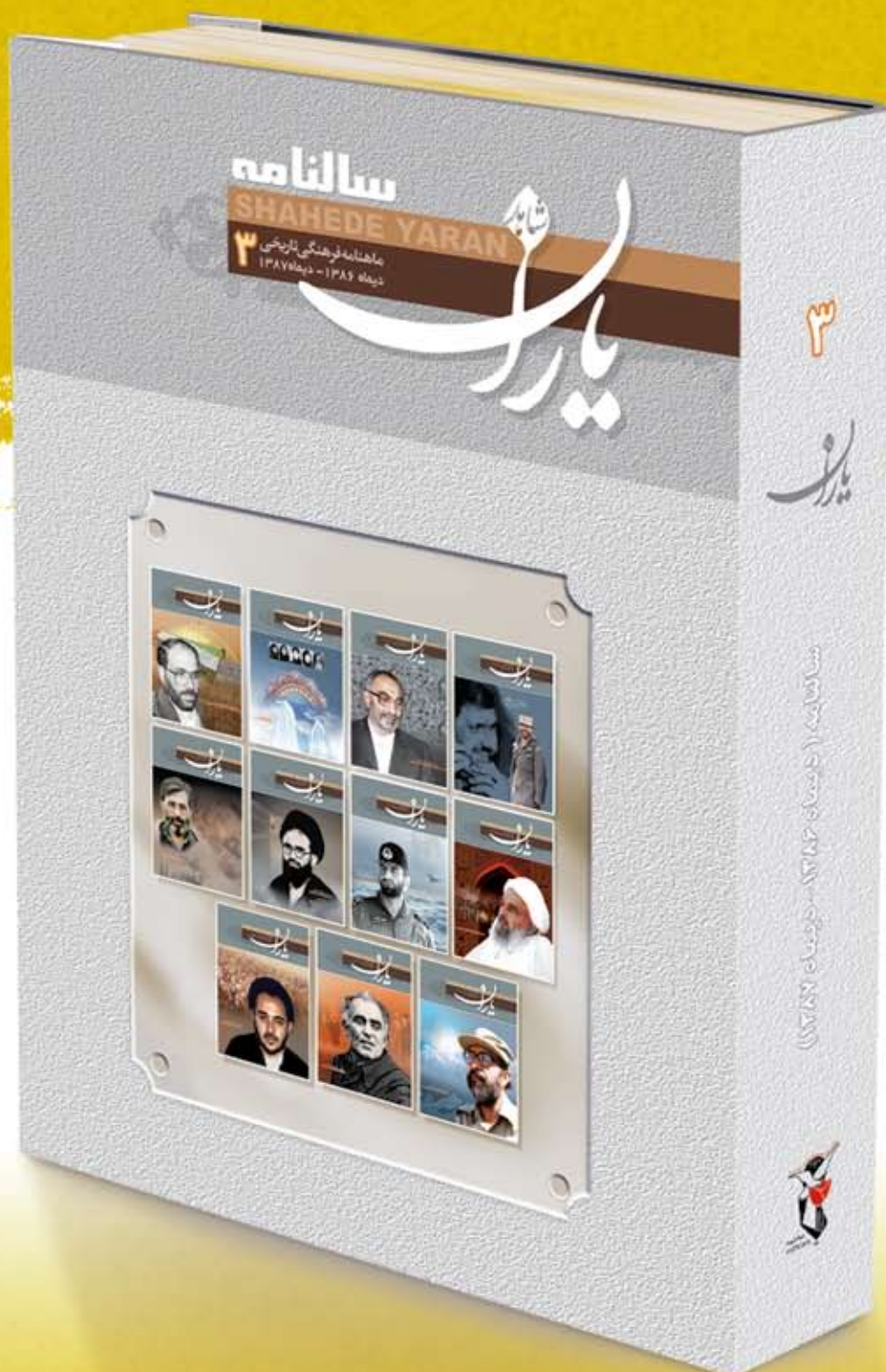


سومین شماره
سالنامه نفیس
شاهد یاران
منتشر شد

علاقه‌مندان می‌توانند برای
تهیه سالنامه به فروشگاه‌های
نشر شاهد مراجعه کنند.

SHAHDE YARAN

www.shahedmag.com
www.shahed.isaar.ir



Email: yaran@shahedmag.com

نشانی: تهران / خیابان آیت الله طالقانی / خیابان ملک الشعراء یهار (شمالی) / شماره ۳ / انتشارات شاهد

صندوق پستی ۴۳۴۸-۱۵۸۷۵ تلفن ۸۸۸۲۳۵۸۴ - ۸۸۸۳۵۱۰۸ دورنگار ۸۸۳۰۹۲۴۹